

پژوهش‌های جامعه‌شناختی

سال هجدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

مدیر مسئول: دکتر سهیلا علیرضا نژاد

سر دبیر: دکتر سید محمد صادق مهدوی

مدیر داخلی: دکتر سروش فتحی

نظارت: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

اعضای هیأت تحریریه:

| | |
|--------------------------|---|
| دکتر باقر ساروخانی | استاد دانشگاه تهران |
| دکتر علی اکبر فرهنگی | استاد دانشگاه تهران |
| دکتر مهر داد نوابخش | استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات |
| دکتر علیرضا کلدی | استاد دانشگاه توانبخشی و بهزیستی |
| دکتر خدیجه سفیری | استاد دانشگاه الزهرا |
| دکتر سیدمحمدصادق مهدوی | استاد دانشگاه شهید بهشتی |
| دکتر منصور وثوقی | استاد دانشگاه تهران |
| دکتر علیرضا محسنی تبریزی | استاد دانشگاه تهران |
| دکتر طاهره میرساردو | دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار |
| دکتر سهیلا علیرضا نژاد | دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار |
| دکتر سروش فتحی | دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب |

همکاران علمی این شماره:

دکتر مصطفی ازکیا، دکتر منصوره اعظم آزاده، دکتر منوچهر ثابتی، دکتر منصور شریفی، دکتر فرح ترکمان، دکتر محمدتقی فروردین، دکتر حبیب‌الله کریمیان، دکتر مجیدرضا کریمی، دکتر سعید معدنی، دکتر مهدی مختارپور، دکتر هوشنگ ظهیری، دکتر حبیب هنری، دکتر فاطمه پاکرو، دکتر الهام رحمت‌آبادی

نشانی دفتر مجله و مرکز پخش: گرمسار- صندوق پستی 144-35815 تلفن: 0232-4225009 داخلی 251

ناشر: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

پژوهش‌نامه علوم اجتماعی گرمسار به استناد شانزدهمین جلسه کمیسیون بررسی و تایید نشریات علمی دانشگاه آزاد اسلامی به شماره مجوز 87/162342 مورخ 1383/9/1 سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی به صورت فصلنامه منتشر و بر اساس رای پنجاه و نهمین جلسه کمیسیون مذکور مورخ 1388/8/4 از درجه علمی پژوهشی برخوردار است. و بر اساس نامه وزارت علوم تحقیقات و فن آوری به شماره 3/18/225786 مورخ 1391/11/29 عنوان مجله به پژوهش‌های جامعه‌شناختی تغییر یافت.

Website: journals.iau-garmsar.ac.ir

E-mail: sociological-research@iau-garmsar.ac.ir

مقالات این مجله به پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC وارد می‌شود.

مقالات این مجله در پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می‌شود.

الف) شرایط پذیرش مقاله

- ✓ مقاله ارسالی برای چاپ در فصلنامه دارای محتوای علمی و آکادمیک بوده، فقط جنبه پژوهشی داشته باشد و حاصل مطالعات و تحقیقات نویسنده باشد.
- ✓ دفتر فصلنامه، مقالاتی را در دستور کار برای بررسی و نشر قرار خواهد داد که قبلاً در هیچ یک از نشریات داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و تحت بررسی برای چاپ نیز نباشد (چنانچه نویسنده به هر دلیلی نسبت به چاپ مقاله ارسالی در دوشنریه اقدام نماید مسئولیت و عواقب ناشی از آن به عهده نویسنده بوده و هیچ گونه مسئولیتی در این باره بر عهده مجله نخواهد بود). این مجله مقالات در موضوعات تخصصی علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و مسائل اجتماعی و فرهنگی را به چاپ می‌رساند. لازم است مقالات ارائه شده در عین علمی و تحقیقی بودن، ساده و روان بوده و قواعد نگارشی فصلنامه نیز در آن رعایت شده و فاقد غلط‌املائی باشند.
- ✓ مقاله‌هایی در اولویت چاپ قرار خواهند گرفت که در آنها به مقاله‌های چاپ شده در شمارگان قبلی فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی استناد شده باشد.
- ✓ مسئولیت محتوای مقالات بر عهده نویسنده/ نویسندگان است.
- ✓ کلیه مقالات ارسالی (در صورت تأیید یا رد مقاله) در آرشیو مجله نگهداری خواهد شد.
- ✓ آراء و نظرات مندرج در مقالات لزوماً مبین نظرات و آراء مجله نیست.
- ✓ هیأت تحریریه حق قبول یا رد، ویرایش، تلخیص و تنظیم مقالات را دارد.
- ✓ ترتیب تقدم و تأخر چاپ مقالات به ارزش علمی و یا شخصیت نویسندگان ارتباطی ندارد.
- ✓ محتوای مقاله باید با اهداف مجله متناسب باشد (تشخیص این مورد با هیأت تحریریه است).
- ✓ با توجه به سیاست‌های هیأت تحریریه، مجله از بررسی و چاپ مقالات ترجمه شده معذور است.

ج) راهنمای نگارش مقاله

- ✓ مقاله در ابعاد A4 فراهم شود. تعداد صفحات هر مقاله بین 15-22 صفحه در قطع وزیری با (فونت B 12) Zar و (فونت Time New Roman 10 برای متن انگلیسی) در نرم افزار ورد 2003 تایپ شود و از طریق سایت مجله ارسال گردد.
- ✓ در تایپ متن مقالات فاصله بین کلمات «ها»، «می» و ضمائر از فعل و غیره از هم جدا شوند (مثل: می‌شود، شماره‌ها و رفته‌ایم) و هم‌چنین کلماتی که از دو قسمت تشکیل شده‌اند (مثل: صاحب نظران و...) رعایت شود. لازم است نویسندگان محترم به آیین نگارش فارسی توجه کافی داشته باشند. تمامی زیرنویس‌ها به ترتیب شماره درج شود. هم‌چنین منابع ارجاع داده شده در داخل متن (استناد درون متنی) منابع در آخر مقاله و بر اساس APA به صورت الفبایی و بدون شماره گذاری یا علامت در کنار منبع با فونت B zar 10 درج شود.
- ✓ ارجاع به مقالات مرتبط و منتشر شده در شماره‌های چاپ شده مجله تشویق مدنظر قرار گیرد.

✓ صفحه عنوان: در صفحه اول، عنوان کامل مقاله؛ نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، مرتبه علمی و گروه آموزشی دانشگاه هم به فارسی و هم به انگلیسی زیر عنوان آورده شود. مسئولیت صحت اسامی نویسندگان به انگلیسی به عهده نویسنده / نویسندگان است. چنانچه نویسندگان بیش از دو نفر باشند فرد پاسخگویی مکاتبات مقاله (نویسنده مسئول) و پست الکترونیک وی باید در زیر نویس مشخص گردد. اعلام رشته تحصیلی نویسنده یا نویسندگان و سمتهای آکادمیک آنها در قسمت نویسندگان در سامانه فصلنامه الزامی است. لازم است شماره ORCID نویسندگان در صفحه مشخصات و همچنین در فایل های ارسالی در فایل نویسندگان درج شود.

✓ چکیده مقاله: چکیده مقاله باید حداکثر در 300 کلمه به دو زبان انگلیسی و فارسی تهیه شود. چکیده لازم است معرف مناسبی برای مقاله بوده و همچنین واژه گان کلیدی در پایان آن درج شود.

✓ متن: چارچوب مقاله باید شامل چکیده (در صفحه اول مقاله)، مقدمه (طرح مساله، اهمیت و ضرورت مساله و هدف، ادبیات تحقیق و چهارچوب نظری) روش شناسی، یافته ها، بحث و نتیجه گیری و منابع باشد.

✓ عنوان جدول در بالا و عنوان شکل در زیر آن نوشته شود. از عنوان هایی مثل نمودار، عکس و نقشه استفاده نشود و فقط از کلمه شکل استفاده نمایید. همه اعداد، واحدها و مقیاس ها در تمام قسمت های مقاله باید به فارسی باشد.

✓ فایل هر شکل، علاوه بر آمدن در متن به صورت جداگانه و با پسوند JPG و با کیفیت حداقل 300 dpi به همراه مقاله در سامانه فصلنامه بارگذاری شوند. برای چاپ ممکن است شکل ها کوچکتر شوند، لذا نوشته ها و اعداد روی شکل ها درشت و کاملاً "خوانا" باشند.

✓ نحوه ترتیب و ویرایش منابع طبق دستور زیر اعمال گردد:

- الف) ارجاعات داخل متن با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار : شماره صفحه و در داخل پرانتز آورده شوند. به طور مثال: (و ثوقی، 1384: 35) و (Giddens, 2003: 143).
- ب) اطلاعات کتاب شناسی به ترتیب حروف الفبا و با رعایت نکات زیر به فارسی یا زبان دیگر آورده می شوند.

• کتاب با یک نویسنده: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان. محل نشر: ناشر.

• کتاب با بیش از یک نویسنده: نام خانوادگی، نام و نام و نام خانوادگی همکار(ان). سال انتشار. عنوان. محل نشر: ناشر.

• ترجمه کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام. سال انتشار. عنوان. نام و نام خانوادگی مترجم. محل نشر: ناشر.

• مقاله با یک نویسنده: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. "عنوان." نام نشریه، دوره، شماره: صفحه شروع و پایان مقاله.

- مقاله با بیش از یک نویسنده: نام خانوادگی، نام و نام و نام خانوادگی همکار(ان). سال انتشار. "عنوان." نام نشریه، دوره، شماره: صفحه شروع و پایان مقاله.
 - مقاله در مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. "عنوان مقاله." صفحه شروع و پایان مقاله در نام مجموعه مقالات، نام و نام خانوادگی گردآورنده(گان). محل نشر: ناشر.
 - چکیده مقاله: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. "عنوان." نام نشریه. محل نشر: ناشر.
 - گزارش: نام مؤسسه. سال انتشار. عنوان. نام تهیه کننده. محل نشر: ناشر.
 - پایان نامه: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان. پایان نامه دکتری / کارشناسی ارشد. نام دانشگاه.
 - روزنامه، خبرنامه: نام خانوادگی، نام. سال، ماه و روز انتشار. "عنوان." نام روزنامه / خبرنامه. محل نشر.
 - پایگاه اطلاعاتی اینترنت: نام خانوادگی، نام. سال، ماه. عنوان. آدرس پایگاه اطلاعاتی اینترنت.
 - منابع بدون شماره یا علامت و بدون بلد شدن به ترتیب حروف الفبا آورده شوند.
- سایر شرایط ساختاری نگارش مقاله در فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشهای جامعه شناختی

| توضیحات | شرایط | | عناوین |
|---------|-----------|----------------------|--|
| | Font Size | Font | |
| | 12 | B Zar | اندازه و فونت متن |
| | 9 | B Zar | اندازه و فونت ارجاعات(رفرنس) داخل متن |
| | 12 | B Zar Bold | اندازه و فونت تیر عنوان مقاله |
| | 10 | Bkoodak | نام و نام خانوادگی و سمت آکادمیک نویسندگان |
| | 12 | B Zar Bold | اندازه و فونت سر تیر های مقاله |
| | 10 | B Zar Bold | اندازه و فونت متن چکیده |
| | 9 | B Zar | عناوین جداول |
| | 8 | B Zar | متن و داده های داخل جداول بصورت فارسی باشد |
| | 10 | B Zar | منابع |
| | 10 | Times New Roman | کلیه اصطلاحات و متن انگلیسی |
| | 10 | Times New Roman Bold | عنوان مقاله به انگلیسی |
| | 10 | Times New Roman | متن چکیده انگلیسی |

فهرست مطالب

- تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی
کلان‌شهر تهران
۱
غلام رضا غنیمتی، زهرا علیپور درویشی*، حمید رضا یزدانی، نادر شیخ‌الاسلامی
- ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خودتنظیمی هیجانی، ذهن‌آگاهی و خودانسجامی با نقش
میانگیری سرمایه‌های روان‌شناختی
۲۹
فتانه محمودی*، مریم زرنقاش، نادره سهرابی، مجید برزگر
- مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد
۵۲
بیتا باقری فام، احمد صادقی*
- مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام
۷۷
طاها عشایری*، رستم منتی، الهام حسین زاده حسارود، محمد نوری
- ارتباط تعامل گفتمانی با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان
۱۰۱
بهمن گرجیان*
- بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان
۱۲۲
عنایت سوری، امیدعلی احمدی*، حسین جمالی، محمدحسین اسدی

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در

سازمان‌های دولتی کلان‌شهر تهران

غلام رضا غنیمتی

دانشجوی دکتری گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

زهرا علیپور درویشی^۱

: دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حمید رضا یزدانی

استادیار گروه مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران

نادر شیخ‌الاسلامی

استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۲۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل ابعاد الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی در سازمان با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی کلان‌شهر تهران صورت گرفته است. روش تحقیق از نوع کیفی براساس نظریه داده بنیاد است. در بخش تحلیل محتوای مقاله‌ها، 313 مقاله گردآوری شد که 90 مقاله داخلی (از سال 1398 تا 1401) و خارجی (2018 تا 2022) دسته‌بندی شد، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی بود. شاخص‌های اساسی استخراج شد. سوال‌های مصاحبه زیر نظر کمیته علمی طراحی و به صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته طراحی شد. جامعه آماری مدیران و معاونان ذریع در سازمان‌های دولتی در کلانشهر تهران بودند که با به کارگیری روش نمونه‌گیری هدفمند به روش گلوله برفی 20 نفر آنها به عنوان نمونه تا اشباع نظری انتخاب شدند. نتایج پژوهش حاضر منجر به شناسایی 8 کد انتخابی و 16 کد محوری و 285 کد باز شد. شاخص اصلی شامل فرهنگ سازمانی بازاری، فرهنگ سازمانی توسعه‌گرا، فرهنگ سازمانی سلسله‌مراتبی، فرهنگ سازمانی قبیله‌ای، عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، عدالت مرادده‌ای، عدالت اطلاعاتی بود. در دور دوم پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت برای 20 نفر از خبرگان ارسال شد تا شدت اثر هر یک از مولفه‌ها مشخص شود که، در این پژوهش با استفاده از آزمون ضریب توافق کندال میزان توافق هر یک

¹ نویسنده مسئول z_alipour@iau-tnb.ac.ir

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی
کلان‌شهر تهران

از مولفه‌ها و زیر مولفه‌ها در الگوی پیشنهادی مشخص شد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که ابعاد الگوی عدالت ادراک شده شامل (عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، عدالت مراوده‌ای، عدالت اطلاعاتی)، فرهنگ‌های سازمانی (فرهنگ سازمانی بازاری، فرهنگ سازمانی توسعه‌گرا، فرهنگ سازمانی سلسله‌مراتبی، فرهنگ سازمانی قبیله‌ای) است.
کلمات کلیدی: فرهنگ‌ها، فرهنگ سازمانی، عدالت ادراک شده، منابع انسانی

Analyzing the model of perceived justice of human resources with the approach of organizational cultures in the government organizations of Tehran metropolis

Gholamreza Ghanimati

Ph.D Candidate of Public Administration, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zahra Alipour Darvishi¹

Associate Professor, Department of Business Administration, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Hamidreza Yazdani

Associate Professor, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

Nader Sheikh Al-Islami

Associate Professor Department of Public Administration, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

This research was conducted to analyze the dimensions of the perceived justice model of human resources in the organization with the approach of organizational cultures in the government organizations of the Tehran metropolis. The method is grounded theory. Three hundred thirteen articles were analyzed, 90 of which were Persian (from 1398 to 1401), and the rest were written in English (from 2018 to 2022). Interviews were semi-structured. The population was the relevant managers and assistants in government organizations in the Tehran metropolis, and 20 of them took part in this research. The results identified eight selective codes, 16 central codes, and 285 open codes. The main indexes included market organizational culture, developmental organizational culture, hierarchical organizational culture, tribal organizational culture, distributive justice, procedural justice, transactional justice, and informational justice. In the second round, we sent a questionnaire to 20 experts to determine the intensity of the effect of each component. In this research, the agreement level of each component and sub-component in the proposed model is determined using Kendall's coefficient of agreement test. The research findings indicate that the dimensions of the perceived justice model include

¹ Corresponding Author: z_alipour@iau-tnb.ac.ir

(distributive justice, procedural justice, transactional justice, and informational justice), organizational cultures (market organizational culture, developmental, organizational culture, hierarchical organizational culture; it was a tribal organizational culture.

Keywords: cultures, organizational culture, perceived justice, human resources

مقدمه

سازمان نیازمند روح انسانی است، انسان‌ها و فرهنگی در سازمان شکل می‌دهند، سازمان را روح می‌بخشند و سر زنده می‌کنند. فرهنگ سازمانی ۱ به دلیل تأثیر مثبت آن بر کیفیت رفتار سازمانی ۲ و ارتقای سطح عملکرد سازمانی ۳ بسیار مهم است (بابایی و همکاران، ۱۴۰۱). دانش و مهارت‌های مدیران و فرهنگ سازمانی عناصر کلیدی برای نوآوری هستند (پدرازا رودریگوئز^۴ و همکاران، ۲۰۲۳). انواع فرهنگ سازمانی بر ابعاد مختلف آمادگی افراد برای تغییر تأثیر می‌گذارند و هر یک از فرهنگ‌ها تأثیر متمایزی بر در رابطه تعهد عاطفی کارکنان به تغییر دارند (حفار^۵ و همکاران، ۲۰۲۳). مهارت‌های مدیریتی مدیران و برخی از جنبه‌های فرهنگ سازمانی می‌تواند از عوامل کلیدی برای رفع محدودیت‌های ساختاری و موانع استفاده از دانش برای نوآوری باشد. (پدرازا رودریگوئز و همکاران، ۲۰۲۳). در واقع، فرهنگ سازمانی به مجموعه‌ای از باور ها، دانش، تجربه و ویژگی‌های گفته می‌شود که به صورت اعمال و رفتاری از خلیات درونی انسانی بروز پیدا می‌کنند. فرهنگ سازمانی نقطه شروعی برای حرکت و پویایی است. (صمدی میرکلایی و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین، بسیاری از متخصصان، فرهنگ سازمانی را

1 Organizational Culture

2 quality of organizational behavior

3 Organizational Performance

4 Pedraza-Rodríguez, J

5 HaffarM

6 Beliefs

7 Knowledge

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی کلان‌شهر تهران

اساسی‌ترین زمینه تغییر و تحول بنیادی در سازمان، در راستای اجرای برنامه‌های جدید می‌دانند (آذر و درویش علیپور، ۲۰۱۱). یکی از سازه‌هایی که بر رفتارهای کارکنان در سازمان تاثیر زیادی به جای می‌گذارد، ادراک آنان از میان رعایت عدالت در سازمان است (عابدی کوشکی و همکاران، ۱۴۰۰). عدالت به عنوان یک نیاز اساسی برای زندگی جمعی انسان‌ها، همیشه در طول تاریخ مطرح بوده‌است. امروزه با توجه به نقش فراگیر و همه‌جانبه در زندگی اجتماعی انسان‌ها، نقش عدالت در سازمان‌ها بیش از پیش آشکارتر شده‌است. فرهنگ و فرهنگ سازی نیاز زندگی اجتماعی است. از نظریه پردازان فرهنگ سازمانی می‌توان به ادگارد شاین^۱ (۱۹۸۰)، هافستد^۲ (۱۹۷۶)، (دیل و دکندی^۳ ۱۹۸۲، پیترز واترمن^۴، ۱۹۸۲)، الیوت ژاک^۵ (۱۹۵۲)، آندرو پتی گرو^۶ (۱۹۷۲) مریل ریس لوئیس^۷ (۱۹۸۳)، جان ون منن^۸ (۱۹۸۸)، هریسون ترایس و جانیس بیر^۹ (۱۹۹۳) نام برد که، وجه مشترک همه آن‌ها در تعریف فرهنگ سازمانی باورها، اعتقادات و ارزش‌های مشترک بین اعضای یک سازمان است (ادیب، علیپور درویش و متقی، ۱۳۸۶). از این رو فرهنگ سازمانی، نظام باورها و ارزش‌های مشترکی است که در یک سازمان به وجود می‌آید و رفتار افراد آن سازمان را هدایت می‌کند. به دلیل اهمیت ادراک عدالت سازمان‌ها و پیامدهای آن در سازمان‌های دولتی این جامعه آماری به عنوان نمونه هدف انتخاب شده‌است. هنوز بسیاری از مولفه‌های رفتارهای بر فرهنگ سازمانی در این سازمان‌های دولتی مغفول مانده‌است (صیدی و همکاران، ۱۴۰۰). پژوهشگری که در سازمان‌های دولتی مشغول فعالیت سازمانی است شاهد بسیاری از آسیب‌های سازمانی در حوز موضوعی فقدان ادراک عدالت در سازمان‌های دولتی است در عصر حاضر سازمانی فرهنگ سازمانی قوی‌تری داشته باشد برنده محسوب می‌شود، فرهنگ سازمانی زیر

1 Edgar Schein

2 Hofstede

3 Dale and Dekandi

4 Peters Waterman

5 Elliot Jacques

6 Andrew Pettygrove

7 Meryl Reyes Lewis

8 John Van Mannen

9 Harrison Trice and Janice Bear

بنای منابع انسانی^۱ توانمند است، منابع انسانی ارزشمند بر پایه فرهنگ سازمانی ارزش مدار معنا پیدامی کند (بلو مکوئیست ۲۰۱۹، ۲)، که ملاک موفقیت و زمینه ساز پیشرفت سازمان های عصر حاضر است. فرهنگ سازمانی شامل: مشتری‌مداری، نظم‌اندیشی، تخصص‌گرایی و اخلاق‌مندی است و چهار بُعد برای کارکنان، شامل: سودمند، بهره‌مند، انذار و سازگار شناسایی شد. براساس نتایج حاصل، فرهنگ سازمانی برآوای کارکنان تأثیرداشته و ارتباط آنان مثبت و معنی‌دار است (پور غفاری و همکاران، ۱۴۰۱). برخورداری از منابع انسانی توانمند و ارزش آفرین از بزرگترین آمال مدیران و رهبران اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در دنیا است که هویت سازمان را تایید و تصویب می‌کند (میوز ۲۰۱۹، ۳). بدیهی است، که انسان‌ها با توجه به محیط سازمانی هویت می‌گیرند و هویت می‌بخشند از سوی دیگر حس انصاف عدالت در این بستر باعث افزایش انگیزه و هدفمندی کارکنان می‌شود. محققان بیان داشتند که عملکرد های موفق سازمانی با ادراک عدالت کنارکنان از رعایت عدل و انصاف رقم می‌خورد زیرا مطمئن هستند به همان اندازه که تلاش می‌کنند، از مزایای مادی و معنوی برخوردار می‌شوند (اللهمی و فیض، ۱۴۰۰، بیک زاده، مصطفایی و نوری، ۱۴۰۰)، هویت سازمانی عدل‌مدار در جهت رسیدن منابع انسانی به آرامش درونی برای بازسازی و بازیابی توان و تفکر فردی منابع انسانی موثر است (کبیری افشار و همکاران، ۱۳۹۸) با این ابعاد از نظر نظریه پردازان و پژوهشگران تعریف شده است، که ابتدا باید عدالت به صورت فردی در تک تک افراد، گروه‌ها و تیم‌ها و سپس کل محیط سازمان بصورت سیستمی ظهور کند، به عبارتی دیگر ابتدا باید هر فرد خودش را با توجه به مولفه‌های شناخته شده عدالت به باورهای انصاف مداری نزدیک کند. هویت معنویت فرهنگ سازمانی منصفانه باعث تحول رفتاری شگرفی در منابع

1 human resources

2 Blomquist

3 Mews

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی کلان‌شهر تهران

انسانی سازمانی می‌شود (لئو و وانگ، ۱، ۲۰۱۹، کلبک ۲ و همکاران، ۲۰۲۱، محمد ۳، ۲۰۲۰)، (که ۴، ۲۰۱۸، توره، مرادی، جباری، ۱۳۹۸). در بعد فردی می‌توان به مفاهیم جزئی‌تری مانند: مقایسه پرداخت‌ها و پاداش‌ها با توجه به ساعات کاری اشاره کرد و همچنین مقایسه بین سازمانی که افراد با همین مهارت‌ها و تخصص‌ها در سازمان‌های دیگر چه میزان پاداش مزایا دریافت می‌کنند. پایه درک عدالت، مقایسه‌های بین فردی، بین گروهی و بین سازمانی است که مولفه مهمی در شکل‌گیری ذهنیت انصاف در ذهن کارکنان دارد (قلاوندی و کوشکی، ۱۳۹۹). رشد انصاف و درک عدالت باعث مثبت‌اندیشی، خویش‌شناسی، خودارزیابی و خودسازی مستمر، شناسایی نقاط قوت و ضعف (وایت و ادیسون، جنکینز ۵، ۲۰۲۲) و از عوامل مهم توسعه سازمانی در بستر خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ یکپارچه سازمانی می‌شود. (عباسی و باباشاهی، ۱۳۹۹) نعمتی و عبدالمالکی، ۱۴۰۰، محمدی و حسین پور، ۱۳۹۸). در بعد رفتاری می‌توان به مفاهیم روشن‌تر و قابل لمس‌تری مانند صداقت، امانت‌داری اشاره کرد. افرادی که در سازمان، عدالت را ادراک کرده‌باشند با توجه به مولفه‌های روانشناختی نمی‌توانند و یا کمتر، در حق همکاران و ارباب رجوعان اجحاف می‌کنند (محمودی جیدرق و همکاران، ۱۴۰۱)، عدالت سازمانی، در تعاریف جدید به چهار بعد تقسیم بندی می‌شود. بعد اول یعنی عدالت توزیعی، بیانگر ادراک فرد از میزان رعایت عدالت در توزیع و تخصیص منابع و پاداش‌ها است، بعد دوم یعنی عدالت رویه‌ای در پی اثبات عدم توانایی نظریه برابری و دیگر مدل‌های عدالت توزیعی در شرح عکس‌العمل‌های افراد به ادراکات آن‌ها در زمینه عدم رعایت عدالت، مطرح شده است (مصدق راد و همکاران، ۱۴۰۲) عدالت مروده‌ای بر ادراکات افراد از کیفیت رفتارهای بین شخصی، در طول اجرای رویه‌ها تمرکز می‌کند و در نهایت بعد چهارم یعنی عدالت اطلاعاتی به اطلاعات و توضیحات که توسط تصمیم‌گیرندگان در خصوص چرایی استفاده از رویه‌های خاص، چرایی توزیع پیامدها از طریق یک روش خاص و یا اینکه آیا اطلاعات

1 Liu & Wang

2 Kohlbeck

3 Mohammed

4 Ke

5 White & Addison & Jenkins

منطقی، صادقانه و به موقع است یا خیر؟ عدالت باعث ایجاد مفاهیمی دیگر مانند احترام به دیگران، رعایت ارزش‌ها، احساس همدردی، صیانت از حقوق انسانی، رعایت مقررات، (نوافله، الحدید، آل مومانی و السایه ۱، ۲۰۱۸) عدم تبعیض (جنسیتی، قومیتی، نژادی، دینی)، اخلاق مداری (استعدادی و همکاران ۱۴۰۱)، رعایت هنجارها، نوع دوستی، وظیفه‌شناسی، انعطاف‌پذیری، وجدان کاری (رخشانمهر و همکاران ۱۳۹۸)، خدمت‌محوری، بینش و بصیرت، روحیه همکاری (نیکخواه فرخانی و عرب اسدی، ۱۳۹۸) تعهد و عمل مبتنی بر ارزش‌ها، الگو سازی رفتاری (وحدانی اسدی، ۱۴۰۰، حاتمی قوشچی و دانشفرد و طلوعی اشلقی، ۱۴۰۱)، باعث حفظ و حراست از اصول قضاوت دیگران در محیط سازمانی می‌شود. نیازهای جامعه و سازمان‌ها از مشکلات نشأت می‌گیرد. مشکلاتی مانند: فقدان سازمانی در عملکردها، افزایش فساد اداری و مالی، بی‌عدالتی سازمانی در دریافت‌ها و پرداخت‌های مالی و معنوی، کاهش انگیزه کافی، محدودیت در رشد و بالندگی، افت‌های سازمانی شدید، ضعف مدیریتی مشاهده شده، ناآشنایی با سبک‌های رهبری تاثیر گذار، تضعیف روحیه کارکنان، بی‌مسئولیتی در فرآیند انجام وظایف که، محققان روانشناسی سازمانی، ریشه آن را فقدان درک عدالت در محیط کاری بیان کرده‌اند (پالیزوان و همکاران ۱۴۰۱). هر یک از این مولفه‌ها به تنهایی برای ناکارآمدی یک سازمان مانند سازمان‌های دولتی که ارباب رجوع گسترده‌ای دارند کفایت می‌کند. با توجه به تشریح ابعاد فرهنگ سازمانی و درک عدالت می‌توان با قدرت ادعا کرد که این مولفه از اهمیت ویژه‌ای برای سازمان برخوردار است. از جمله ضرورت‌ها و اهمیت درک عدالت در بستر سازمان، می‌توان به کاهش تعارض سازمانی، حساسیت میان‌شخصی منصفانه و مناسب، باید مؤدبانه و محترمانه، روابط شخصی، قشری‌گری، خرده فرهنگ‌ها، گزارش‌های خلاف واقع، رفتار منصفانه، رفتار بین فردی، تعهد بین فردی، صداقت، احترام، توجه و درستکاری، تواضع، بازخور به موقع و احترام به حقوق و تلاش در کسب

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی کلان‌شهر تهران

دقیق‌ترین نتایج، تاکید بر نتایج کاربردی، احساس برابری ورودی‌ها (تلاش‌ها) به خروجی‌هایشان (پاداش)، توجه به تفاوت نیازها، پرداخت‌ها، ارتقاءها، پاداش‌ها، تنبیه‌ها، برنامه‌های کاری، مزایا و ارزیابی‌های عملکرد، انصاف ادراک‌شده، حفظ کرامت انسانی، عدالت در سرمایه اجتماعی، احساس تعلق، افتخار به عضویت سازمانی و ذهنیت مثبت اشاره کرد. همچنین خلاءهای پژوهشی احساس شده در سازمان‌های دولتی در موضع مورد بحث، یکی دیگر از دلایل شکل‌گیری پژوهش حاضر بود. دلیل انجام این پژوهش، نقش حیاتی ابعاد درک عدالت سازمانی با رویکرد فرهنگ سازمانی است که امروزه معضل بسیاری از سازمان‌ها و عامل شکست بسیاری از استراتژی‌های عصر حاضر است (کارا و همکاران، 2021). پژوهشگران توافق دارند که توسعه و رشد فرهنگ سازمانی اثر مستقیمی بر توسعه درک عدالت سازمانی دارد و می‌تواند تاثیر مستقیمی بر بهره‌وری سازمانی داشته باشد. در ادامه هر کدام شرح داده می‌شود (اسدی و همکاران، ۱۴۰۲). گسترش عدالت سازمانی در زمینه فرهنگ سازمانی سبب همکاری‌های بین‌بخشی، توسعه شبکه‌های اجتماعی، رشد اشتراک اطلاعات، شهرت و اعتماد سازمانی، تحقق اهداف سازمانی ضمانت می‌شود. (انوری و همکاران، ۱۴۰۲) پنداشت از عدالت با عدالت واقعی متفاوت است (صالحی و همکاران، ۱۴۰۱). این پژوهش با مطالعه عمیق‌تر دشواری‌ها و الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی، سازمان‌های دولتی را در مورد واکاوی قرارداد است که، در نهایت، بتواند الگویی جامع‌تر از مطالعات قبلی در جهت شفاف سازی عدالت ادراک شده و فرهنگ‌های سازمانی سرمایه انسانی ارائه دهد. ابتدا مسئله پژوهش به‌طور شفاف بیان شد، سپس توصیف و تحلیل منطقی از چالش‌ها و در نهایت شناسایی اصلی‌ترین ابعاد عدالت ادراک شده منابع انسانی، با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی طراحی شد. محقق می‌خواهد به دغدغه‌های ذهنی خود به عنوان زیرمجموعه سازمان دولتی پاسخ دهد. از جمله سوال‌ها و دغدغه‌ها این بود که مهمترین شاخص‌ها در ادبیات نظری در زمینه الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی (سازمان‌های دولتی) از دیدگاه خبرگان در سازمان کدامند؟ مهمترین کدهای محور انتخابی و باز در

الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی، با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی (سازمان‌های دولتی) از دیدگاه خبرگان کدامند؟

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی:

انوری و همکاران (۱۴۰۲) پیشران‌های یکپارچگی فرهنگی در سه بعد اصلی الزامات و بسترها، تسهیل‌کنندگان و عوامل سبب‌ساز (علل) دسته‌بندی شده‌اند. همچنین بازدارنده‌ها در چهار دسته موانع ساختاری-سازمانی، ارتباطی، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی-محیطی قرار گرفته‌اند. توسعه و فراگیر شدن فرهنگ مشترک و یکپارچه در سازمان ادغامی، مستلزم اجرا و مهیا کردن برخی شرایط برای اجرای آن است. اسدی و همکاران (۱۴۰۲) نتایج مطالعه حاضر نشان داد: در مصاحبه با خبرگان توافق بالاتر از ۸۵ درصد وجود داشت. در هر دو بخش کیفی و کمی مشخص شد که ابعاد بالندگی رهبر، بالندگی فردی، بالندگی حرفه‌ای، بالندگی سازمانی، بالندگی اجتماعی-فرهنگی؛ بالندگی اقتصادی-سیاسی در بالندگی سازمانی، در فرهنگ ایرانی-اسلامی موثر است. مصدق راد و همکاران (۱۴۰۲) مدیران باید با تقویت بعد انسجام داخلی فرهنگ سازمانی و مولفه‌های کار تیمی و مسولیت‌پذیری فرهنگ سازمانی بیمارستان‌ها را ارتقا دهند. پالیزوان و همکاران (۱۴۰۱) یافته‌ها نشان داد که ادراک فساد در کارکنان متوسط به بالا و احساس عدالت سازمانی متوسط به پایین بود و بین ادراک فساد با عدالت سازمانی و نیز با مولفه‌های عدالت توزیعی و رویه‌ای و تعاملی ارتباط منفی و معنی‌داری وجود داشت. استعدادی و همکاران (۱۴۰۱) عدالت سازمانی با رفتار مثبت سازمانی کارکنان همبستگی دارد و عدالت سازمانی پیش‌بینی‌کننده مثبت رفتار مثبت سازمانی است. (پن^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). عدالت سازمانی به برداشت

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی کلان‌شهر تهران

کارکنان از آنچه در محل کارشان منصفانه و ناعادلانه است اشاره دارد. (عمر^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای، تأثیرات متفاوتی بر رفتار سازمانی مثبت و رفتار سازمانی منفی از نظر اثربخشی و جهت دارند. (پن و همکاران، ۲۰۱۸). عدالت سازمانی و فرهنگ‌سازمانی بر انسجام سازمانی تأثیر مثبت و معنادار دارند. سه مؤلفه عدالت توزیعی، رویه‌ای و تعاملی بر عدالت سازمانی و سه مؤلفه انسجام عاطفی، اجتماعی و ابزاری بر انسجام سازمانی تأثیر مثبت و معناداری دارند. بابایی و همکاران (۱۴۰۱) بعد اول «فرهنگ انسان محوری» با سه مقوله و پانزده زیرمقوله، بعد دوم «فرهنگ تعاملی-محیط محوری» با پنج مقوله و نوزده زیرمقوله، بعد سوم «فرهنگ جهت محوری» با سه مقوله و یازده زیرمقوله، بعد چهارم (فرهنگ سرآمدی و تعالی محوری) با دو مقوله و سیزده زیرمقوله و درنهایت بعد پنجم «فرهنگ قانون محوری» با چهار مقوله و دوازده زیرمقوله شناسایی شده‌اند. براساس ابعاد مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌ها، می‌توان فرهنگ سازمانی جامعه مورد مطالعه را مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار داد و مدیریت نمود. مهداد و همکاران (۱۴۰۰) عدالت اخلاقی، جو اخلاقی و عاطفه مثبت پیش‌بین‌های مهم رفتارهای شهروندی سازمانی هستند و به منظور بهبود این رفتارها، ضروری است که به توسعه عدالت اخلاقی، جو اخلاقی و عاطفه مثبت در سازمان‌ها توجه شود. عابدی کوشکی و همکاران (۱۴۰۰) عدالت سازمانی، رضایت شغلی و رفتار شهروندی سازمانی، درنهایت بهره‌وری کارکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. صیدی و همکاران (۱۴۰۰) مؤلفه جذب دانش و مؤلفه‌ی انتشار دانش، به ترتیب بیشترین تا کمترین سهم را در پیش‌بینی توانمندی سازی دبیران داشتند. مؤلفه فرهنگ سلسله مراتبی و مؤلفه‌ی فرهنگ مشارکتی، به ترتیب بیشترین تا کمترین سهم را در پیش‌بینی توانمندسازی دبیران داشتند. صمدی میرکلایی و همکاران (۱۴۰۰) ارتباط مثبت میان عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای و عدالت مراوده‌ای با رفتار شهروندی سازمانی نیز مورد تأیید قرار گرفت. میرزایی و همکاران (۱۴۰۰) بین حمایت سازمانی ادراک شده و رفتار ضد بهره‌وری کارکنان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. نعمتی و همکاران (۱۴۰۰) نتایج الگویابی معادلات ساختاری نشان داد که فرهنگ‌سازمانی و جو اخلاقی در تعالی بخشیدن به سلامت

¹ Omar

سازمانی و درک عدالت اثر مثبت و معنی‌داری دارند. کیهانیان و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی بیان کردند که امنیت روانی به صورت میانجی کامل در تاثیرگذاری عدالت سازمانی بر دل‌بستگی به کار عمل می‌کند و در واقع عدالت ادراک شده کارکنان در سازمان می‌تواند زمینه افزایش اشتیاق به کار را در بین کارکنان مهیا سازد. در پژوهش قربانی و همکاران (۱۳۹۹) بیان داشتند که اخلاق حرفه‌ای مدیران شهری در پنج معیار شرایط و عوامل مؤثر، هنجارها و ارزش‌ها، شناخت مسائل اخلاقی، یافتن راه حل اخلاقی و تلاش برای اجرای عدالت مؤثر است. غلام پور و همکاران (۱۳۹۸) نتیجه گرفتند که فرهنگ و سلامت سازمانی و فرهنگ سازمانی زمینه بهبود عدالت را فراهم می‌آورد. توره و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که میزان توسعه شایستگی اخلاقی بر پایه فرهنگ سازمانی می‌تواند به خلق ظرفیت راهبردی و تقویت حکمرانی در پیشگیری از رفتارهای ضد شهروندی کمک کند. نیازی و همکاران (۱۳۹۶) یافته‌ها نشان داد که اندازه اثر عدالت سازمانی و فرهنگ کار، معادل 0.574 است. اوزکان^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی خود به این نتیجه رسیدند که فرهنگ سازمانی بر ادراک عدالت سازمانی تاثیر دارد. سو^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی بیان کرد که ادراک عدالت سازمانی به بعد فرهنگی افراد، کار تیمی با تاب‌آوری سازمانی، رشد، بلوغ و احیا ارتباط مثبت دارد. علاوه بر این، بعد فرهنگ نتیجه‌گرا (نوآوری) تاب‌آوری سازمانی را در مراحل رشد و احیاء (بلوغ) افزایش می‌دهد. نگوین^۳ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی پیمایشی بر روی ۲۸۳ نفر از کارکنان حسابداری دولتی در ویتنام به این نتیجه رسید که مشور اخلاقی، تصمیم‌گیری اخلاقی، فرهنگ سازمانی، قضاوت اخلاقی مؤثر است. وم^۴ و همکاران (۲۰۲۲) به این نتیجه رسیدند که فرهنگ سازمانی در شکل‌گیری ویژگی‌های اخلاقی مانند قضاوت‌های منطقی مانند توجه به عدالت

1 Özkan

2 Su

3 Nguyen

4 Vem

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی کلان‌شهر تهران

در افراد تاثیر دارد. هیمت اوغلو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی بیان کردند که ادراک عدالت سازمانی بر تعامل سازمانی و توسعه سرمایه اجتماعی تاثیر مستقیمی دارد. سینداکیس^۲ و همکاران (۲۰۲۲) اعلام کردند که فرهنگ سازمانی، ویژگی‌های فرهنگی، استراتژی‌های مدیریت بر ادراک عدالت کارکنان سازمان‌ها تاثیر مستقیم دارد. ورکمن استارک^۳ و همکاران (2021) در پژوهشی تایید کردند که عدالت سازمانی بر رفتار سازمانی و کاهش تعارضات تاثیر دارد. جهانزب^۴ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی بیان داشتند که رفتار شهروندی و ابعاد فرهنگ سازمانی باعث توسعه ادراک عدالت و تعهد سازمانی می‌شود. سیمبرینگ^۵ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی بیان داشتند که هوش هیجانی، عدالت سازمانی در زمینه فرهنگ سازمانی بر عملکرد کارکنان بخش تحقیقاتی تاثیر دارد.

مولکدی^۶ و همکاران (۲۰۲۰) بیان کردند، توسعه حرفه‌ای سیستم‌های آموزشی سازمانی، ارزیابی، پاسخ‌دهی نیازها و انتظارات باعث عدالت درک شده در سازمان می‌شود. سوجیتجورن و همکاران (۲۰۱۹) نوآوری، خدمات حرفه‌ای ساختار سازمانی، برنامه‌ریزی استراتژیک و شاخص‌های کلیدی عملکرد یادگیری فرهنگ شایستگی در رشد حرفه‌ای سرمایه انسانی موثر است. که و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی بیان داشتند که معنویت محیط کار بر عملکرد منابع انسانی و تعهد سازمانی و عملکرد شغلی کارکنان تأثیر دارد. اسماعیل^۷ و همکاران (۲۰۱۷) عوامل سازمانی یعنی عدالت و فرهنگ، منجر به هویت سازمانی می‌شود. کیم^۸ و همکاران (۲۰۱۷) ارتباط بین عدالت سازمانی، عدالت نظارتی، فرهنگ استبدادی، کیفیت رابطه سازمان بر توسعه فرهنگ سازمانی دارد.

سوال‌های پژوهش

1 Himmetoğlu

2 Sindakis

3 Workman-Stark, A.

4 Jehanzeb

5 Sembiring

6 Moulakdi

7 Ismail

8 Kim

- سوال 1- ابعاد الگوی ادراک عدالت در بستر فرهنگ سازمانی فرا تحلیل کدامند؟
- سوال 2- مهمترین ابعاد ادراک عدالت سازمانی در بخش کد گذاری انتخابی، کد گذاری محوری و کد گذاری باز کدامند؟
- سوال 3- میزان توافق کدها در الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی (مورد مطالعه سازمان‌های دولتی) از دیدگاه خبرگان چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تحلیل ابعاد الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی در سازمان با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی (مورد مطالعه سازمان‌های دولتی) صورت گرفته است. روش تحقیق از نوع کیفی براساس نظریه داده بنیاد است. در بخش تحلیل محتوی مقاله‌ها ۳۱۳ مقاله گردآوری شد که در نهایت تعداد ۹۰ مقاله داخلی (از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱) و خارجی (۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲) دسته بندی شد، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از کد گذاری باز، کد گذاری محوری و کد گذاری انتخابی بود شاخص‌های اساسی استخراج شد. سوال‌های مصاحبه زیر نظر کمیته علمی طراحی و به صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته طراحی شد. جامعه آماری مدیران و معاونان ذیربط در سازمان‌های دولتی در کلان‌شهر تهران بودند که با به کارگیری روش نمونه‌گیری هدفمند به روش گلوله برفی ۲۰ نفر آنها به عنوان نمونه تا اشباع نظری انتخاب شدند. نتایج پژوهش حاضر منجر به شناسایی و ۸ کد انتخابی شد و ۱۶ کد ۲۸۵ کد باز قرار گرفت. شاخص اصلی شامل فرهنگ سازمانی بازاری، فرهنگ سازمانی توسعه‌گرا، فرهنگ سازمانی سلسله‌مراتبی، فرهنگ سازمانی قبیله‌ای، عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، عدالت مرادده‌ای، عدالت اطلاعاتی بود. در دور دوم پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت برای ۲۰ نفر از خبرگان ارسال شد تا شدت اثر هر یک از مولفه‌ها مشخص شود که در این پژوهش با استفاده از آزمون ضریب توافق کندال میزان توافق هر یک از مولفه‌ها و زیر مولفه‌ها در الگوی پیشنهادی مشخص شد.

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی
کلان‌شهر تهران

یافته‌های پژوهش

پاسخ سوال ۱- ابعاد الگوی ادراک عدالت در بستر فرهنگ سازمانی فرا تحلیل کدامند؟
مهمترین شاخص‌های ادبیات نظری در زمینه الگوی عدالت ادراک شده با رویکرد فرهنگ سازمانی از تحقیقات مختلف در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: تحقیقات مرتبط با ابعاد الگوی ادراک عدالت در بستر فرهنگ سازمانی

| کد گذاری انتخابی | کد گذاری محوری | پژوهشگران |
|---------------------|----------------------------|---|
| فرهنگ سازمانی | فرهنگ سازمانی بازاری | یانگ و همکاران (2017)، که و همکاران (2018)، پیمان و همکاران (1397)، کامکار و همکاران (1397)، قموشی و همکاران (1398)، جامعی و همکاران (1401)، چاروننسوکمون گکول (2022)، نگون و همکاران (2022)، الخادرا (2022)، بلومکوئیست (2019)، بوم و همکاران (2022)، کیم و همکاران (2017)، کاشف و همکاران (2017)، میرسپاسی و همکاران (1397)، غلام پور و همکاران (1398)، توره و همکاران (1398)، کاظم پوریان و همکاران (1400)، نعمتی و همکاران (1400)، لطفی زنگنه درویش و همکاران (1401)، هاشمی زاده (1401)، جامعی و همکاران (1401)، حمزوی و همکاران (1401)، آمده (1402)، اکبری و همکاران (1402)، نیک منش (1400)، خادم (1402)، کاوه سنجابی (1402)، ناروایی (1401)، ساری (1401)، هرمز پور (1400)، دبیهم (1401)، مهارتی و همکاران (1399)، صادقی (1398)، سهراب زاده (1398) |
| | فرهنگ سازمانی توسعه گرا | |
| | فرهنگ سازمانی سلسله مراتبی | |
| | فرهنگ سازمانی قبیله ای | |
| عدالت سازمانی | عدالت توزیعی | ملا (2022)، جهانزب (2020)، لیو (2021)، آمده (1402)، حمزوی و همکاران (1401)، نیک منش (1400)، لندران اصفهانی (1402) سلاجقه (1401)، خوافی (1401)، خادمی (1402)، مطهری (1402)، خادمی و همکاران (1402)، دمرچیلی (1402)، شریعتی و همکاران (1401)، خواجه فردی و همکاران (1402)، سبزه زاری (1402)، ملک زاده (1402)، قشقایی زاده (1402)، امید (1402)، مقدس (1402)، اسدی (1402)، آیت (1401)، اسماعیلی (1401)، یوسف وند (1402)، حسن زاده (1402)، نبی و همکاران (1402)، ابراهیمی (1402)، رستگار (1401)، گلشنی (1402)، فدوی (1402)، علیخانی (1401)، فوقی (1402)، ختیا (1401)، نژاد انصاری (1401)، شمسی (1399)، صدری (1399)، طاهر زاده (1401)، سوری (1401)، نژاد انصاری (1401)، بریاحی (1402)، ناتکلی (1402)، حیدری (1402)، بدشتی (1402)، گنجی (1402)، پرند (1402)، کیا لاشکی (1402)، فرقانی (1402)، آقایی (1401) |
| | عدالت رویه‌ای | |
| | عدالت مرادده‌ای | |
| | عدالت اطلاعاتی | |

پاسخ سوال ۲- مهمترین ابعاد ادراک عدالت سازمانی در بخش تحلیل محتوای به روش کد گذاری انتخابی، کد گذاری محوری و کد گذاری باز در جداول ۲ و ۳ آورده شده است.

جدول ۲: شاخص‌های استخراج شده در بخش تحلیل محتوای فرهنگ سازمانی

| فرهنگ سازمانی | | | رفتار سازمانی |
|--|--|------------------|--|
| کد گذاری باز | کد گذاری محوری | کد گذاری انتخابی | نظریه پردازان |
| تأکید بر پیروزی در رقابت، سودآوری، بازده ملموس، قدرت در بازار، محیط خارجی. درگیر شدن در کار ذی نفعان خارجی مشتریان، پیمانکاران، اتحادیه‌ها، محیط خصمانه بوده، مشتریان مشکل پسند، موفقیت بیرونی، مدیران پرتلاش، وظایف سنگین، انتظارات بالا، اهداف دشوار و ایدآل، تأکید بر تشویق و تنبیه، تأکید بر دستاوردها و نتایج سازمان، جهت‌گیری رفتار مردم، اصرار بر رعایت انصاف، بردباری و احترام به دیگران، ارزیابی دقیق، بررسی موقعیت‌ها و مشکلات، دیدگاه تحلیلی، برانگیختن روحیه تلاش و رقابت، روابط عمومی، هدف‌گرا، اهداف روشن، استراتژی پرتکاپو، کارآیی، کار نتیجه مدار، عملیات‌های رقابتی، شراکت و نفوذ در بازار، توجه و مقایسه با محیط خارجی، دشواری اهداف | فرهنگی متکی بر رقابت و نتیجه-محور | فرهنگ بازاری | کامرون و کوبین و آلن ادلر شاین و گیدنز ادوارد تیلور و ریچارد پرین هافستد و دنیسون |
| ارزش فردی، نوآوری، خلاقیت، ریسک‌مدیران مبتکر، الهام‌بخشی، تعهد مشترک، استقبال از ایده‌ها، نتایج غیر قابل پیش‌بینی، تشویق به آزمایش، خلاقیت، نوآوری ریسک‌پذیری، انعطاف زیاد، دارای تمرکز خارجی، ساختاری مدرن و پویا، مشارکت، جرات، فرصت‌های توسعه حرفه‌ای، ریسک‌بالا، آسیب‌پذیری ایده‌های جدید، | فرهنگی متکی بر ریسک‌پذیری با رویکرد کارآفرینی و خلاقیت | فرهنگ توسعه‌گرا | |

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی
کلان‌شهر تهران

| | | | |
|--|---|---------------------------|--|
| <p>رقابت-رقابتی سمی، محیطی متشنج، شانس تکرار، قدرت سازمانی، مزایای رقابتی در بازار، جذب سرمایه اجتماعی</p> | | | |
| <p>انسجام سازمان، قوانین و ضوابط، وظایف مشخص، فضای رسمی، فرایند محور، اهداف بلندمدت پایدار، امنیت شغلی، هماهنگی مبتنی بر کارایی، سخت کوشی منسجم، نتایج قابل پیش بینی، هویت های ارزشمند، شفافیت شرح وظایف، تلاش مستمر و کند، توجه به کیفیت و کار آیی، مدیریت قاطع، رعایت قواعد، جریان اطلاعات و ارتباطات از بالا به پایین، ارزش های اصلی مشترک، تصمیم گیری از بالا به پایین، ساختار سختگیرانه، تاکید بر سنت ها، نظم، ثبات، بدون ریسک، کاربرد توانمندی محدود، هدایت مطلق، زنجیره فرمان، وضوح نقش ها و مسئولیت ها، وضوح نقش ها و مسئولیت ها، استفاده از دانش بالا دستی، تاکید بر عناوین شغلی، فقدان مشارکت کارکنان، تکمیل و گردش کار ساده، فقدان خلاقیت و نوآوری، عدم تفویض اختیار، اطمینان از انجام کار، نفوذ مطلق مدیریت، تاکید بر دستورالعمل ها و پروتکل های، تاکید بر سازماندهی، پاداش فردی، تاکید بر رویه ها، فقدان انعطاف پذیری، تاکید بر افزایش بهره وری و کارایی، پاسخگویی مشخص، ساختار ثابت، مجموعه ارزش های مشترک، حفاظت در برابر تصمیمات تکانشی، تمرکز بر قابلیت اطمینان، ثبات ارزش ها، پیشرفت شغلی آهسته، وقوع بن بست های شغلی، کنترل سازمانی، طبقه بندی شغلی، صرفه جویی، تمرکز قدرت،</p> | <p>فرهنگی متکی بر کنترل ساختارمند و فرایند-محور</p> | <p>فرهنگ سلسله مراتبی</p> | |

DOI: [10.71854/soc.2024-1126728](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126728)

| | | | |
|--|---|-------------------------------|--|
| <p>بوروکراسی، جهت‌گیری درونی و ارتباطات دقیق، معمول‌سازی، رسمی‌سازی و سازگاری، فقدان بیان ایده، تاثیر منفی در روحیه کارکنان، تخصص‌گرایی، شایسته‌سالاری، سلسله‌مراتب، تقسیم کار، حساسی، رسمیت اداری، قابلیت اعتبار و قابلیت پیش‌بینی، خطوط روشن تصمیم‌گیری، قوانین و رویه‌های استاندارد شده، مکانیزم‌های تطبیق و سازگاری، ثبات شغلی</p> | | | |
| <p>روابط دوستانه، مشارکتی فرهنگ طایفه ای ارتباطات، بازخورد کارکنان، سیستم سنتی، تاکید بر ساختار و ثبات سازمان، جهت‌گیری تیمی؛ تاکید بر همکاری و تعیین پاداش، اشتراک‌گذاری، تیم‌سازی، عملکرد منسجم و هماهنگ، افزایش همکاری، ارزش‌های منعطف، انعطاف‌پذیری نقش‌ها و وظایف، سازگاری محیطی، هدف‌محور، کارگروهی، برنامه‌های مشارکت کارکنان، تعهد سازمانی توسعه منابع انسانی جلب مشارکت، تعهد و وفاداری کارکنان، تغییرات سریع - وفاداری و رسم و عادات و اعتقادات، نقش پدرا نه مدیران، همبستگی و انسجام و روحیه افراد، تمرکز داخلی، دارای اختیارات انعطاف‌پذیری، تعامل زیاد، جو سازگاری، سبک قبیله ای و خانوادگی، فاقد جهت، آشفته، سوءاستفاده.</p> | <p>فرهنگی متکی بر مشارکت، دوستانه و مردم-محور</p> | <p>فرهنگ سازمانی قبیله ای</p> | |

جدول 3: کد گذاری در بخش تحلیل محتوای عدالت سازمانی

| عدالت سازمانی | | رفتار سازمانی | |
|---------------|----------------|------------------|---------------|
| کد گذاری باز | کد گذاری محوری | کد گذاری انتخابی | نظریه پردازان |

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی
کلان‌شهر تهران

| | | | |
|--------------------------------|-------------|----------------|--|
| آدام و هومانز مورمن و نیهوف | ادراک عدالت | عدالت توزیعی | تلاش در کسب دقیقترین نتایج - تاکید بر نتایج کاربردی، احساس برابری ورودیها (تلاشها) به خروجیهایشان (پاداش)، توجه به تفاوت نیازها، پرداخت هابارتقاءها، پاداشها، تنبیه‌ها، برنامه‌های کاری، مزایا و ارزیابی‌های عملکرد-انصاف ادراک شده، حفظ کرامت انسانی، عدالت در سرمایه اجتماعی - احساس تعلق، افتخار عضویت سازمانی، ذهنیت مثبت. |
| | | عدالت رویه‌ای | رویه‌هایی منصفانه، خط‌مشی‌ها، آثار مثبت و منفی تصمیم‌های مدیران، بی‌طرفی، حق اظهار نظر، فرصت برای شنیده شدن سخنان، مشارکت در تصمیمات، انسجام استاندارد ها، تجهیزات اداری، تفکیک جنسیتی |
| | | عدالت مراددهای | حساسیت میان‌شخصی - منصفانه و مناسب، باید مؤدبانه و محترمانه - روابط شخصی، قشری‌گری، خرده فرهنگ‌ها، گزارش‌های خلاف واقع، رفتار منصفانه - رفتار بین فردی تعهد بین فردی، صداقت، احترام، توجیه و درستکاری، تواضع، بازخور به موقع و احترام به حقوق و |
| | | عدالت اطلاعاتی | کمیت و کیفیت اطلاعاتی - فضای مجازی، تحصیلات تکمیلی - نظام چرخه اطلاعات - چرخه پشتیبانی سیستم‌های اطلاعاتی - حفاظت از اطلاعات - انتشار اطلاعات - شفافیت اطلاعات - بکارگیری اطلاعات اعتماد اجتماعی - تحقق اهداف - قدرت اطلاعاتی |

پاسخ سوال 3: میزان توافق کدهای استخراج شده در الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی (مورد مطالعه سازمان‌های دولتی) از دیدگاه خبرگان چگونه است؟ اعتباریابی کدهای استخراج شده بر اساس ضریب توافقی کندال با استفاده از نظر خبرگان در جدول 4 آورده شده است.

جدول 4: اعتباریابی کدهای استخراج شده بر اساس ضریب توافقی کندال

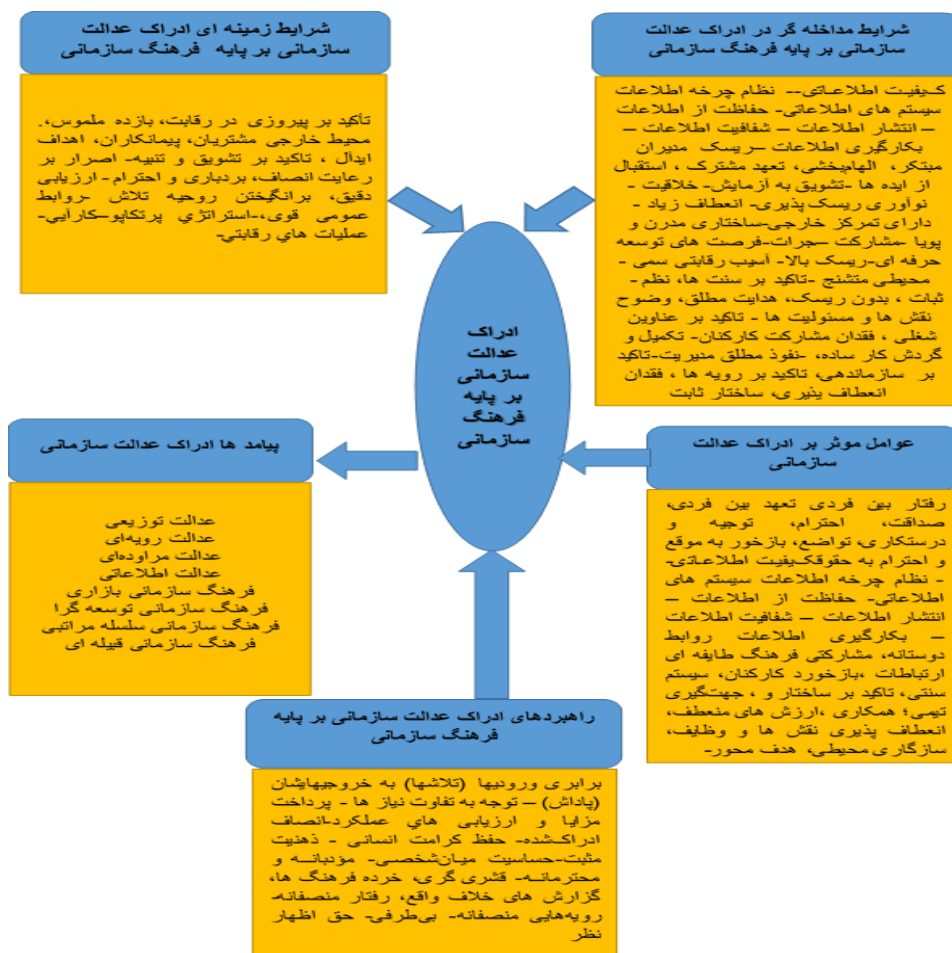
| میزان توافق | ضریب توافق W | میانگین دوره دوم | میانگین دوره اول | توصیف مفاهیم | زیرمقوله | مقوله اصلی |
|---------------------------------------|--------------|------------------|------------------|--|----------------------------|---------------|
| بالاتراز 0/8 توافق نظربسیار قوی | 081 | 1.30 | 1.70 | تأکید بر پیروزی در رقابت، بازده ملموس، محیط خارجی مشتریان، پیمانکاران، اهداف ایدآل، تأکید بر تشویق و تنبیه- اصرار بر رعایت انصاف، بردباری و احترام - ارزیابی دقیق، برانگیختن روحیه تلاش - روابط عمومی قوی،- استراتژی پرتکاپو - کارآیی- عملیات های رقابتی - | فرهنگ سازمانی بازاری | فرهنگ سازمانی |
| بالاتراز 0/7 توافق نظرقوی | .797 | 1.18 | 1.83 | ریسک مدیران مینکو، الهام‌بخشی، تعهد مشترک ، استقبال از ایده ها -تشویق به آزمایش- خلاقیت - نوآوری ریسک پذیری- انعطاف زیاد -دارای تمرکز خارجی- ساختاری مدرن و پویا -مشارکت -جرات-فرصت های توسعه حرفه ای-ریسک بالا- آسیب رقابتی سمی - محیطی متشنج | فرهنگ سازمانی توسعه‌گرا | فرهنگ سازمانی |
| بالاتراز 0/7 توافق نظرقوی | .764 | 1.13 | 1.58 | تأکید بر سنت ها، نظم -ثبات ، بدون ریسک، هدایت مطلق، وضوح نقش ها و مسئولیت ها - تأکید بر عناوین شغلی ، فقدان مشارکت کارکنان- تکمیل و گردش کار ساده، -نفوذ مطلق مدیریت- تأکید بر سازماندهی، تأکید بر رویه ها ، فقدان انعطاف پذیری، ساختار ثابت | فرهنگ سازمانی سلسله مراتبی | فرهنگ سازمانی |
| بالاتراز 0/8 توافق نظربسیار قوی | .890 | 1.58 | 1.43 | روابط دوستانه، مشارکتی فرهنگ طایفه ای ارتباطات ،بازخورد کارکنان، سیستم سنتی، تأکید بر ساختار و ، جهت‌گیری تیمی؛ همکاری ،ارزش های منعطف، انعطاف پذیری نقش ها و وظایف، سازگاری محیطی، هدف محور- | فرهنگ سازمانی قبیله ای | فرهنگ سازمانی |
| میزان توافق | ضریب توافق W | میانگین دوره دوم | میانگین دوره اول | توصیف مفاهیم | زیرمقوله | مقوله اصلی |

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی
کلان‌شهر تهران

| | | | | | | | |
|---------------------------|--------------------|---|------|------|------|---|----|
| ادراک عدالت سازمانی | عدالت توزیعی | برابری ورودیها (تلاشها) به خروجیهایشان (پاداش) - توجه به تفاوت نیازها، پرداخت مزایا و ارزیابیهای عملکرد، انصاف ادراک شده، حفظ کرامت انسانی، ذهنیت مثبت . | 1.22 | 1.58 | .856 | بالاتر 0.8 انفاق نظر بسیار قوی | از |
| | عدالت رویه‌ای | رویه‌هایی منصفانه، بی‌طرفی، حق اظهار نظر | 1.62 | 1.98 | .826 | بالاتر 0.8 انفاق نظر بسیار قوی | از |
| | عدالت مراوده‌ای | حساسیت میان‌شخصی، مؤدبانه و محترمانه، قشری‌گری، خرده فرهنگ‌ها، گزارش‌های خلاف واقع، رفتار منصفانه- رفتار بین فردی تعهد بین فردی، صداقت، احترام، توجه و درستکاری، تواضع، بازخور به موقع و احترام به حقوق | 1.33 | 1.70 | .809 | بالاتر 0.8 انفاق نظر بسیار قوی | از |
| | عدالت اطلاعاتی | کیفیت اطلاعاتی، نظام چرخه اطلاعات، سیستم های اطلاعاتی، حفاظت از اطلاعات، انتشار اطلاعات، شفافیت اطلاعات، بکارگیری اطلاعات. | 1.88 | 1.43 | .792 | بالاتر از 0.7 | از |

بر اساس یافته‌های تحقیق، الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در
شکل 1 آورده شده است.

DOI: [10.71854/soc.2024-1126728](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126728)



شکل 1: الگوی عدالت ادراک شده بر پایه فرهنگ‌های سازمانی

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی کلان‌شهر تهران

این پژوهش با هدف تحلیل الگوی عدالت ادراک شده شامل (عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای، عدالت مرادده‌ای، عدالت اطلاعاتی) و فرهنگ‌های سازمانی (بازاری، توسعه‌گرا، سلسله‌مراتبی، قبیله‌ای) صورت گرفته است. بر اساس سوالات تحقیق ابعاد ادراک عدالت سازمانی در حوزه عدالت توزیعی مشمول برابری ورودی‌ها (تلاش‌ها) به خروجی‌های (پاداش) افراد، توجه به تفاوت نیازهای کارکنان، پرداخت مزایا و ارزیابی‌های عملکرد، انصاف ادراک‌شده، حفظ کرامت انسانی و ذهنیت مثبت است. عدالت رویه‌ای مشمول رویه‌هایی منصفانه، بی‌طرفی، حق اظهار نظر می‌باشد. عدالت مرادده‌ای شامل تعاملات فردی، حساسیت میان‌شخصی، رفتار مؤدبانانه و محترمانه، قشری‌گری، خرده فرهنگ‌ها، گزارش‌های خلاف واقع، رفتار منصفانه، رفتار بین فردی، تعهد بین فردی، صداقت، احترام، توجه و درستکاری، شود. عدالت اطلاعاتی شامل: کیفیت اطلاعات، نظام تواضع، بازخورد به موقع و احترام به حقوق می‌چرخه اطلاعات، سیستم‌های اطلاعاتی، حفاظت از اطلاعات، انتشار اطلاعات، شفافیت اطلاعات، به‌کارگیری اطلاعات است. فرهنگ سازمانی نیز شامل فرهنگ بازاری مشمول تأکید بر پیروزی در رقابت، بازده ملموس، محیط خارجی مشتریان، پیمانکاران، اهداف ایدآل، تأکید بر تشویق و تنبیه، اصرار بر رعایت انصاف، بردباری و احترام، ارزیابی دقیق، برانگیختن روحیه تلاش، روابط عمومی قوی، استراتژی پرتکاپو، کارآیی، عملیات رقابتی می‌شود. فرهنگ سازمانی توسعه‌گرا شامل: ریسک‌مدیران مبتکر، الهام‌بخشی، تعهد مشترک، استقبال از ایده‌ها، تشویق به انجام آزمایش، خلاقیت، نوآوری، ریسک‌پذیری، انعطاف‌پذیری زیاد، دارای تمرکز بیرونی، ساختاری مدرن و پویا، مشارکت، جرأت، فرصت‌های توسعه حرفه‌ای، ریسک‌بالا، آسیب‌رقابتی سمی، محیطی متشنج است. فرهنگ سازمانی سلسله‌مراتبی شامل تأکید بر سنت‌ها، نظم، ثبات، بدون ریسک، هدایت مطلق، وضوح نقش‌ها و مسئولیت‌ها، تأکید بر عناوین شغلی، فقدان مشارکت کارکنان، تکمیل و گردش کار ساده، نفوذ مطلق مدیریت، تأکید بر سازماندهی، تأکید بر رویه‌ها، فقدان انعطاف‌پذیری، ساختار ثابت است. فرهنگ سازمانی قبیله‌ای شامل روابط دوستانه، مشارکتی فرهنگ طایفه‌ای ارتباطات، بازخورد کارکنان، سیستم سنتی، تأکید بر ساختار و جهت‌گیری تیمی، همکاری، ارزش‌های منعطف، انعطاف‌پذیری نقش‌ها و

وظایف، سازگاری محیطی و هدف محور است. تحلیل محتوای مقالات و مصاحبه خبرگان در هر دو مرحله از روش دلفی استخراج شده بود و ضریب توافق کندال در همه موارد بالاتر از 0/70 درصد بود. بر اساس یافته‌های انوری و همکاران (۱۴۰۲)، اسدی و همکاران (۱۴۰۲)، مصدق راد و همکاران (۱۴۰۲)، پالیزوان و همکاران (۱۴۰۱) استعدادی و همکاران (۱۴۰۱)، عدالت سازمانی و فرهنگ سازمانی بر انسجام سازمانی تأثیر مثبت و معنادار دارند. در واقع هدف فرهنگ سازمانی ایجاد رضایت است و این رضایت با رعایت عدالت ایجاد می‌شود. زمانی که کارکنان احساس کنند که سازمان به نیازهای آن‌ها توجه کرده است و عدالت در مورد آن‌ها خصوصاً در زمینه پاداش و عدالت تعاملی اجرا شده است. آن‌ها حس رضایت مندی خواهند داشت. از سوی دیگر کارکنان مدام در حال مقایسه دریافتی‌ها و خدمات خود در سازمان هستند و در نهایت دستاوردها و خدماتی که ارائه می‌دهند را با کارکنان سایر سازمان‌ها و یا سازمان خود با توجه به شرایط می‌سنجند و در نهایت احساس عدالتی را که درک می‌کنند، اگر ناشی از احساس رضایت باشد درک مثبتی از روند اجرای عدالت و عدالت رویه‌ای سازمان خواهند داشت. چنانچه افراد احساس کنند که دستاوردهای کمتری را در مقایسه با دیگران به دست آورده‌اند، احساس منفی خواهند داشت و درک منفی آنان باعث ایجاد رفتارهای منفی و غیر عقلانی ناشی از این احساس منفی خواهند داشت. در پژوهش‌های بابایی و همکاران (۱۴۰۱)، عابدی کوشکی و همکاران (۱۴۰۰) نیز این تبیین تأیید شده و بیان داشتند که عدالت سازمانی، رضایت شغلی و رفتار شهروندی سازمانی که در نهایت بهره‌وری کارکنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در تحقیق صیدی و همکاران (۱۴۰۰)، صمدی میرکلایی و همکاران (۱۴۰۰) ارتباط مثبت میان عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای و عدالت مرادده‌ای با رفتار شهروندی سازمانی نیز مورد تأیید قرار گرفت. میرزایی و همکاران (۱۴۰۰) بین حمایت سازمانی ادراک شده و رفتار ضد بهره‌وری کارکنان رابطه مستقیم و معنا داری وجود دارد. نعمتی و همکاران (۱۴۰۰)، کیهانیان و همکاران (۱۳۹۹)، قربانی و همکاران (۱۳۹۹)، اوزکان (۲۰۲۳) سو و همکاران (۲۰۲۳) نگوین و همکاران (۲۰۲۲)، وم و همکاران (۲۰۲۲)، هیمت اوغلو و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش‌های خود بیان

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی کلان‌شهر تهران

کردند که ادراک عدالت سازمانی بر تعامل سازمانی و توسعه سرمایه اجتماعی تاثیر مستقیمی دارد. در پژوهش‌های سینداکیس و همکاران (۲۰۲۲)، اورکمن استارک و همکاران (۲۰۲۱)، جهانزب و همکاران (۲۰۲۰) سیمیرینگ و همکاران (۲۰۲۰)، مولکدی و همکاران (۲۰۲۰)، عوامل سازمانی یعنی عدالت و فرهنگ منجر به هویت سازمانی می‌شود و با کیم و همکاران (۲۰۱۷) همسو بوده و مشخص شد مولفه‌های فرهنگ سازمانی می‌تواند در عدالت سازمانی و ادراک آن کمک کند. در فرهنگ سازمانی قبیله‌ای روابط دوستانه‌ای برقرار است و شامل انعطاف پذیری نقش‌ها و وظایف، سازگاری محیطی، هدف محور می‌شود زمانی که افراد انعطاف پذیر باشند اگر احساس کنند که در حق آنها بی‌عدالتی شده‌است با صبوری و تاب‌آوری به اهداف سازمان وفادار خواهند بود. فرهنگ سازمانی سلسله مراتبی معمولاً با نگاهی جدی‌تر، بحث عدالت سازمانی را خصوصاً در عدالت توزیعی دنبال می‌کند و معمولاً افراد در این نوع فرهنگ سازمانی احساس مثبت و درک عدالت بیشتری دارند. از محدودیت‌های این پژوهش محدودیت جغرافیایی بود که فقط سازمان مرکزی تهران به عنوان جامعه آماری انتخاب شد و خبرگان مورد مصاحبه فقط از این سازمان انتخاب شدند. بنابراین نتایج به‌دست آمده، باید با احتیاط به سازمان دیگری تعمیم داده شود.

منابع

- ادیب، مصطفی، علیپور درویش، زهرا، متقی، پیمان. (1386). عارضه‌یابی فرهنگ فاصله قدرت در سازمان. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، 9(4)، 37-9.
- استعدادی، ارشاد، گودرزوندچگینی، مهرداد، تورانی، حیدر. (1401). تأثیر فرهنگ و عدالت سازمانی بر انسجام سازمانی در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی. مطالعات راهبردی ارتباطات. 38-21، 2(4) ،
- اسدی، منصور، خورشیدی، عباس، برزگر، نادر، فقیه آرام، بتول، دشمن‌زیاری، اسفندیار. (1402). ارائه الگوی بالندگی مدیران آموزشی بر پایه فرهنگ سازمانی ایرانی اسلامی در نظام آموزشی (مورد مطالعه: مدیران دبیرستان‌های استان مرکزی). پژوهش‌های جامعه‌شناسی. 31-7، 17(1) ،
- انوری، زهره، نرگسیان، عباس، عسگری، ناصر، محمد اسمعیلی، ندا. (1402). شناسایی پیشران‌ها و بازدارنده‌های ارتقای یکپارچه‌سازی فرهنگ سازمانی پس از ادغام و اکتساب: مرور نظام‌مند ادبیات. مجله علمی "مدیریت فرهنگ سازمانی

- بابایی، بهزاد، میرسپاسی، ناصر، آزاد، ناصر، و قجری، سمیه. (1401). طراحی الگوی فرهنگ سازمانی در سازمان‌های حاکمیتی-میانمداری. مطالعات رفتار سازمانی، 11(1) (پیاپی 41)، 83-114.
- بیگ زاده، جعفر، مصطفائی، بابک، نوری، حسین. (1400). ارائه مدل تاثیر معنویت در محیط کار بر بهره‌وری سازمانی با نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی و پایبندی به رفتارهای اخلاقی در دانشگاه تبریز. *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، 10(1)، 79-98.
- پالیزوان، فرهود، کریم‌اللهی، منصوره، صادقیه اهری، سعید، و ابازری، مالک. (1401). ارتباط ادراک فساد و احساس عدالت سازمانی در کارکنان مراکز آموزشی درمانی شهر اردبیل در سال 1396. *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، 20(1) (پیاپی 150)، 65-74.
- توره ناصر، مرادی مرتضی، جباری کامران (1398).. رابطه فرهنگ سازمانی با رفتار ضد شهروندی: نقش میانجی شایستگی اخلاقی، ظرفیت سازمانی و حکمرانی. *اخلاق در علوم و فناوری* ۱۳۹۸؛ ۱۴ (۳): ۷۶-۸۴.
- حاتمی قوشچی ابوذر، دانشفرد کرم الله، طلوعی اشلی عباس، رهنمای رودپشتی فریدون (1401). الگوی سرمایه فکری بانک‌های دولتی با رویکرد شایستگی و اخلاق حرفه‌ای مدیران. *اخلاق در علوم و فناوری*؛ ۱۷: ۱۲۱-۱۲۵.
- رخشانمهر آرش، جبارزاده کنگرلوئی سعید، بحری ثالث جمال، فلاوندی حسن (1398). تحلیل روابط مولفه های اخلاق حرفه ای، رهبری اخلاقی، مسئولیت‌های اجتماعی با عملکرد حسابرسان مستقل. *دانش حسابرسی* ۱۳۹۸؛ ۱۹ (۷۶): ۱۹۵-۲۳۰.
- صالحی احسان، درویش زهرا علیپور، آذر عادل، میرسپاسی ناصر. (1401) اندازه‌گیری سبک‌های رهبری در سازمان با رویکرد تفکر خلاف واقع (مورد مطالعه شرکت نفت فلات قاره ایران). *مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی*. ۱۴۰۱؛ ۱۴ (۵۵): ۶۱-۷۸.
- صمدی میارکلایی، حسین، و صمدی میارکلایی، حمزه. (1400). رابطه‌ی ادراک از عدالت سازمانی با رفتار شهروندی سازمانی در کارکنان مؤسسه‌ی مالی اعتباری ثامن استان مازندران. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، 22(4) (پیاپی 86)، 177-188.
- سیدی، راحله، و سینا، فاطمه صغری. (1400). پیش‌بینی توانمندسازی دبیران، مبتنی بر مدیریت دانش و فرهنگ سازمانی: مورد مطالعه دبیران مقطع متوسطه اول شهر پردیس. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی*، 15(1)، 141-161.
- عابدی کوشکی، زهرا، روح افزائی، شعبانعلی، و غلامی مقدم، اسما. (1400). پیش‌بینی بهره‌وری کارکنان بر اساس عدالت سازمانی ادراک شده، رضایت شغلی و رفتار شهروندی سازمانی در شیوع پاندمی کووید-19. *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، 19(12) (پیاپی 148)، 986-997.

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی کلان‌شهر تهران

- فتحی، فاطمه، سبک رو، مهدی، پورعزت، علی اصغر. (1401). تدوین مضامین فراگیر اخلاقی در فرایندهای مدیریت منابع انسانی براساس رهنمودهای امام علی (علیه‌السلام). مدیریت اسلامی، 30(1)، 11-33.
- قربانی، زینب، عندلیب، علیرضا، ذبیحی، حسین. (1399). سنجش وضعیت اخلاق حرفه‌ای براساس مناطق شهر اصفهان از دیدگاه مدیران شهری. مدیریت اسلامی، 28(3)، 99-123.
- قلاوندی حسن، کوشکی منیژه (1399). تحلیل کانونی شجاعت اخلاقی حرفه‌ای با سرمایه اجتماعی. اخلاق در علوم و فناوری ۱۳۹۹؛ ۱۵ (۱): ۱۳۶-۱۴۲
- کازرونی شامیری، هادی، مرادی، سعید، سلیمی، جمال. (1401). شناسایی شاخص‌های شایسته‌گرایی مدیران دانشگاه آزاد اسلامی استان خوزستان با رویکرد آموزش‌های مجازی مطالعات مدیریت و رهبری در سازمان‌های آموزشی کبیری افشار، قلعه‌ای علیرضا، طالبی معصومه، شیخو مریم. (1398). رابطه میان ابعاد اخلاقی معنویت در محیط کار، با سلامت سازمانی و اعتماد سازمانی. اخلاق در علوم و فناوری ۱۴ (۲): ۸۳-۹۱
- کیهانیان، نغمه، حسن زاده، محمد صادق، همتی نوح‌دوست گیلانی، مهناز. (1399). تاثیر درک از عدالت سازمانی بر دل‌بستگی به کار: بررسی نقش میانجی امنیت روانی کارکنان. خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت 2(11)، (پیاپی 38 تابستان 1399)، 115-131.
- محمودی جیدرق یعقوب، پاک مرام عسگر، عبدی رسول، رضایی نادر. (1401) ارائه مدلی برای مدیریت تضاد و تعارض در محیط حسابداری با تاکید بر مولفه‌های اخلاق حرفه‌ای. اخلاق در علوم و فناوری ۱۴۰۱؛ ۱۷: ۸۹-۷۸
- مصدق راد، علی محمد، پارسایان، محبوبه، و هدایتی، سیدپوریا. (1402). فرهنگ سازمانی بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران. پایش، 22(4)، 373-385.
- مصدق، هادی، خوش قامت، اکرم. (1398). بررسی رابطه معنویت در کار و مسئولیت‌پذیری با عملکرد آموزشی معلمان دوره ابتدایی شهر قم. نظریه و عمل در تربیت معلمان، 5(8)، 111-126.
- مهرداد علی، بت شکن مریم، ملک زاده احمدی مائده. (1400) پیش‌بینی رفتارهای شهروندی سازمانی از طریق ادراک عدالت اخلاقی، جو اخلاقی و عاطفه مثبت. اخلاق در علوم و فناوری.
- میرزایی، وحید، و محمدی، حامد. (1400). بررسی رابطه بین حمایت سازمانی ادراک شده و رفتار ضد بهره‌وری کارکنان با نقش میانجی بدبینی سازمانی. پژوهش‌های روان‌شناختی در مدیریت، 7(2)، 9-41.
- نعمتی لیلا، عبدالملکی بابک. (1400) رابطه فرهنگ سازمانی و جو اخلاقی در تعالی بخشیدن به سلامت سازمانی: نقش میانجی یگانگی فرد-سازمانی. اخلاق در علوم و فناوری ۱۴۰۰؛ ۱۶ (۱): ۷۶-۸۳
- نیازی، محسن، بهروزیان، بهروز، سخایی، ایوب، و حسینی زاده آرانی، سیدسعید. (1396). فراتحلیل مطالعات رابطه بین ادراک عدالت سازمانی و فرهنگ کار. مدیریت سازمان‌های دولتی، 5(2)، 43-59.

- نیکخواه فرخانی زهرا، عرب اسدی زینب. (1398). پیش‌بینی‌پذیری رفتار اخلاقی پرستاران از فعالیت‌های مدیریت منابع انسانی. اخلاق در علوم و فناوری ۱۳۹۸؛ ۱۴ (۲): ۴۸-۵۶
- هاشمی زاده سید روح‌الله، فرهی علی، و بهشتی نژاد مهدی. (1401). "بررسی رابطه فرهنگ نهادی با معنویت افزایی کارکنان نظامی در چهار دهه گذشته". رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری 6 (21): 272-91.
- وحدانی اسدی، محمدرضا. (1400). الگوی آموزش اخلاق. اخلاق حرفه‌ای در آموزش، 1 (1): 58-103
- Azar, Adel & Alipour Darvishi. Zahra (2011) Development and validation of a measure of justice perception in the frame of Fairness theory – Fuzzy approach. *Journal homepage: www.elsevier.com/locate/eswa*
- Blomquist, Olivia. (2019). Identifying av processmognad i en kundtjanst. Identifying process maturity within a customer service . Independent thesis Basic level (degree of Bachelor), 10 credits / 15 HE credits
- Haffar, M., Al-Karaghoul, W., Djebarni, R., Al-Hyari, K., Gbadamosi, G., Oster, F., ... & Ahmed, A. (2023). Organizational culture and affective commitment to e-learning changes during COVID-19 pandemic: The underlying effects of readiness for change. *Journal of business research*, 155, 113396.
- Himmetoğlu, B., Ayduğ, D. and Bayrak, C. (2022), "Relationships among teachers' perceptions on coworker social loafing, organizational justice and task visibility", *International Journal of Educational Management*, Vol. 36 No. 3, pp. 247-260.
- Ismail, M. and Umar Baki, N. (2017), "Organizational factors of justice and culture leading to organizational identification in merger and acquisition", *European Journal of Training and Development*, Vol. 41 No. 8, pp. 687-704.
- Jehanzeb, K. and Mohanty, J. (2020), "The mediating role of organizational commitment between organizational justice and organizational citizenship behavior: Power distance as moderator", *Personnel Review*, Vol. 49 No. 2, pp. 445-468.
- Ke, J. and Deng, X. (2018) Family-Friendly Human Resource Practice, Organizational Commitment, and Job Performance among Employees: The Mediating Role of Workplace Spirituality. *Journal of Human Resource and Sustainability Studies*, 6, 81-91.
- Kim, S., Tam, L., Kim, J.-N. and Rhee, Y. (2017), "Determinants of employee turnover intention: Understanding the roles of organizational justice, supervisory justice, authoritarian organizational culture and organization-employee relationship quality", *Corporate Communications: An International Journal*, Vol. 22 No. 3, pp. 308-328.
- Kira, I., Özcan, N., Shuwiekh, H., Kucharska, J., Al-Huwailah, A. and Bujold-Bugeaud, M. (2021) Mental Health Dynamics of Interfaith Spirituality in Believers and Non-

تحلیل الگوی عدالت ادراک شده منابع انسانی با رویکرد فرهنگ‌های سازمانی در سازمان‌های دولتی
کلان‌شهر تهران

- Believers: The Two Circuit Pathways Model of Coping with Adversities: Interfaith Spirituality and Will-to Exist, Live and Survive. *Psychology*, 12, 992-1024.
- Kohlbeck, E. , Melo, A. , dos Santos Pedrozo, G. , Fagundes, A. , Pereira, D. , Beuren, F. and de Campos, D. (2021) Engineering Skills: Systematic Review in the Field of Professional Ethics. *Creative Education*, 12, 2335-2355.
- Liu, Z. and Wang, W. (2019) Bibliometric Analysis of the Field of Professional Ethics Education. *Chinese Studies*, 8, 194-209.
- Mews, J. (2019) Effective Leadership in Higher Education: A Review of Leadership Style Preferences among Faculty and Staff within the United States. *Open Journal of Leadership*, 8, 58-74.
- Mohammed, A. (2020) The Status of Teachers' Professional Development and Code of Ethics: The Case of Madda Walabu University—Ethiopia. *Library Journal*, 7, 1-19
- Moulakdi, A. and Bouchamma, Y. (2020) Professional Development for Primary School Teachers in Cameroon: Is the Cascade PD Model Effective?. *Creative Education*, 11, 1129-1144
- Nawafleh, H. , Al Hadid, L. , Al Momani, M. and Al Sayeh, A. (2018) The Prevalence of Psychosomatic Symptoms and Spirituality Levels among University Students in South Jordan. *Health*, 10, 107-121.
- Nguyen, L.A., Dellaportas, S., Vesty, G.M., Pham, V.A.T., Jandug, L. and Tshauridu, E. (2022), "The influence of organisational culture on corporate accountants' ethical judgement and ethical intention in Vietnam", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, Vol. 35 No. 2, pp. 325-354.
- Omar, A., Salessi, S., Vaamonde, J. D., & Urteaga, F. (2018). Psychometric properties of Colquitt's organizational justice scale in argentine workers. *Liberabit. Revista Peruana de Psicología*, 24(1), 61-79.
- Özkan, A.H. (2023), "Organizational justice perceptions and turnover intention: a meta-analytic review", *Kybernetes*, Vol. 52 No. 8, pp. 2886-2899.
- Pan, X., Chen, M., Hao, Z., & Bi, W. (2018). The effects of organizational justice on positive organizational behavior: Evidence from a large-sample survey and a situational experiment. *Frontiers in psychology*, 8, 272780.
- Pedraza-Rodríguez, J. A., Ruiz-Vélez, A., Sánchez-Rodríguez, M. I., & Fernández-Esquinas, M. (2023). Management skills and organizational culture as sources of innovation for firms in peripheral regions. *Technological Forecasting and Social Change*, 191, 122518.
- Sembiring, N., Nimran, U., Astuti, E.S. and Utami, H.N. (2020), "The effects of emotional intelligence and organizational justice on job satisfaction, caring climate, and criminal investigation officers' performance", *International Journal of Organizational Analysis*, Vol. 28 No. 5, pp. 1113-1130.

DOI: [10.71854/soc.2024-1126728](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126728)

- Sindakis, S., Kitsios, F., Aggarwal, S. and Kamariotou, M. (2022), "Entrepreneurial strategies and family firm culture in the Arab world: a systematic literature review", *Journal of Small Business and Enterprise Development*, Vol. 29 No. 7, pp. 994-1016.
- Su, S., Baird, K. and Munir, R. (2023), "Organisational resilience: the role of organisational culture from an organisational life cycle perspective", *International Journal of Manpower*, Vol. 44 No. 3, pp. 403-421.
- Vem, L.J., Cheah, J.-H., Ng, S.I. and Ho, J.A. (2022), "Unethical pro-organizational behavior: how employee ethical ideology and unethical organizational culture contribute", *International Journal of Manpower*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.
- White, M. , Addison, C. and Jenkins, B. (2022) Beliefs and Practices Regarding Spirituality as a Healthcare Strategy. *Open Journal of Preventive Medicine*, 12, 59-72.
- Workman-Stark, A. (2021), "Countering a masculinity contest culture at work: the moderating role of organizational justice", *International Journal of Organization Theory & Behavior*, Vol. 24 No. 1, pp. 6-23.
- Yuan, Y., Fu, K., Venter, B. P., Hainey, T.(2019) Ethics as a Game? Towards a Framework for Game Design. *Sociology Mind*, 9, 135-150.

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان‌شناختی

فتانه محمودی

دانشجو دکتری، روانشناسی تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

مریم زرنقاش^۱

استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

نادره سهرابی

دانشیار روانشناسی عمومی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

مجید بزرگر

استادیار روانشناسی تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۰

چکیده

تحقیق حاضر با هدف ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان‌شناختی طراحی و اجرا گردید. پژوهش حاضر یک تحقیق توصیفی زمینه یابی (پیمایشی) به صورت مقطعی می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و نحوه ی گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای بررسی فرضیه‌ها از طریق پرسشنامه و به شکل میدانی جمع‌آوری می‌شود. به دلیل بررسی رابطه بین متغیرها این نوع تحقیق از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان سرپرست شهر شیراز است که، با توجه به حجم نمونه کوکران در شرایط نامشخص تعداد 384 نفر در نظر گرفته شد که، به روش تصادفی ساده بین نمونه آماری پخش گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر از روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS انجام شد. نتایج نشان داد که سرمایه‌های روان‌شناختی قادر به ایفای نقش واسطه‌ای در رابطه بین خود انسجامی و خود تنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی با

¹ نویسنده مسئول: Mzarnaghash@iau.ac.ir

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان‌شناختی

بهزیستی روان‌شناختی است. سطح معناداری متغیرهای خود انسجامی، خود تنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی بسیار نزدیک به صفر و کمتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ است ($p<0.05$). در نتیجه از نظر آماری بین این متغیرها و بهزیستی روان‌شناختی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری وجود دارد. به لحاظ اثبات رابطه مثبت بین آن‌ها می‌توان گفت با افزایش یک واحد میزان خود انسجامی، خود تنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی، میزان بهزیستی روان‌شناختی به صورت مستقیم به ترتیب به اندازه 12/5 درصد، 21/9 درصد و 32/5 درصد افزایش خواهند یافت. همچنین با افزایش یک واحد میزان خود انسجامی، خود تنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی، با توجه به نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان‌شناختی به صورت غیر مستقیم میزان بهزیستی روان‌شناختی به صورت غیر مستقیم به ترتیب به اندازه 4/3 درصد، 4/8 درصد و 7/7 درصد افزایش خواهند یافت.

کلمات کلیدی: خود انسجامی، خود تنظیمی هیجانی، و ذهن آگاهی، بهزیستی روان‌شناختی، سرمایه‌های روان‌شناختی

investigating the impact of self-coherence, emotional self-regulation and psychological well-being mindfulness with the role of psychological capitals

Fataneh Mahmoudi

Ph.D. Candidate of psychology, Marovdasht Branch, Islamic Azad University, Morovdasht, Iran

Maryam Zarnaghash¹

Assistant Professor of Psychology, Marodasht Branch, Islamic Azad University, Marovdasht, Iran

Nadereh Sohrabi

Associate Professor of Psychology, Marovdasht Branch, Islamic Azad University, Morovdasht, Iran

Majid Barzegar

Assistant Professor of Psychology, Marovdasht Branch, Islamic Azad University, Maroodasht, Iran

¹ Corresponding Author: Mzarnaghash@iau.ac.ir

DOI: [10.71854/soc.2024-1126730](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126730)

Abstract

The current research was designed and implemented to evaluate the psychological well-being model based on emotional self-regulation, mindfulness, and self-coherence with the role of psychological capital. This research is a cross-sectional descriptive survey. In terms of purpose, application, and the method of collecting the information needed to examine the hypotheses, this research is collected through a questionnaire and in the field. Due to the investigation of the relationship between variables, this type of research is of the correlation type. The statistical population of the present study includes all the female guardians of Shiraz city, which was considered to be 384 people according to the sample size of Kochran in uncertain conditions, which was spread among the statistical sample by a simple random method. We use the structural equation method to analyze the data using SPSS and AMOS software. The results showed that psychological capital can mediate the relationship between self-coherence, emotional self-regulation, and mindfulness with psychological well-being. The significance level of self-coherence, emotional self-regulation, and mindfulness variables is close to zero and less than the significance level of $\alpha=0.05$ ($p<0.05$). As a result, statistically, there is a significant relationship between these variables and the psychological well-being of women heads of households. In proving a positive relationship between them, by increasing one unit of self-coherence, emotional self-regulation, and mindfulness, psychological well-being will increase by 12.5%, 21.9%, and 32.5%, respectively. Found. Also, by increasing one unit of self-coherence, emotional self-regulation, and mindfulness due to the mediating role of psychological capital, the amount of psychological well-being indirectly increases by 4.3%, 4.8%, and 7.7%, respectively. The percentage will increase.

Keywords: self-coherence, emotional self-regulation, and mindfulness, psychological well-being, psychological capitals

مقدمه

خانواده یک نظام اجتماعی کوچک و یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه انسانی است که با وجود تحولات گوناگونی که در طی گذشت قرن‌ها رخ داده است همچنان کارکردهای مهمی بر عهده دارد. اما عوامل متعددی از جمله جنگ، شهرنشینی، طلاق، اعتیاد و مرگ همسر و نظایر آن موجب تغییر ساختار و کارکرد خانواده شده‌است که، یکی از آن‌ها افزایش تعداد خانواده‌های تک والدی با سرپرستی مادران در سراسر جهان است. زنان سرپرست خانوار به کسانی اطلاق می‌شود که به دلایل متفاوتی مسئولیت تمام‌عیار اداره

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان‌شناختی

خانواده اعم از نگهداری و تربیت فرزندان، تأمین وضعیت اقتصادی و عاطفی خانواده را به عهده‌دارند. این مسئولیت از زمانی به صورت کامل متوجه آن‌ها خواهد شد که یا به صورت دائم به علت مرگ همسر تنها شده‌اند یا اینکه همسرانشان به علت بیماری صعب‌العلاج یا اعتیاد، توانایی کار کردن ندارند و یا این که به علت جرائم سنگین برای مدت طولانی (حبس ابد) در زندان به سر می‌برند و همچنین زنانی که مردان آن‌ها جهت یافتن کار مهاجرت نموده‌اند را نیز شامل می‌شود. تربیت فرزندان، تأمین وضعیت اقتصادی خانواده و اداره و مدیریت خانه به علت عدم حضور پدر، به مادر منتقل می‌شود (ایران دوست، ۱۴۰۰). البته این انتقال بدون هیچ گونه آمادگی عاطفی، اقتصادی و اجتماعی رخ می‌دهد و او خلأ عاطفی سنگین و تنهایی زیادی را احساس و تجربه می‌کند زیرا، همسر و شریک زندگی خود را از دست داده‌است و با حجم بزرگی از مسائل اقتصادی و اجتماعی روبرو است، علاوه بر این هیچ گونه حمایتی اعم از اجتماعی، اقتصادی و عاطفی دریافت نمی‌کنند (سوعادی، ۱۴۰۲).

این یک واقعیت است که زنان سرپرست خانواده در جامعه فشارهای زیادی تحمل می‌کنند، این فشارها بر سلامت روانی زنان و بالطبع فرزندان آن‌ها و کارکرد اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خانواده و در چشم‌انداز وسیع‌تر بر سلامت جامعه تأثیر می‌گذارد که افت کیفیت زندگی و عدم رضایت از آن در آن‌ها قابل مشاهده است. این مسئولیت اگرچه نقاط اشتراکی در بین این قشر از زنان دارد اما، برای هر کس می‌تواند تجربه‌ای متفاوت از دیگری باشد به این معنا که پارامترهایی نظیر تفاوت‌های فردی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد، سن، باورهای اعتقادی و امثال آن، در کیفیت و کمیت این تجربه تأثیر می‌گذارد. مشکلات بی‌سرپرستی زنان نیز می‌تواند باعث ایجاد انواع اختلالات روانی و رفتاری در آن‌ها از جمله اختلالاتی نظیر پرخاشگری و ناسازگاری با محیط و خانواده و فرزندان، بزهکاری و روسپیگری و اعتیاد و افسردگی و سرانجام ناتوانی آن‌ها در اداره زندگی شود. این امکان وجود دارد که زنان سرپرست خانوار هم از نظر مادی و هم عاطفی و روانی، دارای مشکل شوند و اضطراب و استرس بیش‌تر و در نتیجه نوسانات خلقی زیادی را تجربه کنند. این امر می‌تواند باورشان را در مورد توانمندی‌های خویش تحت تأثیر قرار داده و احساس لذت از زندگی را کاهش دهد (حسن زاده، ۱۴۰۲). بهزیستی

روان‌شناختی؛ از مفاهیم مورد توجه روان‌شناسی مثبت است که به معنای عملکرد بهینه تعریف می‌شود و فرد را به مقابله با فشارهای مختلف زندگی و تنظیم آن‌ها به یک روش قابل قبول توانمندی کند (باسترا^۱، ۲۰۲۴).

ریف (۱۹۸۹) بهزیستی روان‌شناختی را تلاش برای کمال در جهت تحقق توانایی‌های بالقوه واقعی فرد می‌داند که شامل شش مؤلفه‌ی استقلال، رشد شخصی، داشتن ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی، پذیرش خود و تسلط بر محیط است (ژو^۲، ۲۰۲۴). بنابراین ارتقا بهزیستی روان‌شناختی یکی از مهم‌ترین مداخلات پیش‌گیری جهت بروز مشکلات روانی است اما، قبل از ایجاد مداخلات پیش‌گیری، باید به‌طور کامل روابط بین بهزیستی روان‌شناختی و متغیرهای مرتبط را درک کرد (برادسون^۳، ۲۰۲۴). یکی از متغیرهای خودشناسی یک فرایند خودنظم‌دهنده است و باعث ارتقای بهزیستی انسان می‌شود. از این رو انتظار می‌رود با افزایش خودشناسی، میزان خودانتقادگری و دیگر آسیب‌های روان‌شناختی همراه با آن کاهش یابد. خودشناسی فرایندی پویا، انطباقی و انسجامی است که به شکل نظام‌مند عمل می‌کند. علاوه بر آن، خودشناسی برقراری ارتباط با خود، باهدف تجربه‌ی انسجام و وحدت است. انسجام، درنوردیدن مرزهای مصنوعی ذهن انسان را گریزناپذیر می‌کند. این همان حرکتی است که به تجربه‌ی وحدت می‌انجامد و باکمال و صفا همراه است. ارتباط، گفتگو، آشنایی، شناخت، صمیمیت، انسجام، هویت، تمایز، تعارض، مصالحه و شناخت فرایند و آداب آن‌ها، جنبشی است که اگر درون و برون آدم‌ها را فراگیرد زندگی را دل‌نشین‌تر می‌کند. خودشناسی فرایندی انسجام‌بخش و انطباق‌پذیر است، زیرا فرد تجارب و صفات خود را در جدالی معنادار وحدت می‌بخشد و به‌واسطه خودنظم‌دهی می‌تواند به بهزیستی خویش یاری رساند (حسینی، ۱۴۰۲). ظرفیت فهم فرایندها و تجربه‌های درونی به

¹ Basterra

² Zhou

³ Bradson

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان‌شناختی

شکلی نظام‌مند و ساختاریافته، به منظور سازمان دادن به خود، خودشناسی انسجامی نامیده می‌شود (مهدی پور، ۱۴۰۲).

ذهن آگاهی، به طور کلی به فرایندهایی شناختی اطلاق می‌شود که طی آن‌ها فرد ذهن آگاه، تمرکز خود را روی تجربه احساسات و اتفاقی که در لحظه حال، در خود یا اطرافش رخ می‌دهد، متمرکز می‌سازد. ذهن آگاهی، تمرکز و توجه فرد به صورت عدم قضاوت یا پذیرش تجربه‌ای است که در زمان حاضر رخ می‌دهد. ذهن آگاهی به عنوان حالت توجه برانگیخته و آگاهی از آنچه در لحظه کنونی اتفاق می‌افتد تعریف شده است (بهرامی، ۱۴۰۲). اگرچه تنظیم هیجانات قابلیت است که، همه افراد از آن برخوردارند ولی تفاوت‌های فردی در افکار و شناخت‌ها، موجب تفاوت در تنظیم هیجان و پاسخ به تجربه‌های استرس‌زای زندگی می‌شود. بنابراین تنظیم شناختی هیجان می‌تواند نقش بسیار مهمی در سلامت روانی انسان‌ها ایفا کند. همچنین می‌توان تنظیم هیجان را، معادل مقابله شناختی نیز در نظر گرفت که، در آن افراد توسط فرآیندهای شناختی و بر مبنای داده‌های هیجانی به مدیریت احساسات، عواطف و هیجانات خود می‌پردازند. فرآیندهای شناختی به افراد کمک می‌کند تا راحت‌تر مدیریت عواطف و احساسات خود را برعهده بگیرند. این فرآیندها باعث می‌شوند تا افراد بعد از حوادث استرس‌زا و تنش آور، مدیریت هیجان‌ها و احساسات خود را به خوبی کنترل کنند (قمصری، ۱۴۰۲).

سرمایه روان‌شناختی حالت روانی مثبت، واقع‌نگر و انعطاف‌پذیر نسبت به وقایع زندگی است و شامل چهار مؤلفه امید، تاب‌آوری^۱، خوش‌بینی^۲ و خودکارآمدی^۳ است. در واقع می‌توان بیان کرد سرمایه روان‌شناختی عاملی است که بستری را فراهم می‌کند تا منجر به افزایش بهزیستی روان‌شناختی شود (اکبری، ۱۴۰۱).

¹ Hope

² Resilience

³ Optimism

⁴ Efficacy

علاوه بر سرمایه‌های روان‌شناختی، چندین مطالعه نشان داده‌اند که بهزیستی روان با ذهن آگاهی مرتبط است. ذهن آگاهی یک فرآیند روان‌شناختی مربوط به آگاهی و توجه به افکار و احساسات در لحظه حال بوده که اثرات مخرب احساس تنهایی بر بهزیستی روان‌شناختی را کاهش می‌دهد. نتایج پژوهش‌ها بیانگر ارتباط مستقیم و معنادار بین بهزیستی روان‌شناختی و ذهن آگاهی است (عظیمی، ۱۴۰۲). نتایج پژوهش‌ها بیانگر ارتباط مستقیم و معنادار بین بهزیستی روان‌شناختی و ذهن آگاهی است (جوادیان و همکاران، ۲۰۱۹). مطالعه کشمیری و همکاران (۲۰۱۹)، نشان داد که ذهن آگاهی نقش تعدیل‌کننده در بهزیستی روان‌شناختی دارد و مداخله مبتنی بر آن منجر به ارتقا بهزیستی روان‌شناختی می‌شود. در مطالعه دیگری که توسط لنگوا^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، انجام شد، نتایج بیانگر ارتباط مستقیم ذهن آگاهی با بهزیستی روان‌شناختی بود. بایدون و همکاران (۲۰۲۰) به مقایسه اثربخشی آموزش سرمایه روان‌شناختی و قدردانی، بر بهزیستی روانی مادران دارای فرزند با اختلال رشد، پرداخته شد و نتایج آن نشان داد، سرمایه روان‌شناختی نسبت به قدردانی، بیشترین تأثیر را در بهزیستی روان‌شناختی مادران دارد. در مطالعه دیگری که توسط الیوت و همکاران (۲۰۱۹) انجام شد، نتایج بیانگر رابطه مستقیم ذهن آگاهی با بهزیستی روان‌شناختی بود. حسینی طبق دهی و همکاران (۱۴۰۱)، مطالعه‌ای باهدف اثربخشی آموزش ذهن آگاهی بر خود تاب‌آوری و حمایت اجتماعی ادراک‌شده زنان سرپرست خانوار انجام دادند. روش این پژوهش، نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان سرپرست خانوار شهرستان چمستان نور در سال ۱۳۹۹ به تعداد ۴۸۳ نفر بر اساس آمار اداره ثبت و احوال بودند. با استفاده از پرسش‌نامه خودتاب‌آوری کلاهنن (۱۹۹۶) و حمایت اجتماعی ادراک‌شده زیمت و همکاران (۱۹۸۸)، غربال‌گری اولیه انجام شد و ۳۰ نفر به‌عنوان نمونه به‌طور تصادفی ساده در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در سه مرحله

¹ Lengua

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان شناختی

پیش‌آزمون - پس‌آزمون و پیگیری به پرسش‌نامه‌های خودتاب‌آوری و حمایت اجتماعی ادراک‌شده پاسخ دادند و گروه آزمایش در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت آموزش ذهن آگاهی قرار گرفتند و گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. داده‌ها توسط آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر و آزمون تعقیبی بونفرونی تحلیل شدند. نتایج نشان داد که آموزش ذهن آگاهی بر خودتاب‌آوری و حمایت اجتماعی ادراک‌شده زنان سرپرست خانوار مؤثر است. تدینی و همکاران (۱۴۰۰)، مطالعه‌ای باهدف بررسی اثربخشی بهزیستی‌درمانی بر بهزیستی روان‌شناختی، تنظیم شناختی هیجان، نگرانی و تاب‌آوری زنان سرپرست خانوار شهر شیروان انجام دادند. جامعه آماری شامل کلیه زنان سرپرست خانوار شهر شیروان بود که در دامنه سنی ۲۰ تا ۴۹ سال قرار داشتند. نمونه این پژوهش شامل ۳۰ نفر بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. مداخله به شیوه گروهی بود، بدین‌صورت که صرفاً برای گروه آزمایش ۸ جلسه هفتگی بهزیستی‌درمانی انجام شد. ابزار پژوهش عبارت بود از پرسش‌نامه‌های تاب‌آوری کانر و دیویدسون، نگرانی پنسیلوانیا، تنظیم شناختی هیجانی گارنفسکی و بهزیستی روان‌شناختی ریف. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که بهزیستی‌درمانی باعث افزایش میزان تاب‌آوری، راهبردهای سازگار تنظیم شناختی هیجان، بهزیستی روان‌شناختی و کاهش نگرانی گروه آزمایش شده است هرچند کاهش معنادار راهبردهای ناسازگار تنظیم شناختی هیجانی را در پی نداشته است. در کنار مداخلات مبتنی بر سرمایه‌های روان‌شناختی و ذهن آگاهی تمرکز بر دو مداخله درمانی مبتنی بر خودتنظیمی و خودانسجامی نیز در ارتقا بهزیستی روان‌شناختی زنان سرپرست خانوار مهم است که در مطالعات کمی به آن پرداخته شده است. مداخله مبتنی بر خودتنظیمی هیجانی فرآیندی است که، افراد در مدیریت هیجانات خود از این شیوه استفاده می‌کنند. این شیوه به افراد کمک می‌کند تا به‌گونه‌ای متعادل با شرایط استرس‌زا روبه‌رو شوند. در پژوهشی مشخص شده است که سبک مقابله‌ای زنان سرپرست خانوار در برخورد با شرایط استرس‌زای زندگی هیجان‌مدار است؛ به‌گونه‌ای که این سبک موجب کاهش سلامت روانی آنان و افزایش استرس

DOI: [10.71854/soc.2024-1126730](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126730)

و اضطراب و اختلال در عملکرد اجتماعی می‌شود. بنابراین لازم است تا آموزش‌های لازم برای افزایش استفاده از سبک مقابله‌ای صحیح (مسئله‌مدار) به این گروه ارائه شود (شهابی، ۱۳۹۸).
از سوی دیگر نتایج پژوهشی دیگر که بر روی زنان سرپرست خانوار اجرا شده است نشان‌دهنده این است که زنانی که از مهارت‌های تنظیم هیجان برخوردار هستند، شادی بیشتری را تجربه می‌کنند و عملکرد بهتری را در موقعیت‌های هیجانی از خود نشان می‌دهند (خسروی کیا، ۱۳۹۹). همچنین در پژوهشی دیگر آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان موجب افزایش سلامت روان، افزایش استفاده از راهبردهای مثبت تنظیم هیجان و کاهش استفاده از راهبردهای منفی تنظیم هیجان در زنان سرپرست خانوار شده است (کامکار، ۱۳۹۷).

زنان سرپرست خانوار سلامت روانی پایین‌تری دارند و دو برابر بیشتر از زنان دارای همسر افسردگی را تجربه می‌کنند که، در این ارتباط وضعیت اقتصادی نقش مهمی را ایفا می‌کند. با حذف وضعیت اقتصادی از مدل، ارتباط بین سلامت روانی پایین‌تر و سرپرست بودن مادر کاهش می‌یابد ولی همچنان معنادار باقی می‌ماند. به این دلیل که زنان پس از بی‌سرپرست شدن، معمولاً در برابر مشکلاتی قرار می‌گیرند مانند تأمین و مراقبت از کودک (اگر فرزندی داشته باشند)، یافتن سرپناهی مناسب، تأمین معیشت خانواده و دشواری‌های ناشی از این که او تنها بزرگ‌سال خانواده است و باید نقش مادر و پدر را یکجا بازی کند. شرایط این زنان موجب شده آن‌ها از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه در برابر آسیب‌های اجتماعی باشند و عمدتاً یکی از علائم بیماری‌های روانی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس و پرخاشگری در آن‌ها دیده می‌شود. این گروه بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد بزرگ‌سال سرپرستی خانواده را بر عهده‌دارند. آن‌ها علاوه بر تعلیم و تربیت فرزندان خود، مسئولیت‌های مراقبتی و نگهداری از خانواده را نیز بر عهده‌دارند. در نتیجه، در معرض آسیب‌های جسمی، روانی، و اجتماعی بیشتری قرار دارند و تعداد آن‌ها به دلیل بالا رفتن میزان طلاق، کاهش میزان ازدواج، مهاجرت ناشی از بحران‌های اقتصادی و سیاسی و تغییر الگوهای فرهنگی رو به افزایش است. زنان سرپرست خانوار از نظر روانی،

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان شناختی

اجتماعی و اقتصادی آسیب پذیرتر از دیگر زنان اند و مشکلات روان شناختی بیشتری را تجربه می کنند. نگرش منفی افراد جامعه به این زنان باعث می شود در معرض خطرپذیری اجتماعی و روانی بیشتری قرار گیرند. از جمله عوامل پیش بینی کننده مشکلات روانی و به خصوص افسردگی در زنان سرپرست خانوار را می توان عبارت از سابقه ابتلا به افسردگی یا سایر بیماری های روانی، بیماری های جسمی، حمایت اجتماعی پایین، عملکرد ضعیف نقشی، بیکاری و فشارهای اقتصادی دانست. بر اساس آنچه گفته شد، انواع فشارهای روانی بر زندگی زنان سرپرست خانوار سایه افکنده و در چنین شرایطی ممکن است بهزیستی روان شناختی آنان کاهش یابد، بنابراین ارتقا سطح بهزیستی روان شناختی در این گروه در روان شناسی مثبت نگر جایگاه ویژه ای پیدا کرده است و بر این اساس مطالعه حاضر باهدف ارزیابی مدل و تدوین بسته آموزشی بهزیستی روان شناختی بر اساس خود انسجامی، خود تنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی با نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان شناختی و اثربخشی آن در بین زنان سرپرست خانوار طراحی و اجرا شد. و قصد پاسخگویی به این سوال را دارد که مدل و تدوین بسته آموزشی بهزیستی روان شناختی بر اساس خود انسجامی، خود تنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی با نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان شناختی و اثربخشی چگونه می باشد؟

روش شناسی

هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی تاثیر خود انسجامی، خود تنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی با بهزیستی روان شناختی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان شناختی می باشد. با توجه به اینکه تحقیق حاضر سعی در آزمون یک مدل دارد، لذا می توان چنین اعلام داشت که در حیطه تحقیقات کاربردی است. با توجه به این که در این پژوهش از روش های مطالعه کتابخانه‌ای و نیز روش های میدانی نظیر پرسشنامه استفاده شده است، می توان بیان کرد، پژوهش حاضر بر اساس ماهیت و روش، یک پژوهش توصیفی-پیمایشی است که در آن متغیرهای تحقیق در همان شرایطی که است، مورد بررسی قرار گرفت و ابعادی به آن اضافه نگردید. همچنین با توجه به این که در تحقیق حاضر از اعداد و روش های آماری برای آزمون فرضیه ها استفاده شد، می توان چنین اعلام داشت که، تحقیق حاضر از جهت گردآوری

داده کمی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه زنان سرپرست شهر شیراز است که، با توجه به حجم نمونه کوکران در شرایط نامشخص تعداد ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد و به روش تصادفی ساده بین نمونه آماری پخش گردید. ابزار جمع آوری در این تحقیق پرسش‌نامه بهزیستی روان‌شناختی ریف، پرسش‌نامه سرمایه روان‌شناختی لوتاز، پرسشنامه خودانسجامی قربانی و همکاران و پرسشنامه ذهن آگاهی بائر و همکاران و پرسشنامه خودتنظیمی هیجانی هافمن و کاشدان بود. پرسشنامه خودتنظیمی هیجانی هافمن و کاشدان (۲۰۱۰) شامل ۲۰ سوال، پرسش‌نامه خودشناسی انسجامی توسط قربانی و همکاران (۲۰۰۸) شامل ۱۲ گویه بود. روایی و پایایی پرسش‌نامه مورد تایید قرار گرفت. در پژوهش حاضر، داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی مورد ارزیابی قرار گرفت. از آمار توصیفی برای توصیف، طبقه‌بندی، تنظیم نمرات خام از طریق محاسبه میانگین و انحراف معیار جهت رسم جداول و نمودار استفاده شد. به همین منظور از روش‌های آماری آلفای کرونباخ جهت محاسبه ضرایب پایایی و کلموگروف اسمیروف برای نرمال بودن داده‌ها، تحلیل عامل اکتشافی و تحلیل مسیر برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده‌است. عملیات آماری با استفاده از نرم افزار spss نسخه ۲۶ و همچنین نرم افزار amos نسخه ۲۶ انجام شد، برای رسم نمودارها از نرم افزار excel نسخه ۲۰۱۰ استفاده شد و جداول در نرم افزار word نسخه ۲۰۱۰ ترسیم شدند.

یافته‌ها

برای بررسی فرضیه مدل تحقیق از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده شد، برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

هم‌خطی چندگانه: جهت بررسی همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین در مدل‌ها معادله ساختاری از مقادیر مربوط به دو شاخص (VIF) و (Tolerance) استفاده گردید:

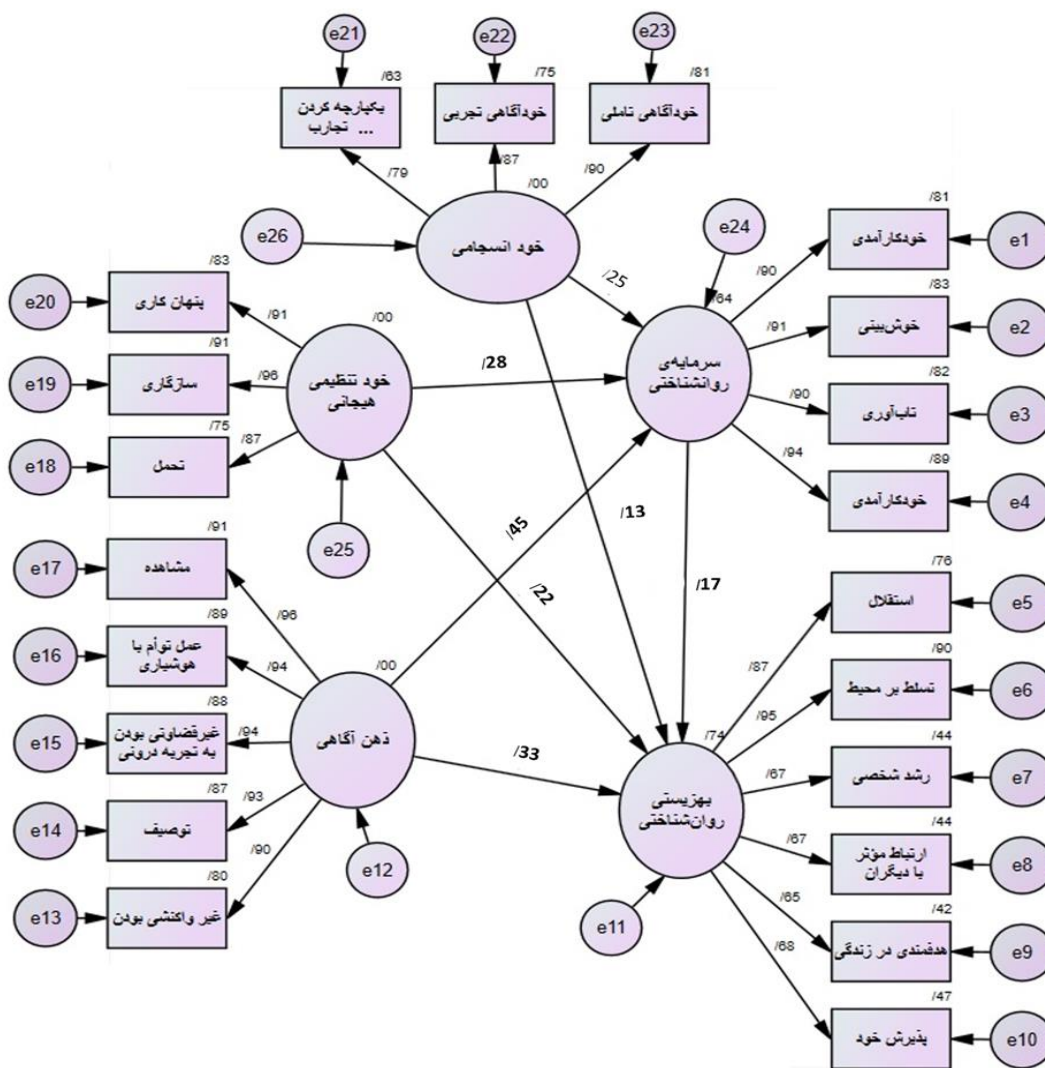
جدول ۱: برآورد شاخص‌های هم‌خطی چندگانه مدل معادله ساختاری

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان‌شناختی

| VIF | Tolerance | متغیر |
|-------|-----------|------------------------|
| 1/890 | 0/801 | خود انسجامی |
| 1/543 | 0/654 | خود تنظیمی هیجانی |
| 2/001 | 0/589 | ذهن آگاهی |
| 1/780 | 0/705 | سرمایه‌های روان‌شناختی |

بر حسب مقادیر برآورد شده در جدول بالا (مقدار شاخص Tolerance بالاتر از 0/40 و مقدار شاخص VIF پایین‌تر از 2/5) می‌توان گفت که همخطی چندگانه مربوط به متغیرهای مستقل پژوهش در وضعیت نامطلوبی قرار ندارد. بنابراین پیش فرض عدم همخطی چندگانه در خصوص این متغیرها برقرار است.

DOI: [10.71854/soc.2024-1126730](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126730)



شکل ۱: خروجی نرم افزار amos مدل مدال و تدوین بهزیستی روان‌شناختی بر اساس خود انسجامی، خود تنظیمی هیجانی

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان شناختی

و ذهن آگاهی با نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان شناختی و اثربخشی آن در بین زنان سرپرست خانوار

جدول 2: مقادیر برازش شده پارامترهای مدل پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی بر اساس خود انسجامی، خود تنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی با نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان شناختی

| نتیجه | سطح معناداری p-value | ضریب | | مسیرهای مدل |
|---------|-------------------------|----------------------|-----------|-------------------------|
| | | استاندارد β | ضریب B | |
| معنادار | *** | 0/253 | 0/743 | خود انسجامی <--- |
| معنادار | *** | 0/281 | 0/334 | خود تنظیمی هیجانی <--- |
| معنادار | *** | 0/450 | 0/514 | ذهن آگاهی <--- |
| معنادار | *** | 0/170 | 0/049 | سرمایه روان شناختی <--- |
| معنادار | *** | 0/125 | 0/105 | سرمایه روان شناختی <--- |
| معنادار | *** | 0/219 | 0/074 | بهزیستی روانشناختی <--- |
| معنادار | *** | 0/325 | 0/106 | بهزیستی روانشناختی <--- |

*** $P < 0.001$

مقادیر برازش شده پارامترهای مدل که در جدول 2 گزارش شده مربوط به مقدار برآورد استاندارد پارامترهای مدل است که در شکل ۱ نیز به صورت شهودی ارائه شده است. نتایج جدول سطح معناداری را برای متغیرهای پژوهش کمتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ ($p < 0.05$) و بسیار نزدیک به صفر گزارش می‌دهد و می‌توان نتیجه گرفت که روابط بین آن‌ها معنادار است.

DOI: [10.71854/soc.2024-1126730](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126730)

| شاخص‌های برازش | میزان | ملاک | تفسیر نتیجه |
|---|---------------|----------------------------------|-------------|
| CMIN= χ^2 (آماره آزمون) (درجه آزادی) | 160/476 (135) | df بالاتر همراه با χ^2 کمتر | برازش مطلوب |
| p-value (سطح معناداری) | 0/066 | بیشتر از 0/05 | برازش مطلوب |
| GFI (شاخص نیکویی برازش) | 0/962 | بیشتر از 0/90 | برازش مطلوب |
| AGFI (شاخص نیکویی برازش اصلاح شده) | 0/935 | بیشتر از 0/90 | برازش مطلوب |
| RMR (ریشه دوم میانگین مربعات خطای باقی‌مانده) | 0/515 | کمتر از قدر مطلق چهار | برازش مطلوب |
| TLI (شاخص توکر-لویس) | 0/997 | بیشتر از 0/90 | برازش مطلوب |
| RFI (شاخص برازش نسبی) | 0/978 | بیشتر از 0/90 | برازش مطلوب |
| CFI (شاخص برازش تطبیقی) | 0/998 | بیشتر از 0/90 | برازش مطلوب |
| NFI (شاخص برازش هنجار شده بنتلر-بونت) | 0/986 | بیشتر از 0/90 | برازش مطلوب |
| IFI (شاخص برازش افزایشی) | 0/998 | بیشتر از 0/90 | برازش مطلوب |
| RMSEA (ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد) | 0/022 | کمتر از 0/05 | برازش مطلوب |
| PNFI (شاخص برازش مقتصد هنجار شده) | 0/634 | بیشتر از 0/5 | برازش مطلوب |

جدول 3: شاخص‌های برازش مدل پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی بر اساس خود انسجامی، خودتنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی با نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان‌شناختی

بر مبنای نتایج ارائه شده در جدول 2 سطح معناداری مدل (0/066) بیشتر از مقدار سطح معناداری $\alpha=0/05$ است ($p>0/05$). در نتیجه بین مدل اندازه‌گیری شده و داده‌های تجربی تفاوت معناداری وجود ندارند و مدل برازشی برای داده‌ها مناسب است. حاصل تقسیم آماره آزمون بر درجه آزادی برابر با 1/189 (کمتر از 3 مطلوب) است. همچنین مقدار کوچک گزارش شده برای RMR و RMSEA مناسب بودن مدل پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی بر اساس خود انسجامی، خودتنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی با نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان‌شناختی با 95 درصد اطمینان تایید می‌شود. شاخص GFI، AGFI، TLI، NFI، IFI، PNFI و CFI نیز بیشتر از 0/9 گزارش شده است که همگی تاییدی دیگری برای خوبی برازش مدلی است که در شکل زیر ارائه شده است.

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان‌شناختی

جدول 4: نتایج آزمون بوت استرپ مربوط به اثرات غیرمستقیم در مدل پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی بر اساس خود انسجامی،

| خودتنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی با نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان‌شناختی | | | | |
|---|------------------|-------------|-----------|-----------|
| نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان‌شناختی | خودتنظیمی هیجانی | خود انسجامی | ذهن آگاهی | |
| غیراستاندارد | 0/016 | 0/036 | 0/025 | |
| بهزیستی روانشناختی | 0/048 | 0/043 | 0/077 | استاندارد |

نتایج حاصل از جدول ۴ نشان داد اثر غیرمستقیم خود انسجامی بر بهزیستی روان‌شناختی برابر با 0/043 گزارش شده و به لحاظ اثبات رابطه مثبت بین آن‌ها؛ می‌توان گفت با افزایش یک واحد میزان خود انسجامی، با توجه به نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان‌شناختی به صورت غیر مستقیم میزان بهزیستی روان‌شناختی زنان سرپرست خانوار به اندازه 4/3 درصد افزایش خواهد یافت. همچنین اثر غیرمستقیم خود تنظیمی هیجانی بر بهزیستی روان‌شناختی برابر با 0/048 گزارش شده و به لحاظ اثبات رابطه مثبت بین آن‌ها؛ می‌توان گفت با افزایش یک واحد میزان خود تنظیمی هیجانی، با توجه به نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان‌شناختی به صورت غیر مستقیم میزان بهزیستی روان‌شناختی زنان سرپرست خانوار به اندازه 4/8 درصد افزایش خواهد یافت. اثر غیرمستقیم ذهن آگاهی بر بهزیستی روان‌شناختی برابر با 0/077 گزارش شده و به لحاظ اثبات رابطه مثبت بین آن‌ها؛ می‌توان گفت با افزایش یک واحد میزان ذهن آگاهی، با توجه به نقش واسطه‌ای سرمایه‌های روان‌شناختی به صورت غیر مستقیم میزان بهزیستی روان‌شناختی زنان سرپرست خانوار به اندازه 7/7 درصد افزایش خواهد یافت. همچنین برای پی بردن به نقش میانجیگر سرمایه‌های روان‌شناختی از آزمون سوبل استفاده شد. برای آزمون فرضیه فوق با استفاده از فرمول زیر، آماره سوبل^۱ محاسبه گردید:

¹ Sobel

$$Z_{Value} = \frac{A \cdot B}{\sqrt{B^2 \cdot S_a^2 + A^2 \cdot S_b^2}}$$

که در فرمول بالا A ضریب رگرسیونی رابطه میان متغیر مستقل و میانجی، B ضریب رگرسیونی رابطه میان متغیر میانجی و وابسته، Sa خطای استاندارد رابطه میان متغیر مستقل و میانجی، Sb خطای استاندارد رابطه میان متغیر میانجی و وابسته می‌باشد.

برای محاسبه اثر میانجی، ابتدا باید تأثیر متغیر پیش‌بین (خود انسجامی، خودتنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی) بر متغیر ملاک (بهبودی روان‌شناختی) معنی‌دار باشد که در آزمون مشخص شد که این تأثیر معنی‌دار است. سپس با استفاده از آزمون سوبل، معنی‌داری اثر میانجی را اندازه گرفت.

خلاصه نتایج آزمون سوبل

| متغیر مستقل | متغیر میانجی | direct no med | direct w/ med | iv--med beta | med--dv beta | iv--med se | Med--dv se | آماره سوبل | |
|-------------|--------------|------------------------|---------------|--------------|--------------|------------|------------|------------|-------|
| خودانسجامی | بهبودی روانی | 0.63 | 0.79 | 0.566 | 0.397 | 0.041 | 0.058 | 6.032 | |
| خودتنظیمی | | سرمايه‌های روان‌شناختی | 0.11 | 0.96 | 0.634 | 0.458 | 0.035 | 0.065 | 2.066 |
| ذهن آگاهی | | | 0.01 | 0.79 | 0.683 | 0.382 | 0.034 | 0.069 | 0.099 |

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان‌شناختی

با استفاده از سامانه‌های آنلاین، آماره سوپل محاسبه شده است که مقدار به دست آمده 2/68 است که از قدرمطلق 1/96 بزرگتر بوده و بر اساس P-Value گزارش شده، در سطح کمتر از 0/01 معنی دار است. بنابراین، فرضیه فرعی مبنی بر اینکه: سرمایه‌های روان‌شناختی در ارتباط بین خود انسجامی، خودتنظیمی هیجانی و ذهن آگاهی با بهزیستی روان‌شناختی، نقش میانجی دارد، تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

این یافته با نتایج پژوهش‌های عابدین و همکاران (۱۴۰۱) و سلاجقه و همکاران (۱۳۹۶)، یار آقایی و همکاران (۲۰۱۱)، کروک و همکاران (۲۰۱۵) و موکسنس و لاوازیر و همکاران (۲۰۱۶) همسو بود. نتایج تحقیقات نشان داده‌اند که خود انسجامی، به‌عنوان نوعی از خودآگاهی، موجب تسریع فرایند خودتنظیمی می‌شود به این صورت که خود انسجامی منجر به افزایش توانایی ادراک فرد از خود می‌شود و می‌تواند به‌صورت سازنده افکار و احساسات شخص را تنظیم کند و منجر شود شخص به نتیجه‌ای مطلوب برسد (عابدین و همکاران، ۱۴۰۱).

علاوه بر این خودشناسی انسجامی موجب می‌شود افراد ظرفیت بالاتری برای مواجهه با شرایط استرس‌زا داشته باشند و از طریق خودتنظیمی و بازگشت تعادل به فرد، موجب مقابله کارآمد با عوامل استرس‌آور و کاهش تنش ادراک شده می‌شود، از طرف دیگر به نظر می‌رسد که احساس انسجام روانی با بهزیستی روانی در ارتباط است، چراکه افرادی که از احساس انسجام قوی برخوردارند در خودتنظیم‌گری خویش نیز موفق‌تر عمل می‌کنند و درنهایت خودتنظیم‌گری منجر به بهبود بهزیستی روان‌شناختی می‌شود (عابدین و همکاران، ۱۴۰۱).

در واقع حس انسجام روان یک جهت‌گیری کلی است که، بیان می‌کند فرد تا چه حد دارای احساس اطمینان فراگیر، باثبات و پویا است و محرک‌های درونی و بیرونی در طول زندگی را ساختاریافته، قابل پیش‌بینی و شفاف می‌داند. همچنان که افراد با احساس انسجام قوی، در رویدادهای استرس‌زا معطف‌ترند، به این معنا که در مورد احساسات و هیجان‌ات، خودآگاهی بیش‌تری دارند و کمتر استرس آن‌ها را تهدید می‌کند (عابدین و همکاران، ۱۴۰۱). از طرف دیگر خودتنظیمی به معنای گرفتن تصمیمات

شخصی، داشتن استقلال و خودکارآمدی است و در کنار آن، تسلط جمعی با کمک گرفتن از دیگران در مواقع لزوم و استفاده از راهبردهای مقابله‌ای اجتماعی مناسب، همراه است. بر این اساس شاید بتوان گفت که یادگیرنده خودتنظیم واقعی، می‌داند به‌تنهایی قادر به انجام چه کارها و حل چه مسائلی است؛ بنابراین در پیش‌نگری خودتنظیمی، برنامه‌ریزی می‌کند و در مرحله عملکرد به تلاش و اجرای اهداف خود می‌پردازد و در مرحله بازنگری، به ارزیابی آنچه انجام داده است اقدام می‌کند و نواقص خود را رفع می‌نماید و چه چیزهایی را با کمک دیگران بهتر می‌تواند انجام دهد (فولاد چنگ و همکاران ۱۳۹۴).

همین‌طور در تبیین این یافته می‌توان خاطر نشان کرد: یکی از راهبردهای سازگار تنظیم شناختی هیجان، دیدگاه وسیع داشتن است که این راهبرد را به‌وضوح می‌توان در برنامه بهزیستی‌درمانی مشاهده کرد. در خودتنظیمی هیجانی، افراد به‌جای تمرکز بر مسائل منفی و افکار مخمل بهزیستی روان‌شناختی، گزینه‌های دیگر را نیز در نظر می‌گیرند در نتیجه، نسبت به مسائل مختلف انعطاف‌پذیری بیشتری دارند. چنین توجهی موجب می‌شود، آنان نسبت به بسیاری از مشکلات زندگی دیدگاه وسیع‌تری داشته باشند. علاوه بر این، یکی دیگر از راهبردهای سازگار تنظیم شناختی هیجان، پذیرش است که می‌توان آن را هم‌تراز یکی از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی، یعنی پذیرش خود دانست (فولاد چنگ و همکاران ۱۳۹۴).

در سرمایه روان‌شناختی لوتاز تمام مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی مورد توجه است. برای مؤلفه امیدواری از نظریه‌اشناختی استفاده شده است و برنامه‌هایی بر اساس هدف‌گزینی درست و مفید ارائه شده است (لوتاز و همکاران، ۲۰۱۴). در مؤلفه خوش‌بینی بر اساس نظریه خود لوتاز برنامه‌هایی به‌منظور تشخیص و تفکیک خوش‌بینی واقعی از غیرواقعی و افزایش استانداردهای مثبت، ارائه شده است (لوتاز و همکاران، ۲۰۱۴). در مؤلفه خودکارآمدی، با در نظر گرفتن نظریه بندرو (۲۰۰۶)، زمینه مناسب جهت کسب تجربه موفق و افزایش خودکارآمدی ارائه شده است (آخوندی، ۱۳۹۷) و در نهایت در مبحث تاب‌آوری اقداماتی در زمینه تقویت روحیه استقامت، تقویت باورهای فردی و توانایی تأثیرگذاری فرد بر نتایج

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان شناختی

رویدادها صورت می‌گیرد (دولورسو و استوکوا^۱، ۲۰۱۵). در مطالعه بایدون و همکاران (۲۰۲۰) به مقایسه اثربخشی آموزش سرمایه روان‌شناختی و قدردانی بر بهزیستی روانی مادران دارای فرزند با اختلال رشد پرداخته شد و نتایج آن نشان داد، سرمایه روان‌شناختی نسبت به قدردانی، بیشترین تأثیر را در بهزیستی روان‌شناختی مادران دارد.

در مطالعه دیگر که توسط رئیسی و همکاران (۱۳۹۹) انجام شد، اثربخشی درمان‌های خودشفقت‌ورزی و آموزش سرمایه‌های روان‌شناختی بر تحمل پریشانی و خودتنظیمی هیجانی مادران دارای فرزند مبتلا به فلج مغزی را باهم مقایسه کردند. نتایج این پژوهش بیانگر آن بود که آموزش خود شفقت‌ورزی و سرمایه‌های روان‌شناختی به‌طور یکسان برافزایش تحمل پریشانی مادران اثر داشته است و از بین دو شیوه آموزشی، فقط سرمایه‌های روان‌شناختی، منجر به بهبود خودتنظیمی هیجانی مادران شده است.

درواقع، سرمایه‌های اجتماعی، شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و گروهی، تعاملات افراد بین نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی است که منجر به افزایش همبستگی و انسجام اجتماعی، برخورداری افراد از حمایت اجتماعی می‌شود و انرژی لازم را برای آسان‌سازی کنش‌ها در ایجاد و تحقق اهداف فراهم می‌سازد. از آنجایی که تحقق بهزیستی روان‌شناختی، بدون توجه به عوامل اجتماعی و تعاملات بین فردی و گروهی امکان‌پذیر نیست، می‌توان نتیجه گرفت که مداخلات آموزشی مبتنی بر سرمایه روان‌شناختی می‌تواند تأثیر مستقیمی بر بهزیستی روان‌شناختی داشته باشد (کاون و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به مطالب فوق و نتیجه پژوهش حاضر می‌توان آموزش ذهن آگاهی را به‌عنوان تسهیل‌کننده در بهبود بهزیستی روان‌شناختی برای سایر زنان و گروه‌های پرخطر پیشنهاد داد. با توجه به مطالب فوق و نتیجه پژوهش حاضر می‌توان آموزش خودانسجامی را به‌عنوان تسهیل‌کننده در بهبود بهزیستی روان‌شناختی برای سایر زنان و گروه‌های پرخطر پیشنهاد داد. با توجه به مطالب فوق و نتیجه پژوهش حاضر می‌توان آموزش خودتنظیمی را به‌عنوان تسهیل‌کننده در بهبود بهزیستی روان‌شناختی

¹ Dello Russo

برای سایر زنان و گروه‌های پرخطر پیشنهاد داد. پیشنهاد می‌گردد آموزش درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی، خود انسجامی و خودتنظیمی در مهارت‌های آموزش داده‌شده به زنان سرپرست خانوار توسط مدارس و بهزیستی گنجانده شود.

منابع

- اکبری، مصطفی (۱۴۰۱). شناسایی میزان تاثیر سرمایه روانشناختی مدیران بر عملکرد ایمنی کارکنان از طریق قابلیت عاطفی سازمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور استان مرکزی، مرکز پیام نور دلجان
- بهداری، زهرا، امانی، م. و مودی، م. (۱۳۹۷). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های تنظیم هیجانی بر راهبردهای تنظیم هیجانی و کیفیت زندگی بانوان سرپرست خانواده. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*, ۹(۳۴)، ۱۸-۱.
- بهرامی، نوشین (۱۴۰۲). ارزیابی نقش میانجی ذهن آگاهی در رابطه بین سبک‌های رفتاری خودنظم‌جویی هیجانی و الگوهای فکری ارتباطی با فرسودگی زناشویی در زوجین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور پاکدشت
- تازیکی، ط.، مؤمنی، م.، کرمی، ج.، غلامعلی، ا. (۲۰۲۲). تأثیر مداخله مبتنی بر ذهن آگاهی بر کیفیت زندگی و بهزیستی روان‌شناختی مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی. *روانشناسی افراد استثنایی*, 12(45)، 1-26.
- تدینی، عباس، آقامحمدیان شهرباف، حمید رضا، معینی زاده، مجید. (۱۴۰۰). اثربخشی بهزیستی‌درمانی گروهی بر بهزیستی روان‌شناختی، تنظیم شناختی هیجان، نگرانی و تاب‌آوری زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه زن و جامعه*, 12(47)، 84-67.
- جعفری، خ. (۱۳۹۴). مقایسه‌ی سرمایه روانشناختی و سبک مقابله‌ای و سلامت روان در زنان سرپرست خانوار و عادی (غیر سرپرست خانوار) شهر شیراز، پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- جعفری‌شالکوهی، ع.، اسدی‌مجرد، س.، اکبری، ب. (۲۰۲۰). تأثیر آموزش ذهن آگاهی بر تاب‌آوری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان زنان باردار. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*, 80(21)، 43-53.
- جوادیان، ر.، میرزایی فتح آباد، ه.، افراسیابی، ح. (۲۰۱۹). مطالعه کیفی دلایل و زمینه‌های مشارکت‌نکردن زنان سرپرست خانوار در برنامه‌های توانمندسازی. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*, 8(2)، 65-86.

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجیگری سرمایه‌های روان‌شناختی

حسن زاده، سمیه (۱۴۰۲). مقایسه تنظیم شناختی هیجان، تحمل ناکامی، صبر و تاب آوری در زنان بی سرپرست و با سرپرست در شهر کنگان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
حسینی طبقدهی، لیلیا. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش ذهن آگاهی بر خود تاب‌آوری و حمایت اجتماعی ادراک شده زنان سرپرست خانوار. زن و مطالعات خانواده 15. (57) 153-

قمصری، هما (۱۴۰۲). تعیین رابطه‌ی راهبردهای یادگیری خودتنظیمی و ذهن آگاهی بر اهمال کاری تحصیلی با نقش واسطه‌ای انگیزه‌ی پیشرفت در دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهرستان کاشان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان اصفهان، مرکز پیام نور نطنز

حسینی، منصوره (۱۴۰۲). اثربخشی آموزش ذهن آگاهی کودک محور بر تاب آوری و سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان با اختلال یادگیری ویژه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
دراهکی، احمد، نوبخت. (۲۰۲۱). بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار ایرانی: یک آنالیز ثانویه. پایش، 20(4)، 427-437.

رتیسی، حمیرا؛ شریفی، طیبه، غضنفری، احمد و چرامی، مریم (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی درمان خودشفقت‌ورزی و آموزش سرمایه روان‌شناختی بر تحمل‌پذیری هیجانی. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، 18(4)، 481-492.
سلاجقه، سوزان، امامی پور، سوزان، نعمت‌الله زاده ماهانی، کاظم. (۱۳۹۶). تبیین مدل ساختاری روابط بین خودانسجامی و بهزیستی روان‌شناختی بر اساس راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در زنان مبتلا به سرطان پستان. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*. 12(46)، 67-76.

سواعدی، هاجر (۱۴۰۲). بررسی وضعیت اقتصادی-اجتماعی زنان بی سرپرست زیر 50 سال خانوار کمیته امداد شهرستان حمیدیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان بوشهر، مرکز پیام نور بوشهر
خانجانی، م.، سهرابی، ف.، اعظمی، ی. (۲۰۱۸). بررسی تأثیر برنامه ارتقای تاب‌آوری و مدیریت استرس بر بهزیستی روان‌شناختی، معنای زندگی، خوش‌بینی و رضایت از زندگی زنان بی سرپرست. *نشریه روان‌پرستاری*، 6(2)، 1-11.
عابدین طیبه، قدسی پروانه، تقی‌لو صادق، دوایی مهدی. رابطه علی خودشناسی انسجامی و نیازهای بنیادین روان‌شناختی با بهزیستی روان‌شناختی: با توجه به نقش میانجی ذهن آگاهی در دانش‌آموزان مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان ۱۴۰۱؛ ۳(۲): ۲۱۳-۲۲۶

قربانی، رقیه، و فولادچنگ، محبوبه. (۱۳۹۴). ارتباط خودتنظیمی و تسلط جمعی با بهزیستی روان‌شناختی. *پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، 2(8)، 31-42.

مصطفی پور، و.، حسین ثابت، ف.، برجعلی، ا. (۲۰۱۹). اثربخشی آموزش مثبت‌نگری به شیوه‌ی گروهی برافزایش شادکامی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار. *زن و مطالعات خانواده*، 12(45)، 62-78.

DOI: [10.71854/soc.2024-1126730](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126730)

- مهدی پور، فاطمه (۱۴۰۲). مقایسه اثربخشی آموزش مبتنی بر ذهن‌آگاهی و بازی درمانی بر مهارت‌های رشد، خلاقیت و خود پنداره دانش‌آموزان ابتدایی، پایا نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان گیلان، مرکز پیام نور آستارا
- Asif, S., Mudassar, A., Shahzad, T. Z., Raouf, M., & Pervaiz, T. (2020). Frequency of depression, anxiety and stress among university students. *Pakistan journal of medical sciences*, 36(5), 971.
- Auerbach, R. P., Mortier, P., Bruffaerts, R., Alonso, J., Benjet, C., Cuijpers, P., ... & Kessler, R. C. (2018). WHO world mental health surveys international college student project: prevalence and distribution of mental disorders. *Journal of abnormal psychology*, 127(7), 623.
- Ardi, M. N., Tulab, T., Yurista, D. Y., Sariroh, A. (2022). Determinants of Family Resilience in Female-Headed Families on the North Coast of Java. *Jurnal Ilmiah Al-Syir'ah*, 20(2), 237-250.
- Baidun, A., Shaleh, A., Miftahuddin, M., Luzvinda, L& ., Muhtar, D. (2020, March). Effect of psychological capital and gratitude on subjective well-being young mother of hijrah communities in Jakarta. *In Proceedings of the 1st International Conference on Religion and Mental Health, ICRMH 2019, 18-19 September 2019, Jakarta, Indonesia*.
- Bowie, S. L., Banks, S., Dopwell, D. M., Martin, K. B. (2022). A differential analysis of depressed mood symptomology among welfare-reliant African American and Latinx women heads of household. *Journal of Poverty*, 26(7), 606-621.
- Dello Russo, S. & Stoykova, P. (2015). Psychological capital intervention (PCI): A replication and extension. *Human Resource Development Quarterly*, 26(3). 329-347.
- Duyan, M., Ilkim, M., Çelik, T. (2022). The Effect of Social Appearance Anxiety on Psychological Well-Being: A Study on Women Doing Regular Pilates Activities. *Pakistan Journal of Medical & Health Sciences*, 16(02), 797-797.
- Elliot, A. J., Gallegos, A. M., Moynihan, J. A., & Chapman, B. P. (2019). Associations of mindfulness with depressive symptoms and well-being in older adults: the moderating role of neuroticism. *Aging & mental health*, 23(4), 455-460.
- Goudarzi S, Jalali Farahani M, Saberi A. The Effect of Authentic Leadership Style on the Psychological Well-being of the Employees of the Ministry of Sports and Youth with the Intermediate role of Psychological Capital. *Scientific Journal of Organizational Behavior Management in Sport Studies*. 2019; 6(3): 37-48.
- Kwon, M., & Kim, H. (2020). Psychological Well-Being of Female-Headed Households Based on Age Stratification: A Nationwide Cross-Sectional Study in South Korea.

ارزیابی مدل بهزیستی روانشناختی بر اساس خود تنظیمی هیجانی، ذهن آگاهی و خودانسجامی با نقش میانجگری سرمایه‌های روان‌شناختی

International Journal of Environmental Research and Public Health, 17(18). 2- 11. MDPI AG.

- .Zhou, E., Carmona, R. K., Nwosisi, E., Waldron, E. M., & Burnett-Zeigler, I. (2024) Analysis of factor structure of the 42-item Ryff Psychological Well-Being Scale in a sample of African American women in a community health center. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 1-11
- Basterra-Gortari, V., Gil-Conesa, M., Sayón-Orea, C., Lahortiga-Ramos, F., De la Fuente-Arrillaga, C., Martínez-González, M. A., & Bes-Rastrollo, M. (2024). Daily time spent on screens and psychological well-being: Cross-sectional association within the SUN cohort. *Preventive Medicine*, 107912
- Meliála, A. K., & Ahman, A. (2024). Systematic Literature Review: Validitas Konstruk Skala Psychological Well-Being Ryff. *Ideguru: Jurnal Karya Ilmiah Guru*, 9(2), 950-955
- Bradson, M. L., & Strober, L. B. (2024). Coping and Psychological Well-Being Among Persons with Relapsing-Remitting Multiple Sclerosis: The Role of Perceived Self-Efficacy. *Multiple Sclerosis and Related Disorders*, 105495
- Krok, D. (2015). The mediating role of optimism in the relations between sense of coherence, subjective and psychological well-being among late adolescents. *Personality and Individual Differences*, 85, 134-139.
- Lengua, L. J., Thompson, S. F., Calhoun, R., Long, R. B., Price, C., Kantrowitz-Gordon, I., Moini, N. (2023). Preliminary Evaluation of the Effectiveness of Perinatal Mindfulness-Based Well-Being and Parenting Programs for Low-Income New Mothers. *Mindfulness*, 14(4), 933-952.
- Lipson, S. K., Lattie, E. G., & Eisenberg, D. (2019). Increased rates of mental health service utilization by US college students: 10-year population-level trends (2007–2017). *Psychiatric services*, 70(1), 60-63.
- Lahiri-Dutt, K., Pattnaik, I. (2022). Women Headed Households in Agriculture: Report from West Bengal, India. *Ecology, Economy and Society—the INSEE Journal*, 5(1), 223-229.
- Luthans, B. C.; Luthans, K. W. & Avey, J. B. (2014). Building the leaders of tomorrow: The development of academic psychological capital. *Journal of Leadership & Organizational Studies*. 21(2), 191-199.
- Moksnes, U. K., & Lazarewicz, M. (2016). The association between self-esteem and sense of coherence in adolescents aged 13–18 years: The role of sex and age differences. *Personality and Individual Differences*, 90, 150-154
- Rahimi, S., Hajloo, N., & Basharpour, S. (2019). The prediction of psychological well-being among students of mohaghegh ardebili university in 2018 based on the perspective of time dimensions (the mediator role of life expectancy): A Descriptive Study. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*, 18(7), 657-674.

DOI: [10.71854/soc.2024-1126730](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126730)

- Seligman, M. E. (2019). Positive psychology: A personal history. *Annual review of clinical psychology*, 15, 1-23.
- Sapranaviciute-Zabazlajeva, L., Sileikiene, L., Luksiene, D., Tamosiunas, A., Radisauskas, R., Milvidaite, I., Bobak, M. (2022). Lifestyle factors and psychological well-being: 10-year follow-up study in Lithuanian urban population. *BMC Public Health*, 22(1), 1011.
- Stivers, L. (2022). Empowerment of Female-Headed Households: A Christian Ethical Response. *Journal of the Society of Christian Ethics*, 42(1), 169-187.
- Vo, D. H., Ho, C. M. (2023). Determinants of wealth outcomes in female-headed households in Vietnam. *Feminist Economics*, 29(2), 154-191.
- Yalir Agha, A., & Sharif, N. (2011). Correlation between psychological well-being and sense of coherence in the students of Islamic Azad University-Central Tehran Branch. *Researcher Bulletin of Medical Sciences*, 15(6), 273-279.

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در

مناطق‌ی از مشهد

بیبا باقری فام

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

احمد صادقی^۱

استادیار علوم اجتماعی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

مسعود ایمانیان اردبیلی

استادیار علوم اجتماعی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۸

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی تطبیقی دلایل ادامه زندگی مشترک در زوجین دارای فرزند و بدون فرزند با ده سال زندگی مشترک است. حجم نمونه تحقیق شامل ۳۸ نفر (۱۵ نفر مرد و ۱۸ نفر زن) بوده که بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند از بین زوجین دارای فرزند و بدون فرزند که بالاتر از ده سال سابقه زندگی زناشویی در مناطق از مشهد دارند و با وجود عدم رضایت از زندگی زناشویی همچنان در ازدواجشان پایدار بودند، انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات مصاحبه است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها از روش تحلیل مضمون با کمک نرم افزار مکس کیودا استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که عوامل مدیریتی، اقتصادی، مسئولیت پذیری، فشارهای جمعی، مهارت‌های ارتباطی و کیفیت زناشویی به‌عنوان دلایل پایداری زندگی در زوجین دارای فرزند و بدون فرزند می‌باشد و فرزندآوری منجر به ذکر دلایل متفاوتی در تداوم و پایداری زندگی مشترک شده است، بدین معنا که زوجین، مولفه‌های فرعی متفاوتی را در زیرمجموعه دلایل اصلی پایداری زندگی مشترکشان عنوان نموده‌اند.

واژگان کلیدی: زندگی مشترک، زوجین، فرزند، بررسی تطبیقی، پایداری زندگی

¹ . نویسنده مسئول: asadeghi1528@gmail.com

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

A study on the reasons for the stability of married life of couples with and without children in some districts of Mashhad

Bitā Bagherifam

PhD. Candidate, Department of Social Sciences, Qouchan Branch, Islamic Azad University, Qouchan, Iran

Ahmad sadeghi²

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Qouchan Branch, Islamic Azad University, Qouchan, Iran

Masoud Imanian Ardebili

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Qouchan Branch, Islamic Azad University, Qouchan, Iran

Abstract

The present study compares the reasons for cohabitation in couples with and without children with ten years of cohabitation. The sample size of the research includes 38 people (15 men and 18 women), which was done based on the targeted sampling method among couples with children and without children who have been married for more than ten years in some areas of Mashhad, despite the lack of satisfaction with married life, they have been stable in their marriage. The method of collecting information is the interview. The thematic analysis method was used with the help of MAXQDA software to analyze information and data. The results showed that managerial, economic factors, responsibility, collective pressures, communication skills, and marital quality are the reasons for the stability of life in couples with and without children, and having children has led to the mention of different reasons for the continuity and stability of the joint life. It means that the couples mentioned different sub-components in the subset of the main reasons for the stability of their life together.

Key words: Married life, Couples, Child, Comparative analysis, Sustainability of marriage

مقدمه

خانواده مناسب‌ترین بستر فعالیت یافتن قابلیت‌ها و استعدادها و توانایی‌هایی انسان است و بخش‌های عظیمی از ابعاد شخصیت افراد همچون رفتارهای اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، تحمل و بردباری در برابر

². Corresponding Author: asadeghi1528@gmail.com

دیگران و واکنش‌های عاطفی در آن شکل می‌گیرد (پولادی و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۲). ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده است که خود جزو مهم‌ترین اتفاقاتی است که در طی زندگی فرد رخ می‌دهد. به عبارتی ازدواج یک رابطه مبتنی بر شکیبایی بین یک زن و مرد بالغ، به‌عنوان دو فرد منحصر به فرد است (موسوی و دهشیری، ۱۳۹۴، ۱۰۳). ازدواج، اولین و مهم‌ترین مرحله در چرخه زندگی خانوادگی است که در آن انتخاب همسر صورت می‌گیرد و موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد (یوسفی و باقریان، ۱۳۹۰، ۲۸۹).

بیان مسأله

در دهه‌های اخیر، پژوهشگران تلاش کرده‌اند، عواملی که، رضایت زناشویی را بهبود می‌بخشد و بر کارکرد خانواده تاثیرگذار است، را شناسایی کنند و ارتقاء دهند. ثبات ازدواج مفهوم گسترده‌ای است و به زوج‌هایی اشاره می‌کند که نه طلاق گرفته‌اند و نه به دنبال جدایی از یکدیگر هستند. ثبات ازدواج مفهومی عینی و قابل مشاهده است که با رضایتمندی و شادکامی زناشویی متفاوت است. در حالی که ثبات ازدواج یک ویژگی زوجی است و رضایتمندی یک ویژگی فردی. (نصیری ده‌سرخ و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۰۵). بنابراین از مهمترین دلایل پایداری خانواده، می‌توان به رضایت زناشویی اشاره نمود. عدم رضایت زناشویی، سلامت ازدواج را در معرض خطر قرار می‌دهد. زوجینی که رضایت زناشویی بالا داشتند و در بیشتر زمینه‌ها با هم مشورت می‌کردند، به یکدیگر احترام متقابل می‌گذاشتند. به‌صراحت به یکدیگر ابراز علاقه می‌کردند و رابطه‌شان را یک رابطه دوستانه معرفی می‌کردند و در کل از زندگی و رابطه با همسران‌شان راضی بودند (بهار، ۱۳۹۴، ۱۲۷).

لوینگر^۳ (۱۹۶۵)، برای تشریح این که چرا برخی از ازدواج‌ها سالم و کامل باقی می‌مانند، ولی برخی از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شوند، نظریه تبادل اجتماعی را مطرح کرد. مطابق با نظریه لوینگر، افراد

³ . Levinger

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

زمانی تمایل دارند در یک رابطه باقی بمانند که پاداش‌های دریافتی از رابطه زیاد و هزینه‌های صرف شده در رابطه اندک باشد. در این نظریه پاداش‌ها شامل جنبه‌های خوشایند رابطه همچون همدمی و همنشینی، حمایت عاطفی، احساسات، روابط جنسی و کمک‌های روزانه است. و هزینه‌ها شامل جنبه‌های ناخوشایند رابطه همچون تلاش برای سازگاری، برخورد با پرخاشگری‌های کلامی و فیزیکی و کنار آمدن با عادت‌های بد همسر است. (نصیری ده‌سرخ‌ی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۹۸).

صاحب‌نظران، ادامه زندگی مشترک و کیفیت زندگی را انعکاسی از خواسته‌ها، امیدها و انتظارات افراد در ارتباط با شرایط کنونی و آینده می‌دانند. کیفیت زندگی به معنای برآورده شدن انتظارات و به تبع آن میزان رضایت از زندگی و ادامه‌ی زندگی مشترک است که در قالب شادمانی، سرزندگی و احساس خوشحالی بروز می‌کند. کیفیت زندگی، نیروی قدرتمندی است که نقش برجسته‌ای در راستای هدایت و سلامت و تندرستی افراد ایفا می‌کند (ویبها^۴ و دیگران، ۲۰۱۲، ۹۱). عوامل فراوانی در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند، از جمله: حسن معاشرت در خانواده، نظم و انضباط، توجه به یکسانی در آفرینش، همکاری و همدردی، اندیشه تساوی میان مرد و زن، همکاری و همدردی، وجود روحیه مشورت در خانواده، دوستی و محبت، حفظ حرمت و شخصیت دیگران، صبر و پایداری زندگی، روحیه عفو و گذشت، حاکمیت صداقت در فضای خانواده، پرهیز از سوء ظن و آفت حسد، رازداری و وفاداری، مشی آرام و بی‌تکبر، حلم و بردباری، ترس از کیفر الهی، دوری از افراط و تفریط، تواضع، دوری از سخت‌گیری و اسراف و احسان به پدر و مادر (حسن زاده، ۱۳۹۳، ۶۱). اینگلهارث^۵ رضایت فرد از کل زندگی را بازتاب مجموع رضایت وی در زمینه‌های گوناگون همچون درآمد، مسکن، شغل، فعالیت‌های فراغت، زندگی خانوادگی، تاهل، داشتن فرزند و مانند آن‌ها می‌داند. (ساندرز^۶، ۲۰۱۰، ۱۶۷)

در عین حال یکی از وقایع مهم زندگی خانوادگی تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان و داشتن فرزند است. چرا که این مسئله بر سبک زندگی و از آن مهم‌تر بر کیفیت زندگی موثر است و در این

4 . Vibha

5 . Ingelhart

6 . Saunders

میان آنچه مهم‌تر جلوه می‌کند این است که داشتن فرزند چه تأثیری بر تداوم و پایداری زندگی مشترک دارد. (نعیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۶۷) از سویی افزایش فروپاشی ازدواج‌ها یکی از چالش‌های اساسی زندگی خانواده در عصر کنونی است در کشور ما نیز آمار طلاق در حال افزایش است و بارور بودن یا نبودن زوجین عامل مهمی در این رابطه است با این حال با توجه به تعهدهای زودگذر و نرخ بالای طلاق در بین زوج‌ها، جالب است که هنوز برخی از زوج‌ها در واقع با رضایت و کیفیت بالایی به زندگی زناشویی خودشان نگاه می‌کنند و داشتن یک زندگی زناشویی شاد و با کیفیت بالا را همچنان به عنوان یک هدف بسیار مهم برای خود در نظر گرفته‌اند (کاوه فارسانی و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۳) در دهه‌های اخیر هزاران زن و شوهر، در تمام مراحل ازدواج خود رنج می‌برند یا سعی می‌کنند به‌جای جدایی و طلاق با مشکلات ازدواج کنار بیایند (گیسون و میشل ۷؛ ۱۹۹۰ به نقل از ده سرخی و دیگران؛ ۱۳۹۷، ۱۹۹) مسلم است که تمرکز بر این که چه دلایلی باعث پایداری این ازدواج‌ها می‌شود باعث به‌دست آمدن تصویری می‌شود که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج ازدواج‌های پایدار در جامعه سازنده باشد. با توجه به افزایش ازدواج‌های بی‌ثبات و افزایش آمار طلاق در کشور، کانون خانواده‌ها در خطر است (حسینی؛ ۱۳۹۰، ۴۸ و ده سرخی و دیگران؛ ۱۳۹۷، ۲۰۳) در همین راستا پژوهش حاضر درصدد آن است که دلایلی را که موجب می‌شود زوجین به زندگی مشترک خود علیرغم وجود مشکلات، ادامه دهند، در دو گروه دارای فرزند و بدون فرزند مورد بررسی تطبیقی قرار دهد زیرا بیشتر تلاش‌هایی که تاکنون صورت پذیرفته در خصوص علل طلاق بوده‌است ولی می‌توان با رویکردی معکوس به این مقوله نگریست، یعنی به‌جای شناسایی دلایل طلاق به دنبال دلایل پایداری زندگی باشیم، بنابراین می‌توان سوال کرد، دلایل پایداری زندگی زناشویی بین زوجین دارای فرزند و بدون فرزند چیست؟ از طرفی به جای

7. Gibson and Michelle

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

علل که فقط یک رابطه علت و معلولی را بررسی می‌کند، به دلایل پرداختیم. برای شناسایی دلایل باید به ذهن افراد رسوخ کرد. با مصاحبه عمیق این اقدام انجام شده است.

دستاورد این طرح را می‌توان به مثابه ساعت شنی خانواده دانست که یکسوی آن طلاق و جدایی و سوی دیگر آن پایداری و تداوم زندگی است. لذا محقق با رویکردی معکوس، در صدد است با هدف پیش‌گیرانه، نه لزوماً تدافعی، به مسأله طلاق بپردازد و علاج واقعه قبل از وقوع را سرلوحه خود قرار دهد. زیرا متأسفانه، در جامعه ما به علل طلاق توجه ویژه‌ای می‌شود و هزینه بسیاری به جلوگیری از طلاق در خانواده‌ها اختصاص می‌یابد؛ بنابراین بهتر است به‌جای مطالعه علل طلاق به مطالعه دلایل پایداری ازدواج بپردازیم، شاید از این رهگذر بتوانیم ذهنیت زوجین دارای فرزند و بدون فرزند را بر تقویت علل پایداری زندگی، متمرکز کنیم؛ به‌جای آن‌که تمرکز آنان را، به‌صورت منفی، بر جلوگیری از طلاق و علل آن سوق دهیم. با کمک این رویکرد می‌توان به راحتی به‌جای رویکرد منفی، رویکرد مثبتی را فرا روی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند قرار داد و بدین طریق، نیاز اجتماعی جامعه به حفظ خانواده را به نیکوترین وجه پوشش داد.

ضرورت پرداختن به این موضوع زمانی بیشتر آشکار می‌شود که نهاد خانواده شکل گرفته و پنج سال سرنوشت ساز خود را طی نموده‌است و واقعیت زندگی به زوجین بیش از پیش نمایان گردیده‌است و آگاهی و آموزش در این حیطه می‌تواند به‌جای صرف انرژی و سرمایه بیشتر و نگرانی و ترس از طلاق، به سمت پایداری زندگی مشترک زوجین کشیده شود و با ارائه مدل پایداری در زوجین دارای فرزند و بدون فرزند، می‌توان تفاوت پایداری و دوام زندگی‌های زناشویی را تعریف نمود. لذا سازمان‌های حمایت از خانواده و مراکز مشاوره‌ای می‌توانند بر اساس نتایج این رویکرد و مدل‌های استخراج شده، زوجین را به سوی تداوم و پایداری زندگی رهنمون سازند. با انجام تحقیقات این چنین می‌توان میزان ازدواج‌های باخطر بالا را کاهش داد (حسینی؛ ۱۳۹۰ و ده سرخی و دیگران؛ ۱۳۹۷). همچنین این موضوع گامی مهم در جهت سلامت خانواده و ارتقاء سطح فرهنگ جامعه می‌باشد (خیری؛ ۱۳۹۴)؛ و از همه این‌ها مهمتر آن‌که، می‌توان رضایت و شادکامی و دوام از ازدواج‌های موجود را افزایش داد و از نابسامانی‌های خانوادگی و پیامدهای آن جلوگیری کرد (ندائی و همکاران؛ ۱۳۹۳).

پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

السون و همکاران (۲۰۱۰)، نشان دادند خانواده با تولد فرزند ابعاد جدیدی می‌یابد. چراکه زوج‌ها پیش از تولد اولین فرزند، احساس شادکامی و رضایت بیش‌تر از زندگی زناشویی خود داشتند، با تولد فرزند این احساس کم می‌شود و در سال‌های میانی با بزرگ شدن فرزندان، مجدداً افزایش می‌یابد. چنین تغییراتی بر اساس الگو و ریخت‌شناسی زوج‌ها در مطالعات برایان (۱۹۹۸) نیز مورد مطالعه قرار گرفته و تایید شده است.

کاظمیان در پژوهشی نشان داد که وجود فرزند بر افزایش صمیمیت زناشویی تاثیرگذار است (کاظمیان؛ ۱۳۹۷). منگا^۹ (۲۰۰۴) پژوهشی در زمینه بررسی رابطه میان صمیمیت، رضایت زناشویی و الگوهای تعاملات زناشویی با وجود یا نبود فرزند در خانواده‌های دارای فرزند و بدون فرزند را به صورت کمی انجام داد. نتایج نشان داد رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری با وجود فرزند دارد (قرلباشیان و عارفی، ۱۳۹۴، ۳۶۲). یوسفی و باقریان نیز (۱۳۹۰) در نتایج پژوهش کمی قلباش و عارفی (۱۳۹۴) درباره زنان و مردان دارای فرزند و بدون فرزند نشان داد که باروری و وجود فرزند، باعث گرمی و صمیمیت بیشتر رابطه زناشویی می‌شود. هرچند آسیب ازدواج بر اساس نتایج این پژوهش، روزمرگی است و با گذر زمان از صمیمیت رابطه کاسته می‌شود. به‌طور کلی در افراد، بین صمیمیت زناشویی و طول مدت ازدواج رابطه منفی وجود دارد. پژوهش‌مدیری و قاضی طباطبایی (۱۳۹۷) در بین ۱۲۳۲ نمونه زنان زیر ۴۹ سال دارای فرزند و بدون فرزند نشان می‌دهد که کیفیت زندگی زناشویی بالاتر، در خروج از بی‌فرزندگی و تک فرزندی اثرگذار است. همچنین نتایج تحقیق، تاییدکننده تئوری‌های تأثیر مثبت

⁸ . Bryan, A. A.

⁹ . Monga

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

کیفیت زندگی زناشویی بر قصد فرزندآوری بوده و افراد متأهل در شهر تهران از فرزندآوری به عنوان استراتژی برای بهبود زندگی زناشویی استفاده نمی‌کنند.

کلارک^{۱۰} و دیگران (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی بین زوجین به بررسی شادکامی زوجها قبل و پس از رویدادهای مهم زندگی پرداختند و به این نتایج دست یافته‌اند که یکی از این رویدادهای اثرگذار در شادکامی زوجین و از جمله زنان، تولد فرزند بوده است. لینالا^{۱۱} در فنلاند، ۱۴۰۲ فرد ۲۵ تا ۴۲ ساله بدون فرزند یا تک فرزند را مورد بررسی قرار داده است. او کیفیت زندگی زناشویی افراد را در سال ۲۰۰۸ سنجیده و فرزندآوری ایشان را در سال ۲۰۱۱ بررسی کرده است. نتایج تحقیق او نشان داده‌است، مردان بدون فرزند که کیفیت زناشویی متوسط و بالا داشتند با احتمال بیشتری صاحب فرزند شده‌اند. مردان با کیفیت زندگی زناشویی متوسط که فرزند دارند به احتمال بیشتر، صاحب فرزند بیشتر شده‌اند. کیفیت زندگی زناشویی، فرزندآوری زنان بدون فرزند را به دو صورت شکل داده است. کیفیت بالای زندگی زناشویی بر قصد فرزندآوری زنان بدون فرزند تأثیر مثبت داشته است. همچنین زنان با کیفیت زناشویی متوسط و بالا و داشتن یک فرزند، با احتمال بیشتری صاحب فرزند شده‌اند. (لینالا، ۲۰۱۱، ۴۱) و اناسج^{۱۲} و دیگران (۲۰۱۳) به این نتایج اشاره کرده‌اند که شادکامی زنان دارای فرزند، بیشتر از شادکامی زنانی بوده است که فرزندی نداشته‌اند. زائویانگ^{۱۳} و دیگران (۲۰۱۸) نشان داده‌اند که رضایت زناشویی، نقش مهمی در سلامت روان زن و مرد و همچنین میزان کارکردهای به‌هنجار خانواده ایفا می‌کند.

سوال تحقیق

چه دلایلی موجب می‌شود زوجین به زندگی مشترک خود ادامه دهند؟ تفاوت میان دلایل ادامه زندگی مشترک زوجین دارای فرزند با زوجین بدون فرزند که ده سال از زندگی مشترکشان می‌گذرد در چیست؟

¹⁰ . Clark

¹¹ . Lainiala

¹² . Vanassche

¹³ . Zhaoyang

روش پژوهش

تحقیق حاضر با توجه به ماهیت آن در لزوم دسترسی به اطلاعات دقیق و دلایل اصلی و ریشه‌ای پایداری از روش‌های کیفی که در آن بر تعامل با مشارکت کنندگان و فهم دیدگاه‌ها، معانی، بافت یا موقعیت آن‌ها تکیه دارد، استفاده نموده است. از آنجایی که هدف این پژوهش علاوه بر شناخت دلایل، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های این دلایل در بین زوجین دارای فرزند و زوجین بدون فرزند می باشد، به بررسی تطبیقی این دلایل نیز پرداختیم. روش تحقیق تطبیقی یا مقایسه‌ای یکی از مهم‌ترین روش‌های پژوهش در حوزه مسایل علوم اجتماعی است و مبتنی بر فهم شباهت‌ها و تفاوت‌ها است. این روش در حوزه مطالعات اجتماعی مورد توجه امیل دورکیم است. از دیدگاه او جامعه‌شناسی بدون مطالعات تطبیقی نمی‌تواند به عنوان شاخه علمی بیان گردد و مطالعات تطبیقی با بهره‌گیری از دو سنت کمی و کیفی به لحاظ راهبردی یا استراتژی مبتنی بر دو راهبرد قیاسی و استقرایی است. آنچه مسلم است، با توجه به این که ما در این پژوهش به دنبال کشف دلایل هستیم روش کیفی استقرایی به کارگیری شده است. حجم نمونه تحقیق بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اصل اشباع‌پذیری (تا رسیدن به نتایج یکسان) انجام گرفته است که، شامل ۳۸ نفر (۱۵ نفر مرد و ۱۸ نفر زن) بر حسب دو گروه زوجین دارای فرزند و زوجین بدون فرزند با ده سال سابقه زندگی مشترک در مشهد است. روش گردآوری اطلاعات نیز مصاحبه است. در این روش بیش از سایر روش‌ها به «مصادق‌نمایی» و تبیین مصادیق عینی نیاز است. میانگین زمانی مصاحبه‌ها بین ۴۵ دقیقه تا ۱ ساعت بود برای تعیین پایایی از مصاحبه‌های عمیق بر اساس سوالات پرسشنامه باز که به تایید اساتید فن رسیده است، استفاده شد و با توجه به سابقه کاری محقق در حوزه خانواده، می‌توان پایایی تحقیق را از دیدگاه کرسول مناسب ارزیابی نمود. برای رسیدن به معیار روایی و قابلیت اعتماد از تکنیک‌های متعارف و مرسوم استفاده گردید. اول کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا: در این روش بعد از کدگذاری اولیه، باید متن مصاحبه‌ها و کدهای استخراج شده در اختیار مشارکت

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

کنندگان قرار می‌گرفت، که با توجه به عدم شناسایی مشارکت کنندگان، از این روش صرف نظر گردید، اما با این وجود خروجی کدگذاری شده به برخی افراد قابل شناسایی ارائه گردید و صحبت‌ها و متون پیاده شده و کدهای استخراج شده را تایید نمود. گام دوم استفاده از تکنیک ممیزی: در این زمینه سه متخصص در حوزه تحلیل مضمون، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.

برای سازماندهی فرایندهای ساخت یافته جهت ثبت اطلاعات از ضبط مصاحبه‌های انجام شده با رضایت مصاحبه شونده‌گان استفاده شده‌است و از روش تحلیل تماتیک یا مضمونی برای تحلیل متن مصاحبه‌ها استفاده شده‌است. این روش یک روش کلاسیک برای تحلیل متن به شمار می‌رود. و روشی است برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و معمولاً برای مجموعه‌ای از متون پیاده شده مصاحبه یا بحث گروهی استفاده می‌شود. محقق داده‌ها را از نزدیک بررسی می‌کند تا مضامین یا تم‌های مشترک و الگوهای معنایی را که، مکرر مطرح می‌شود، شناسایی کند. یک فرآیند 6 مرحله‌ای را در این گام طی نمودیم، شامل: آشنایی، کدگذاری، تولید مضامین یا تم، بررسی تم‌ها و تعریف و نامگذاری آن‌ها که، در این پژوهش منتج به 6 تم اصلی و 21 تم فرعی گردید بدین صورت که بعد از هر مصاحبه متن مصاحبه‌ها با استفاده از عبارات کلیدی موجود در متن یا استنباط شده توسط پژوهشگر بررسی گردید. کدهای مشابه از نظر ماهیت و معنی در یک طبقه قرار گرفتند و طبقات و کدهای هر مصاحبه با مصاحبه بعدی مقایسه شد تا خواص و روابط مشترک بین آن‌ها شناسایی شود، سپس حول محور مشترکی قرار گرفت و طبقات وسیع‌تری را تشکیل داد. در این مرحله بررسی کردیم که، آیا می‌توان کدها را مختصرتر نمود و آن‌ها را با هم ترکیب کرد و آیا می‌توان مضامین یا تم‌های جدیدی را بدست آورد؟ در مرحله نامگذاری، یک نام قابل درک برای هر یک از تم‌ها انتخاب نمودیم. نتیجه نهایی در جدول 8 جمع بندی گردید و در هر یک از جداول 2 تا 7 نمونه از مصادیق شناسایی و هر یک از تم‌ها عنوان شده است.

یافته‌ها

میانگین سنی مردان ۴۰ سال و زنان ۳۶ سال و میانگین اختلاف سنی بین زوجین حدود ۵ سال بوده است. بیشترین تعداد فرزند در زوجین دارای فرزند ۳ نفر بوده است و اغلب مشارکت کنندگان در مشاغل علمی و کارمند بوده‌اند.

تحلیل مضمون مصاحبه‌های به‌دست آمده از شرکت کنندگان در خصوص دلایل زمینه ساز ادامه زندگی مشترک بین زوجین دارای فرزند و بدون فرزند، منجر به استخراج ۶ تم اصلی «مدیریت و تصمیم‌گیری، عوامل اقتصادی، فشار جمعی محیطی، مسئولیت‌پذیری، مهارت‌های ارتباطی و کیفیت زناشویی» گردید که در ادامه به تفصیل بیان شده‌است.

جدول (۱) مقوله بندی تم‌های اصلی محور تحقیق

| موضوع | ردیف | تم اصلی |
|--|------|---------------------|
| دلایل پایداری زندگی مشترک با 10 سال قدمت | 1 | مدیریت و تصمیم‌گیری |
| | 2 | عوامل اقتصادی |
| | 3 | فشار جمعی محیطی |
| | 4 | مسئولیت‌پذیری |
| | 5 | مهارت‌های ارتباطی |
| | 6 | کیفیت زناشویی |

تم اصلی ۱: مدیریت و تصمیم‌گیری؛

تمامی زوجین در این پژوهش (n=38) در مورد مدیریت و تصمیم‌گیری به‌عنوان یکی از دلایل پایداری و ثبات زندگی توجه ویژه داشته‌اند. اکثر آن‌ها بر نحوه مدیریت و تصمیم‌گیری مشترک و حل تعارضات

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

در گذر زمان به صورت خاص تاکید داشتند. ویژگی‌هایی که زوجین بر این تم اصلی، موثر شناسایی کرده بودند در تم‌های فرعی زیر مشخص شده است، که در جدول (2) ارائه گردیده است :

مدیریت و تصمیم‌گیری مشتمل بر تصمیم‌گیری، مدیریت تعارضات خانوادگی، نگرش مثبت به مشکلات، تعقل و اندیشه و نیز آینده‌نگری در پایداری زندگی زناشویی اهمیت زیادی دارد؛ به طوری که در پژوهش حاضر، بیشتر زنان و مردان مشارکت‌کننده به این مهم اذعان نموده و آنرا عاملی کنترلی برای گرایش به ادامه زندگی عنوان نموده‌اند. جدول ذیل تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی «مدیریت و تصمیم‌گیری» را به همراه نمونه‌هایی از مصادیق مربوطه نشان می‌دهد.

جدول ۲. تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی مدیریت و تصمیم‌گیری

| نمونه مصادیق | زوجین دارای فرزند | زوجین بدون فرزند | تم فرعی | تم اصلی | محور |
|--|-------------------|------------------|----------------------------|---------------------|-----------------------------------|
| یکی از زوجین باید مدیریت کند و تصمیم‌گیری نهایی را بکند و دیگری باید مدیریت او را پذیرا باشد. | 22.2% | 23.1% | تصمیم‌گیری مشترک | مدیریت و تصمیم‌گیری | عقل زمینه ساز پایداری زندگی زوجین |
| «من و همسرم به سبب این که فرزندی نداریم، نمی‌توانیم مدت‌های زیادی باهم قهر و ناراحت باشیم و مجبوریم زودتر درگیری‌های خود را بایکدیگر حل کنیم و گرنه زندگی سخت تر می‌شود (شرکت کننده 16، مرد، 39 ساله» | 11.1% | 23.1% | مدیریت تعارضات | | |
| چند سال است که با همسرم زندگی می‌کنم، اصلا به فکر زندگی نیست، و یکی از دلایلی که تمایل به فرزند ندارد هم همین است ولی به نظر من اصلا مرد زندگی نیست (شرکت کننده 11، زن، 40 ساله» | 33.3% | 30.8% | آینده‌نگری | | |
| «نمی‌توانم تحمل سختی از زندگی را در نظر بگیرم، طبیعتا زن و زندگی خرج دارد و بچه‌ها مشکلات خاص خودشان را دارند (شرکت کننده 1، مرد، 40 ساله» | 22.2% | 15.4% | نگرش به زندگی در تحمل سختی | | |
| با همسرم به مسافرت کوتاهی رفته بودیم و در میان برف گیر کردیم، مینی بوس را مجبور شدیم ترک کنیم، به همسرم گفتم کوله را بردار که ممکن است غذا نداشته باشیم و ماشین درست نشود، اما همسرم توجه نکرد و متاسفانه تا شب گرسنه ماندیم چون ماشین تعمیر نشد و | 11.1% | 7.7% | تعقل در انتخاب | | |

| | | | | |
|--|--|---------------|--------|---|
| | | | | ما پیاده روی تا روستا داشتیم، در هیچ موردی در زندگی عاقلانه تصمیم نمی‌گیرد (شرکت کننده 10، زن، 37 ساله) |
| | | SUM | 100.00 | 100.00 |
| | | N = Documents | 15 | 22 |

مطابق نتایج تحلیل محتوا، مشخص شد بیشتر زوجین دارای فرزند و بدون فرزند معتقدند که آینده نگری، با ۳۳ درصد، مهمترین عامل تداوم زندگی است ولی در زوجین دارای فرزند، مدیریت و نگرش به تحمل سختی‌های زندگی و مدیریت و تصمیم‌گیری، با ۲۲ درصد، بیشترین زمینه‌سازهای این عامل در ثبات و تداوم زندگی مشترک بوده است. در حالی که درصد فراوانی‌ها در بین زوجین بدون فرزند نشان داد که آنان معتقدند مدیریت تعارضات و تصمیم‌گیری، دومین عامل مهم در پایداری زندگی می‌باشد.

تم اصلی ۲: عوامل اقتصادی

علاوه بر عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی نیز بر تداوم زندگی مشترک زنان و مردان دارای فرزند و بدون فرزند مورد توجه قرار گرفته است. ویژگی‌هایی که زوجین بر این تم اصلی موثر شناسایی کرده بودند، در تم‌های فرعی زیر مشخص شده است که در جدول (۳) ارائه گردیده است: کدها و طبقات جدول (۱) در خصوص عوامل اقتصادی که زمینه ساز و تسهیل کننده پایداری زندگی مشترک بوده‌اند از طریق مصاحبه‌های انجام گرفته با مشارکت کنندگان به دست آمد که بیانگر آن است که بخشی از عوامل اقتصادی نظیر درآمدهای پایدار، توان اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و تمکن مالی، هریک از زن و مرد، با وجود فرزند به عنوان مکمل‌های ادامه زندگی مشترک شناسایی شده است. اکثر مصاحبه کنندگان جدایی را برابر با زیان اقتصادی هنگفت دانسته‌اند و معتقد بودند با مدیریت و گذشت بهتر

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

می‌توان بر قدرت اقتصادی افزود. بنابراین در بین زنان و مردانی که دارای ده سال سابقه زندگی مشترک و بیشتر بوده‌اند علیرغم مشکلات، ادامه زندگی مشترک را به‌صالح خودشان می‌دانسته‌اند.

جدول ۳. تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی عوامل اقتصادی

| نمونه مصادیق | زوجین دارای فرزند | زوجین بدون فرزند | تم فرعی | تم اصلی | محور |
|---|-------------------|------------------|-------------------|-------------|-----------------------------------|
| «حق طلاق با مرد است و زن هیچ حقی ندارد و اگر بخواهم ثابت کنم هزینه زیادی دارد»، «شرکت کننده شماره 11، زن 40 ساله با 15 سال زندگی مشترک و ...» | 0 | 25.0% | هزینه های اقتصادی | عقل اقتصادی | عقل زمینه ساز پایداری زندگی زوجین |
| «اگر از همسرم به‌خاطر مشکلات جدا شوم تمام زندگی که جمع کرده‌ایم از هم می‌باشد» (شرکت کننده شماره 8، مرد 39 ساله با 12 سال زندگی مشترک) | 16.7% | 0 | ثروت | | |
| | 100.00 | 100.00 | SUM | | |
| | 3 | 17 | N = Documents | | |

نتایج تحلیل محتوا توسط تحلیلگران، نشان داد که بیشتر زوجین دارای فرزند معتقدند که ثروت، با ۱۷ درصد، مهمترین عامل تداوم زندگی است ولی در زوجین بدون فرزند عوامل هزینه‌های اقتصادی، با ۲۵ درصد، از بیشترین زمینه سازهای این عامل در ثبات و تداوم زندگی مشترک بوده‌است.

تم اصلی ۳: فشار جمعی محیطی

تعدادی از افراد مشارکت کننده دارای فرزند، وجود عقاید و باورها به ادامه زندگی مشترک را، بر اساس نسبت‌های قومیتی و تناسب فرهنگی، برای حفظ حیثیت و آبرو، در نگهداشت زندگی مشترک به سبب عامل اصلی فشار جمعی ناشی از محیط اجتماعی بیان داشته‌اند. تاثیر محیط اجتماعی بر پایداری و آرامش زندگی مشترک، امری انکارناپذیر است که زنان و مردان دارای فرزند به آن اذعان نموده‌اند.

جدول ۴. تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی فشار جمعی و محیطی

| مصدر | تم اصلی | تم فرعی | زوجین بدون فرزند | زوجین دارای فرزند | مصادیق |
|-----------------------------------|-------------------|-------------------------|------------------------|-------------------------|--|
| علل زمینه‌ساز پایداری زندگی زوجین | فشار جمعی و محیطی | سرزنش اجتماعی | 33.3% | 28.6% | «می‌ترسم بعدها سرزنش‌کننده» (شرکت‌کننده شماره 10، مرد 38 ساله با 10 سال زندگی مشترک و ...) |
| | | توقعات اجتماعی و حیثیتی | 16.7% | 42.9% | «خانواده‌ی همسر دخترشان را به ادامه زندگی تشویق می‌کنند و می‌گویند تو زندگی‌ت را تباہ نکن» (شرکت‌کننده شماره 4، مرد 43 ساله با 14 سال زندگی مشترک و ...) |
| | | تناسب فرهنگی | 50.0% | 28.6% | خانواده همسر شهرستانی هستند و پدرشهرم متولد روستا بوده و من اصلاً به این موضوع توجه نکرده‌بودم و حتی همسرم متولد درگز بوده (شرکت‌کننده شماره 9، زن، 33 ساله) |
| | | N = Documents | 15 | 19 | |

مطابق نتایج تحلیل محتوا مشخص شد، بیشتر زوجین دارای فرزند معتقدند که وجود توقعات اجتماعی و حیثیتی، با ۴۳ درصد، مهمترین عامل تداوم زندگی است و سپس فشار جمعی محیطی مانند عرف و تناسب فرهنگی، با ۲۸ درصد، دومین عامل پایداری خانواده قلمداد شده‌است ولی در زوجین بدون فرزند عامل تناسب فرهنگی، با ۵۰ درصد، منجر به تداوم زندگی شده‌است و سپس فشار جمعی و محیطی با ۳۳ درصد منجر به ادامه زندگی می‌شود.

تم اصلی ۴: مسئولیت‌پذیری

بیشتر مصاحبه‌شوندگان زن و مرد، میزان مسئولیت‌پذیری را به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل پایداری زندگی مشترک عنوان نموده‌اند. مسئولیت‌پذیری توسط مصاحبه‌شوندگان شامل مسئولیت نسبت به خود

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

و دیگران، پاسخگویی نسبت به وظایف پذیرفته شده در قبال خود و دیگران، احساس تعهد و وجدان در مقابل کوتاهی‌ها و حل مشکلات و مسائل زندگی مشترک و احساس مسئولیت و تعهد نسبت به فرزند را، بر ادامه زندگی مشترک تاثیرگذار دانسته‌اند.

جدول ۵. تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی مسئولیت پذیری

| نمونه مصادیق | زوجین دارای فرزند | زوجین بدون فرزند | تم فرعی | تم اصلی | محور |
|--|-------------------|------------------|---------------|---------------|-----------------------------------|
| «من مطابق شرع با همسرم ازدواج کردم و مطابق همان شرع او باید کارکنم و مخارج زندگی را تامین کند نه این که چون یک شیفت کار می‌کند بگوید مسئولیت من تمام شده (شرکت کننده 13، زن، 29 ساله)» | 25.0% | 40.0% | مسئولیت نقش | مسئولیت پذیری | عقل زمینه ساز پایداری زندگی زوجین |
| «گوشی همسرم را دیدم که از شش ماه پیش در آن مباحث جنسی در قسمتی ذخیره شده بود در حالی که ما مشکل داریم، به اون گفتم که برای من که نفرستادی پس برای چی ذخیره کردی؟ (شرکت کننده 10، زن، 37 ساله)» | 50.0% | 30.0% | تعهد پذیری | | |
| «چندبار به طلاق فکر کردم، اما به خاطر بچه‌ها به زندگی ادامه می‌دهم، (شرکت کننده شماره 12، مرد 40 ساله با 15 سال زندگی مشترک) من و همسرم چندین سال است که باهم زندگی می‌کنیم، ولی فرزندی نداریم، چندین بار می‌خواستم جدا شوم اما مادرم می‌گوید شاید صاحب فرزند شدید (شرکت کننده 15، زن، 31 ساله)» | 25.0% | 30.0% | وجود فرزند | | |
| | 21 | 16 | N = Documents | | |

بیشتر زوجین دارای فرزند معتقدند که وجود تعهدات را، با ۵۰ درصد، مهمترین عامل تداوم زندگی و سپس انجام مسئولیت‌ها و وجود فرزند، با ۲۵ درصد، دومین عامل پایداری خانواده قلمداد شده‌است. ولی در زوجین بدون فرزند عامل انجام مسئولیت‌ها، با ۴۰ درصد، را مهمترین عامل تداوم زندگی دانسته‌اند و سپس فرزندآوری، با ۳۰ درصد، منجر به ادامه زندگی می‌شود.

تم اصلی ۵: مهارت‌های ارتباطی
تمامی زوجین در این پژوهش (n=38) در مورد مهارت‌های ارتباطی به‌عنوان یکی از دلایل پایداری و ثبات زندگی توجه ویژه داشته‌اند. اکثر آن‌ها بر نحوه برقراری ارتباطات در گذر زمان به‌صورت خاص تاکید داشتند. ویژگی‌هایی که زوجین بر این تم اصلی موثر شناسایی کرده‌بودند در تم‌های فرعی زیر مشخص شده‌است که در جدول (۶) ارائه گردیده‌است:

جدول ۶. تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی مهارت‌های ارتباطی

| محرور | تم اصلی | تم فرعی | زوجین بدون فرزند | زوجین دارای فرزند | نمونه مصادیق |
|-----------------------------------|-------------------|------------------|------------------|-------------------|--|
| علا زمینه‌ساز پایداری زندگی زوجین | مهارت‌های ارتباطی | مهارت‌های گفتاری | 0 | 12.5% | خسته شدم از بس وقتی مشکلات زندگی را با همسرم درمیان می‌گذارم تنها چیزی که دریافت می‌کنم سکوت است و این شرایط را بدتر می‌کند (شرکت کننده شماره 9 زن، 33 ساله) |
| | | اعتماد | 20.0% | 12.5% | بیشتر اوقات احساس می‌کنم، همسرم در مورد ارتباط با خانواده خودش و مادرش هیچ اعتمادی به من ندارد، گمان می‌کنم همسرم تحت تاثیر مادرش به‌صورت پنهان به زندگی مان پوشش می‌دهد و اصلا من را قبول ندارد و به همین سبب دل‌سردم تا با او صحبت کنم (شرکت کننده شماره 11، زن، چهل ساله) |
| | | گذشت | 40.0% | 12.5% | همسرم فقط کافی ست کوچکترین خطایی نسبت به مادرش انجام شود، به‌خاطر مشکلاتی که با مادرش داشته‌ام، به‌شدت خشمگین می‌شود طوری که من تحمل خود را از دست می‌دهم و اصلا حوصله ندارم (شرکت کننده شماره 8، مرد، 39 ساله) |
| | | اخلاق | 20.0% | 25.0% | «با وجودی که خیلی از اوقات بدخلقم اما همسرم با مهربانی و حسن ارتباط طوری برخورد می‌کند که ناخودآگاه می‌نشینم و سعی می‌کنم به زندگی بهتر فکر کنم» (شرکت کننده شماره 4، مرد 38 ساله با 10 سال زندگی مشترک) |

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

| | | | | | |
|--|--|---------------|--------|--------|---|
| | | درک متقابل | 20.0% | 37.5% | «دیگر طاقم تمام شده‌است بعد از سال‌ها زندگی متعجبم که چرا نوبت من که می‌شود باید شرایط همسر را درک کنم و قهر نکنم ولی این در مورد من صدق نمی‌کند (شرکت کننده 18؛ مرد، 44 ساله)» |
| | | SUM | 100.00 | 100.00 | |
| | | N = Documents | 14 | 23 | |

توجه به نتایج حاصله از تحلیل مضمون مشخص کرد، بیشتر زوجین دارای فرزند معتقدند، درک متقابل و سپس اخلاق، به ترتیب با ۳۷ و ۲۵ درصد، مهمترین عامل مهارت‌های ارتباطی موثر در تداوم زندگی است ولی در زوجین بدون فرزند، عامل گذشت، با ۴۰ درصد، مهمترین عامل ارتباطی در تداوم زندگی شده‌است.

تم اصلی ۹: کیفیت زناشویی

تمامی زوجین در این پژوهش ($n=38$) در مورد کیفیت زناشویی به‌عنوان یکی از دلایل پایداری و ثبات زندگی توجه ویژه داشته‌اند. اکثر آن‌ها بر کیفیت زناشویی در گذر زمان به‌صورت خاص تاکید داشتند. ویژگی‌هایی که زوجین بر این تم اصلی موثر شناسایی کرده‌بودند در تم‌های فرعی زیر مشخص شده‌است که در جدول (۶) ارائه گردیده‌است.

ارضای نیازهای زناشویی اعم از روابط زناشویی، عشق و محبت، ارزشمندی و احترام متقابل از اهمیت زیادی برخوردار است و بیشتر زنان و مردان مشارکت کننده آن را عاملی برای عدم گرایش به روابط خارج از ازدواج بیان نموده‌اند، هرچند برای هر دو گروه داری فرزند و فاقد فرزند، فقدان عشق و علاقه یک‌جمله مهم در روابط زناشویی محسوب می‌شد، اما برای مردان و زنان با بیش از ده سال سابقه زندگی مشترک و دارای فرزند، درک علاقه همسر و ابراز علاقه از راه‌های مختلف و مستمر توسط همسر، حائز اهمیت می‌باشد.

جدول ۷. تم‌های فرعی شناسایی شده مربوط به تم اصلی کیفیت زناشویی

| محرور | تم اصلی | تم فرعی | زوجین بدون فرزند | زوجین دارای فرزند | نمونه مصادیق | |
|-----------------------------------|---------------|----------------------------|------------------|-------------------|--|--|
| علل زمینه ساز پایداری زندگی زوجین | کیفیت زناشویی | کیفیت زناشویی | 16.7% | 0 | راستش را بگویم، با وجود مشکلات زیادی که با همسرم دارم زمانی که به شدت ناراحتم و او سمت من می‌آید قادر به برقراری رابطه با اون نیستم اما وقتی راضی‌ام می‌کند تمام مشکلات را فردا فراموش می‌کنم (شرکت کننده 13، زن، 33 ساله) | |
| | | جذابیت های ظاهری | 0 | 0 | «یکی از کارهایی که موقع مشکلات به‌نویان زن یاد گرفتم انجام بدهم زمانی که همسرم بشدت از دستم ناراحت است، این است که خود آرایی کنم و مقابلش ظاهر شوم (شرکت کننده 9، زن، 33 ساله) | |
| | | احترام متقابل به خواسته‌ها | 16.7% | 25.0% | «همسرم فکر می‌کنه رابطه جنسی باید در تاریکی انجام بشه و کار زشتی هست» (شرکت کننده شماره 12، مرد 40 ساله با 15 سال زندگی مشترک) | |
| | | عشق | 66.7% | 75.0% | «عاشق همسرم بودم که با او ازدواج کردم علیرغم مخالفت خانواده ام توانستم آنان را راضی کنم، اکنون با وجود این که صاحب فرزندی نیستیم اما هنوز هم دوست ندارم به زندگی مشترکمان پایان دهم» (شرکت کننده شماره 1، مرد 40 ساله با 11 سال زندگی مشترک) | |
| | | | | | | دیگر علاقه و عشقی به همسرم احساس نمی‌کنم که بتوانم زندگی با اون را ادامه دهم، به‌نظرم او فقط به خودش فکر می‌کند و در تمام این سال‌ها اشتباه کردم. (شرکت کننده 17، زن، 35 ساله) |
| | | SUM | 100.00 | 100.00 | | |
| | N = Documents | 13 | 23 | | | |

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

بیشتر زوجین دارای فرزند معتقدند، عشق، با ۷۵ درصد، و سپس احترام متقابل به خواسته‌های زناشویی، با ۲۵ درصد، مهمترین عامل کیفیت زناشویی موثر در تداوم زندگی است؛ ولی در زوجین بدون فرزند عامل عشق، با ۶۶ درصد، مهمترین عامل ارتباطی در تداوم زندگی شده‌است.

جدول ۸. دلایل شناسایی شده ادامه زندگی مشترک بین زوجین

| تم اصلی | تم فرعی | کدها |
|---------------------------|-------------------------|---|
| بند پذیرایی و تصمیم‌گیری | تصمیم‌گیری | به موقع تصمیم گرفتن، رضایت از تصمیمات، شرایط تصمیم‌گیری مطلوب |
| | مدیریت تعارض | حل مساله، نحوه برخورد مطلوب با اختلاف سلیقه |
| | آینده‌نگری | نگاه به آینده و تاثیر تصمیمات بر زندگی آینده خانواده و فرزندان |
| | نگرش به زندگی | نگرش مثبت به مشکلات در خانواده، بزرگ نکردن مشکلات، هیچ موضوعی غیرقابل حل نیست، هدفمندی در زندگی |
| عوامل اقتصادی | تعقل در انتخاب | تمرکز بر اهداف زندگی مشترک، فکر کردن به نتایج کارها و تصمیمات |
| | وضعیت اقتصادی | اشتغال پایدار، درآمد پایدار، توان اقتصادی خانواده، سرمایه‌گذاری‌های مشترک |
| | ثروت | بدنه اقتصادی خانواده، سرمایه و دارایی‌ها |
| بند فرهنگی و اجتماعی | سرزنش اجتماعی | عرف جامعه مانند قبح طلاق و جدایی و وجود سرزنش اجتماعی |
| | توقعات اجتماعی و حیثیتی | انتظارات خانواده‌های کلان، حفظ آبرومندی، وجهات اجتماعی در نظر مردم |
| | تناسب فرهنگی | قومیت مشترک، تعلقات مذهبی و فرهنگی، همشهری بودن، آداب و رسوم مشترک |
| بند پذیرایی و داشتن فرزند | مسئولیت‌نقش | احساس مسئولیت‌داشتن، انجام عمل مسئولانه، پاسخگویی در مقابل اشتباهات |
| | تعهد‌پذیری | احساس روانی تعهد‌داشتن، احساس عذاب وجدان، انجام اعمال تعهدآور |
| | داشتن فرزند | بیان علت این‌که به دلیل فرزندآوری بایستی به زندگی ادامه داد |
| مهارت‌های ارتباطی | مهارت‌گفتاری | ارتباط گرم و صمیمی، ارتباط مثبت، انجام ارتباطات متقابل، نحوه بیان ارتباطات |
| | اعتماد اجتماعی | میزان اعتماد به گفتار و رفتار فرد |
| | گذشت و فداکار | گذشت از کمبودها و نقایص و نادیده گرفتن مشکلات |
| بند زناشویی | اخلاق | خوش‌خلقی، نیک‌اندیشی |
| | درک متقابل | توانایی حل مساله، مشورت، در میان گذاشتن مساله جهت حل مساله، گرفتن تصمیمات تفاهم‌آمیز، همدردی |
| | جذابیت‌های زناشویی | رضایت از تناسب اندام، رضایت از ظاهر و پوشش، توجه کافی به ابعاد زناشویی |
| بند زناشویی | احترام متقابل | رعایت حریم خصوصی، رعایت ادب در کلام، پاسخگویی مطلوب و متقابل |
| | عشق | علاقه و محبت داشتن |

اکنون می‌توان در جمع‌بندی نهایی تحلیلی محتوای تحقیق حاضر، به صورت خلاصه در جدول (۸) علل پایداری زندگی زناشویی را ارائه نمود. لازم به ذکر است که جهت درک بهتر تحلیل مضامین محتوای مصاحبه‌های انجام شده شرح کدهای شناسایی شده جهت درک بهتر ارائه شده است.

بحث

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که زوجین دارای فرزند با زوجین بدون فرزند عوامل متفاوتی را برای تداوم زندگی خویش عنوان نموده‌اند. بیشتر زوجین دارای فرزند، آینده‌نگری، توقعات اجتماعی و حفظ آبرو، میزان تعهد‌پذیری، درک متقابل و عشق و محبت را عامل تداوم زندگی دانسته‌اند. زوجین بدون فرزند، آینده‌نگری، عامل اقتصادی، تناسب فرهنگی، انجام مسئولیت‌ها و گذشت و وجود عشق و محبت را به عنوان مهمترین عوامل تداوم زندگی مشترک برشمرده‌اند. این تفاوت‌ها به انتظارات متفاوت زوجین دارای فرزند و بدون فرزند اشاره می‌کند. نتایج تحقیق نصیرده سرخی و همکاران (۱۳۹۷) نیز نشان داده است که به طور کلی عوامل پاداش دهنده در جهت راهبردهایی که افراد برای نگهداری زندگی مشترک شان به کار می‌گیرند، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. همچنین می‌توان راهبردها را به منظور افزایش و بهبود کیفیت، رضایت و ثبات زندگی مشترک زوجین به کار گرفت. نتایج این تحقیق در سطحی کلی تر نسبت به جزئی‌نگری تحقیق حاضر انجام گرفته است که می‌توان تحقیق حاضر را به نوعی مکمل این تحقیق قلمداد نمود. در گاهی (۱۳۹۷) نیز در بررسی تاثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی دریافت، اشتغال زنان تحصیل کرده در ایران، با کاهش مشقت اقتصادی، باعث ثبات بیشتر خانواده شده است. در این تحقیق نیز ملاحظه می‌شود، زوجین بدون فرزند با این مسأله کاملاً موافق بوده‌اند. نتایج تحقیق حاتمی و ورزنه (۱۳۹۴) نشان داد که در الگوی زندگی پایدار، هر چه عوامل محدود کننده بیشتر باشد، استفاده از راهبردهای حفظ رابطه زناشویی توسط افراد کاهش می‌یابد. این عوامل محدود کننده فرزندان، وابسته بودن، تنهایی در آینده، بدنامی، و مانند این، شناسایی شده‌اند. زندگی‌های پایدار عموماً دارای

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

رضایتمندی بیشتری در عواملی نظیر: عشق، تعلق خاطر، وقت گذاشتن برای یکدیگر، حریم سازی زوجی کارآمد، کمک به یکدیگر در ایفای نقش، ارتباطات مطلوب، تصمیم گیری مؤثر هستند و این موارد، از عمده ترین عوامل تداوم ازدواج شناسایی شده‌اند و مؤید نتایج تحقیق حاضر می باشد؛ چرا که بر اساس نتایج تحلیل محتوا در این تحقیق نیز در خصوص تم اصلی زناشویی یا مهارت‌های ارتباطی به این موضوعات اشاره گردیده‌است. زارع و صفیاری (۱۳۹۴) نیز در نتایج تحقیق خود نشان دادند که میزان عشق و علاقه زوجین به یکدیگر در حدود ۴۰ درصد از تداوم زندگی مشترک را تضمین می کند که، نتیجه این تحقیق با نتایج تحقیق حاضر در هر دو گروه زوجین دارای فرزند و بدون فرزند، همخوانی داشته است. خالدی (۱۳۹۳) نیز در تحقیقی در خصوص عوامل پایداری زندگی زوجین نشان داد، مولفه هایی مانند احترام، رابطه جنسی مطلوب و تعهد، نقش مهمی در حفظ و نگهداری زندگی مشترک داشتند.

نتیجه گیری

خانواده یک گروه طبیعی و اولیه است که با هدف رفع نیازهای اساسی افراد شریک در آن شکل می یابد. هر خانواده حداقل از دو نفر تشکیل می شود. این دو نفر شخصیت هایی با شعور و صاحب فهم و آگاهی تصور می شوند که تصمیم گیری هایشان بر اساس منافع فردی تصور می شود (نظریه ی مبادله) بنابراین برخی بر این اعتقادند که آنچه ثبات خانواده را موجب می شود، درک افراد درون خانواده از این موضوع است که چقدر به اهداف و خواسته های شخصی خود دست یافته اند.

برآیند نهایی تحقیق حاضر بیانگر آن است که در دو گروه زوجین دارای فرزند و بدون فرزند، عوامل زمینه ساز و تسهیل کننده در تداوم و پایداری زندگی مشترک تا حدودی متفاوت است. به نظر می رسد که حضور فرزند و تجارب و عملکردهای ناشی از آن بر نتایج هر دو گروه تأثیرات متفاوتی داشته‌است؛ چرا که زوجین دارای فرزند به طور مثال در خصوص عامل مدیریت و تصمیم گیری حداقل امتیاز را به مدیریت تعارضات داده‌اند. در حالی که زوجین بدون فرزند آن را مهم تر قلمداد نموده‌اند. این امر می تواند بیانگر تأثیر فرزند بر اختلافات فی مابین زوجین و داشتن هدف مشترک باشد و بر همان اساس نیز ملاحظه می شود که زوجین دارای فرزند به سرمایه منقول و غیرمنقول به سبب وجود فرزند اهمیت بیشتری داده‌اند چرا که اکثر آنان در تم اصلی علل اقتصادی، ثروت را عامل مهمی قلمداد می کنند و هم و غم والدین بر

تأمین نیازهای فرزندان‌شان برای زندگی بهتر است و آن‌را به‌عنوان عامل تداوم ذکر کرده‌اند و در عین حال انتخاب مولفه آینده‌نگری و پذیرش تعهد، برای آنان در ارتباط متقابلی قرار می‌گیرد. درحالی‌که زوجین بدون فرزند، ضمن تأکید بر آینده‌نگری، بیشتر بر عوامل اقتصادی نظیر اشتغال، درآمد و غیره، متمرکز بوده‌اند و عملکرد مسئولیت برای آنان از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌است. همچنین زوجین دارای فرزند باتوجه به گستردگی نقش‌ها و مسئولیت‌ها در خانواده، درک متقابل را مهمترین عامل دانسته‌اند و سایر عوامل را نیز دارای اولویت یکسان شمرده‌اند. در حالی‌که در زوجین بدون فرزند ملاحظه می‌شود، مهارت‌های گفتاری مورد تأکید برای برقراری ارتباط، شناسایی نشده‌است. لیکن گذشت و فداکاری با توجه به فقدان فرزند، از اولویت بیشتری برخوردار بوده‌است. (جدول شماره ۶) در ادامه می‌توان نتیجه‌گیری کرد، آینده‌نگری از درجه اهمیت بالایی برای هر دو گروه از زوجین برخوردار است. لذا ضروری است، قبل از ازدواج افراد از انتظارات، برنامه‌ها و اهداف آینده یکدیگر شناخت کافی داشته باشند زیرا، در شروع زندگی مشترک ممکن است افراد از روی هیجان و احساسات تصور کنند، حاضرند با تمام انتظارات و توقعات هم کنار بیایند؛ اما با گذشت زمان و پیگیری اهداف ذهنی، زوجین متوجه تفاوت‌ها و ناتوانی‌های خود در تحقق خواسته‌ها و انتظارات هم می‌شوند. لذا مشاوره قبل از ازدواج به شفاف‌سازی این موارد کمک کرده و می‌تواند فرد را به انتخاب آگاهانه نزدیک کند. علاوه بر آن در تم اصلی فشار جمعی و محیطی و مسئولیت‌پذیری زوجین، در هر دو گروه امتیازهای بالایی بر اساس تم‌های فرعی ثبت شده‌است. در جامعه‌ای که در حال گذار از شکل سنتی به مدرن است، بدیهی است که مردم بخش‌هایی از سنت را حفظ نموده‌اند. در این راستا ابزارهای مدرن مانند: شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، که امروزه در دسترس همگان است و به‌سرعت می‌توان از آن اطلاعات کسب کرد، تبدیل به فضای بیم و امید و یا به بیانی، تهدید و فرصت گردیده‌است. این رسانه‌ها می‌توانند فرهنگ مخاطب را به شکل نامحسوس تغییر دهند و امروزه گاه باعث از بین رفتن قبح خیانت و طلاق و ناپایداری خانواده

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

شده‌اند. لذا اصحاب رسانه باید در راستای سالم سازی فرهنگی و اهمیت حفظ خانواده گام‌های اساسی بردارند. این ضرورت در تم فرعی تعهد به خصوص در زوجین دارای فرزند مشاهده می‌شود. در نهایت تم فرعی عشق در هر دو گروه از زوجین، یکی از مهم‌ترین دلایل پایداری زندگی زناشویی است که، علاوه بر آن، بر تم اصلی کیفیت زناشویی اثر گذاری مثبت دارد. وجود علاقه و محبت می‌تواند باعث بروز سلامت جسم و روح در زوجین گردد و تاثیرات مثبت زیادی دارد از جمله، می‌تواند به زوجین کمک کند تا در برابر چالش‌ها، مقاوم‌تر باشند و روابط پایدارتر و سالم‌تری داشته باشند. از آنجایی که خانواده، اولین خاستگاه جامعه‌پذیری انسان است، برای داشتن جامعه‌ای سالم نیازمند خانواده‌های پایدار و سالم هستیم. در این راستا ضمن به کارگیری آموزه‌های دینی و اسلامی و مهمترین آن قرآن کریم، به‌عنوان برترین نسخه زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، با توجه به این که بخش عظیمی از آیات به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص یافته است، رجوع به آیات الهی، می‌تواند انسان را در جهت دستیابی به عالی‌ترین راهکارها در تحکیم خانواده هدایت کند. از طرفی امید است برنامه‌ریزان با توجه به تفاوت‌ها در دلایل پایداری زندگی مشترک بین زوجین دارای فرزند و بدون فرزند، بتوانند گام موثری در جهت تنظیم و تدوین برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای کاربردی به زوجین در مسیر ثبات خانواده‌ها بردارند.

فهرست منابع

- بهراری، زهرا. (1394). نقش سبک زندگی در رضایت زناشویی زوجین. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، 6(2)، 126-145
https://qccpc.atu.ac.ir/article_4212.html
- پولادی، اسماعیل؛ جهانبخش، اسماعیل؛ محمدی، اصغر. (1398). تبیین جامعه‌شناختی مناسبات زندگی مشترک زوجین بوسیله الگوهای تربیتی خانواده. پژوهش‌های جامعه‌شناختی، 12(1 و 2)، 29-8.
https://soc.garmsar.iau.ir/?_action=press&lang=en&lang=fa
- حسن زاده، صالح. (1393). عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی. پژوهش‌نامه معارف قرآنی، 4(15)، 45-68.
https://rjqk.atu.ac.ir/article_1030.html
- حسینی، مریم. (1390). رابطه سبک‌های مقابله‌ای با صمیمیت و تعهد زناشویی در فرهنگیان شهر ایلام [پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی دانشگاه روانشناسی و علوم تربیتی].

- قرباشیان، زهرا؛ عارفی، مختار. (1394). صمیمیت زناشویی و خرسندی زناشویی در زنان نابارور و عادی. *مجله تحقیقات بالینی در علوم پیراپزشکی*، 4(4)، 360-367.
<https://brieflands.com/articles/jcrps-82078>
- کاوه فارسانی، ذبیح‌اله؛ رجبی، غلامرضا؛ امان‌الهی، عباس؛ خجسته‌مهر، رضا. (1399). تدوین مدل بومی کیفیت زناشویی: پژوهشی کیفی بر اساس نظریه زمینه‌ای. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، 1(21)، 60-71.
https://jsr-p.isfahan.iau.ir/article_667694.html
- مدیری، فاطمه؛ قاضی طباطبایی، محمود. (1397). بررسی تاثیر کیفیت زندگی زناشویی بر قصد فرزندآوری. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، 5(12)، 73-94.
https://ssi.journals.umz.ac.ir/article_2133.html
- موسوی، سیده فاطمه؛ دهشیری، غلامرضا (1394). نقش فاصله بین انتظارات و واقعیت رابطه زناشویی در رضایت زناشویی زنان و مردان شهر تهران. *مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، 13(2)، 93-110.
https://jwsps.alzahra.ac.ir/article_2051.html
- نصیری دهسرخ، راضیه؛ دهشیری، غلامرضا؛ عامری، فریده. (1397). رابطه دلایل ادامه زندگی مشترک با انواع راهبردهای حفظ رابطه زناشویی. *مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، 16(2)، 191-210.
https://jwsps.alzahra.ac.ir/article_3698.html
- نعیمی، ابراهیم؛ سعیدی، میلاد؛ کاظمیان، سمیه. (1397). مقایسه کیفیت زندگی زوجین تک فرزند با زوجین دارای بیش از دو فرزند در خانواده‌های تهرانی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، 1(27)، 161-172.
https://fcp.uok.ac.ir/article_61276.html
- یوسفی، ناصر؛ باقریان، مهرنوش. (1390). بررسی ملاک‌های همسرگزینی و فرسودگی زناشویی به عنوان متغیرهای پیش-بین زوجین متقاضی طلاق و مایل به ادامه‌ی زندگی مشترک، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، 1(3)، 284-301.
https://fcp.uok.ac.ir/article_9459.html
- Clark, A. E., E. Diener, Y. Georgellis and R. E. Lucas. (2008). Lags and leads in life satisfaction: A test of the Baseline Hypothesis. *The Economic Journal*, 118(529), 222 – 243. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0297.2008.02150.x>
- Lainiala, L (2011). The impact of relationship quality on childbearing in Finland. *Finnish Yearbook of Population Research*, 46, 31 – 47. <https://doi.org/10.23979/fypr.45064>

مطالعه‌ای در دلایل پایداری زندگی زناشویی زوجین دارای فرزند و بدون فرزند در مناطقی از مشهد

Sanders, K. M (2010). Marital satisfaction across the transition to parenthood. Presented to the faculty of the graduate college at the University of Nebraska in partial fulfillment of requirements.

Zhaoyang, R., Martire, L. M., & Stanford, A. M. (2018). Disclosure and holding back: communication, psychological adjustment, and marital satisfaction among couples coping with osteoarthritis. *Journal of Family Psychology*, 32(3), 412 – 418. doi: 10.1037/fam0000390.

Vanassche, s., Swicegood, g & Matthijs, K. (2013). Marriage and children as a key to happiness? Cross-national differences in the effects of marital status and children on well-being. *Science & Business Media B. A*, 4(2), 23 – 31. DOI: 10.1007/s10902-012-9340-8

Vibha P, Saddichha S, Akhtar S. (2012). Quality of life and marital adjustment in epilepsy and comparison with psychiatric illnesses. *Int J Psychosoc Rehabil*, 7(23), 81 – 93. <https://doi.org/10.1097/NMD.0b013e318288e298>

مطالعه عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

طاها عشایری^۱

عضو هیأت علمی گروه تاریخ و جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

رستم منتی

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، مرکز آسیب‌شناسی، ایلام، ایران

الهام حسین زاده حسارود

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

محمد نوری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۷

چکیده:

خودکشی به مفهوم اقدام به اتمام حیات انسانی، از زندگی روزمره و جهان هستی و قدم گذاشتن در جهانی دیگر است، علت این امر بسیار پیچیده و نیازمند واکاوی جامعه‌شناختی است و در ایلام میزان و آمار اقدام به خودکشی بسیار بالا است، هدف پژوهش، مطالعه عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام (شهرستان ایلام) است. روش پژوهش از نوع کمی - پیمایش، ابزار آن پرسشنامه محقق ساخته و استاندارد (ترکیبی) است. حجم نمونه ۳۸۴ نفر به روش فرمول کوکران انتخاب و به صورت خوشه‌ای تصادفی بین شهروندان توزیع شده است نتایج نشان می‌دهد که کاهش تعلق اجتماعی (0.156)، فشار هنجارهای سنتی (0.234)، انتقام از خانواده (0.125)، احساس ناامنی شغلی (0.281) و ناکامی اجتماعی- اقتصادی (0.123) با اقدام به خودکشی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که انتقام از خانواده (فشار بر خانواده) با بتای 0.200، ناکامی اجتماعی- اقتصادی با بتای 0.177، احساس ناامنی شغلی با بتای 0.156، کاهش تعلق اجتماعی با بتای 115.0 و فشار هنجارهای سنتی با بتای 0.100 درصد از تغییرات اقدام به خودکشی را تبیین نماید و (شاخص کلی)، توانسته 0.174 درصد از وضعیت اقدام به خودکشی را پیش‌بینی کنند. می‌توان نتیجه گرفت که بهبود فضای کسب و کار خانگی، کارآفرینی شغلی-اجتماع، تقویت نظام خانواده از طریق اشتغال‌زایی پایدار؛ تقویت بینه‌های نظام خانواده و ایجاد فضای صمیمت‌محور و ارتقای نشاط اجتماعی استان، از مناسب‌ترین سازوکارها برای کاهش خودکشی محسوب می‌شود.

¹ نویسنده مسئول: t.ashayeri@uma.ac.ir

مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

واژه‌های کلیدی: ناکامی اجتماعی - اقتصادی، انتقام از خانواده، فشار هنجارهای سنتی، تعلق اجتماعی، اقدام به خودکشی

A study of socio-cultural factors affecting suicide attempts in Ilam province

Taha Ashayeri²

Faculty Member of University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Rostam Menti

Faculty Member, Department of Medical Pathology Ilam Medical University, Ilam, Iran

Elham Hossein Zadeh Husnaroud

Ph.D. Candidate in Political Sociology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

Mohammad Nouri

Ph.D. Candidate in Political Sociology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

Abstract

Suicide is the concept of ending human life, from everyday life and the universe, and stepping into another world. The reason for this is very complex and requires sociological analysis, and the rate and statistics of suicide attempts are very high in Ilam; the purpose of the research is to study the factors that are culturally effective on suicide tendency in Ilam province (Ilam city). The research method is a survey. The data-gathering technique is a researcher-made questionnaire. A sample with a size of 515 answered the questionnaire. The results show the reduction of social belonging (0.156), the pressure of traditional norms (0.234), revenge from the family (0.125), feelings of job insecurity (0.281), and failure. Socio-economic (0.123) has a significant relationship with suicide attempts. The results show that revenge from the family (pressure on the family) with a beta of 0.200, socio-economic failure with a beta of 0.177, a sense of job insecurity with a beta of 0.156, a decrease in social belonging with a beta of 0.115, and the pressure of traditional norms with a beta of 0.100 are the percentage of changes in suicide attempts. Moreover, (general index), they were able to predict 0.174% of the suicide attempt situation. We can conclude that improving the home business environment, job entrepreneurship, strengthening the family system through sustainable employment creation, strengthening the values of the family system cre, creating an intimacy-oriented atmosphere, and promoting the social vitality of the province are considered to be some of the most suitable mechanisms to reduce suicide.

Keywords: socio-economic failure, family revenge, pressure of traditional norms, social belonging, suicide attempt

² Corresponding Author: t.ashayeri@uma.ac.ir

مقدمه

خودکشی، کنشی فردی و به معنای آسیب رسانیدن فرد به خود است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۰) و نشان از یک بحران اجتماعی و فرسایش اجتماعی (گیبز، ۱۹۵۵) دارد. خودکشی جزئی از مسائل اجتماعی و به‌عنوان پدیده‌ای جهانی محسوب می‌شود و به مفهوم پایان دادن به حیات اجتماعی خود به‌طور مستقیم و غیرمستقیم است. این مفهوم اولین بار در اندیشه دورکیم در کتاب خودکشی، مطرح شد. دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی در تبیین علت‌یابی خودکشی بین مرزهای تحلیل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تمایز قائل شد و اولین بار خودکشی در بستر اجتماع و ارتباط آن با نژاد، قومیت، مذهب، فرهنگ، اقتصاد، نظام خانواده، سنت و هنجارها، ناکامی اجتماعی و آنومی اجتماعی را مورد واکاوی قرارداد. به این دلیل مساله تبیین خودکشی از امر روان‌شناختی به امر جامعه‌شناختی تغییر یافت. وی برای اثبات این واقعه از امر اجتماعی به‌مثابه پدیده بیرونی، تحمیلی و جمعی استفاده کرد. دورکیم علت این مساله را در آنومی و دوران گذار اجتماعی از عصر مکانیک به ارگانیک می‌داند. آنومی یا بی‌هنجاری، وضعیتی است که هنجارهای سنتی بی‌آن‌که توسط هنجارهای جدید جایگزین گردند، تضعیف می‌شوند. در این وضعیت، با از دست دادن حس جهت‌یابی و نگرانی در جامعه، تمایل به بی‌هنجاری نیز افزایش می‌یابد. زندگی اجتماعی انسان‌ها تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی است. این هنجارها، پیوندهای جمعی را برای محافظت، یاریگری اجتماعی و جذب در بدنه اجتماع بازآفرینی می‌کنند. تغییر اجتماعی از سنتی به مدرن، کاهش نظام کنترلی، افزایش بی‌ثباتی و تغییرات اجتماعی سریع (اقتصادی-اجتماعی)، به‌شدت گرفتن اقدام پرخطر خودکشی کمک می‌کند (برک^۳، ۲۰۰۶: ۱۲۳). فردگرایی، بی‌سازمانی اخلاقی - اجتماعی و محرومیت‌ها (دانش و علی‌پور، ۱۳۹۳)، سرمایه اجتماعی ضعیف، کاهش باورهای مذهبی، تعلق اجتماعی

³. Berk

مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

پایین فرد به نظام اجتماعی و احساس ناکامی اجتماعی (استارک^۴ و همکاران، ۱۹۹۶)، باعث شکل گرفتن تصور اقدام به خودکشی در فرد به هنگام مواجه شدن با مشکلات اجتماعی می شود. سرمایه اجتماعی اثر کاهنده بر رفتارهای خودکشی دارد، هرچه شدت پیوند بین فرد - خانواده قوی تر باشد، خطر خودکشی کاهش می یابد (پپ و نیک^۵، ۱۹۸۱). استان ایلام، به دلیل ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود با میزان خودکشی بالایی به نسبت میانگین کشوری مواجه است. این استان جزئی از مناطق جنگ زده کشور بوده که طی سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ حدود ۱۹۸ مورد خودکشی موفق و در فاصله سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۶۵ بیش از ۷۰۰ مورد خودکشی در آن رخ داده است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۲۳۷). وضعیت نرخ خودکشی از سال ۸۵ تا ۹۰ در استانهای مختلف کشور (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۷) در حال افزایش بوده است. استان ایلام طی سالهای ۸۵ تا ۱۳۹۰ همیشه رتبه اول خودکشی در کشور را داشت. بنا بر آمار موجود در سالهای قبل یعنی طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ هم استان ایلام رتبه اول در خودکشی را داشته است (بهرامی، ۱۳۹۷: ۲۱۵). استان ایلام از جمله استانهای در حال گذاری است که تجربه توسعه و مدرنیته را به همراه سنت و عرف طی می کند. به لحاظ ساختاری، بافت سنتی این استان مبتنی بر نظام ایلی است که مواجهه با دنیای مدرن را تجربه می کند. نظام اجتماعی جامعه سنتی، بر اساس سلسله مراتب اجتماعی متعددی، معنا و مفهوم می یابد. در این گونه جوامع، همیشه جمع بر فرد اهمیت دارد. وابستگی به جمع، نظام خانواده و تابع هنجارهای گروهی بودن، از خصایص جامعه سنتی است. در این فرهنگ، ارزش جمعی مقدم بر مطالبه فردی بوده و فرد الزاماً باید خود را با هنجارها و خواسته های گروهی انطباق دهد، در غیر این صورت، با فشارهای هنجاری مواجه می شود. در این میان آبرو، ناموس و حیثیت اجتماعی مقوله بسیار پررنگی است. هنجارهای اجتماعی بشدت بر رفتارهای اخلاقی اعضای خود حساس هستند، ایجاد محدودیت ها، فشارها، حفظ سلسله مراتب در نظام خانواده و تبعیت از قوانین نظام پدرسالاری از مهم ترین ویژگی های این جامعه است. بر این اساس هدف اصلی پژوهش عبارت از مطالعه عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام است.

^۴. Stark

^۵. Pope& Nick

خودکشی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی، در تاریخ بشریت وجود داشته است، متفکران مختلفی از ابعاد روان‌شناختی، اقتصادی، زیستی و اقتصادی و سرانجام نگرش جامعه‌شناختی نسبت به آن پرداختند. اولین مطالعات سیستماتیک و جامع توسط دورکیم انجام گرفته است. همان‌طور که خودکشی در اقسام نقاط جهان شایع است، ایران نیز، با این پدیده مواجه است، از جمله استان ایلام و مناطق محروم ایران، با بحران خودکشی روبرو هستند. اهمیت مسأله اجتماعی خودکشی در ایران با سرچ کلیدواژه "خودکشی" در مقالات معتبر قابل استنباط است، نزدیک به ۱۷۲ مقاله با روش‌های مختلفی کمی، کیفی، کتابخانه‌ای و گزارش علمی در سایت نورمگز تا بهمن ۱۴۰۰، به ثبت رسیده است که نشانگر اهمیت این مسئله در ایران است. تحقیقات مختلفی درباره خودکشی صورت گرفته، در این بخش سعی شده بیشتر مطالعات جامعه‌شناختی و نزدیک به آن مورد بررسی قرار گیرد. نتایج بررسی محمودزاده و همکاران (۱۳۹۷)، نشان می‌دهد که تقابل بین نسلی، شکست عشقی و مشکلات روحی و روانی، انگ‌های اجتماعی، محرومیت یا وابستگی اقتصادی و مالی، خشونت و ازهم‌گسیختگی خانوادگی و انزوای اجتماعی و تعصب‌گرایی در قالب مفهوم مرکزی فشار ساختاری، فشار هنجاری و فردیت عقیم مانده و طرد اجتماعی در خودکشی تأثیرگذار هستند. خودکشی امری برساختی است و در نتیجه تعامل و کنش جوانان به فرصت و موانع محیطی، اجتماعی و فرهنگی به آن اقدام می‌کنند. در نهایت خودکشی، راه‌گریز و تنها راه چاره افراد برای فاصله گرفتن از مسائل و موانع موجود است. گلچین و همکاران (۱۳۹۸)، در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که در سال‌های اخیر، مواردی از خودکشی‌های موفق و ناموفق در میان دانشجویان مشاهده شده است که به دلیل حساسیت جامعه نسبت به جوانان و دانشجویان، نگرانی‌های گسترده‌ای را در اذهان عمومی و نزد کارشناسان و مسئولان امور دانشگاهی ایجاد کرده است. عواملی مانند ناکامی، سستی و بی‌هدفی، ازدواج‌های اجباری، فشارهای روانی، متفاوت بودن دانشگاه با انتظارات پیشین دانشجویان به‌عنوان «شرایط علی»، فشارهای اقتصادی، اجتماعی و گسست‌های خانوادگی به‌عنوان «شرایط زمینه‌ای»، شکاف نسلی، گسست دینی، نابرابری جنسیتی، نیاز به توجه به‌عنوان «عوامل مداخله‌گر»

مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

در اقدام دانشجویان به خودکشی، گوشه‌گیری و انزوا از سوی فرد نجات‌یافته از خودکشی و انگ زدن، دوری جستن و فقدان حمایت از سوی دیگران به‌عنوان «استراتژی‌های شایع و مقابله‌ای» تعیین شدند. درنهایت برای اغلب بازماندگان، پیامدهای منفی همچون طرد و از دست رفتن سرمایه اجتماعی، آسیب‌های جسمی و روانی و درنهایت بازگشت ناموفق و تکرار خودکشی و برای اقلیتی از آن‌ها بازگشت موفق به زندگی اجتماعی به‌عنوان پیامدهای احتمالی تشخیص داده شد. «خودکشی پاسخی فردی به ناکامی‌ها، فشارها، گسست‌ها و نداشتن حمایت»، به‌عنوان «مقوله هسته» انتخاب شده است که می‌تواند پوشش‌دهنده سایر مقولات حاضر در پژوهش باشد. ربیعی و گرجی (۱۳۹۷) در مطالعات خود نشان دادند که سه عنوان هسته‌ای فردیت عقیم مانده (فشار روانی، ناکامی شخصی، تنش‌های فرآیند بلوغ و گسست دینی)، عامل فشار ساختاری (شکاف نسلی، نیاز به توجه، سبک زندگی و فشار اقتصادی) و عامل طرد اجتماعی (از دست دادن سرمایه اجتماعی، فشار اجتماعی، فشار مجازی و ضعف در مهارت ارتباطی) در وقوع خودکشی مهم و مؤثر هستند. عنبری و بهرامی (۱۳۹۸)، در مطالعه خود به این رسیدند که خودکشی در مناطق غربی کشور، در بین زنان شدت بیشتری داشته و عمدتاً اقدام به خودسوزی می‌کنند. مطابق نتایج تحقیق، فقر اقتصادی-اجتماعی (محرومیت نسبی، فشار بیکاری، بحران مالی، تنش مالی) از طریق خشونت خانوادگی، باعث اقدام به خودکشی می‌شود. خودکشی همان جدال و تنش فرد با نقش‌های اجتماعی است، در این تضاد اجتماعی، به دلیل احساس حقارت، بی‌ منزلتی و احساس ناتوانی، گزینه خودکشی را بهترین مورد می‌داند. اصغری و زارعی (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیدند که پایگاه اجتماعی-اقتصادی، احساس محرومیت نسبی، احساس آنومی، وضعیت تأهل و خاستگاه خانوادگی دارای رابطه با افکار خودکشی است. آقای زاده (۱۳۹۹) نشان داد که متغیر مستقل انسجام اجتماعی، دین‌داری، آنومی، شرایط خانوادگی، احساس محرومیت نسبی و درماندگی آموخته‌شده، در اقدام به خودکشی مؤثر است. معیدفر و حسن پناه (۱۳۸۹)، به این نتیجه رسیدند که دلیل اصلی خودکشی، وجود حس انتظام و یکپارچگی شدید در گروه زنان و احساس نابسامانی اجتماعی در گروه مردان است. قادری و نظری (۱۳۹۸)، نشان دادند که در بازه زمانی ۱۳۸۹ الی سال ۱۳۹۳، نرخ خودکشی در حال افزایش بوده است. برحسب نتایج تحقیق، فشارهای اجتماعی-اقتصادی (طلاق، ضرب و جرح، توهین، ناکامی اقتصادی)، به

خودکشی کمک کرده است. هرچه نرخ مشارکت اقتصادی در جامعه افزایش یابد، به همان میزان به دلیل افزایش رضایت اجتماعی، نرخ خودکشی کاهش می‌یابد. در این شرایط، فرد به دلیل ادغام در زندگی جمعی به نوعی احساس معنا و هویت می‌کند. متغیرهایی مانند عرق ملی داشتن، وجود اعتماد اجتماعی و رضایت اجتماعی با ایجاد تعلق اجتماعی، به کاهش خودکشی منجر می‌شود.

خودکشی

خودکشی، از دو لغت sui به معنای "خود" و caedere به معنای "کشتن" از ریشه لاتین مشتق شده است و نه به صورت «خود کشتن» که به صورت خودکشی بیان می‌شود (دینی^۶، ۲۰۱۴). خودکشی، به معنای اقدام به کشتن خود است (گنو^۷، ۲۰۰۲: ۴۸). خودکشی به معنای خود را به وسیله‌ای کشتن، انتحار، کار زیاد کردن، کوشش بسیار، آمده است (دهخدا، ۱۳۴۱). به زعم دورکیم خودکشی عبارت از هر نوع مرگی است که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم کردار منفی یا مثبت خود قربانی است (دورکیم، ۱۳۸۷: ۶). به زعم ردفیلد جیمون، اقدام به خودکشی، همان ترک مخفیانه اعضای خانواده، شبکه‌های اجتماعی و نزدیکان است (رحمانی، ۱۳۹۴). از دیدگاه دشه^۸ خودکشی، اقدامی معمولاً از روی آگاهی، برای نابودی خود و معدوم کردن خود از "حیات جمعی" است (رئیس دانا، ۱۳۸۰: ۱۷۲). اقدام کننده به خودکشی، مرگ را بهتر از بودن و هستی می‌داند (گلداسمیت^۹، ۲۰۰۲) و یک علت مهم آن ناکامی اجتماعی و احساس تعارض با دنیای اجتماعی است (قائمی، ۱۳۶۴: ۱۱۳). آشیل دلماس^{۱۰}، خودکشی را امری می‌داند که فرد برای نیستی خود اقدام به آن می‌کند (گلنمن و جنیفر^{۱۱}، ۲۰۰۷).

6. Denney

7. Guo

8. Deshe

9. Goldsmith

10. Achille Delmas

11. Gelman & Jennifer

مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی

پیروان مکتب شیکاگو اولین گروهی بودند که به رابطه بین بی‌سازمانی اجتماعی و مسائل اجتماعی پی بردند. بی‌سازمانی در هنگام تغییر جامعه از حالت سنتی به مدرن رخ می‌دهد، ضمن این که کنترل اجتماعی از کار می‌افتد، فردگرایی افسارگسیخته به دلیل کاهش تعلق اجتماعی، بحران سرمایه اجتماعی و کاهش ثبات خانواده زیادتر می‌شود، در این شرایط، مسائل اجتماعی از جمله خودکشی زیادتر می‌شود. در مدل بی‌سازمانی اجتماعی، کارایی هنجارهای اجتماعی در جهت تنظیم رفتار اجتماعی کاهش می‌یابد و اختلال در نظام اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی افزایش می‌یابد (عشایری و نامیان، ۱۳۹۸). توماس و زنانیه‌کی، در تحلیل خود نقش فشار، هنجارهای سنتی و بحران اقتصادی و ناکامی ناشی از تضاد طبقاتی و اجتماعی را در بروز بحران مؤثر می‌داند. بی‌سازمانی اجتماعی همان فروپاشی سازه‌های اجتماعی است (گیس و مارتین، ۱۹۶۴؛ برگس و دونالد^{۱۲}، ۱۹۶۷). بی‌سازمانی اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که ساختار یک جامعه از بعد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، ارتباط و تعامل منظم خود را از دست (حسینی‌نثار و فیوضات، ۵۸:۱۳۹۰) و امکان تعامل مثبت در جهت حل مشکلات اجتماعی را از دست می‌دهد، با نوعی از گسیختگی و بی‌هنجاری فراگیر مواجه هستند. در این میان به دلیل تغییر جامعه از قالب قدیمی به جدید، همراه با تغییرات و بی‌سازمانی عمیق است. ناکامی اجتماعی - اقتصادی، افزایش فشار سنت‌های اجتماعی، بحران نظام خانواده و کاهش باورهای دینی به دلیل عرفی شدن، بسترهای اقدام به خودکشی را افزایش می‌دهد. ظهور خودکشی، انعکاس شکلی از بی‌سازمانی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است (بارسیک^{۱۳}، ۱۹۸۴). طبق این نظریه، خودکشی حاصل شکست ساختارهای اجتماعی و کنترل اجتماعی برکنش افراد است (کاوان^{۱۴}: ۱۹۶۹). سه نوع عمده بی‌سازمانی اجتماعی یعنی: ۱. بی‌هنجاری (اختلال نظام خانواده، بحران معنوی، بیگانگی اجتماعی)، ۲. ستیز فرهنگی (تضاد خانوادگی) ۳. اختلال اقتصادی (افزایش ناکامی و محرومیت) در فضای اجتماعی قابل ترسیم است (کوربین و

¹². Burgess & Donald

¹³. Bursik

¹⁴. Cavan

DOI: [10.71854/soc.2024-1126733](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126733)

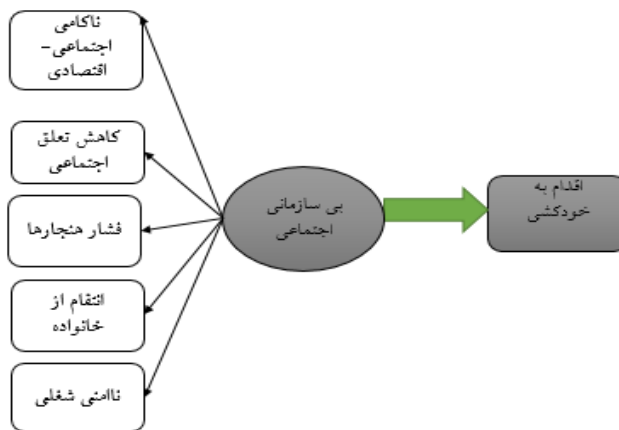
رونالد^{۱۵}، ۲۰۰۳: ۵۶). به‌زعم پارک^{۱۶} اساس سازمان اجتماعی، سنت‌ها و رسوم‌اند. هرجایی که سنت‌های اجتماعی دچار تغییرات و دگرگونی شود، احتمال بروز بحران اجتماعی و رفتار پرخطر وجود دارد. در این حال نظام کنترلی، اقتدار و کارایی خود را از دست می‌دهد. خانواده و نظام همسایه، در این شرایط توان کنترل بر افراد را نخواهند داشت. شهرنشینی، صنعتی شدن و مهاجرت، تغییرات اجتماعی-اقتصادی، شیوه‌های سبک جدید زندگی و شکاف ارزشی بین نسلی، می‌تواند به افزایش مسئله خودکشی کمک کند (حسینی نثار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۵۹). هراری به اهمیت نظام خانواده و سنت‌ها در برابر مسائل اجتماعی اشاره می‌کند: «به نظر می‌رسد که تأثیر خانواده و اجتماع در خوشبختی ما بیش از پول و سلامت است. افرادی که دارای پیوندهای قوی خانوادگی؛ حمایت‌گر و دارای روابط نزدیک خانوادگی هستند، از آسیب به دور هستند. در این میان، ازدواج از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بین ازدواج‌های موفق و خوش‌دلی زیاد و بین ازدواج‌های ناموفق و احساس سیه‌روزی رابطه بسیار نزدیکی وجود دارد. این امر، صرف‌نظر از موقعیت اقتصادی یا شرایط جسمانی صادق است. یک فرد تهی‌دست و معلول در کنار یک همسر مهربان و خانواده‌ای فداکار و جامعه‌ای بامحبت، چه‌بسا از یک میلیارد منزوی حال بهتری داشته باشد، به شرط این‌که فقرش خیلی جدی نباشد و بیماری‌اش هم دردناک یا رو به وخامت نباشد» (هراری، ۱۳۹۶: ۵۶۶). هراری نشان می‌دهد که یک نظام خانوادگی سالم و دارای پیوندهای قوی و بهنجار، چه اندازه می‌تواند، مسائل اجتماعی منفی را کنترل کند و کاهش دهد. هرچه وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی افزایش یابد، به همان میزان، فشار اجتماعی در جامعه زیاده‌تر و افراد در شرایط بحرانی اقدام به رفتار پرخطر می‌کنند. خودکشی مرتبط با یأس و خشم در میان اعضای طبقه پایین به هنگام دور ماندن از جریان اصلی اقتصاد جامعه است. فشار عاطفی در زمانی حاصل می‌گردد که فرد نتواند از راه‌های مشروع، میل به کسب مزایا و تجملات طبقه متوسط را برآورده نماید. مفهوم اصلی نظریه فشار این است که اغلب

¹⁵. Kubrin & Ronald

¹⁶. Robert Ezra Park

مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

افراد دارای ارزش‌ها و خواسته‌های مشابه‌اند. اگرچه اهداف جامعه نامتغیرند، اما نسبتاً افراد کمی توانایی یا امکانات لازم را برای دستیابی به موفقیت اجتماعی و اقتصادی دارا هستند. عدم توانایی برای دستیابی به اهداف اجتماعی مولد خشم، نفرت، ستیزه‌جویی و بروز خودکشی خواهد بود (پروین، ۱۳۹۰: ۷۱). بی‌ثباتی‌های ناشی از بی‌سازمانی در یک جامعه در حال گذار، بحران را امری فراگیر می‌کند. از نظر لی و اتسلندر بی‌سازمانی اجتماعی، نشانگر حالت هرج و مرج و عدم قطعیت شرایط است که بر بخش اعظم جمعیت تأثیرگذار است. در این گونه شرایط مدل‌های فرهنگی کارکرد خود را از دست می‌دهند و انسجام درونی اجتماع تضعیف می‌شود. به‌مرور هنجارهای رفتار معتبر جامعه و شخص، نامنجم و کنش معطوف به هدف برای افراد ناممکن می‌گردد. نتایج چنین وضعی عبارت از فقدان کلی جهت و عدم قطعیت رفتار و تعارض‌های اجتماعی و فرهنگی است که تشدید می‌شود. به نظر آن‌ها، هم منبع مشروعیت هنجارها و هم تعارض هنجارهای مشروع در جوامع، مربوط به دگرگونی اقتصادی است و خود این شرایط موجب فشارهای متعارض بر فرد می‌شود. مشخصه اساسی آنومی در یک سیستم اجتماعی از نظر آن‌ها درجه بی‌ثباتی اجتماعی و عدم انسجام هست (ایار، ۱۳۹۰). بر این اساس، الگوی نظری پژوهش به شرح زیر ترسیم می‌شود:



شکل (۱)- الگوی نظری پژوهش

- بر این اساس با استفاده از دیدگاه نظری بی‌سازمانی اجتماعی، فرضیه زیر مطرح شده است.
- بین کاهش تعلق اجتماعی و اقدام به خودکشی رابطه‌ای معنادار و یک‌طرفه وجود دارد.
 - بین فشار هنجارهای سنتی و اقدام به خودکشی رابطه‌ای معنادار و یک‌طرفه وجود دارد.
 - بین احساس ناامنی شغلی و اقدام به خودکشی رابطه‌ای معنادار و یک‌طرفه وجود دارد.
 - بین انتقام از خانواده (فشار بر خانواده) و اقدام به خودکشی رابطه‌ای معنادار و یک‌طرفه وجود دارد.
 - بین ناکامی اجتماعی-اقتصادی و اقدام به خودکشی رابطه‌ای معنادار و یک‌طرفه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش از نوع کمی پیمایش، ابزار آن پرسشنامه است. بازه زمانی تحقیق بهمن (۱۳۹۹) الی پاییز (۱۴۰۰) است. جامعه آماری پژوهش حاضر را افراد ۱۵ سال به بالای شهروندان مرد و زن استان ایلام، در سال ۱۴۰۰ تشکیل داده است. بر این اساس واحد تحلیل در پژوهش حاضر "فرد" هست و بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، در سه شهرستان از شمال استان ایلام شامل: شهرهای ایلام، ایوان و ملکشاهی و از حوزه جنوب استان ایلام شهرهای: دره شهر و آبدانان نمونه‌گیری انجام شده است. حجم نمونه پس از اخذ واریانس در مرحله مقدماتی پخش پرسش‌نامه و قرار دادن آن در فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین گردیده است. روایی تحقیق به وسیله آلفای کرونباخ تأیید شده است:

جدول (۱) - پایایی متغیرهای پژوهش

| نام متغیر | آلفای کرونباخ |
|-------------------------------------|---------------|
| تعلق اجتماعی | 0.85 |
| فشار هنجارهای سنتی | 0.88 |
| احساس ناامنی شغلی | 0.81 |
| انتقام از خانواده (فشار بر خانواده) | 0.78 |
| ناکامی اجتماعی - اقتصادی | 0.77 |
| اقدام به خودکشی | 0.78 |

مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

بر این اساس، اقدام به خودکشی با گویه‌های زیر سنجیده شده است:

- تا به حال چند بار به کشتن خود فکر کرده‌اید و یا به آن اقدام نموده‌اید؟

هرگز به ندرت (یک بار) گاهی اوقات (دو بار) اغلب (سه تا چهار بار) بسیاری از اوقات (پنج بار یا بیشتر)

- من دست کم یک بار نقشه‌ای داشته‌ام که خودم را بکشم اما تلاشی برای انجام آن نکردم.

هرگز به ندرت (یک بار) گاهی اوقات (دو بار) اغلب (سه تا چهار بار) بسیاری از اوقات (پنج بار یا بیشتر)

- من دست کم یک بار نقشه‌ای داشته‌ام که خودم را بکشم واقعاً می‌خواستم که بمیرم.

هرگز به ندرت (یک بار) گاهی اوقات (دو بار) اغلب (سه تا چهار بار) بسیاری از اوقات (پنج بار یا بیشتر)

- من تلاش کرده‌ام که خودم را بکشم.

هرگز به ندرت (یک بار) گاهی اوقات (دو بار) اغلب (سه تا چهار بار) بسیاری از اوقات (پنج بار یا بیشتر)

- من تلاش کرده‌ام که خودم را بکشم واقعاً امیدوار بودم که بمیرم.

هرگز به ندرت (یک بار) گاهی اوقات (دو بار) اغلب (سه تا چهار بار) بسیاری از اوقات (پنج بار یا بیشتر)

- در سال گذشته هر چند وقت یک بار راجع به کشتن خودتان فکر کرده‌اید؟

هرگز به ندرت (یک بار) گاهی اوقات (دو بار) اغلب (سه تا چهار بار) بسیاری از اوقات (پنج بار یا بیشتر)

- آیا تا به حال به کسی گفته‌اید که قصد داشته‌اید خودکشی کنید یا ممکن بوده که این کار را بکنید؟

هرگز به ندرت (یک بار) گاهی اوقات (دو بار) اغلب (سه تا چهار بار) بسیاری از اوقات (پنج بار یا بیشتر)

- چقدر احتمال دارد که شما روزی خودکشی فکر کنید؟

هرگز □ به‌ندرت (یک‌بار) □ گاهی اوقات (دو بار) □ اغلب (سه تا چهار بار) □ بسیاری از اوقات (پنج بار یا بیشتر) □

یافته‌های تحقیق

- بر حسب تحصیلات؛ بی‌سواد برابر با $2/3$ ، ابتدایی و راهنمایی برابر با $12/3$ ، دبیرستان و دیپلم برابر با $33/7$ و دانشگاهی برابر با $51/7$ است.

- محل سکونت شهری برابر با $67/1$ روستایی برابر با $32/9$ است.

- 2- درصد پاسخ‌دهندگان در شهرستان ایلام، $13/2$ درصد ساکن شهرستان ایوان، $13/8$ درصد ساکن شهرستان دره‌شهر، $5/6$ درصد ساکن ملکشاهی و $15/3$ درصد نیز ساکن شهرستان دهلران بوده‌اند.
- $68/8$ درصد پاسخ‌دهندگان در مسکن شخصی، 21 درصد ساکن مسکن استیجاری، $10/3$ درصد ساکن سازمانی بوده‌اند.

- میانگین نمرات کاهش تعلق اجتماعی با انحراف معیار $10/04$ ، برابر با $42/11$ بوده است، به‌طوری‌که حد پایین نمرات 12 ، حد بالای آن 60 و دامنه تغییرات 48 است. همچنین، میزان کاهش تعلق اجتماعی در میان $33/46$ درصد نمونه مورد مطالعه در حد بالا، در بین $51/95$ درصد در حد متوسط و در میان $14/59$ درصد در حد پایینی برآورد شده است.

- میانگین نمرات فشار هنجارهای سنتی با انحراف معیار $7/36$ ، برابر با $19/90$ بوده است، به‌طوری‌که حد پایین نمرات 7 ، حد بالای آن 35 و دامنه تغییرات 28 است. همچنین، میزان فشار هنجارهای سنتی در میان $24/71$ درصد نمونه مورد مطالعه در حد بالا، در بین $43/39$ درصد در حد متوسط و در میان $31/19$ درصد در حد پایینی برآورد شده است.

- نمرات حساس ناامنی شغلی با انحراف معیار $5/93$ ، برابر با $15/59$ بوده است، به‌طوری‌که حد پایین نمرات 6 ، حد بالای آن 30 و دامنه تغییرات 24 است. همچنین، میزان احساس ناامنی شغلی در میان

مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

17/51 درصد نمونه مورد مطالعه در حد بالا، در بین 43/77 درصد در حد متوسط و در میان 38/72 درصد در حد پایینی برآورد شده است.

- میانگین نمرات انتقام از خانواده با انحراف معیار 5/25، برابر با 19/88 بوده است، به طوری که حد پایین نمرات 7، حد بالای آن 35 و دامنه تغییرات 28 است. همچنین، میزان انتقام از خانواده در میان 14/06 درصد نمونه مورد مطالعه در حد بالا، در بین 61/33 درصد در حد متوسط و در میان 24/61 درصد در حد پایینی برآورد شده است.

- میانگین نمرات احساس ناکامی اجتماعی-اقتصادی با انحراف معیار 5/07، برابر با 14/12 بوده است، به طوری که حد پایین نمرات 5، حد بالای آن 25 و دامنه تغییرات 20 است. همچنین، میزان احساس ناکامی در میان 13/95 درصد نمونه مورد مطالعه در حد بالا، در بین 47/54 درصد در حد متوسط و در میان 38/51 درصد در حد پایینی برآورد شده است.

- میانگین اقدام به خودکشی با انحراف معیار 23/24، برابر با 70/42 بوده است، به طوری که حد پایین نمرات 31، حد بالای آن 155 و دامنه تغییرات 124 است. همچنین، میزان اقدام به خودکشی در میان 6/08 درصد نمونه مورد مطالعه در حد بالا، در بین 38/24 درصد در حد متوسط و در میان 55/69 درصد در حد پایینی برآورد شده است (جدول 2)

جدول (2)- توزیع پراکندگی متغیرهای پژوهش

| متغیر | میانگین | انحراف معیار | ماکزیم | مینیم | دامنه تغییرات | طبقات | | | | | |
|-------------------------------------|---------|--------------|--------|-------|---------------|-------|---------|-------|---------|-------|---------|
| | | | | | | بالا | | متوسط | | پایین | |
| | | | | | | درصد | فراوانی | درصد | فراوانی | درصد | فراوانی |
| کاهش تعلق اجتماعی | 42/11 | 10/04 | 60 | 12 | 48 | 172 | 33/46 | 267 | 51/95 | 75 | 14/59 |
| فشار هنجارهای سنتی | 19/90 | 7/36 | 35 | 7 | 28 | 127 | 24/71 | 223 | 43/39 | 164 | 31/91 |
| احساس ناامنی شغلی | 15/59 | 5/93 | 30 | 6 | 24 | 90 | 17/51 | 225 | 43/77 | 199 | 38/72 |
| انتقام از خانواده (فشار بر خانواده) | 19/88 | 5/25 | 35 | 7 | 28 | 72 | 14/06 | 314 | 61/33 | 126 | 24/61 |
| ناکامی اجتماعی-اقتصادی | 14/12 | 5/07 | 25 | 5 | 20 | 71 | 13/95 | 242 | 47/54 | 196 | 38/51 |
| اقدام به خودکشی | 70/42 | 23/24 | 155 | 31 | 124 | 31 | 6/08 | 195 | 38/24 | 284 | 55/69 |

نتایج نشان می دهد که:

DOI: [10.71854/soc.2024-1126733](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126733)

- بین کاهش تعلق اجتماعی و اقدام به خودکشی رابطه معناداری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی آن برابر با 0.156 است. هرچه تعلق اجتماعی کاهش پیدا کند، احتمال اقدام به خودکشی افزایش می‌یابد.

- بین فشار هنجارهای سنتی و اقدام به خودکشی رابطه معناداری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی آن برابر با 0.234 است. هرچه فشار هنجارهای سنتی بیشتر شود، احتمال اقدام به خودکشی نیز افزایش می‌یابد.

- بین انتقام از خانواده (فشار بر خانواده) و اقدام به خودکشی رابطه معناداری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی آن برابر با 0.125 است. هرچه انتقام از خانواده (فشار بر خانواده) بیشتر شود، احتمال اقدام به خودکشی نیز افزایش می‌یابد.

- بین احساس ناامنی شغلی و اقدام به خودکشی رابطه معناداری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی آن برابر با 0.281 است. هرچه امنیت اقتصادی (شغلی) بیشتر باشد، احتمال اقدام به خودکشی نیز افزایش می‌یابد.

- بین ناکامی اجتماعی-اقتصادی و اقدام به خودکشی رابطه معناداری وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با 0.123 است. هرچه ناکامی اجتماعی-اقتصادی بیشتر باشد، احتمال اقدام به خودکشی نیز افزایش می‌یابد.

- بین بی‌سازمانی اجتماعی و اقدام به خودکشی رابطه معناداری وجود دارد و ضریب همبستگی آن برابر با 0.251 است. هرچه سازمانی اجتماعی بیشتر شود، احتمال اقدام به خودکشی نیز افزایش می‌یابد (جدول 3).

جدول (۳) - ضریب همبستگی پژوهش

| متغیر | مقدار ضریب پیرسون | سطح معناداری |
|--------------------|-------------------|--------------|
| کاهش تعلق اجتماعی | 0.156 | 0.000 |
| فشار هنجارهای سنتی | 0.234 | 0.000 |

مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

| | | |
|-------|-------|-------------------------------------|
| 0.000 | 0.125 | انتقام از خانواده (فشار بر خانواده) |
| 0.000 | 0.281 | احساس ناامنی شغلی |
| 0.000 | 0.123 | ناکامی اجتماعی-اقتصادی |
| 0.000 | 0.251 | بی‌سازمانی اجتماعی |

مطابق یافته‌های رگرسیون مجموع متغیرهای مستقل معناداری در مدل توانسته اند 0.174 درصد از وضعیت اقدام به خودکشی را پیش‌بینی کنند (جدول ۴).

جدول (۴) - خلاصه مدل رگرسیونی پژوهش

| ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل شده | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|------------|----------------------|--------------|--------------|
| 0.188 | 0.174 | 0.192 | 0.000 |

نتایج نشان می‌دهد که انتقام از خانواده (فشار بر خانواده) با بتای 0.200، ناکامی اجتماعی-اقتصادی با بتای 0.177، احساس ناامنی شغلی با بتای 0.156، کاهش تعلق اجتماعی با بتای 115.0 و فشار هنجارهای سنتی با بتای 0.100 درصد از تغییرات اقدام به خودکشی را تبیین نماید (جدول 5).

جدول (۵) - رگرسیون چندگانه پژوهش

| متغیر مستقل | ضریب بتا | مقدار تی | مقدار f | سطح معناداری |
|-------------------------------------|----------|----------|---------|--------------|
| کاهش تعلق اجتماعی | 0.115 | 4.127 | 3.109 | 0.000 |
| فشار هنجارهای سنتی | 0.100 | 6.134 | 4.268 | 0.001 |
| انتقام از خانواده (فشار بر خانواده) | 0.200 | 2.121 | 5.281 | 0.000 |
| احساس ناامنی شغلی | 0.156 | 4.602 | 2.370 | 0.000 |
| ناکامی اجتماعی-اقتصادی | 0.177 | 3.013 | 3.116 | 0.000 |

بحث و نتیجه گیری

خودکشی یعنی کشتن خود، به‌طور مستقیم. پایان دادن به حیات خود است. رها کردن خود از فشارهای روانی - اجتماعی، انتقام گرفتن از خود با قصد انتقام گرفتن از خانواده و ناتوانی در برابر حل موانع اجتماعی به دلیل فقدان مهارت اجتماعی است، در برخی موارد هدف اصلی وارد کردن فشار به پیرامون یعنی خانواده‌هاست که در صورتی که فلان کار را نکنید، من نیز برای اذیت کردن شما این کار را می‌کنم. اکثر خودکشی‌کننده‌ها، در نفس آخر، در پی آن هستند که یک نفر نجاتشان دهد، معمولاً در اول قصد

خودکشی ندارند، در صورت عدم حمایت خانواده، افزایش کینه و احساس رنجش بیشتر و احساس تنهایی شدید در برابر مسئله شخصی، اقدام به خودکشی می‌کنند، ولی در دل خود، آرزو می‌کنند که یک نفر آن‌ها را از این مسیر بازدارد، اگرچه این قابل تعمیم نیست، به خاطر لذت حیات و شیرینی زندگی در جهان فعلی، می‌توان تلاش آدمیزاد را برای دوری از مرگ و ادامه بقا، استنباط کرد. در استان ایلام نیز اکثر خودکشی‌ها، به خاطر مشکلات و مسائل اجتماعی و فردی در برابر جامعه رخ می‌دهد. یک بحران اجتماعی است که نیازمند واکاوی عمیق است تا بتوان با سیاست‌گذاری بلندمدت، آن را کاهش داد. جوامع در حال گذار و دارای تغییرات ناهمگون فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی بیشتر شاهد خودکشی هستند. وقتی جامعه از حالت سنتی به سمت ارزش‌های مدرن حرکت می‌کند، دچار بی‌ثباتی می‌شود، اولین پاسخی که افراد جامعه در اثر فشار اجتماعی و بحران‌های گذار انجام می‌دهند، راحت کردن خود و خودکشی است؛ یعنی دیگر تاب‌آوری اجتماعی پایین می‌آید، آن‌ها توان تحمل این همه سختی و شرایط موجود را ندارند، به حیات خود چندان امیدوار نیستند و خودکشی را تنهاترین راه ممکن انتخاب می‌کنند. بر این اساس، این تحقیق با جامعه آماری ۵۱۵ نفر در استان ایلام، سعی داشته با استفاده از نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، علل و ریشه‌های احتمالی اقدام به خودکشی را تبیین نماید:

- کاهش تعلق اجتماعی در افزایش باورهای خطرناک خودکشی و اقدام به آن تأثیر زیادی دارد و مقدار ضریب تبیین آن برابر با 0.115 است. به اندازه یک‌میزان کاهش در تعلق اجتماعی، احتمال اقدام به خودکشی 0.11 صدم افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهشی محمودزاده و همکاران (۱۳۹۷)، (بهمن ۱۴۰۰) و گلچین و همکاران (۱۳۹۸) همسو بوده و آن‌ها را تأیید می‌کند. بر این اساس تعلق اجتماعی، همان احساس هویت، یگانگی، پیوستگی و انسجام عاطفی فرد با محیط، خانواده و پیرامون اجتماعی خود است، هرچه فرد از این موقعیت فاصله بگیرد و تعلق خود را از دست بدهد، به هنگام داشتن شرایط سخت، دست به خودکشی می‌زند.

مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

- بین فشار هنجارهای سنتی و اقدام به خودکشی رابطه معناداری وجود دارد و مقدار ضریب تبیین آن برابر با 0.100 است. به اندازه یک میزان افزایش فشار هنجارهای سنتی، احتمال اقدام به خودکشی 0.10 صدم افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهشی ربیعی و گرجی (۱۳۹۷)؛ عنبری و بهرامی (۱۳۹۸)، محمودزاده و همکاران (۱۳۹۷)، (بهمن ۱۴۰۰) و گلچین و همکاران (۱۳۹۸) همسو بوده و آن‌ها را تأیید می‌کند. بر این اساس هنجارهای سنتی به عنوان مکانیسم کنترل بر روح، روان و رفتار افراد در جامعه عمل می‌کند و نمود آن در جوامع سنتی (پدرسالاری) بسیار شدیدتر است که به عصبیت اجتماعی، وجدان جمعی و یا ناموس تعبیر می‌شود، گاهی شدت فشار هنجارهای سنتی و محدودیت فرد به وابستگی از همان هنجار، باعث طغیان فردی می‌شود. نوع خودکشی در این شرایط، شبیه تقدیرگرایانه است، چون بر اثر فشارهای زیاد هنجارهای اجتماعی، آداب و رسوم و قواعد اجتماعی که جزئی از آهنگ جامعه شده است، فرد دست به خودکشی می‌زند.

- بین انتقام از خانواده (فشار بر خانواده) و اقدام به خودکشی رابطه معناداری وجود دارد و مقدار ضریب تبیین آن برابر با 0.200 است. به اندازه یک میزان افزایش در افکار انتقام‌جویانه از خانواده، احتمال اقدام به خودکشی 0.20 صدم افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهشی اصغری و زارعی (۱۳۹۶)، آقایی‌زاده (۱۳۹۹) و معیدفر و حسن پناه (۱۳۸۹) همسو بوده و آن‌ها را تأیید می‌کند. در نهایت معمولاً افراد برای انتقام گرفتن از خانواده‌ها دست به انتقام می‌زنند و این انتقام در بین فرزندان از والدین، همسر از شوهر و بین خواهر - برادر رخ می‌دهد، اکثراً در یک چارچوب نظام خانواده رخ می‌دهد. وقتی اعضای خانواده با تنش اجتماعی مواجه است، به دلیل پایین آمدن آستانه تحمل (در اثر طولانی شدت تنش و کاهش مقاومت و صبر در برابر همدیگر)، انسجام خانواده از بین رفته و فرد برای رهایی از این فشار و ایجاد فشار بر خانواده بر سر موارد مورد اختلاف، دست به خودکشی می‌زند. در صورتی که مهارت‌های لازم برای حل مشکل موجود نباشد، معمولاً به خاطر فشار وارده، فرد از نظام خانواده طرد شده و برای تحت فشار قرار دادن خانواده و ایجاد حس اضطراب و نگرانی ناشی از نبود خود (هستی)، دست به خودکشی می‌زند.

- بین احساس ناامنی شغلی و اقدام به خودکشی رابطه معناداری وجود دارد و مقدار ضریب تبیین آن برابر با 0.156 است. به اندازه یک میزان افزایش در احساس ناامنی شغلی، احتمال اقدام به خودکشی 0.15

DOI: [10.71854/soc.2024-1126733](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126733)

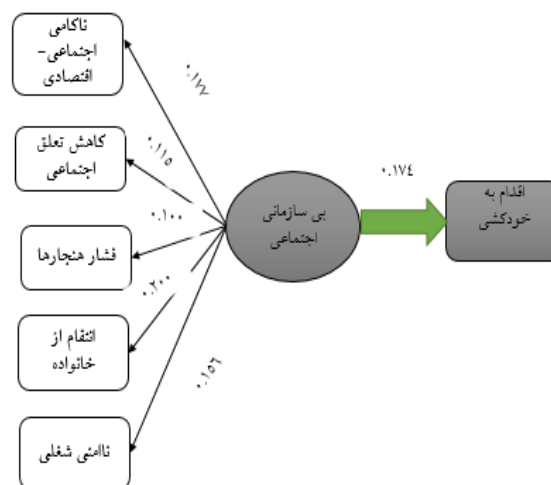
صدم افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج مطالعاتی قادری و نظری (۱۳۹۸)، ربیعی و گرجی (۱۳۹۷)؛ عنبری و بهرامی (۱۳۹۸)، محمودزاده و همکاران (۱۳۹۷)، همسو بوده و آن‌ها را تأیید می‌کند. وجود بحران‌های اقتصادی، تحریم‌ها، سیاست‌گذاری نامناسب اقتصادی، افزایش گرانی، آنومی اقتصادی و بی‌اعتمادی نهادی جامعه به ساحت نظام اقتصادی در جهت بازگشت قیمت‌ها به حالت سابق و ثبات نسبی، افزایش تعداد بیکاران و سرگرم شدن دانشجویان با تداوم یافتن دوره تحصیلی در ارشد و دکتری، عدم تمایل به فارغ‌التحصیلی زود هنگام و به‌موقع به دلیل توجیه روانی و فرار از مواجهه با شرایط شغلی ناامن بازار و ناتوانی نظام بازار در جذب نیروهای دانشگاهی، بسترهای ناامنی شغلی افزایش یافته است. برخی از آن‌هایی که در شرکت‌های خصوصی، قراردادی، ساختمانی و شخصی، مشغول به فعالیت اقتصادی بودند، شغل خود را به دلیل درآمد پایین، تعدیل نیروی کار در سازمان‌ها و شرکت‌های تعاونی، از دست داده‌اند. برخی نیز که دارای شغل دولتی رسمی هستند، در تمامی بحران‌های اجتماعی، باثبات‌ترین گروه به‌شمار می‌روند، زیرا دولت با پرداخت اعانه و یارانه، از بحران و ناامنی شغلی این گروه ممانعت می‌کند، آن‌ها حداقل فشار روانی را تجربه می‌کنند و امید بیشتری دارند که از این بحران، تحت هر شرایطی عبور خواهند کرد. گروه‌های شغلی دیگر اما، در زمینه نظام خانواده، روابط عاطفی، تعاملات همسایگی، باورهای اجتماعی و سلامت روان‌شناختی و کیفیت زندگی، دچار مشکلاتی هستند. تداوم این وضعیت، باعث اقدام به خودکشی در افراد ناامید از شغل و پول می‌شود.

- بین ناکامی اجتماعی - اقتصادی و اقدام به خودکشی رابطه معناداری وجود دارد. هرچه شدت ناکامی اجتماعی - اقتصادی بیشتر باشد، به همان میزان اقدام به خودکشی بیشتری شود و مقدار ضریب تبیین آن برابر با 0.177 است. به اندازه یک میزان افزایش در احساس ناکامی اجتماعی - اقتصادی، احتمال اقدام به خودکشی 0.17 صدم افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج مطالعاتی قادری و نظری (۱۳۹۸)، ربیعی و گرجی (۱۳۹۷)؛ عنبری و بهرامی (۱۳۹۸)، محمودزاده و همکاران (۱۳۹۷)، همسو بوده و آن‌ها را تأیید می‌کند. هرچه میزان بحران و رکود اقتصادی در یک جامعه افزایش یابد، میزان خودکشی هم در جامعه

مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

افزایش پیدا می‌کند. بدین معنا که بین رکود و بحران اقتصادی و افزایش خودکشی یک رابطه مستقیم وجود دارد. در این حالت افراد احساس می‌کنند به دلیل فضای آنومیک، متناسب با تلاش و کوشش خود، پاداش نمی‌گیرند. این شرایط ناامیدکننده است. افزایش شکاف طبقاتی، شدت یافتن محرومیت نسبی و فقدان سهولت در دست‌یابی شغل با منزلت و شکست در اهداف اجتماعی، می‌تواند زمینه‌های اقدام به خودکشی را تقویت کند.

مسیر نهایی پژوهش در جدول زیر ترسیم شده است.



شکل (۲) - مدل نهایی پژوهش

مطابق نتایج پژوهش می‌توان گفت که در جامعه سنتی ایلام، مهم بودن وجهه و اعتبار اجتماعی ضمن پررنگ شدن مرز میان درون گروه و برون گروه منجر به تمایز نقش‌های جنسیتی گردیده است به طوری که، شغل‌های مردانه و زنانه از هم تفکیک شده‌اند. بازنمایی نقش‌های جنسیتی باعث بازتولید فضای مردانه در جامعه شده است؛ به طوری که قواعد فکری، رفتاری و اجتماعی با محوریت مرد تعریف می‌شود. تخطی و زیر پا گذاشتن قوانین، عرف و هنجار در چنین جامعه سلسله مراتبی با جریحه‌دار شدن

احساسات جمعی و خدشه‌دار شدن حیثیت اجتماعی همراه است به طوری که، برای پابندی به نظم اجتماعی و ترمیم آبروی ازدست‌رفته و زدودن چنین لکه‌ننگی، باهدف تأدیب دیگران، خواه‌ناخواه دست به خشونت می‌زنند. تداوم چنین فرهنگ و فضای اجتماعی در عصر مدرن، بسترهای فرهنگی و اجتماعی اقدام به خودکشی را بیشتر فراهم می‌کند. از یک طرف: افزایش مهاجرت از مناطق سنتی به مدرن، افزایش شهرنشینی و رشد آگاهی اجتماعی و از سوی دیگر: مواجهه با دنیای مدرن، از جمله دست‌یابی به سطح تحصیلات و آموزش بالا، سبک زندگی جدید، نگرش‌های نو و ذائقه امروزی، باعث ایجاد ناسازگاری هویتی، تعارض نسلی و تعارض در عادت و واژه‌های سنتی و مدرن گردیده است. جوامع در حال گذار توسعه‌ای که بر هنجارهای سنتی سلسله‌مراتبی، ساختار ریش‌سفیدی، سیطره و نظارت عرف در سلسله‌مراتب اجتماعی بر پیکره اجتماع تأکید دارند؛ با فروپاشی این سازمان اجتماعی و رویارویی باحالت اجتماعی جدید که مبتنی بر تأکید قوانین اجتماعی، حقوق شهروندی، فردگرایی و اهمیت حریم خصوصی است، دچار ایجاد تعارض بین فرهنگ جمع‌گرایی و فردگرایی می‌شوند که حاصل این کشمکش و ناسازگاری، ظهور آسیبی بنام خودکشی است. افزون بر این که گذشته تاریخی یک جامعه، در مسیر تحولات و توسعه و نابسامانی‌های آن، اثرگذار است. در نهایت سازوکارهای کاهش اقدام به خودکشی در استان ایلام عبارتند از:

۱. افزایش موقعیت شغلی اعم از رسمی و غیررسمی، از طریق تشکیل تعاونی، کارگاه و شرکت تولیدی در استان.
۲. با توجه به اینکه استان ایلام دارای پالایشگاه نفت است، می‌توان نیروهای کاری متخصص و غیرمتخصص بیکار را، برحسب نیازهای شغلی و تخصصی در ارتباط با فرآورده‌های نفتی، به کار گرفت.
۳. ایجاد فضای کسب مناسب و مساعد و کاهش فشارهای اقتصادی و افزایش ناامیدی بر خانواده، مزید بر سایر علت‌ها در مسئله خودکشی شده است، تنها با ایجاد فضای کسب و کار خانگی و حمایت دولتی

مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

از طریق پرداخت وام کم بهره بلندمدت، می‌توان ناامنی شغلی و اثرات فشار اقتصادی را بر نظام خانواده کاهش داد.

۴. برگزاری آیین‌ها و مناسک شادی در استان ایلام: استان ایلام دارای مناسک اجتماعی شاد زیادی است، با تقویت و ارتباط دادن مردم با فرهنگ شادی و نوسازی این آیین‌ها، ضمن مشارکت فعال آن‌ها در جامعه، می‌توان تا حدی فشار روانی را کنترل کرد.

۵. نداشتن هویت شغلی به مثابه یک عامل کنترل‌گر فردی، یکی از مهم‌ترین مسائل در خودکشی است، شغل آن‌قدر مهم است که جامعه‌شناسان آن را برای مبارزه با بزهکاری، جرائم و رفتارهای پرخطر پیشنهاد می‌کنند. یک‌راه کاهش اقدام به خودکشی، ایجاد هویت شغلی از طریق اشتغال‌زایی پایدار در مناطق روستایی و شهری استان ایلام است.

۶. دقت به نظام خانواده، یکی از بهترین مکانیسم‌های کاهش اقدام به خودکشی است. وقتی خانواده در فشارهای اقتصادی، زیر بحران مالی قرار بگیرند، استرس و نگرانی خانواده، امری همیشگی است؛ زیرا تعدادی از اعضای ثابت همیشه باهم در ارتباط هستند، در صورتی که بیکاری بلندمدت، بحران معیشت و استرس مالی، محور بحث اصلی نگرانی خانوادگی باشد، دیگر این خانواده کارایی خود را از دست می‌دهد و از دل این فشارها افرادی خود را خواهند کشت.

منابع

- ایار، علی (1391)، بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و اقدام به خودکشی (مورد تجرین: شهرستان دره شهر)، طرح تحقیقاتی، به سفارش دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان ایلام.
- آقای‌زاده، سعید (1399)، مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به خودکشی شهروندان رشت (مقایسه گرایش شهروندان عادی با افراد دارای سابقه خودکشی ناموفق)، فصلنامه علمی دانش انتظامی گیلان، دوره 9(35): 144-108
- <http://journals.police.ir/article.html95283>
- پروین، ستار (1390)، مطالعه جامعه‌شناختی آسیب‌پذیری کارگران مهاجر فصلی در شهر تهران، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

DOI: [10.71854/soc.2024-1126733](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126733)

- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (1384)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، *اجتماعی، نامه علوم اجتماعی*، 4(26): 1-32.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=40339>
- حسینی‌نثار، مجید و فیوضات، ابراهیم (1390)، نظریه‌های انحرافات اجتماعی، تهران: نشر پژوهش‌ها.
- دورکیم، امیل (1387)، خودکشی، ترجمه نادر سالار زاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- دهخدا، علی‌اکبر (1341)، فرهنگ لغت فارسی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رئیس‌دانا، فرییز (1380)، بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، تهران: انتشارات سازمان بهزیستی کشور.
- ریعی، طاهره و گرچی، یوسف (1397)، تجربه زیسته اقدام به خودکشی در دانش‌آموزان دختر 12-18 ساله شهرستان خمینی‌شهر، *مجله سلامت جامعه*، دوره 14(2): 40-51. <http://chj.rums.ac.ir/article.html114568>
- رحمانی، مریم (1394)، تأثیر روابط اجتماعی بر بروز رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر بجنورد، رساله دکتری جامعه‌شناسی گرایش مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- عشاری، طاها و نامیان، فاطمه (1398)، هشت پرسش جامعه‌شناختی جامعه ایران، تهران: نشر جامعه‌شناسان
- عنبری، موسی، بهرامی، اردشیر (1398)، بررسی آثار فقر و خشونت بر میزان خودکشی در ایران (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان پلدختر)، *بررسی مسائل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی)*، دوره 1(2): 1-29. <https://ijsp.ut.ac.ir/article.html21889>
- قائم‌ی، علی (1364)، آسیب‌ها و عوارض اجتماعی، تهران: انتشارات امیری.
- قادری، صلاح‌الدین و نظری، حامد (1398)، تحلیل جامعه‌شناختی خودکشی در ایران (بر اساس آمار سال‌های 1389 تا 1393)، *مسائل اجتماعی ایران*، دوره 10(1): 195-215. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=482004>
- گلچین، مسعود؛ احمدی، محمد، سلیمانی، سمیه و سیدی، فرشته (1397)، روایت خودکشی از منظر اقدام‌کنندگان، مسائل اجتماعی ایران، دوره 10(2): 271-298. <https://jspi.khu.ac.ir/article-fa.pdf3173-1>
- محمدی، اصغر و زارعلی، لیلا (1396)، بررسی جامعه‌شناختی افکار خودکشی (دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی رودهن)، *مطالعات روان‌شناختی و علوم تربیتی*، دوره 3(1): 136-153. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1211833> قادرزاده، امید و پیری، کوهیار (1393)،

مطالعه عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر اقدام به خودکشی در استان ایلام

برساخت اجتماعی خودکشی، فصلنامه مددکاری اجتماعی، شماره 2(1):95-121
https://rjsw.atu.ac.ir/article_1524.html
محمودزاده، مرتضی و محمدی سردارآباد، اسماعیل و جلیلی، بهمن، 1397، مطالعه کیفی عوامل اجتماعی مؤثر بر خودکشی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج)، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، 759534/https://civilica.com/doc/
محمدیان، فتح‌اله؛ عزیزی، مریم؛ باقری، مریم و ویسانی، یوسف (1397)، پیشگیری از خودکشی یک ضرورت ملی و جهانی، تهران: ساوالان.
مرادی، علیرضا؛ مرادی، رحیم و مصطفوی، احسان (1391)، بررسی میزان و عوامل مرتبط با خودکشی در شهرستان بهار، تحقیقات علوم رفتاری، دوره 10(1): 50-58
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=152732>
هراری، یووال نوح (1396)، انسان خردمند: تاریخ مختصر بشر، ترجمه: نیک گرگین، تهران: نشر فرهنگ نصر نو.

- Berk, Bernard B. (2006). "Macro-Micro Relationships in Durkheim's Analysis of Egoistic Suicide". *Sociological Theory*. 24 (1): 58–80 [p. 60]. doi:10.1111/j.0735-2751.2006.00264.x
- Burgess, Ernest & Bogue, Donald J. (eds.) (1967). *Urban Sociology*. Chicago: University of Chicago Press. ISBN 0-226-08056-0
- Bursik, Robert J. (1984). "Urban Dynamics and Ecological Studies of Delinquency". *Social Forces* 63: 393-413.
- Cavan, Ruth S. (1969). *Juvenile delinquency* (2nd edition). New York: J.B. Lippincott.
- Denney Justin T. Families, Resources, and Suicide: Combined Effects on Mortality. *Journal of Marriage and Family*. 2014;76(1):218–31.
- Gelman Andrew, Hill Jennifer. *Data Analysis Using Regression and Multilevel/Hierarchical Models*. New York: Cambridge University Press; 2007.
- Gibbons, F.X (1995). Predicting young adults' health risk behaviours, *Journal of personality and Social Psychology*, 69(3), pp: 505-517.
- Gibbs, J.P and Martin, W.T (1964) Status integration and suicide: A sociological study, university of Oregon book, Eugene, or.v
- Goldsmith Sara K, Pellmar Terry C, Kleinman Arthur M, Bunney William E. editors. *Reducing Suicide: A National Imperative*. Washington, DC: The National Academies Press; 2002.
- Guo Guang, Zhao Hongxin. Multilevel Modeling for Binary Data. *Annual Review of Sociology*. 2000;26:441–62.
- Kubrin, Charis & Weitzer, Ronald. (2003). "New Directions in Social Disorganization Theory". *Journal of Research in Crime & Delinquency* 40: 374-402.
- Kubrin, Charis & Weitzer, Ronald. (2003). "New Directions in Social Disorganization Theory". *Journal of Research in Crime & Delinquency* 40: 374-402.

DOI: [10.71854/soc.2024-1126733](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126733)

Pope, Whitney; Danigelis, Nick (1981). "Sociology's One Law". *Social Forces*. 60: 496–514. doi:10.2307/2578447.

Stark, Rodney; Bainbridge, William Sims (1996). *Religion, Deviance and Social Control*. Routledge. p. 32-44.

ارتباط تعامل گفتمانی با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

بهمن گرجیان^۱

دانشیار گروه زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۲۴

چکیده

زبان ابزاری برای تبادل اطلاعات و انعکاس واقعیت‌ها است که، در شکل‌گیری اعتقادات و نظام فکری افراد نقش موثری ایفا می‌کند. بر همین اساس، هدف از پژوهش حاضر کنکاش پیرامون چگونگی بهره‌گیری از امکانات و قابلیت‌های زبانی و دستوری و رمزگشایی از تأثیرات آن‌ها در تبیین روابط هویت درون‌گروهی و برون‌گروهی گویشوران فارسی زبان می‌باشد. هدف این پژوهش، کشف رابطه معناداری شیوه‌های گفتمانی جوانان با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی آنان است. اندازه‌گیری این رابطه می‌تواند به پاسخ سوال پژوهش کمک کند که ابزارهای گفتمانی، چه گفتاری، چه نوشتاری، چه رابطه‌ای با هویت یابی دینی و اجتماعی جوانان دارد. چارچوب نظری این تحقیق، ریشه در مطالعات قراباغی و همکاران، قاسمی و همکاران و آنتونی گیدنز دارد که تعامل گفتمانی را در شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی موثر می‌دانند. برای تحقق این مهم جامعه آماری پژوهش ۱۵۰ دانشجوی دختر و پسر در انجمن‌های فرهنگی و سیاسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشگاه پیام نور اهواز را شامل می‌شد. تحقیق از نوع پیمایشی است و برای تجزیه و تحلیل نمونه‌های گفتمان، جامعه آماری از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیری استفاده شد. در تحلیل داده‌ها با بررسی میزان همبستگی ساختار زبانی و عقیدتی و ساخت هویتی و فکری دانشجویان مشخص گردید که زبان نه تنها به عنوان ابزاری برای ایجاد و حفظ هویت و اعتقادات بلکه، برای ایجاد روابط اجتماعی در بین گروه‌های جامعه نقش کلیدی ایفا می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که بین ارتباط کلامی، اعتقادات مذهبی با سطح هویت اجتماعی رابطه چندگانه وجود دارد. با توجه به تعیین ضریب همبستگی، مشخص گردید که رابطه سطح هویت اجتماعی جوانان با متغیرهای ارتباط کلامی و اعتقادات دینی آن‌ها قابل پیش‌بینی است. به عبارت دیگر، هویت اجتماعی از طریق متغیرهای مستقل یعنی، ارتباط کلامی و اعتقادات مذهبی قابل پیش‌بینی می‌باشد. ولی میزان تأثیر ارتباط کلامی در تعیین سطح هویت اجتماعی در مقایسه با متغیر اعتقادات دینی نقش مهم‌تری ایفا می‌کند.

^۱ نویسنده مسئول: bahman.gorjian@iau.ac.ir

ارتباط تعامل گفتمانی با شکل گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

کلید واژه ها: اجتماع، دین، جوانان، گفتمان، هویت

**Relationship Between Interactive Discourse and the Style of Youth Religious and
Social Identity**

Bahman Gorjian¹

*Associate professor, Department of Linguistics, Abadan Branch, Islamic Azad
University, Abadan, Iran*

Abstract

Language is vital in exchanging information and representing individuals' facts, beliefs, and ideological systems. This study investigates the linguistic performance and decoding structural patterns in shaping Persian native speakers' interpersonal and intrapersonal relations of power and identity. The study subjects were 150 male and female Ahvaz Payame Noor University students who participated in cultural and political associations. Pearson Product Moment correlation coefficient and Multi-Variable Regression were employed to analyze data. In the present study, different authentic samples of conversations were gathered from the Persian native speakers to explore the effect of verbal communication and religious beliefs on social identity. Data analysis of the correlation between linguistic and ideological aspects and the structures of identity and thought revealed that language is an instrument for maintaining identity and beliefs and a symbol for gaining political and social powers within community groups. If a person has had decent and reliable parents and people in his childhood who have met his emotional needs well and has experienced a sense of security and self-confidence, and at the same time, religious and moral foundations have been correctly and with If practical patterns rely on individual, he/she can overcome identity challenges.

Keywords: Discourse, Identity, Social identity, Youth

¹ Corresponding author: bahman.gorjian@iau.ac.ir

مقدمه

احیای ارزش‌ها در فرهنگ یک ملت باعث گسترش ابعاد گفتمانی آن گردیده و روند این تحولات حاکی از تأثیر فرهنگی در عرصه تصمیم‌گیری^۱ درون‌گروهی^۲ است. به عقیده قراباغی و همکاران (۱۳۹۷: ۲۷۲)، این ارزش‌ها تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند بر حجاب و عفاف، هویت دینی و فردی، تعامل با خانواده و افسردگی و انزوا در بین جوانان اثرگذار باشد. زیرا امروزه روابط گروهی تحت تأثیر شدید عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد. گروه‌های بزرگ و کوچک یک جامعه انسانی به صورت قومیت‌های فرهنگی^۳ متفاوت از زبان مشترک^۴ بهره‌مند شده و به طور پیوسته با هم در یک جامعه جهانی، تعامل اجتماعی و فرهنگی دارند. به باور بلومفیلد جامعه‌زبانی عبارت است از: «گروهی از مردم که از طریق کلامی با یکدیگر ارتباط متقابل دارند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۱). به نظر او تمام فعالیت‌های ذهنی^۵ انسان از زبان سرچشمه می‌گیرد بنابراین، جامعه‌زبانی مهم‌ترین گروه اجتماعی است که سایر گروه‌بندی‌های اجتماعی به نوعی با آن مرتبط هستند. او معتقد است که، در سطح یک جامعه‌زبانی^۶ تفاوت‌های گفتاری گاه ناچیز و گاه قابل ملاحظه فردی یا گروهی وجود دارد که با قشربندی‌های درونی آن جامعه مرتبط هستند اما، به طور معمول مانع ایجاد ارتباط میان سخنگویان یک زبان نمی‌گردد.» (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۸)

در این پژوهش، تعامل گفتمانی و ارتباط کلامی در یک راستا استفاده شده است. این ارتباط ممکن است گفتاری یا نوشتاری باشد ولی در اینجا صرفاً ارتباط کلامی مورد کنکاش قرار گرفته است. هدف کلی این تحقیق، یافتن رابطه همبستگی تعامل گفتمانی در شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

¹Decision-making

²Intergroup Politics

³Cultural Ethnicities

⁴Common Language

⁵Mental Activities

⁶Speech Community

ارتباط تعامل گفتمانی با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

دانشجو بوده‌است. اهداف جزئی تحقیق، شناسایی ارتباط تعامل گفتمانی با هویت اجتماعی، ارتباط کلامی و اعتقادات مذهبی در میان جوانان دانشجو است.

اهمیت این پژوهش در کشف رابطه همبستگی تعامل گفتمانی در شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان است زیرا، هویت دینی و اجتماعی در شکل‌گیری فرهنگ جامعه موثر است. فرهنگ، زمینه ساز حرکت مثبت جوامع و اقوام به سوی الگوهای رفتار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مثبت است. در این پژوهش، فرهنگ به مجموعه ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اعضای یک گروه خاص گفته می‌شود که به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز از دیگر گروه‌ها عمل می‌کنند. فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند (گیدنز^۱، ۲۰۰۳).

برقراری ارتباط دینی یکی از مهمترین نیازهای انسان در زندگی اجتماعی است که، نهادهای بشری از آن نشأت می‌گیرد. بدون زبان، روابط انسانی اعم از اجتماعی و فرهنگی و مذهبی میسر نخواهد شد. تعامل زبانی^۲ یکی از مظاهر مهم شکوفایی ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هر جامعه محسوب می‌شود. زبان با هویت فرهنگی و دینی یک قوم، ارتباط مشترک داشته و هر قومی برای داشتن هویت فرهنگی و دینی خاص در جامعه از یکسری مولفه‌های انسانی مشترک برخوردار است. زبان برای بیان همه چیز از نیازهای جسمانی گرفته تا آرزوهای آسمانی به کار می‌رود. زبان به انسان‌ها اجازه می‌دهد که فرهنگ و ایدئولوژی را بیافرینند، تجربه‌ها را انباشته کنند و شیوه‌های رفتاری یکسانی را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند.» (قنادان و همکاران، ۱۳۷۵: ۹۷).

¹Giddens

² Linguistic Interaction

تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی، نقش و مسئولیت^۱، محیط^۲، رعایت ادب و احترام^۳، پاسخ‌های کوتاه^۴، بازخورد^۵، سکوت، بازتاب احساسات^۶، استفاده از سؤالات باز^۷، دادن اطلاعات کافی و درخواست برای واضح ساختن مطلب^۸ باشد. زبان از دیر باز با انتقال افکار انسان، اقوام و جوامع مختلف را به یکدیگر پیوند می‌داده است اگرچه تجربه‌های ذهنی در همه افراد مشترک است ولی چگونگی بیان عقاید و افکار، در همه جوامع یکسان نیست و تابع شرایط اقلیمی خاص است. از سویی دیگر، زبان بازتاب تاریخ، فرهنگ و آداب و سنن نسل‌های گذشته و شالوده اصلی هویت ماست. زبان بدون اجتماع و اجتماع بدون زبان، قابل تصور نیست و شناخت یکی در گرو شناخت دیگری است. با مطالعه مشخصه‌های زبانی و فرهنگی، می‌توان موفق به درک عقاید و ارزش‌های فرهنگی و دینی مردم یک جامعه و نیز ایجاد چارچوب‌های فکری و چگونگی استفاده از آن‌ها در راستای همگرایی میان گروه‌های مختلف مردم شد.

معانی دقیقاً هم‌زمان و هم‌گام با الفاظ ساخته می‌شوند. به عبارتی الفاظ، علاوه بر نقش قالب‌بودن، در فرایند معناسازی و خلق مفاهیم نیز شرکت فعالانه‌ای دارند. حتی باید گفت اساساً معانی و مفاهیم بدون قالب زبان به تصور در نمی‌آیند. به عبارت دیگر کیفیت معنا، به چگونگی بهره‌گیری شخص‌گوینده از قابلیت‌های آوایی، واژگانی و نحوی زبان وابسته است و هراندازه که این مهارت‌ها و قابلیت‌ها بهتر باشد، گوینده در انتقال پیام موفق‌تر عمل خواهد کرد. می‌توان جایگاه زبان و ادبیات فارسی را در ساخت و نگاهداشت فرهنگ اسلامی نمایان کرد. می‌توان گفت زبان فارسی، زبان یکتاپرستی و زبان ارزش‌های

¹Responsibility

²Environment

³Observing Politeness

⁴ Short answer

⁵Feedback

⁶Reflection

⁷Open Questions

⁸Clarification

ارتباط تعامل گفتمانی با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

اخلاقی است و حفظ این زبان نه فقط حفظ قومیت و ملیت بلکه حفظ باورها و ارزش‌های اصیل اسلامی است (ویگان،^۱ ۲۰۰۴: ۳۵). زبان‌ها بر اساس ارتباط یا عدم ارتباط با یک مذهب خاص ممکن است جایگاهی اصلی یا حاشیه‌ای در جامعه داشته باشند و مذهب هم می‌تواند در ایجاد و گسترش نظام‌های خطی و سایر مسائل مربوط به استانداردسازی زبان، انتخاب یک زبان خاص برای تبلیغات و آیین‌های مذهبی، تأثیرگذار باشد.

نتایج حاصل از این بررسی می‌تواند در برخی ابعاد، روش‌های لازم را برای کنترل و درک محیط اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف به دست‌دهد و این واقعیت را مشخص می‌سازد که زبان بخش اصلی عامل تعیین‌کننده ارزش‌های فرهنگی در یک واحد یا گروه اجتماعی و فرهنگی مربوط به نظام ارزش‌های فرهنگی است. تعامل گفتمانی می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای گفتمان، زمینه ساز مستحکمی برای روابط جوامع انسانی^۲ باشد تا جوامع خاص از این طریق بتوانند در تعمیم هنجارهای فرهنگی و دینی خود در جامعه جهانی موفق شوند (التیامی نیا و همکاران، ۱۳۹۴). پیشینه پژوهش نشان داده‌است، تاکنون در راستای موضوع مورد نظر بررسی‌های قابل توجه‌ای صورت نگرفته است.

پیشینه تحقیق

در راستای نقش زبان و اثرگذاری متقابل آن در پذیرش و تقویت اعتقادات دینی و هویت اجتماعی، پژوهش‌های ایرانی و غیر ایرانی قابل توجه‌ای صورت نگرفته است، به جز مواردی معدود که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود.

کاستلز (۱۳۸۰: ۴۸) در بررسی‌های خود به این باور رسیده‌است که سخن گفتن از جامعه اطلاعاتی یا جامعه متکی بر اطلاعات، مستلزم توجه به تنوع و چندگونگی فرهنگی^۳ و زبانی و نهادی آن‌ها می‌باشد. وی به جای جامعه اطلاعاتی، ترجیح می‌دهد جامعه شبکه‌ای را به کاربرد و معتقد است گسترش فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات نوین مبتنی بر آن، سبب ساز دگرگونی فرهنگ‌هاست.

¹ Wiegand

² Human Societies

³ Multicultures

لی پیچ و تبورت کلر^۱ (۱۹۸۵) در یک بررسی جامع به این نتیجه رسیده‌اند که با بهره‌گیری از زبان می‌توان همه پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی را رمز گذاری کرده و از آن‌ها در راستای وحدت بخشی و همسویی و همسونگری استفاده کرد. محمود رئوفی^۲ (۱۳۸۹) مولفه‌های هویت دینی را معرفی می‌کند و به اهم آن‌ها از جمله مؤلفه شناختی، مؤلفه اجتماعی، مؤلفه عاطفی و فرهنگی اشاره می‌کند. وی در این بررسی مؤلفه زبانی و ارتباط کلامی را در تحلیل خود بطور مؤثر مورد توجه قرار نداده‌است. جان جوزف^۳ (۲۰۰۴) معتقد است که زبان و هویت فرهنگی، دینی و اجتماعی جدا نشدنی هستند و تأمل در مورد آن دو درک ما را از مفهوم تعامل اجتماعی عمیق‌تر می‌سازد.

کاستل^۳ (۱۹۹۷) و لاور^۴ (۲۰۰۸) بر این باورند که هویت باید به عنوان سازه‌ایی درک شود که در رابطه بین شخص ساخته می‌شود و این به عنوان احساس تعلق داشتن در چار چوب فردیت شخص نیست. در واقع هویت یک سازه اجتماعی است و به طور اجتماعی تثبیت می‌شود و از زندگی اجتماعی روزمره مردم بیرون می‌آید. افراد با بهره‌گیری از قابلیت‌های زبانی می‌توانند هویت خود را بر مبنای آن بسازند و در برخی از موقعیت‌ها، افراد ترجیح می‌دهند هویت خود را پنهان کنند تا وجهه^۴ خود را حفظ کنند.

منتظر قائم^۳ (۱۳۷۹) در کنکاش‌های خود به این نتیجه رسیده‌است که هویت‌ها، پدیده‌هایی فرا تاریخی، عاری از اقتصاد، مذهب، ایدئولوژی، تاریخ و جغرافیای خاص خودشان نیستند بلکه، این سازه‌های اجتماعی با تکیه بر حافظه جمعی و تمامی منابع معرفتی و با در نظر گرفتن ساختار عینی اجتماعی، ایجاد و در طول زمان دوباره تفسیر می‌شوند. به عبارت دیگر در ساخت هویت‌ها، ساختار عینی و مادی جامعه، تاریخ، جغرافیا، سیاست، فناوری، اقتصاد و ساختار معرفتی از جمله فرهنگ، زبان، آرمان‌ها، ایدئولوژی و سنت، همزمان نقش دارند.

^۱Le Page and Tabouret

^۲Joseph

^۳ Castell

^۴Face

ارتباط تعامل گفتمانی با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

سمیر امین (۱۳۷۴) معتقد است که بیداری جوامع با پیدایش آن دسته از هویت‌های اجتماعی دسته‌جمعی مشخص می‌شود که به طور کامل و آشکار با هویت‌هایی که تاکنون از طریق عضویت^۱ و تعلق فرد به یک کشور یا طبقه اجتماعی تعریف می‌شد، متفاوت است. منطقه‌گرایی، مدعی داشتن اشتراک‌زبانی و فرهنگی، وابستگی به قبیله^۲ یا قوم خاص، پیروی از یک گروه مذهبی مشخص و وابستگی به یک جامعه محلی خاص برخی از شکل‌های گوناگونی را تشکیل می‌دهد که این بیداری مجدد به خود گرفته‌است. مفاهیم نظری و عملیاتی واژگان کلیدی پژوهش در بخش بعد آمده‌است.

زبان، ایدئولوژی و هویت

نوع گفتمان به مثابه یک ابزار است که همه چیز را به خود جذب می‌کند. به هویت ما شکل می‌دهد و در پرتو تغییر گفتمان‌ها، نحوه نگاه به انسان هم عوض می‌شود. ابزار گفتمان همچون قدرت اجتماعی عمل می‌کند که انسان را جذب می‌کند. در هر زمینه‌ای چیزهایی را حفظ و چیزهایی دیگر را حذف می‌کند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۲۴). فوکو^۳ (۱۹۹۴: ۳۸-۲۲) معتقد است که علوم انسانی و اجتماعی به عنوان جزئی از فرایند اعمال قدرت و اعمال سلطه^۴ کلامی بر انسان، چگونگی شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف را در بستر روابط قدرت مورد تبیین قرار می‌دهد و هیچ رابطه قدرتی بدون تشکیل حوزه‌ای از دانش متصور نیست و هیچ دانشی هم نیست که متضمن روابط قدرت نفوذ کلام نباشد. در تحلیل او، قدرت کلامی به معنای عملی است که موجب تغییر یا جهت‌دهی^۵ به رفتار دیگران می‌شود. از این منظر، قدرت گفتمان، ساختار کلی اعمالی است که بر روی رفتار دیگران تأثیر می‌گذارد. قدرت بر می‌انگیزد، اغوا می‌کند، تسهیل می‌کند یا دشوار می‌سازد، محدودیت ایجاد می‌کند یا مطلقاً منع و نهی می‌کند.

زبان به‌طور اساسی سه عملکرد را شامل می‌شود: ابزاری، نمادین و شناختی (آبراهام، ۱۹۹۰: ۷۱). زبان، قدرت گسترده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را به همراه دارد. در عملکرد ابزاری، زبان کنترل‌کننده

1Membership

2Tribe

3Foucault

4Dominating

5Orienting

قدرت، فرصت و منابع مادی افراد است. در عملکرد نمادین^۱ آن، زبان پایه هویت افراد یک جامعه را شکل می‌دهد و بعد شناختی آن، شکل دهنده عقاید و افکار مرتبط با جامعه مقصد است. زبان در حکم ابزاری برای حفظ این عناصر است که بیانگر قدرت و هویت اقوام مختلف است. هر گروه یا جامعه، قوانین اجتماعی ویژه‌ای دارند که واسطه میان هویت قومی و زبان آن منطقه است.

ساختار گفتمان میان افراد یک گروه یا جامعه یکسان نیست بلکه، میزان آن همواره در نوسان است. وجود زبان معیار^۲ در هر جامعه، حاکی از تأثیر عنصر قدرت می‌باشد. عواملی مانند شرایط بافتی^۳، شأن و منزلت^۴ افراد، شدت تهدید و وجهه^۵، سن و تفاوت نسل^۶ در اعمال قدرت مهم هستند. افراد صاحب قدرت افراد تحت کنترل خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. در یک ارتباط متقارن، محدوده قدرت سخنوران مشخص است زیرا، تصمیم‌گیری‌های اتخاذ شده توسط افراد پر قدرت، بسیار مهم تلقی می‌شود و زمانی که دو طرف مکالمه در انتقال اطلاعات به یکدیگر موفق نباشند، گفتمان بین آن‌ها شکل نامتقارن^۷ به خود می‌گیرد.

زبان معیار هر کشوری شاخص گفتمان آن محسوب می‌شود. بررسی مکالمات زبانی و نوع گویش^۸ افراد می‌تواند هر متن یا گفتمانی را شامل شود و به گویشوران اجازه می‌دهد تا به صورت انتقادی^۹ شخصیت، زبان و قدرت را در هر موقعیتی مورد ارزیابی قرار دهند. خالقی گفتمان را نوعی قدرت می‌داند

¹Symbolic Performance

²Standard Language

³Contextual Conditions

⁴Status

⁵Face-threatening Act

⁶Generation

⁷Asymmetric

⁸Dialect

⁹Critical

ارتباط تعامل گفتمانی با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

که در میدان اجتماعی می‌چرخد و می‌تواند به راهبردهای تسلط و حاکم شدن تکیه کند (خالقی، ۱۳۷۸: ۲۱۰).

زبان و هویت دینی

دین به مجموعه پیچیده‌ای از وحی، آموزه، کلام، فلسفه، عرفان، فقه و بالاتر از همه اخلاق گفته می‌شود. به عبارتی، دین به الگوهای اندیشه، رفتار و فرهنگ مبتنی بر وحی اطلاق می‌گردد که، معتقد است زندگی در چارچوب و براساس وحی، موجب آرامش دنیایی و رستگاری ابدی می‌شود. دین هم از جوامع انسانی است، دین نظامی اعتقادی و عبادی است که انسان را در بعدی مقدس و استعلایی قرار می‌دهد. در هستی‌شناسی انسان دیندار، نوع کیهان‌شناسی درباره منشاء جهان، مناسکی خاص، قواعدی اخلاقی، رابطه‌ای با امر قدسی و خلاصه کلام تمام آنچه ستون‌های یک دین اصلی را می‌سازند، وجود دارد (امام‌خمینی ره. صحیفه نور ج ۱ ص ۱۰-۵۶).

زبان و نقش آن بر شکل‌گیری شخصیت دینی

هویت انسانی و فطری انسان، هویت ذاتی و اصلی وی را تشکیل می‌دهد، لیکن با توجه به این که انسان موجودی اجتماعی است و برای استمرار زندگی‌اش در یک محیط، تعلق خاطر به آن فضا، اطرافیان و فرهنگ آن پیدا می‌کند که با تداوم، هویت اجتماعی فرد را تشکیل می‌دهد و آن در هویت‌های قومی، نژادی، فرهنگی، خطی، زبانی و غیره متجلی می‌شود. احساس نیاز به هویت انسانی در وجود هر فرد در حساس‌ترین مرحله زندگی انسان، یعنی دوره نوجوانی است. برای این که جوانان بتوانند پایه و اساس محکمی برای رفتار و اندیشه‌های دینی خود پیدا کنند، باید طی روند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود را درونی کنند تا دچار نوعی حیرانی و سرگشتگی در مواجهه با مسائل و پدیده‌های دینی نشوند. با ارائه تصاویر گوناگون از فرهنگ و سنت‌های گذشته، ممکن است افراد به طرف خُرده فرهنگ‌ها و ارزش‌های متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای دینی جامعه خود حرکت کنند.

زبان، مذهب و اعتقادات دینی

ایدئولوژی زبان^۱ به عقاید پیرامون زبان مربوط می‌شود. با در نظر گرفتن ایدئولوژی زبان، گویشوران در پی شناسایی عوامل خارجی هستند که بر انتخاب ساختارهای^۲ زبانی تأثیر می‌گذارد. ایدئولوژی زبان پشتوانه‌ای است برای تجزیه و تحلیل ادبی که سه مقوله مهم را در بر می‌گیرد: ۱- زبان و قدرت ۲- زبان و اجتماع ۳- زبان و هویت (کرکلند و جکسون^۳، ۲۰۰۶). ایدئولوژی گویشوران فارسی زبان اشاره به جایگاه اجتماعی خاص دارد. در ساختار قدرت آن‌ها، ایدئولوژی دانش^۴ و مقام اجتماعی سلسله‌مراتبی^۵ را در بر می‌گیرد که، ارتباطات و تعاملات متقارن را به وجود می‌آورد که موضوعات اصلی آن، کنترل بر محتوای کلام^۶ و نوبت‌گیری^۷ است.

از نظر شوهامی (۲۰۰۶)، ایدئولوژی‌های زبانی به باورهای مردم درباره زبان اشاره دارد. این نوع ایدئولوژی را نمی‌توان از ایدئولوژی سیاسی جدا کرد. دانش زبان‌های خاص، نشانه‌تعلق به گروه‌های خاص است و بر جایگاه زبانی خاص در یک جامعه دلالت دارد. حضور دین و یا دیگر حلقه‌های معرفتی و فرهنگی نظیر: ایدئولوژی، فلسفه و یا اقتدار در ساختار جامعه، به این دلیل است که علم ارتباطات انسانی ارزش جهان‌شناختی و کشف و واقع‌نمایی خود را وابسته به مذهب و فرهنگ بشری می‌داند و علم دینی به عنوان یکی از پدیده‌های فرهنگی و تاریخی بشر شناخته می‌شود که بر مبنای صور فرهنگی جامعه، سازمان یافته است. در فرایند شکل‌گیری هویت‌ها، پدیده‌های عقیدتی

¹Lingistic Ideiology

²Structures

³Kirkland and Jakson

⁴Knowledge

⁵Hierarchical

⁶Speech Content

⁷Turmtaking

ارتباط تعامل گفتمانی با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

و معرفتی، ساختار عینی و مادی جامعه، تاریخ، جغرافیا، ساختار سیاسی و اقتصاد و فناوری، نقش دارند (دهشیری، ۱۳۷۹: ۷۱).

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش، با استفاده از مطالعات جنبه‌های هویتی چیک و تروپ (۲۰۰۲) و آراین (۱۳۸۰) و استفاده از پرسشنامه‌های هویت اجتماعی و دینی آن‌ها انجام شد. برای بومی کردن مطالعات آن‌ها در مطالعات ملی، دیدگاه‌های آن‌ها با تحقیقات التیامی نیا و حسینی (۱۳۹۴) و قاسمی و همکاران (۱۳۹۱) تطبیق داده شد. شاخص‌های هویت دینی و اجتماعی در رابطه با گفتمان در پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت و جمع‌بندی شد. مطالعات نقی زاده و ساروخانی (۱۴۰۱) در خصوص سرمایه فرهنگی و تاثیر آن برسبک‌های جامعه‌پذیری نیز در این پژوهش استفاده شد. به عبارت دیگر، این چارچوب، مجموعه ای از مطالعات خارجی و داخلی چارچوبی را فراهم می‌آورد که در آن زبان و هویت فرهنگی، دینی و اجتماعی جدا نشدنی هستند و تأمل در مورد آن دو، درک ما را از مفهوم تعامل اجتماعی در جوانان عمیق‌تر می‌سازد. در گفتمان اجتماعی جوانان، ارتباط دینی و فرهنگی نوعی فرآیند در ایجاد و ارسال مفاهیم معنوی است. پس، گفتمان پدیده‌ای اجتماعی برای دست‌یابی به سبک دینی و اجتماعی جامعه جوانان است.

بنابراین برای تحقق ابعاد متفاوت رابطه اعتقادات دینی، هویت اجتماعی و ارتباط کلامی، پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر است:

۱. تا چه اندازه، میان هویت و اعتقادات دینی با تعامل گفتمانی رابطه معنا دار وجود دارد؟
 ۲. هویت اجتماعی و تعامل گفتمانی به چه میزان رابطه معنا دار دارند؟
- با توجه به سوالات پژوهش، فرضیه‌های منتج از این چارچوب نظری عبارتند از:
- ۱ - میان هویت اجتماعی و اعتقادات دینی با تعامل گفتمانی رابطه معنا دار وجود دارد.
 - ۲ - هویت اجتماعی و تعامل گفتمانی رابطه معنا دار دارند.

در فرضیه اول و دوم رابطه معنادار بین سه متغیر هویت اجتماعی و اعتقادات دینی با تعامل گفتمانی بررسی می‌گردد. در مفهوم‌سازی عملیاتی فرضیه‌ها، هویت اجتماعی ناظر بر کارکرد جوانان دانشجوی در محیط اجتماعی در دانشگاه است. این کارکردهای رفتاری به صورت فردی و بین فردی شامل پیروی از ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و غیره است. اعتقادات دینی شامل پایبندی به اصول اسلامی و باورداشت‌های مذهبی در گفتار و رفتار است. تعامل گفتمانی شامل شیوه‌های گفتاری و تعامل کلامی با افراد دیگر در محیط دانشگاه با شیوه متعارف و جامعه‌پسند است.

روش پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر به بررسی چند متغیر مانند، رابطه هویت و اعتقادات دینی با تعامل گفتمانی می‌پردازد. این تحقیق پیمایشی است که داده‌ها را تحلیل کمی نموده و نتایج را ارائه می‌دهد. در این تحقیق، پرسشنامه‌ای مرکب از دو پرسشنامه جنبه‌های هویتی چیک و تروپ (۲۰۰۲) و آراین (۱۳۸۰) استفاده شد. در این پرسشنامه دانشجویان به سوالات در مقیاس پنج‌گانه لیکرت پاسخ دادند و داده‌ها تحلیل توصیفی و استنباطی گردید.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

شرکت کنندگان این تحقیق شامل ۱۵۰ دانشجوی دختر و پسر (۷۲ دختر و ۷۸ پسر) دانشگاه پیام نور اهواز و ساکن این شهر بودند که در مقطع کارشناسی مشغول تحصیل بودند. افراد نمونه متناسب با حجم مورد نیاز از میان جامعه آماری دانشجویان دانشگاه، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، از بین ۳۰۰ دانشجوی انتخاب شدند. نمونه‌گیری تصادفی ساده^۱ یکی از روش‌های نمونه‌گیری آماری است که افراد جامعه، شانس برابری برای انتخاب شدن دارند. در این روش، افراد یا اشیای مورد نیاز از فهرست جامعه

¹ Simple Random Sampling

ارتباط تعامل گفتمانی با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

آماري که به همین منظور شماره گذاری شده‌اند، به صورت تصادفی بر اساس فرمول زیر انتخاب می‌شوند.

$$K = N/n = 300/2 = 150$$

ابزار پژوهش

در این تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌هایی استفاده شد که توسط محقق ساخته نشده‌است بلکه، از ترکیب دو پرسشنامه موجود با ۶۵ سوال به شرح زیر استفاده شده است:

پرسشنامه جنبه‌های هویتی

پرسشنامه جنبه‌های هویتی چیک و تروپ^۱ (۲۰۰۲) که ۴۵ سؤال را در بر می‌گیرد، استفاده شده است. جهت‌گیری هویتی، مرتبط با ارزش و اهمیتی است که، افراد در تعریف از شخص خود برای خصلت‌های هویتی قائل هستند (چیک^۲، ۱۹۸۹). برای نشان دادن حوزه‌های هویت اجتماعی، بخش‌هایی از پرسشنامه هویت مدل چیک و بریگز^۳ (۱۹۸۱) با انتخاب معیارهایی کامل‌تر شده و در مورد ویژگی‌های هویتی مورد استفاده قرار گرفت. برای افزایش روایی محتوایی و پایایی شاخص‌ها از مدل‌های چیک و هوگان^۴ (۱۹۸۱) و هوگان و چیک^۵ (۱۹۸۳) نیز پیروی شد.

پرسشنامه دینداری آراین

آراین (۱۳۸۰)، با پیروی از پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی، اقدام به طراحی این پرسشنامه نمود. این شاخص، ابزاری برای سنجش دینداری فرد است که مشتمل بر ۲۰ سؤال می‌باشد، که از مقیاس خیلی کم (۱) شروع و تا مقیاس خیلی زیاد (۵) در مقیاس لیکرت در نظر گرفته شد. در تنظیم پرسشنامه نهایی، پیش‌آزمون اعتبار و پایایی انجام شد و از مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت در پنج سطح (کاملاً مخالف - مخالف - ممتنع - موافق و کاملاً موافق) استفاده شد. در مقیاس لیکرت با شاخص

¹Cheek and Tropp

²Cheek

³Cheek and Briggs

⁴Cheek and Hogan

⁵Hogan and Cheek

خیلی کم (۱) شروع و تا مقیاس خیلی زیاد (۵) پرسشنامه شکل گرفت. ضریب اعتبار سازه‌ای آن 081 و ضریب پایایی 090 آن محاسبه شد.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین ارتباط کلامی با هویت اجتماعی در کل نمونه ارتباط معنی‌داری وجود دارد ($r=0.20, P\leq 0.04$). بنابراین در پاسخ به سوال اول، بالا بودن سطح ارتباط کلامی نشانگر میزان بالای هویت اجتماعی در کل نمونه است.

جدول 1. ضریب همبستگی ساده بین ارتباط کلامی با هویت اجتماعی دانشجویان

| متغیر مستقل (پیش‌بین) | متغیر وابسته (ملاک) | آزمودنی‌ها | ضریب همبستگی | سطح معنا داری | تعداد |
|--------------------------|------------------------|---------------------------------|----------------------|----------------------|-----------------|
| ارتباط کلامی | هویت اجتماعی | کل دانشجویان دختران پسران | 0.20 0.30 0.04 | 0.04 0.02 0.77 | 150 72 78 |

سوال دوم، آیا بین اعتقادات مذهبی و هویت اجتماعی دانشجویان رابطه معنی‌دار وجود دارد؟ با توجه به جدول شماره ۲، بین اعتقادات مذهبی با میزان هویت اجتماعی دانشجویان دختر و پسر، رابطه معنی‌داری به دست آمد ($r=0.30, P\leq 0.005$). به عبارت دیگر بالا بودن سطح اعتقادات مذهبی حاکی از میزان بالای هویت اجتماعی در کل نمونه است.

جدول ۲. ضریب همبستگی ساده بین اعتقادات مذهبی با هویت اجتماعی دانشجویان

| متغیر مستقل (پیش‌بین) | متغیر وابسته | آزمودنی‌ها | ضریب همبستگی | سطح معنا | تعداد |
|--------------------------|-----------------|------------|-----------------|-------------|-------|
|--------------------------|-----------------|------------|-----------------|-------------|-------|

ارتباط تعامل گفتمانی با شکل گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

| | | | | | |
|-----|-------|------|--------|---------|----------|
| 150 | 0/005 | 0/30 | کل | هویت | اعتقادات |
| 72 | 0/02 | 0/21 | دختران | اجتماعی | مذهبی |
| 78 | 0/13 | 0/32 | پسران | | |

جدول 3. ضریب همبستگی چند گانه بین ارتباط کلامی و اعتقادات مذهبی با هویت اجتماعی دانشجویان در کل نمونه

| الف | متغیرهای مستقل | همبستگی چند گانه MR | ضریب تعیین A(RS) | نسبت F احتمال P | ضریب رگرسیون |
|--------------|----------------|---------------------|------------------|-------------------|----------------------------|
| متغیر وابسته | | | | | ارتباط کلامی |
| هویت اجتماعی | ارتباط کلامی | 0/20 | 4% | F=4.27 P=0.004 | B=0.20 T=2.05 P=0.04 |
| | اعتقادات مذهبی | 0/30 | 9% | F=5 P=0.008 | B=0.23 T=37.4 P=0.02 |
| ب | متغیرهای مستقل | همبستگی چند گانه MR | ضریب تعیین A(RS) | نسبت F احتمال P | ضریب رگرسیون |
| متغیر وابسته | | | | | ارتباط کلامی |
| هویت اجتماعی | اعتقادات مذهبی | 0/252 | 6/4 % | F=5 P=0.008 | F=0/23 T=37/4 P=0/03 |

آنچه که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون در کل نمونه دانشجویان است که با روش همزمان جهت تعیین میزان ضریب همبستگی چند متغیری تعامل گفتمانی با اعتقادات دینی و هویت اجتماعی محاسبه شده است.

با توجه به متغیرهای بررسی در قسمت (الف)، نتایج نشان می‌دهد که بین ارتباط کلامی، اعتقادات مذهبی با سطح هویت اجتماعی رابطه چندگانه وجود دارد ($MR=0.30$, $RS=0.09$). با توجه به تعیین (RS) مشخص گردید که ۹٪ واریانس سطح هویت اجتماعی با متغیرهای ارتباط کلامی و اعتقادات دینی قابل پیش بینی می‌باشد.

در قسمت (ب) جدول نتایج حاصله نشان می‌دهد که تنها یکی از متغیرهای پیش بینی یعنی سطح اعتقادات مذهبی در پیش بینی متغیر وابسته نقش معنی داری را ایفا می‌کند و میزان ارتباط کلامی نقش مؤثری در پیش بینی سطح هویت اجتماعی بر عهده ندارد.

با توجه به داده‌های جدول شماره ۱، ضریب همبستگی بین ارتباط کلامی و هویت اجتماعی برابر $R=0.20$ به دست آمد که در سطح $P \leq 0.04$ معنی دار است. پس پاسخ سوال اول مثبت است. مطابق جدول شماره ۲، ضریب همبستگی بین اعتقادات مذهبی و هویت اجتماعی برابر $R=0.30$ به دست آمد که در سطح $P \leq 0.005$ معنی دار است. بنابراین پاسخ سوال دوم پژوهش نیز مثبت است.

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه بین ارتباط کلامی و اعتقادات مذهبی با هویت اجتماعی برابر با $MR=0.25$ است که در سطح $P \leq 0.008$ معنی دار بود. به عبارت دیگر، بین ارتباط کلامی و اعتقادات دینی با هویت اجتماعی رابطه چندگانه وجود دارد. علاوه بر آن با توجه به ضریب تعیین (RS) مشخص گردید که ۹٪ واریانس میزان هویت اجتماعی از طریق متغیرهای مستقل یعنی ارتباط کلامی و اعتقادات مذهبی قابل پیش بینی می‌باشد و میزان تأثیر ارتباط کلامی در تعیین

ارتباط تعامل گفتمانی با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

واریانس هویت اجتماعی در مقایسه با متغیر اعتقادات دینی نقش مهم‌تری را ایفا می‌کند. بنابراین هر دو فرضیه پژوهش تایید گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

به موازات پیچیده‌تر شدن زندگی مذهبی و تفکرات معنوی افراد، الگوهای زبانی متنوع‌تری برای بیان رویکردهای فردی و گروهی به کار گرفته می‌شود. تحلیل ما از همبستگی میان باورهای دینی و ارتباط کلامی و زبانی بر نشاننداری که در بالا بدان اشاره شد صحنه می‌گذارد. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج حاصل از بررسی جان جوزف (۲۰۰۴) و (کاستل، ۱۹۹۷) همسویی و همگرایی دارد به گونه‌ای که آن‌ها معتقدند زبان و هویت فرهنگی، دینی و اجتماعی، جدا نشدنی هستند و تأمل در مورد آن دو درک ما را از مفهوم تعامل اجتماعی عمیق‌تر می‌سازد. هویت از نیازهای روانی^۱ انسان و ثمره کنش اجتماعی است که به فرد امکان می‌دهد تا با دیگران به صورتی معنادار و پایدار ارتباط برقرار کند و به زندگی افراد جهت می‌بخشد. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج حاصل از بررسی‌ها و جستارهای جان جوزف (۲۰۰۴) و (کاستل، ۱۹۹۷) همسویی و همگرایی دارد بگونه‌ای که آن‌ها معتقدند زبان و هویت فرهنگی، دینی و اجتماعی جدا نشدنی هستند و تأمل در مورد آن دو، درک ما را از مفهوم تعامل اجتماعی عمیق‌تر می‌سازد.

ارتباط دینی و فرهنگی، نوعی فرایند ایجاد و ارسال مفاهیم معنوی است، برای برقراری ارتباط حداقل حضور سه عنصر فرستنده، گیرنده و پیام الزامی است. پیام ممکن است تحت تأثیر اطلاعات قبلی^۲ شخص و تجارب^۳ گذشته و احساسات و یا سطوح اجتماعی و فرهنگی باشد. فن آوری‌های ارتباطی و کارکردهای زبان در علوم انسانی به صورت پدیده‌ای اجتماعی، ابزاری برای دست‌یابی به فرهنگ یک جامعه است. زبان به عنوان عنصری اجتماعی و فرهنگی به شکل علائم زبانی در زندگی روزمره

^۱Psychological Needs

^۲Background Knowledge

^۳Experiences

انسان‌ها تأثیری خاص گذاشته‌است. اعضای یک گروه اجتماعی از طریق برقراری ارتباط می‌توانند اندیشه‌ها و میراث فرهنگی خود را گسترش دهند و در حفظ آن بکوشند.

نتایج بررسی حاضر در قالب محاسبات آماری نشان می‌دهد که تشابه زبانی و هویتی گویشوران موجب می‌شود، آن‌ها خود را درون یک گروه تصور کنند و تفاوت بین آن‌ها موجب فاصله اجتماعی و اعتقادی^۱ می‌شود و این تمایز در تمام مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی آنان قابل رؤیت است. باورهای فرهنگی، دلیل اصلی محدودیت‌های ارتباطی جوامع انسانی مختلف است.

نکته دیگری که در این بررسی مشخص گردید این بود که، برخلاف گفتمان که همواره در معرض تحول است، نوشتار عنصری پایدار است که در حفظ هویت ملی و فرهنگی اقوام مختلف سهم اساسی داشته‌است. تغییر رمز^۲، گویشوران را قادر می‌سازد تا مکالمات یکدیگر را بفهمند. افراد از طریق ایدئولوژی‌های زبانی می‌توانند گفتمان و ساختارهای زبانی را کاملاً درک کنند و یاد می‌گیرند که زبان، قدرت و هویت دینی را در جوامع اجتماعی و فرهنگی با گویش‌های متفاوت به صورت انتقادی مورد بررسی قرار دهند. زبان نقش مهمی در تجسم و چارچوب‌بندی آن‌ها دارد و در واقع، تنها رابط میان این تجربیات و واقعیت، زبان است. ساختار اجتماعی هر جامعه همسو با فرهنگ کلان آن جامعه و زبان خاص آن است از آنجایی که یادگیری و آموزش زبان، امری اجتماعی و فرهنگی است و فراگیری آن منجر به اجتماعی شدن^۳ و فرهنگ پذیری می‌شود، در انتقال ارزش‌های مشترک یک جامعه، نهادهای اجتماعی همچون خانواده و آموزش و پرورش به صورت رسمی و غیررسمی^۴ نقش عمده‌ای دارند.

¹Social Distance

²Code-switching

³Socialization

⁴Formal and Informal

ارتباط تعامل گفتمانی با شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

زمانی اختلاف نظر، یکی از نشانه‌های ضد ارزشی، و تهاجم فرهنگی و در نهایت زوال هویت جوانان تلقی می‌شود که جوانان از فرهنگ‌های دیگر مصادیق ضد ارزشی را اخذ و آن را در جامعه رواج دهند. در این شرایط ابعاد مختلف هویت دستخوش تغییرات گسترده می‌شود و جوانان به گرایش کشیده می‌شوند یا دچار بی‌هویتی دینی و اجتماعی شده و یا به گرایش‌های دینی و اجتماعی صادراتی و تهاجمی روی می‌آورند. چنانچه یک جوان در کودکی از والدین و افراد شایسته و قابل اعتمادی برخوردار باشد که نیازهای عاطفی او را به خوبی برطرف کرده باشند و احساس امنیت¹ و اعتماد به نفس² را تجربه کرده باشد و در عین حال بنیان‌های دینی و اخلاقی³ به نحوی شایسته و با الگوهای عملی⁴ در او استوار شده باشد، می‌تواند بر چالش‌های دینی، اجتماعی و نهایتاً هویتی فایز آید. به عبارت دیگر، همین جوانان، والدین آینده و استمرار ارزش‌های اخلاقی هویتی، دینی و اجتماعی در جامعه خواهند بود.

منابع

- آرین، سید خدیجه. (1380). رابطه دینداری و روان‌درستی ایرانیان مقیم کانادا، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- التیامی نیا، رضا و حسینی، علی. (1394). «هویت، فرهنگ و سبک زندگی در عصر جهانی شدن». فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. دوره 3، شماره 5، صص 109-142.
- امین، سمیر. (1384). سرمایه‌داری در عصر جهانی شدن؛ تهران: نشر آگه.
- بشیریه، حسین. (1378). دولت و جامعه مدنی (گفتمانی‌های جامعه‌شناسی سیاسی)؛ قم: نشر نقد و نظر.
- خالقی، احمد. (1382). قدرت، زبان و زندگی روزمره در گفتمان فلسفی-سیاسی، تهران: گام نو.
- خمینی، روح‌الله (1370) شرح دعای سحر. ترجمه سید احمد قهری، تهران: اطلاعات.
- خمینی، روح‌الله (1372) جهاد اکبر. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهشیری، محمد رضا، (1379)، «جهانی شدن و هویت ملی». فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره 1، صص 71-100.
- رئوفی، محمود (1389)، «مولفه‌های هویت دینی»، دین و ارتباطات، سال هفدهم، شماره اول و دوم، صص 91-112.

¹Security

²Self-confidence

³Religious and Moral Basis

⁴Practical Paradigms

قاسمی، وحید، عدلی پور، صمد، کیانپور، مسعود. (1391). «تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تاثیر آن بر هویت دینی جوانان: مطالعه موردی فیس بوک و جوانان شهر اصفهان». دوفصلنامه دین و ارتباطات، دوره 19، شماره 2، صص 5-36.

قرباغی، حسن، یوسفی افراشته، مجید و صالحی، وحید. (1397). «تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر حجاب و عفاف، هویت دینی و فردی، تعامل با خانواده و افسردگی و انزوادر بین جوانان». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره 17، شماره 42، صص 272-257.

قنادان، منصور و همکاران. (1375). مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی؛ تهران: آوای نور.

گیدنز، آنتونی. (1382). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نی.

مدرسی، یحیی. (1368). در آمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

منتظر قائم، محمد مهدی. (1379). «رسانه‌های جمعی و هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، شماره 4، صص 270-251.

نقی زاده، فاطمه و ساروخانی، باقر. (1401). «تأثیر سرمایه فرهنگی بر سبک‌های جامعه‌پذیری (نرم، سخت و ترکیبی) والدین (مورد مطالعه شهر کرمانشاه)»، فصلنامه رهپویه ارتباطات و فرهنگ، دوره 2، شماره 4، صص 67-80. doi: 10.22034/rcc.2023.554522.1009

Amin, S. (2005). **Capitalism in the globalization century**. Tehran: Agah Pulication. (Text in Persian).

Aryan, S. Kh. (2001). **Relationship between religion and mental health among Iranians settled in Canada**. Ph.D. Dissertation, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. (Text in Persian).

Badhiriyeh, H. (1999). **Government and civil society: Socio-political discourses**. Qom: Naghd and Nazar Publication. (Text in Persian).

Castell, M. (1997). **The power of identity**. Oxford: Blackwell.

Cheek, J. M., & Briggs, S. R. (1981). **Self-consciousness, self-monitoring, and aspects of identity**. Paper presented at the meeting of the American Psychological Association, Los Angeles, CA.

Cheek, J. M., & Hogan, R. (1983). Self-concepts, self-presentations, and moral judgments. In J. Suls and A.G. Greenwald (Eds.), **Psychological perspectives on the self** (Vol.2, pp.249-273). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

ارتباط تعامل گفتمانی با شکل گیری هویت دینی و اجتماعی جوانان

- Cheek, J. M., & Tropp, L. R. (2002). **Relational identity orientation: A fourth scale for the AIO**. Paper Presented at the Meetings of the Society for Personality and Social Psychology. Savannah, GA.
- Dehshiri, M. R. (2000). Globalization and national identity. **National Studies**, 2(1), 71-100. (Text in Persian).
- Foucault, M. (1994). **Obsession with the West modernity**. In: Barry Smart. vol, 2. London: Routledge.
- Ghanadan, M. et al. (1996). **Key concepts of sociology**. Tehran: Avaye Noor. (Text in Persian).
- Giddens, A. (2003). **Sociology**. Translated by Manochehr Saboori. Tehran: Ney. (Text in Persian).
- Hogan, R., & Cheek, J. M. (1988). Identity, authenticity, and maturity. In T.R. Sarbin & K. E. Scheibe (Eds.), **Studies in social identity** (pp.339-357). New York: Praeger.
- Joseph, J. E. (2004). **Language and identity, national, ethnic, and religious**. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Khaleghi, A. (2003). **Power, language, and daily life**. Tehran: Game Nou. (Text in Persian).
- Khomeini, R. (1991). **The explanation of Sahar Prayer**. Translated by Ahmad Ghahri. Tehran: Etelaat. (Text in Persian).
- Khomeini, R. (1993). **The great jihad**. Tehran: The Institute of Imam Khomeini Publication. (Text in Persian).
- Kirkland, D., & Jackson, A. (2009). Beyond the silence. Instructional Approaches and Students' Attitudes. In Jerrie Cobb Scott, Dolores V. Straker, and Laurie Katz. (Eds.). **Affirming students' right to their own language**. (pp. 132-150). Print New York: Routledge.
- Le Page, R. B. & Tabouret K. A. (1985). **Acts of identity: Creole-based approaches to language and ethnicity**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Modaresi, Y. (1989). **An introduction to sociolinguistics**. Tehran: Social Sciences Institute. (Text in Persian).
- Montazerghaem, M. M. (2000). Mass media and identity. **National Studies**, 1(4), 251-270. (Text in Persian).
- Naghizadeh, F., & Saroukhani, B. (2023). The effect of cultural capital on socialization styles (soft, hard and mixed) of parents (studied in Kermanshah). **Rahpooye Ertebatat-o Farhang Quarterly**, 2(4), 10.22034/rcc.2023.554522.1009 (Text in Persian).
- Raofi, M. (2010). Features of religious identity. **Religion and Communication**, 17(1/2), 91-112. (Text in Persian).
- Wiegand, H. E. (2004), **Sociolinguistics: An international handbook of the science of language and society**, 2nd ed., vol. 1, Berlin: Walter de Gruyter.

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

عنایت سوری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران

امیدعلی احمدی^۱

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده‌ی علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران

حسین جمالی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده‌ی علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران

محمدحسین اسدی

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آشتیان، آشتیان، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۲۵

چکیده

تفاوت بین گروه‌های سنی موضوع بسیار مهمی است که می‌تواند منشأ پدیده‌ها و مسائل گوناگون فرهنگی و اجتماعی شود. هدف این پژوهش بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان بود. روش تحقیق پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ی پژوهش‌گر ساخته بود. جامعه‌ی آماری شامل زنان و مردان بالای ۱۵ سال شهر تویسرکان در سال ۱۳۹۹ است که با توجه به جدول مورگان و کرجسی، ۳۹۲ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. روایی با روش‌های توافق متخصصان، صوری، و سازه به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۶ و ۰/۸۴ برآورد شد، همچنین پایایی با روش همسانی درونی ۰/۸۲ به دست آمد. تحلیل داده‌ها با آزمون‌های تحلیل واریانس یک‌طرفه، مستقل، و تحلیل مسیر در برنامه‌ی SPSS-25 انجام شد. نتایج نشان داد که بین نسل‌ها از نظر سرمایه‌ی اجتماعی تفاوت وجود دارد و نسل مسن سرمایه‌ی اجتماعی بیشتری دارند؛ بین زنان و مردان از نظر سرمایه‌ی اجتماعی تفاوت وجود دارد و مردان، سرمایه‌ی اجتماعی بیشتری نسبت به زنان دارند. بین گروه‌های سنی از نظر سرمایه‌ی اجتماعی تفاوت وجود دارد و گروه سنی ۶۶ تا ۷۵ ساله، سرمایه‌ی

^۱ نویسنده مسئول: omidaliahmadi@gmail.com

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

اجتماعی بیشتری دارند. همچنین، بین میزان درآمد و سرمایه‌ی اجتماعی رابطه وجود دارد ($P < 0/05$). به‌طور خلاصه، می‌توان گفت بین متغیرهای نسل، جنسیت، گروه‌های سنی، میزان درآمد، نوع شغل، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، محل زندگی، سن ازدواج، حضور در اجتماع، و سرمایه‌ی اجتماعی رابطه وجود دارد؛ بین جنس و نیز بین نسل‌های مختلف از نظر متغیرهای سن ازدواج، حضور در اجتماع، سرمایه‌ی اقتصادی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تحرک اجتماعی تفاوت وجود دارد.

واژگان کلیدی: میان‌نسلی، سرمایه‌ی اجتماعی، تویسرکان، تحرک اجتماعی

An Intergenerational Study of Social Capital and Its Dimensions among Men and Women in Tuyserkhan

Enayat Souri

PhD Candidate, Department of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran

Omid Ali Ahmadi²

Assistant Professor of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran

Seyed Hossein Jamali

Assistant Professor of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran

Mohammad Hossein Asadi

Assistant Professor of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran

Abstract

Differences between age groups are a critical issue that can be the source of various cultural and social phenomena and issues. This research investigated intergenerational social capital and its dimensions among men and women in Tuyserkhan city. The research method was a survey, and the data collection tool was a researcher-made questionnaire. The statistical population included men and women over 15 years of age in Tuyserkhan City in 2019, of which 392 arrived into samples by cluster sampling. ANOVA, Independent T-test, and Path Analysis were used in SPSS-25 software to analyze data. The results showed a difference between generations in terms of social capital, and the older generation has higher social capital than younger ones; there is a difference between women and men, and men have more social capital than women. There is a difference between age groups regarding social capital; the age group of 66 to 75 years has a higher tendency to have social capital. Also, there is a relationship between income and social capital ($P < 0.05$). In short, we can say that there is a relationship between intergenerational variables, gender, age groups, income, type of job, marital status, level of education, place of residence, age of marriage, presence in

² Corresponding Author: omidaliahmadi@gmail.com

DOI: [10.71854/soc.2024-1126735](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126735)

society, and social capital; There is a difference between men and women as well as between different generations in terms of the variables of the age of marriage, presence in society, economic capital, individual and social freedoms, social trust, and social mobility.

Keywords: Intergenerational, Social Capital, Tuyserkhan, Social Mobility

مقدمه و طرح مسئله

تمام جوامع بشری دارای مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و آداب‌ورسومی هستند که در قالب عرف یا قانون تجلی پیدا کرده است و گذشته از درست یا نادرست بودن برای آن‌ها بسیار ارزشمندند. هر نسل نگران حفظ ارزش‌های خود بوده و سعی دارد ارزش‌ها، هنجارها، و عرف اجتماعی خود را بسان یک امانت به نسل بعدی منتقل کند؛ اما برخلاف گذشته که جوامع کمتر در معرض تغییر بوده و پسران همانند پدران و دختران همانند مادران فکر و رفتار می‌کردند؛ امروزه، در عصر تحولات پرشتاب اجتماعی و تغییرات سریع فرهنگی، تفاوت‌های بین‌نسلی در نگرش‌ها منجر به ایجاد شکاف و فاصله بین‌نسلی‌ها می‌گردد و باعث می‌شود که هر نسل فلسفه و شیوه زندگی متفاوتی پیدا کند. بوردیو^۳ نشان می‌دهد که در میدان‌های اجتماعی، انواع سرمایه وجود دارند که میزان برخورداری از این‌ها در میدان اجتماعی موجب شکل‌گیری گروه‌های خاص با سبک‌های زندگی ویژه خواهد شد و هر یک از انواع سرمایه در ایجاد، تقویت یا تغییر دادن سبک زندگی مؤثرند (گیبیز و بوریمر^۴، ۱۳۸۱:۱۱۷).

در حوزه نسلی نیز رونالد اینگلهارت^۵ تحقیقات مفصلی را انجام داده است. او معتقد است که وقتی دگرگونی فرهنگی مهمی رخ می‌دهد به تفاوت‌هایی در میان‌نسل‌ها می‌انجامد. زیرا این دگرگونی در میان گروه‌های جوان‌تر که نیازی به غلبه بر مقاومت متناقض اولیه ندارند با سهولت بیشتری صورت

³. Bourdieu

⁴. Gibins & Burimer

⁵. Ingelhart

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

می‌گیرد تا در میان گروه‌های بزرگ‌تر؛ در نتیجه دگرگونی در درجه اول در بین گروه‌های جوان‌تر ظاهر می‌شود تا در بین گروه‌های مسن‌تر که ضرورتاً به اختلافات بین‌نسلی می‌انجامد. از آن‌جا که نسبت به نسل قدیم، نسل جدیدتر دسترسی بیشتری به امکانات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و غیره دارد. از این‌رو میزان سرمایه‌های جوانان بالأخص سرمایه فرهنگی آنان تفاوت فراوانی نموده است، لذا این تفاوت سرمایه به گفته بوردیو موجب شکل‌گیری قریحه‌هایی متفاوت در میان افراد شده، روی تمام ابعاد سبک زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و باعث به وجود آمدن تفاوت‌های نسلی در جامعه می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۰).

بانک جهانی سرمایه‌ی اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی، و هنجارها بر کیفیت تعاملات اجتماعی است. تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه‌ی کشورهای مختلف دارد. سرمایه‌ی اجتماعی برخلاف سایر سرمایه‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارد، بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از طرف دیگر افزایش آن می‌تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره‌ی جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها گردد. از دیدگاه بوردیو، سرمایه‌ی اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه‌ی اجتماعی یک شیء واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه‌ی آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند، تسهیل می‌کند. سرمایه‌ی اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبودن آن دست‌یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه‌ی اجتماعی، مانند سرمایه فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست اما نسبت به فعالیت‌های بخصوصی تعویض‌پذیر است. شکل معینی از سرمایه‌ی اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است، ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا حتی زیان‌بار باشد. سرمایه‌ی اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید، قرار ندارد (کلمن^۶، ۱۳۸۶: ۲۶۴).

^۶ Kolman

سرمایه‌ی اجتماعی نزد بورديو بر این درك استوار است که افراد چگونه با سرمایه‌گذاری بر روابط گروهی، وضعیت اقتصادی خود را در یک فضای اجتماعی سلسله‌مراتبی جامعه سرمایه‌داری بهبود می‌بخشند. سرمایه‌ی اجتماعی از نظر بورديو، ابزاری است که وضعیت گروه و در نتیجه فرد را بازتولید می‌کند. از این جهت می‌توان رویکرد او را ابزاری و نهایتاً فردگرایانه نامید. بورديو بر قابلیت تبدیل انواع مختلف سرمایه تأکید دارد ولی سرمایه‌ی اقتصادی را ریشه انواع دیگر سرمایه می‌داند. بنابراین به کمک سرمایه‌ی اجتماعی، کنشگران قادرند مستقیماً به منابع اقتصادی دست یابند، از سوی دیگر، به دست آوردن سرمایه‌ی اجتماعی مستلزم سرمایه‌گذاری سنجیده هم در منابع اقتصادی و هم منابع فرهنگی است. سرمایه‌ی اجتماعی از مفاهیم جدید در حوزه مطالعات اقتصادی و اجتماعی در سطح جهان و در داخل کشور است. سرمایه‌ی اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در نظام‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه و پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود. سرمایه‌ی اجتماعی تأثیر عمیقی در عرصه‌های مختلف زندگی بشر و توسعه‌ی آن دارد. این سرمایه ویژگی تعاملات اجتماعی در یک سازمان را انعکاس می‌دهد و موجب استفاده بهتر از منابع فیزیکی، مالی و انسانی سازمان، می‌شود. استفاده از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به‌عنوان راه‌حلی اجرایی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۷۴).

شکاف میان فهم تئوریک سرمایه اجتماعی و طرق اندازه‌گیری آن در هر یک از کارهای تجربی انجام یافته، مسائل و ابهامات گوناگونی را پدید آورده است که سنجش آن را با پیچیدگی بیشتر به ویژه برای جوانان مواجه ساخته است. با توجه به ضرورت‌های متعددی فراهم شده است. سرمایه اجتماعی میان نسلی به دو صورت دچار چالش و تحول شده است. یکی از مهم‌ترین تحولات، برجسته‌تر شدن

7. Fukuyama

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

تفاوت‌های ارزشی میان فرزندان و والدین است که موجب بروز چالش‌های جدی در خانواده‌ها شده است. چالش‌هایی که به نظر می‌رسد شکل سنتی خانواده را زیر سوال برده است. دیگر آن که به نظر می‌رسد که جامعه مرحله گذار از سنتی به مدرن را طی می‌کند و همین شرایط به ایجاد تفاوت و فاصله بیشتر کمک می‌کند. دولت نیز حرکت به سمت توسعه را در برنامه بلندمدت جای داده و به تدریج نظام اجتماعی کشور دچار تغییرات بنیادی شده است. پژوهشگران به مسایل و مشکلاتی از قبیل بیکاری جوانان، اعتیاد، فقر که زنان و مردان در شهر تویسرکان با آن درگیر هستند آشنا هستند؛ اما به نظر می‌رسد که سستی در بنیان سرمایه اجتماعی است که عامل جدی در بروز مسایل و مشکلاتی که امروز جامعه شهری تویسرکان با آن روبرو است. اهمیت این موضوع به مساله‌ی مطالعه‌ی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی در بین زنان و مردان شهر تویسرکان در سال ۱۳۹۹ مربوط است. این پژوهش به دنبال مقایسه سرمایه اجتماعی در بین دو نسل است. چرا که پژوهشگران پیشین علی‌رغم انجام پژوهش‌های متعددی که صورت گرفته، تاکنون به نحوی مقتضی به این مساله نپرداخته و علل و عوامل موثر بر این روند را مورد مطالعه و کاوش قرار نداده‌اند. در این تحقیق به الگوهای تعاملی در خانواده‌ها پرداخته می‌شود که از مفاهیم جدید مطرح شده در حوزه‌ی مطالعات خانواده محسوب می‌شود. با توجه به نتایج احتمالی، این پژوهش می‌تواند راه‌گشای جامعه‌شناسان و مسئولین کشور در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده و همچنین به منظور شناخت بهتر سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با نسل‌ها باشد.

چارچوب مفهومی

در آغاز این بخش، ابتدا تعاریف مفاهیم مورد نظر در این پژوهش ارائه می‌گردد:

نسل: مفهوم نسل از نقطه نظر زیست‌شناختی و شجره‌شناختی معنای صریحی دارد و بر یک رسته هم دوره از یک نیای مشترک اطلاق می‌شود؛ با وجود اینکه قایل شدن به تمایز هم‌عمران و همسالان دارای اهمیت است. نسل را گروهی از افرادی می‌داند که در فاصله زمانی معین به دنیا آمده‌اند (بیکر، ۱۳۷۷).

سرمایه‌ی اجتماعی: سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منافع بالقوه و یا بالفعلی است که مربوط به مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه اجتماعی ایجاد می‌شود.» (بورديو، ۱۹۸۵: ۲۴۸)

دورکیم مستقیماً به مساله نسل و شکاف نسلها اشاره نکرده، اما آن را در قالب تقسیم کار اجتماعی و آثاری که این پدیده بر روی جامعه و روابط انسانی برجای گذاشته، به صورت غیرمستقیم بررسی می‌کند. وی نشان داد که چگونه با گذار به جامعه آرگانیک امکان‌ات تازه‌ای برای آزادی پدید می‌آید، وجدان جمعی ضعیف می‌شود، فردیت افراد رشد می‌یابد و اختلال و نابسامانی در قواعد و ارزش‌ها شایع می‌گردد. کارل مانهایم^۸، جامعه‌شناس مجاری بنیانگذار نظریه نسل تاریخی (۱۹۴۷-۱۸۹۳) که از وی به‌عنوان آغازگر مباحث نظری پیرامون نسل نام برده می‌شود، نسل را شامل افرادی می‌داند که موقعیت مشترکی در فراگرد تاریخی و اجتماعی دارند و آنها را به یک شیوه تفکر و تجربه خاص و یک نوع کنش تاریخی ویژه این موقعیت، متمایل می‌کند (نقل از کوزر^۹، ۱۳۷۳: ۵۶۹).

مانهایم بیشتر به تجربه نسلی تکیه می‌کند و معتقد است که هر نسلی دارای تجربیات متفاوت از نسل قبل خود است (مانند کسانی که در یک دوره‌ی جنگ زندگی می‌کنند). آنان هر چند در طبقات مختلف هستند و آگاهی‌های مختلفی دارند ولی رویکرد و موضع‌گیری مشترکی دارند که از تجربه مشترک آن نسل حاصل می‌شود. البته از نظر مانهایم نسل‌های جدید همیشه آغازگر خودآگاهی ریشه‌ای و متمایز از نسل‌های پیشین نیستند بلکه گسست نسلی عمدتاً در پی دورانی از تغییرات فرهنگی سریع ایجاد می‌شود. در چنین دورانی است که دسته‌های نسبتاً بزرگی از افراد به‌عنوان عاملان تغییر اجتماعی تند با تفسیرهای سنتی به چالش برخاسته و تفسیرهای جایگزین را مطرح می‌کنند. اگر براساس نظریه مانهایم تفاوت

^۸ Karl Mannheim

^۹ Koser

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

نگرش‌های میان دو نسل را امری طبیعی و تاریخی بدانیم، این تنها شرط لازم برای تبیین مسأله شکاف بین نسلی است و شرط کافی نیست، بلکه شرط کافی تعلیل و توجیه این تفاوت‌هاست. دیدگاه بوردیو در جامعه‌شناسی فرهنگ به مفهوم نسل پرداخته است. افرادی که هم‌دوره‌ای هستند و در زمان حال زندگی کرده و ملکه فرهنگ مشترک دارند، کارکرد مشترکی دارند. کارکردی که با حافظه جمعی که ترکیب هم‌دوره‌ای را در طول یک دوره خاص تعیین می‌کند، تعریف‌کننده نسل واحد است. در این تعریف توجه خاصی به ایده فرهنگ جمعی و مشترک وجود دارد؛ احساسات، رجحان‌ها، خلق و خوی و مجموعه‌ای از اعمال از قبیل فعالیت‌های ورزشی و فعالیت‌های تفریحی، حافظه جمعی و خلق فرهنگ یا سنت نسلی را تعیین می‌کند، که با مدیریت منابع نسلی در طول زمان و فضا ملاحظه می‌شود. افسون بر مشارکت در فرهنگ جمعی مشترک، نسل ممکن است همچون هم‌دوره‌ای دیده شود که دستیابی استراتژیک به منابع از طریق مراسم در آن به دست می‌آید (بوردیو، ۱۳۸۷: ۳۳).

در کتاب فرهنگ علوم اجتماعی در تعریف نسل چنین آورده شده است: "منظور از کلمه نسل فاصله‌ی بین تولد پدران و مادران و تولد فرزندان آنهاست که معمولاً ۳۰ سال در نظر گرفته می‌شود. از نظر جامعه‌شناختی چگونگی زندگی و تجربه زندگی در عصری مشخص، یعنی مجموعه افرادی که در حوزه فرهنگی مشخصی تقریباً همسال هستند و به دلیل زندگی در شرایط اجتماعی و تاریخی یکسان از تصورات، انگیزه‌ها، جهت‌گیری‌ها و ارزش‌های مشابهی برخوردار هستند، یک نسل گفته می‌شود.

موضوع نسل‌ها، تفاوت‌ها و یا اشتراک‌ها از دغدغه همیشگی بشر بوده است. "اگر اجازه دهیم که اعمال بی‌سابقه نسل‌های جوان‌تر ما ادامه یابد، تمدن ما محکوم به نابودی است." این گفتاری است که بر روی یک لوح باستانی کشف شده در شهر "اور" - از مراکز تمدن سومری که به گفته تورات زادگاه ابراهیم نبی بوده و در حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد شهرآبادی بود - نقش بسته است. این جملات بازتاب عقیده‌ای نسبت به جوانان است که در هر عصری شایع می‌باشد (لاور، ۱۳۷۳: ۱۷۹؛ نقل از چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶: ۳۱۲). موضوع تحول بین‌نسلی نخستین بار پس از جنگ دوم جهانی و به‌ویژه در دهه‌ی ۶۰ در جوامع غربی مطرح شد که به نحوی اختلاف فرهنگی میان فرزندان و والدینشان را تشریح می‌کرد. در ایران نیز دهه شصت و هفتاد یکی از دوره‌های حساس و پرفرازونشیبی است که یکی از سه رویداد مهم تاریخ معاصر؛

DOI: [10.71854/soc.2024-1126735](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126735)

یعنی انقلاب اسلامی آغاز می‌شود و پس از آن نیز جنگ ایران و عراق به‌عنوان یک پدیده اجتماعی مهم دیگر به وقوع می‌پیوندد. این دو پدیده اجتماعی تغییرات وسیعی را در باورها و بینش‌های نسلی که در آن دوران زندگی می‌کرد، به وجود آورد. نسل دیروزی که دارای تجربه جنگ و انقلاب بود، امروزه در کنار نسلی زندگی می‌کند که فاقد این تجربه‌ها است؛ و این خود سبب شده است تا شکافی در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی و الگوهای رفتاری و سبک‌های زندگی این نسل والدین با نسل جدید فرزندان به وجود آید (رحیمی، آشفته‌تهرانی، و حضرتی صومعه، ۱۳۹۰: ۸۰).

اگرچه شباهت‌های زیادی در بین تعاریف مفهوم نسل به چشم می‌خورد، و بر یک معنای واحد تفاهمی صورت نگرفته است. به نظر هیوز هر نسل بر پایه تجربیاتی که افرادش در آن شریک بوده‌اند، حدومرزی از خود به دست می‌دهد. در واقع خوشه‌ای حول محور این گونه تجربه‌ها تشکیل می‌شود. بنابراین کسانی که با افراد پانزده سال بزرگ‌تر از خودشان در رویدادهای روانی تعیین‌کننده شریک بوده‌اند، ممکن است خویشان را به این افراد نزدیک‌تر احساس کنند تا به اشخاصی که سشنان فقط اندکی از آن‌ها کمتر است ولی به آن حوادث پیوند نخورده‌اند. نمونه این امر نسل‌هایی است که در دو جنگ جهانی شرکت داشتند. بالاس تعریف نسل را کار آسانی نمی‌پندارد و معتقد است که از برخی جهات می‌توان گفت که یک نسل عبارت است از فاصله میان والدین با فرزندان؛ که بدین ترتیب بسیاری از مردم در طول زندگی خود شاهد حضور سه نسل هستند. وی به ابژه نسلی نیز اشاره می‌نماید (کومار^{۱۰}، ۲۰۱۷: ۱۱۳).

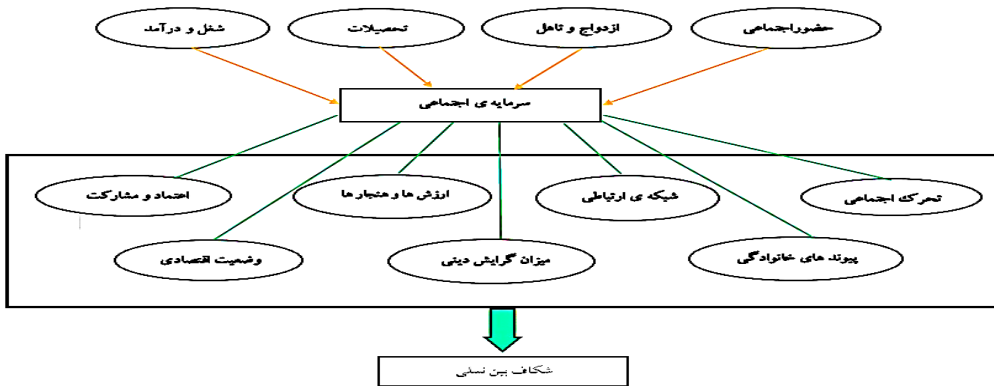
موضوع سرمایه‌ی اجتماعی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در بعد نظری و تجربی مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار گرفته است. باین وجود همچنان با ابهامات و حتی نوعی آشفتگی و بی‌نظمی در مجموعه یافته‌ها روبرو هستیم. از سویی نیز تفاوت‌های بین نسل‌ها مشکلاتی را در

¹⁰. Kumar

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

ارتباطات بین زوجین، والدین و فرزندان، آموزگار و دانش‌آموز، همکاران با یکدیگر، اعضای یک خانواده، و مانند اینها ایجاد کرده است. این مسائل و مشکلات می‌تواند ناشی از عدم شناخت و درک مناسب از طرف مقابل باشد.

به‌منظور دستیابی به چارچوب مفهومی جامع مروری بر دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی و تحلیل یافته‌های آنان ضروری به نظر می‌رسد. همچنین ضرورت آگاهی‌بخشی به گروه‌های سنی مختلف از ویژگی‌های خود و سایر گروه‌های سنی اهمیت این پژوهش را دوچندان می‌سازد. از نظر ضرورت برنامه‌ریزی برای نسل‌های گوناگون در زمینه‌ی بهداشت، آموزش، ازدواج، مسکن، نیازهای روانی و اجتماعی توجه به تفاوت‌های بین نسل‌ها نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. براساس نکاتی که مطرح شد مدل مفهومی پژوهش به صورت زیر ارائه شده است:



شکل ۱) مدل مفهومی پژوهش

پیشینه‌ی پژوهش

ادهمی و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی ترجیحات ارزشی بین‌نسلی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر سنندج بیان کردند که پژوهش با هدف بررسی ترجیحات ارزشی بین‌نسلی در شهر سنندج و عوامل

اجتماعی مؤثر بر آن انجام شده است. شهر سنج از جمله شهرهایی است که به واسطه ویژگی‌هایی چون مرکزیت استان کردستان، گسترش شهرنشینی شتابان، مهاجرت بی‌رویه، حاشیه‌نشینی، جوانی جمعیت، همزیستی عناصری از فرهنگ بومی - محلی و غیرمحلی - غیربومی، همزیستی فرهنگ سنتی و مدرن، مجاورت با شهرهای مرزی و مدرنیته رسانه‌ای دستخوش تحولات گسترده‌ای شده است. بنابراین شناخت وضعیت ترجیحات ارزشی و رفتاری در بین سه نسل از شهروندان حائز اهمیت است. برای این منظور چارچوب نظری با الهام از دیدگاه دورکیم، مرتن، گیدنز، بوردیو، اینگلهارت و شوارتز^{۱۱} تنظیم گردید و در قالب آن فرضیه‌های اصلی مطرح شده است. پژوهش به روش چندگانه روش پیمایشی و روش اسنادی و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای روی 367 نفر نمونه از شهروندان سنندجی به تفکیک گروه‌های نسلی انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان ترجیحات ارزشی افراد جوان و پیر میان سال تفاوت معناداری باهم ندارد؛ اما میزان ترجیحات ارزشی افراد جوان و پیر و افراد میان‌سال و پیر با یکدیگر تفاوت معناداری دارد. همچنین نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین متغیرهای سرمایه‌ی اجتماعی و دین‌داری با ترجیحات ارزشی در دو نسل جوان و میان‌سال و بین متغیرهای سرمایه فرهنگی و ترجیحات ارزشی در نسل جوان و بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و ترجیحات ارزشی در دو نسل جوان و پیر همبستگی معناداری وجود دارد؛ اما همبستگی بین سرمایه‌ی اقتصادی و ترجیحات ارزشی در بین تمام نسل‌ها معنادار نیست.

غفاری و حقیقتیان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته بر تحرک اجتماعی میان‌نسلی در شهر گرگان پرداخته‌اند. روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش، پیمایشی مبتنی بر روش همبستگی است. ابزار تحقیق، پرسش‌نامه محقق ساخته است که برای تعیین اعتبار پرسش‌نامه از تکنیک اعتبار صوری و اعتبار محتوا با استعانت از تکنیک ضریب نسبی روایی محتوا استفاده شد. بعد از طراحی

¹¹. Schwartz

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

پرسش‌نامه و اجرای پایلوت بین ۳۰ پاسخ‌گو، میزان پایایی سؤالات با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ محاسبه شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان و مردان ۳۰ تا ۵۴ ساله ساکن شهر گرگان که تعداد آن‌ها براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۴۶۲۳۸ نفر می‌باشد. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته با تحرک اجتماعی میان‌نسلی افراد در شهر گرگان، در سطح ضریب اطمینان ۹۵ درصد رابطه وجود ندارد. تفاوت جنسیتی در میزان تحرک اجتماعی وجود دارد که به نفع مردان است. میزان تحرک اجتماعی پاسخ‌گویان، ۸/۶ درصد دارای تحرک میان‌نسلی نزولی، ۲۴ درصد دارای تحرک میان‌نسلی افقی و ۶۷/۴ درصد دارای تحرک میان‌نسلی صعودی بوده‌اند.

زارع شاه‌آبادی و طاهر (۱۳۹۵) به مطالعه بین‌نسلی سبک زندگی دختران و مادران شهر یزد پرداختند. در جوامع کنونی به علت توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات و تنوع روزافزون کالاها و خدمات و غیره، موجب تفاوت تجارب و آموزش‌های نسل فعلی از نسل قدیم و کاهش میزان بازتولید ارزش‌های اجتماعی در جامعه جدید می‌گردد. هدف مطالعه حاضر، بررسی تفاوت ابعاد سبک زندگی مصرف فرهنگی، گذران اوقات فراغت، مدیریت بدن و الگوی خرید لباس مادران و دختران شهر یزد و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر این ابعاد است. این تحقیق به صورت پیمایش مقطعی و جمع‌آوری اطلاعات با ابزار پرسشنامه انجام گرفته است. نمونه مورد مطالعه در میان زنان ۷۵-۱۵ ساله در شهر یزد (۱۳۹۱) انجام گردید. یافته‌ها نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین مصرف فرهنگی، نحوه گذران اوقات فراغت، مدیریت بدن و الگوی خرید لباس دختران و مادران و نیز وجود همبستگی مثبت و معنادار بین درآمد خانوار با مدیریت بدن و الگوی خرید لباس دختران و مادران می‌باشد. همچنین همبستگی مثبت و معنادار سرمایه فرهنگی با مصرف فرهنگی، مدیریت بدن و الگوی خرید لباس دختران و مدیریت بدن و الگوی خرید لباس مادران مشاهده گردید.

نقش سطوح سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری تاب‌آوری سازمانی در بانک‌های دولتی توسط ابوالحسنی و همکاران (۱۴۰۲) بررسی شده است. یافته‌ها ۴۸ کد نهایی را در قالب سه مفهوم اصلی سرمایه

DOI: [10.71854/soc.2024-1126735](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126735)

اجتماعی شبکه بانکی، سرمایه اجتماعی فرابانکی، و تاب آوری بانک ملی نشان داد. سرمایه اجتماعی شبکه بانکی با مفاهیم فرعی سرمایه اجتماعی شعبه، سرمایه اجتماعی بین شعبات، سرمایه اجتماعی هم‌بندی، و سرمایه اجتماعی فرابانکی با تم‌های سرمایه اجتماعی عمودی و افقی در شکل‌گیری تاب آوری بانک ملی موثر بودند. در مرحله کمی تجزیه و تحلیل ۳۰۸ پرسشنامه با رگرسیون خطی چندگانه نشان داد هر پنج نوع سرمایه اجتماعی تاثیر معنادار بر تاب آوری کل بانک ملی دارند. بر اساس ضریب بتای استاندارد و ضریب تعیین سرمایه اجتماعی عمودی «سرمایه تزریق شده از طرف نهاد دولت و حاکمیت» بیشترین تاثیر را بر تاب آوری بانک ملی داشت ($\beta=0/799$).

فلاح (۱۳۹۸) با ارائه چارچوبی برای بازتولید سرمایه اجتماعی با استفاده از رویکرد فراترکیب به این نتیجه رسید که مقوله‌های بازتولید سرمایه اجتماعی در محیط کار در بعد شرایط علی شامل ظرفیت سازی رفتاری و هم‌افزایی هنجاری، در بعد عوامل مداخله‌گر شامل ارزش فردی و گروهی ادراک شده، در بعد عوامل زمینه‌ای شامل سازگاری سازمانی و محیطی و در بعد راهبردها شامل راهبردهای ساختاری و اجتماعی است. مطابق نتایج این تحقیق بازتولید سرمایه اجتماعی در محیط کار می‌تواند پیامدهای متنوعی از نظر فردی، سازمانی و اجتماعی ایجاد نماید.

وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران از نگاه صاحب‌نظران سیاسی و اجتماعی توسط مقتدر و همکاران (۱۴۰۰) بررسی شده است. یافته‌ها حاکی از آن بود که سه ویژگی اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردند. وضعیت نامطلوب و نامساعد سرمایه اجتماعی، کاهش و افول اعتماد اجتماعی به دلایل: بی‌اعتمادی اجتماعی، فساد ساختاری، بی‌توجهی به نهادهای مدنی در ایران قابل مشاهده است. توسعه انسانی، کاهش فساد ساختاری، مشروعیت سیاسی از راهکارهای افزایش سرمایه اجتماعی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر نویسرکان

امیری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان جریانی از سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر آن در ایران به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی در کنار سایر عوامل تولید تاثیر معناداری بر رشد اقتصادی داشته است. همچنین به منظور پیش بینی و برنامه ریزی آتی برای بهبود و افزایش سطح سرمایه اجتماعی، به سنجش مدل سرمایه اجتماعی پرداخته شده است. از بین عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی، سن و اشتغال در بخش کشاورزی، حومه نشینی، نابرابری توزیع درآمد و مهاجرت تاثیر معنادار و منفی بر سرمایه اجتماعی دارند در حالیکه، آموزش، مشارکت زنان در نیروی کار، اشتغال در بخش صنعت و خدمات، مالکیت خانه و تشکیل خانواده تاثیر مثبت و معنادار بر سرمایه اجتماعی دارند. با توجه به نتایج، پیشنهاد می‌شود که دولت ضمن پیش بینی سرمایه اجتماعی استان‌ها با توجه به عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی، برای بهبود آن در استان‌هایی با سطح پایین سرمایه اجتماعی چاره‌جویی کند.

قادرزاده (۱۴۰۰) وضعیت سرمایه اجتماعی در استان کردستان را با توجه به آسیب‌ها، راهبردها و برنامه‌های تقویت سرمایه اجتماعی بررسی کرده است. یافته‌ها نشان داد که میانگین شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. کم و کیف سرمایه اجتماعی، به ویژه در بعد سرمایه اجتماعی کلان پایین است و این مساله نشان از زوال اعتماد عمومی به اهمیت و موفقیت عملکرد نهادها در حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. نوع غالب سرمایه اجتماعی در استان کردستان، سرمایه اجتماعی خرد است و سرمایه اجتماعی میانی در سطح متوسط قرار دارد. براساس نتایج تحلیل واریانس، میانگین سرمایه اجتماعی بر حسب جنسیت، رده سنی، وضع تاهل، سواد، وضع فعالیت پاسخ‌گویان متفاوت است. در بخش پایانی پژوهش، با نظر به مختصات سرمایه اجتماعی، آسیب‌ها و مخاطرات، راهبردها، برنامه‌ها و مجریان ارتقای سرمایه اجتماعی در کردستان ارائه شده است.

سوریناچ و مورنو^{۱۲} (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی نقش دارایی‌های ناملموس سرمایه دانش، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه کارآفرینی در رشد اقتصادی منطقه‌ای در اتحادیه اروپا پرداخته‌اند. نکته مهم تأثیر این فاکتورها بر رشد اقتصادی منطقه‌ای است. آنان در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند

12. Suriñach & Moreno

که فرضیه اصلی پژوهش؛ یعنی، «دارایی‌های ناملموس نقش مهمی در توضیح رفتار بنگاه‌ها و مسیرهای رشد اقتصادی در سطح منطقه‌ای در اروپا ایفا می‌کند» تأیید می‌شود.

ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت در آشیانه‌های خالی برپایه‌ی نقش واسطه‌ای احساس انسجام توسط چانگ و همکاران (۲۰۲۳) بررسی شده است. نتایج نشان داد که نقش واسطه‌ای معنادار احساس انسجام بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت ($\beta=0/367$ ، $SE=066/0$)، با فاصله اطمینان $(7/52)$ $[0/246, 509/0]$ 95% CI درصد از کل اثر سرمایه اجتماعی بر سلامت را تبیین می‌کند. این یافته‌ها درک بهتری از چگونگی تأثیر سرمایه اجتماعی و حس انسجام بر سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت ارائه می‌دهند و می‌توانند مداخلات را برای ترویج سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت در میان آشیانه‌های خالی هدایت کنند.

پیلانو^{۱۳} و همکاران (۲۰۲۴) با تحلیل فضایی سرمایه اجتماعی و ناهمگونی جامعه در سطح ایالات متحده به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی که به عنوان منابع یا مزایای دریافتی از طریق ارتباط با دیگران تعریف می‌شود، به کارایی اقتصادی، رشد جوامع و سلامت جمعیت کمک می‌کند. تغییرات فضایی محلی سرمایه اجتماعی با متغیرهای غیرثابت از طریق یک رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی ارزیابی شد که پیشرفت‌های قابل توجهی در عملکرد مدل نسبت به مدل حداقل مربعات معمولی نشان داد. این یافته‌ها به ادبیات مرتبط با سرمایه اجتماعی با رشد اقتصادی جوامع کمک می‌کند، که برای ایجاد آینده‌ای پایدار برای شرکت‌های تجاری، جوامع و جامعه در کل ضروری است.

تأثیر سرمایه اجتماعی، کیفیت نهادی، و ثبات سیاسی بر پایداری محیطی توسط خوان^{۱۴} و همکاران (۲۰۲۳) بررسی شده است. یافته‌ها نشان داد که داده‌های گروه میانگین افزایش یافته و گروه میانگین اثر

¹³. Peluso

¹⁴. Guan

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر نویسرکان

همبسته مشترک دارد. با این حال، تحت نتایج خطی، سرمایه اجتماعی، قانون و نظم، ثبات دولت، ثبات سیاسی و درآمد سطوح انتشار کاهش می‌یابد. جالب توجه است که در شکل غیرخطی، نتایج مطالعه سرمایه اجتماعی را توصیف و قانون و نظم به کیفیت محیطی کمک می‌کند؛ در حالی که ثبات دولتی و سیاسی باعث افزایش سطح انتشار در بلندمدت می‌شود. همچنین، این مطالعه برخی مفاهیم اصلی را برای رسیدن به سطح پایداری مطلوب ارائه می‌کند.

آبان‌ه ۱۵ و همکاران (۲۰۲۴) تاثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه کسب و کار در غنا: تجربیات کسب و کارهای سطح محلی در منطقه شهری کوماسی را بررسی کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی ممکن است نقش مهمی در کمک به افراد در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و روابط گروهی خود برای دستیابی به نتایج دلخواه ایفا کند. تحلیل موضوعی همراه با تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گرفت و این مطالعه سه شکل متمایز از سرمایه اجتماعی - ساختاری، رابطه‌ای و شناختی را نشان داد که به‌طور قابل توجهی به رشد کسب و کار مشتریان آژانس که از خدمات آن استفاده می‌کردند و از کسب و کار خود از طریق شبکه‌های اجتماعی حمایت می‌کردند، کمک کرد. این مطالعه همچنین نشان داد که «گروه‌ها و شبکه‌ها»، «هنجارها، باورها و وظایف مشترک»، «اعتماد» و «اتصال» عناصر مهمی هستند که بر پایداری کسب‌وکار KMA تأثیر می‌گذارند. طبق این مطالعه، عناصر ساختاری، رابطه‌ای و شناختی سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری انسجام گروهی و روابط اجتماعی، که در حمایت از رشد شرکت‌های جدید در غنا، به‌ویژه در KMA، حیاتی هستند. این مطالعه توصیه می‌کند که تلاش برای ایجاد انعطاف‌پذیری سرمایه اجتماعی در کسب و کارهای نوپا و ایجاد یک سیستم شبکه اجتماعی توانمند از پایداری کسب و کار در سطح محلی حمایت می‌کند. نتیجه‌گیری از یافته‌ها حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی این پتانسیل را دارد که انسجام گروهی و پیوندهای اجتماعی سودمند را برای افزایش رشد کسب و کار تقویت کند.

پیش‌بینی‌کننده‌های سرمایه اجتماعی در شرکت‌های مشاوره، فنی و مهندسی کشاورزی توسط عطایی و همکاران (۲۰۲۴) بررسی شده است. بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، هشت گویه سرمایه اجتماعی

استخراج و اولویت بندی شدند. آنها شامل مشارکت اجتماعی، کنشگری اجتماعی، اعتماد اجتماعی، ارتباطات همسایگی، روابط دوستان و خانواده، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، قدردانی از زندگی و ارتباطات کاری بودند. بر اساس رتبه‌بندی این عناصر، فعالیت اجتماعی، ارتباطات کاری و روابط دوستانه و خانوادگی به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفتند. همچنین، تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام نشان داد که سه متغیر احساس امنیت شغلی، سرمایه‌گذاری و رسانه، متغیرهای مستقلی هستند که سرمایه اجتماعی مدیران عامل را تشکیل می‌دهند. برنامه‌های ارائه شده توسط رسانه‌ها باید بر ارتقای همبستگی اجتماعی مردم متمرکز باشد. این شرکت‌ها باید در فعالیت‌های اجتماعی و تشویق مشارکت و اعتماد جامعه هدف، سرمایه‌گذاری کنند. موفقیت شرکت‌های مشاوره، خدمات فنی و مهندسی کشاورزی مبتنی بر اصول تخصص، اعتماد، مشارکت و همبستگی اجتماعی است که نشان از وجود سرمایه اجتماعی در این شرکت‌ها دارد. بنابراین سرمایه اجتماعی و عوامل پیش‌بینی کننده آن بر بهره‌وری و کارایی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد.

وانگ^{۱۶} و همکاران (۲۰۲۳) با بررسی بازگشت کنندگان آفریقایی در انتقال دانش بین‌المللی از دیدگاه سرمایه اجتماعی به این نتیجه رسیدند که به طور خاص، این مطالعه بینش‌هایی را در مورد ارتباط بین سه بعد ساختار اجتماعی-یعنی روابط بازار، روابط اجتماعی و روابط سلسله‌مراتبی، روابط بازگشت کنندگان آفریقایی در ساختار اجتماعی آنها، منابع سرمایه اجتماعی ناشی از روابط اجتماعی از طریق فرصت، ارائه می‌دهد. انگیزه‌ها و توانایی، و ارزش ایجاد شده برای انتقال موفق دانش در نتیجه اثرات یکپارچه سرمایه اجتماعی بازگشت کنندگان به طور کامل مشهود است.

افشای ناهمگونی سرمایه اجتماعی در شهرهای در حال کوچک شدن از منظر زیرساخت اجتماعی توسط چنگ و همکاران (۲۰۲۳) در شواهدی از هگانگ چین به نمایش درآمد. نتایج موارد زیر را نشان

¹⁶. Wang

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

داد. (۱) ارتباط معناداری بین دسته‌ها و ویژگی‌های زیرساخت اجتماعی و ناهمگونی سرمایه اجتماعی یافت شد. سرمایه اجتماعی توسط تعداد کمی از زیرساخت‌های اجتماعی تامین می‌شد. سطح سرمایه اجتماعی در داخل جامعه به طور کلی کمتر از خارج از جامعه بود. (۲) در مقایسه با سرمایه اجتماعی پل زدنی، سرمایه اجتماعی پیوندی منبع اصلی سهام در شهرهای در حال کوچک شدن بود. طبقه متوسط بر ساختار اجتماعی تسلط داشت و سرمایه اجتماعی پیوند بیشتری را در اختیار داشت. این مطالعه شواهد مفیدی را برای تحقیقات مرتبط با نابرابری فرآیندهای انقباض و تمایز اجتماعی - فضایی ارائه می‌کند. سعید (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «تویتر و توسعه سرمایه اجتماعی: دیدگاه جنسیتی» به این نتیجه رسید که زنان توجه بیشتری را به خود جلب کردند و دارای سرمایه اجتماعی پل زدنی و جوامع نزدیک‌تری در تویتر بودند. مردان جوامع بزرگتری داشتند زیرا شبکه‌های آنها بزرگتر از زنان بود. این مطالعه بینش‌های ضروری را در مورد استفاده از حوزه دیجیتال به عنوان ابزاری برای افزایش مشارکت زنان در گفت‌وگوی عمومی و ایجاد سرمایه اجتماعی به دست اندرکاران توسعه ارائه می‌کند.

رولس - نیتو و سیگورا^{۱۷} (۲۰۱۰) در تحقیقی در مورد تفاوت‌های نسلی در ارزش‌های مادی‌گرایی و فرامادی‌گرایی در اسپانیا، نشان دادند که ارزش‌های شخصی با ارزش‌های نسلی در دو گروه میان‌سال و پیر، مشابه و در نسل جوانان متفاوت بود. همچنین جوانان ارزش‌های فرامادی‌گرایی متفاوتی داشتند. سون و وانگ^{۱۸} (۲۰۱۰) نیز در مطالعه‌ای درباره اثرات تغییر اجتماعی با ارزش‌های افراد نسل‌های مختلف در شانگهای چین، نشان دادند که نسل‌های جوان‌تر در چین از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های مدرن - در فرایند دگرگونی اجتماعی اخیر، تغییر رویکرد دادند. علاوه بر این نسل‌های جوان‌تر به ارزش‌های سکولار، فردگرایی و پیشرفت شخصی به‌عنوان مهم‌ترین هدف در زندگی، بیشتر از مشارکت در جامعه تمایل نشان می‌دهند. آن‌ها بیشتر متناسب با سبک‌های زندگی خود - بدون توجه به تصور دیگران در این باره، زندگی می‌کنند. بنابراین احتمالاً کمتر از ایدئولوژی جمعی سنتی تبعیت می‌کنند؛ به‌طور کلی این مطالعه شکاف نسلی قابل توجهی در گرایش‌های ارزشی در چین را نشان داد.

17. Rols-Nito & Sigoura

18. Son & Wang

پارکر و رابرتسون^{۱۹} (۲۰۰۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی شکاف ارزشی در حوزه‌ی نگرش به نقش‌های جنسیتی» به این نتیجه رسیدند که جوانان مذکر ۱۸ تا ۲۲ ساله در امور ارزشی بزرگسالان هم‌جنس خود مشارکت می‌کنند. البته این گرایش در میان جوانان دختر به دو بخش نقش‌های جنسی و غیرجنسی تقسیم می‌شود؛ و نشانگر شکاف نگرشی بین دختران جوان و نسل گذشته در مورد نقش‌های اجتماعی است.

استرمن و جانسون^{۲۰} (نقل از مید، ۱۹۷۰: ۱۴۶) در پژوهشی تحت عنوان «مقایسه اعتقادات و ارزش‌های مذهبی جوانان و والدینشان در رابطه با تحول نسلی» با استفاده از یک نمونه چندبعدی، در سال ۱۹۶۹-۱۹۶۸ قضایای اصلی کشمکش بین نسلی را بررسی کردند. دو بیست و بیست دانشجوی جدید دانشگاه ایالتی ایلینویز ۳۱ درصد مرد و ۶۹ درصد زن، ۷۱۱ مادر و ۱۶۸ پدر، عمدتاً از طبقه متوسط در این مطالعه شرکت داده شدند. طیف وسیعی از عقاید، ارزش‌ها و نظرات، نظیر ترس از مرگ، شعائر و مراسم مذهبی مورد سؤال قرار گرفت. داده‌ها یافته‌های قبلی را تأیید کرد ولی در مورد شکاف نسل‌ها مبالغه‌آمیز و گمراه‌کننده بود. فقط در بعضی مسائل بین جوانان و والدینشان شکاف وجود داشت. در مقایسه با نسل والدین، اطمینان نسل جوان به زندگی کمتر است، کمتر از زندگی رضایت دارند و بیشتر از مرگ می‌ترسند. بررسی پیشینه‌ی پژوهش نشان داد که در کشورها و فرهنگ‌های گوناگون، شکاف بین نسلی یک پدیده‌ی قابل بررسی است و نمودهای متنوعی را از خود نشان می‌دهد. این شکاف در حوزه‌های گوناگون ارزشی، اعتقادی، رفتاری، فکری، احساسی، و هیجانی پدیدار شده است. بروز تغییر چندجانبه از نسلی به نسلی دیگر به این صورت، می‌تواند پیامدهای گوناگون اجتماعی در پی داشته باشد. یکی از مؤلفه‌هایی که در این زمینه تحت تأثیر قرار می‌گیرد، سرمایه‌ی اجتماعی است. با توجه به نکات مطرح

19. Parks & Robertson

20. Sterman & Jonson

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

شده، این پژوهش به دنبال بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان است. تفاوتی که این پژوهش در مقایسه با سایر پژوهش‌ها دارد، این است که در کنار توجه به شکاف بین‌نسلی، به ارتباط آن با سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن پرداخته است. با توجه به نکاتی که مطرح شد، هدف‌های این پژوهش به شرح زیر است:

- شناخت تفاوت میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی در بین زنان و مردان شهر تویسرکان؛
 - شناخت چگونگی و چیستی مسایل و تنگناهای ارتباطات بین‌نسلی و ارتباط آن با شناخت بین‌نسلی بین زنان و مردان شهر تویسرکان؛
 - شناسایی تفاوت سرمایه‌ی اجتماعی در زنان و مردان شهر تویسرکان با توجه به مشارکت اجتماعی در بین زنان و مردان شهر تویسرکان؛
 - شناسایی تفاوت سرمایه‌ی اجتماعی در زنان و مردان شهر تویسرکان با توجه به اعتماد اجتماعی در بین زنان و مردان شهر تویسرکان؛
 - شناسایی تفاوت سرمایه‌ی اجتماعی در زنان و مردان شهر تویسرکان با توجه به انسجام خانوادگی در بین زنان و مردان شهر تویسرکان؛
 - شناسایی اثرگذاری شکاف نسلی بر ساختار قدرت در خانواده‌های شهر تویسرکان؛
 - شناسایی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی در زنان و مردان شهر تویسرکان؛
 - مقایسه‌ی میان‌نسلی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی در بین زنان و مردان شهر تویسرکان؛
 - مقایسه‌ی میان‌نسلی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی در بین گروه‌های سنی مختلف شهر تویسرکان؛
- فرضیه‌های مطالعه حاضر به این صورت است:
- سرمایه اجتماعی بین‌نسل‌ها در تویسرکان با هم تفاوت معنادار دارد.
 - بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و میزان سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.
 - بین سرمایه اقتصادی سه نسل از نظر میزان حضور در عرصه اجتماعی تفاوت وجود دارد.
 - بین سه نسل از نظر میزان تحرک اجتماعی و میزان دسترسی به فرصت‌های اجتماعی تفاوت وجود دارد.
 - بین سه نسل از نظر میزان آزادی‌های فردی و محدودیت‌های خانوادگی تفاوت وجود دارد.

- بین سه نسل از نظر میزان ارتباطات اجتماعی تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق

روش این پژوهش از نوع کمی و پیمایش صورت گرفته است. بدین صورت که برای بخش کمی از روش توصیفی- پیمایشی استفاده شده است. همچنین، در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و میدانی و رجوع به نمونه‌هایی از جمعیت و اطلاعات مکتوب و غیرمکتوب استفاده شد. در روش کتابخانه‌ای، برای به دست آوردن اطلاعات موردنیاز به منظور تئوری‌ها و مبانی نظری تحقیق در فصل دوم به کتابخانه‌ها، سازمان‌های مربوطه، دانشگاه‌ها و مراکز علمی مراجعه شده است. همچنین از طریق فیش‌برداری از مقالات، کتاب‌ها، و مجلات علمی معتبر مربوط به موضوع استفاده شده است. داده‌های کمی نیز با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شد.

جامعه، نمونه، و شیوه‌ی نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل زنان و مردان ۱۵ سال به بالای شهر تویسرکان (۱۰۳۷۸۶ نفر) بود که از این تعداد ۵۱۷۳۶ نفر مرد و ۵۲۰۵۰ نفر زن بودند (سرشماری سال ۱۳۹۸ وزارت کشور). با توجه به جدول مورگان و کرجسی^{۲۱}، از این تعداد ۳۹۲ نفر به‌عنوان نمونه این پژوهش معین شد. این تعداد به‌صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. تجزیه و تحلیل مدارک شامل اقدامات زیر بود: بررسی، طبقه‌بندی، تهیه جدول یا ترکیب دیگری از مدارک تا بتوان به موضوع نخستین که مورد تحقیق است پرداخت. پس از گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه علاوه بر توصیف جامعه، براساس مدل پژوهش و فرضیه‌های مربوطه، آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی

1.Morgan & Kerjsi

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

مناسب - میانگین و انحراف استاندارد، تحلیل واریانس یک‌راهه و رگرسیون، انتخاب و انجام شد. یافته‌ها در قالب جداولی تهیه و تدوین گردیده است. در این راستا از نرم‌افزار SPSS-25 استفاده شد.

ابزار پژوهش

گردآوری داده‌های پژوهش به دو روش انجام شد. در ابتدا به صورت کتاب‌خانه‌ای مدارک و اسناد موجود - کتب و مقالات - بررسی و مؤلفه‌های مورد نظر استخراج و به صورت تحلیل محتوا مقولات سرمایه‌ی اجتماعی شناسایی شد. در ادامه پرسش‌نامه‌ی پژوهش گرساخته نیز برای گردآوری داده‌ها به کار گرفته شد. این ابزار در 7 بخش جداگانه تدوین شد. روایی محتوایی این ابزار به کمک تدوین جدول مشخصات بررسی و تأیید شد. پایایی نیز با روش ضریب توافق متخصصان بررسی و تأیید شد (CVI = 0/74). بدین صورت که پس از دریافت نظر متخصصان امر درباره‌ی ضرورت، سودمندی، یا عدم ضرورت گویه‌ها درباره‌ی موضوع مورد نظر و استخراج گویه‌های مطلوب، گویه‌های نامناسب از پرسش‌نامه حذف شدند.

یافته‌ها

این پژوهش به مطالعه‌ی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی در بین زنان و مردان شهر تویسرکان پرداخته است و با استفاده از نظریه‌های دورکیم، مانهایم، اینگلهارت، مید، بوردیو، کلمن، پوتنام، فوکو، گیدنز، زیمل، مک‌لومان، و فدرستون چارچوب نظری تحقیق ساخته شد.

یافته‌های جمعیت‌شناختی

جدول 1: توزیع فراوانی و نسبی پاسخگویان براساس جنسیت

| جنسیت | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|---------|---------|-------|------------|
| زن | 247 | 63/0 | 63/0 |
| مرد | ۱۴۳ | 36/5 | 99/5 |
| بی‌جواب | ۲ | 0/5 | 100/0 |
| جمع | 392 | 100/0 | - |

DOI: [10.71854/soc.2024-1126735](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126735)

با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی جنسیت پاسخگویان، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۶۳ درصد از پاسخگویان، زنان بودند و کمترین افراد یعنی ۳۶/۵ درصد از پاسخگویان مردان بودند.

جدول ۲: توزیع فراوانی و نسبی پاسخگویان براساس گروه‌های سنی

| گروه‌های سنی | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|---------------|---------|-------|------------|
| ۱۵ تا ۲۵ ساله | ۱۳۷ | ۳۴/۹ | ۳۴/۹ |
| ۲۶ تا ۳۵ ساله | ۵۹ | ۱۵/۱ | ۵۰/۰ |
| ۳۶ تا ۴۵ ساله | ۶۶ | ۱۶/۸ | ۶۶/۸ |
| ۴۶ تا ۵۵ ساله | ۶۰ | ۱۵/۳ | ۸۲/۱ |
| ۵۶ تا ۶۵ ساله | ۴۴ | ۱۱/۲ | ۹۳/۴ |
| ۶۶ تا ۷۵ ساله | ۲۰ | ۵/۱ | ۹۸/۵ |
| ۷۶ تا ۸۵ ساله | ۴ | ۱/۰ | ۹۹/۵ |
| بی‌جواب | ۲ | ۰/۵ | ۱۰۰/۰ |
| جمع | ۳۹۲ | ۱۰۰/۰ | - |

با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی سن پاسخگویان، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۳۴/۹ درصد در گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ ساله بودند و کمترین افراد یعنی ۱ درصد در گروه سنی ۷۶ تا ۸۵ ساله بودند.

جدول ۳: توزیع فراوانی و نسبی پاسخگویان براساس وضعیت تأهل

| وضعیت تأهل | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|----------------------|---------|-------|------------|
| مجرد | ۱۱۹ | ۳۰/۴ | ۳۰/۴ |
| متاهل | ۲۴۷ | ۶۳/۰ | ۹۳/۴ |
| همسر فوت‌شده | ۱۵ | ۳/۸ | ۹۷/۲ |
| بی‌همسر به دلیل طلاق | ۱۱ | ۲/۸ | ۱۰۰/۰ |
| جمع | ۳۹۲ | ۱۰۰/۰ | - |

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی وضعیت تأهل پاسخگویان، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۶۳ درصد متأهل و کمترین افراد یعنی ۲/۸ درصد بی‌همسر به دلیل طلاق بودند.

با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی مدرک تحصیلی پاسخگویان، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۳۸ درصد دیپلم و کمترین افراد یعنی ۳/۶ درصد دکتری بوده است.

جدول ۴: توزیع فراوانی و نسبی پاسخگویان براساس تحصیلات

| تحصیلات | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|------------|---------|------|------------|
| زیر دیپلم | 3 | 7/7 | 7/7 |
| دیپلم | 14 | 38 | 45/7 |
| فوق دیپلم | 50 | 12/8 | 58/4 |
| لیسانس | 96 | 24/5 | 82/9 |
| فوق لیسانس | 35 | 13/5 | 96/4 |
| دکتری | ۱۴ | 3/6 | 100 |
| جمع | 293 | 100 | - |

جدول ۵: توزیع فراوانی و نسبی پاسخگویان براساس وضعیت اشتغال

| وضعیت اشتغال | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|--------------|---------|------|------------|
| شاغل | 117 | 8/29 | 8/29 |
| بیکار | 72 | ۴/18 | ۲/48 |
| بازنشسته | 37 | ۴/9 | 7/57 |
| در حین کار | ۲۳ | 5/9 | 5/63 |
| دانشجو | ۱۴۳ | 5/36 | 100 |
| جمع | 392 | 100 | - |

با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی وضعیت شغلی پاسخگویان، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۳۶/۵ درصد دانشجو و کمترین افراد یعنی ۵/۹ درصد در حین کار بوده‌اند.

جدول ۶: توزیع فراوانی و نسبی پاسخگویان براساس نوع شغل

| نوع شغل | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|---------------------|---------|------|------------|
| کارفرما | 15 | 8/۳ | 8/۳ |
| شغل آزاد | ۲۱۱ | 8/53 | 7/57 |
| حقوق‌بگیر بخش دولتی | 103 | ۳/26 | 9/83 |
| حقوق‌بگیر بخش خصوصی | ۱۳ | ۳/۳ | ۲/87 |

DOI: [10.71854/soc.2024-1126735](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126735)

| | | | |
|------|-----|-----|------------------|
| ۳/۸۸ | ۰/۱ | ۴ | کارمند عالی‌رتبه |
| ۳/۸۹ | ۰/۱ | ۴ | کارمند مستقل |
| ۹/۹۶ | ۷/۷ | ۳۰ | کارمند عادی |
| ۱۰۰ | ۱/۳ | ۱۲ | کارگر روزمزد |
| - | ۱۰۰ | ۳۹۲ | جمع |

با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی نوع شغل پاسخگویان، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۵۳/۸ درصد شغل آزاد و کمترین افراد یعنی ۰/۱ درصد کارمند عالی‌رتبه و مستقل بوده است.

جدول ۷: توزیع فراوانی و نسبی پاسخگویان براساس درآمد

| درآمد | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|-------------------------------------|---------|------|------------|
| زیر یک میلیون تومان | ۱۸۳ | ۴۶/۷ | ۴۶/۷ |
| بین یک میلیون تا دو میلیون تومان | ۲۳ | ۵/۹ | ۵۲/۶ |
| بین دو میلیون تا سه میلیون تومان | ۲۹ | ۷/۴ | ۵۹/۹ |
| بین سه میلیون تا چهار میلیون تومان | ۲۸ | ۷/۱ | ۶۷/۱ |
| بین چهار میلیون تا پنج میلیون تومان | ۳۷ | ۹/۴ | ۷۶/۵ |
| بیشتر از پنج میلیون تومان | ۹۲ | ۲۳/۵ | ۱۰۰ |
| جمع | ۳۹۲ | ۱۰۰ | - |

با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی درآمد پاسخگویان، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۴۶/۷ درصد زیر یک میلیون تومان و کمترین افراد یعنی ۵/۹ درصد بین یک میلیون تا دو میلیون تومان درآمد داشته‌اند.

جدول ۸: توزیع فراوانی و نسبی پاسخگویان براساس محل زندگی

| محل زندگی | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|-----------|---------|------|------------|
| بالا | ۹۶ | ۲۴/۵ | ۲۴/۵ |
| متوسط | ۲۳۷ | ۶۰/۵ | ۸۴/۹ |
| پایین | ۵۹ | ۱۵/۱ | ۱۰۰ |

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

| | | | |
|---|-----|-----|-----|
| - | 100 | 392 | جمع |
|---|-----|-----|-----|

با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی محل زندگی، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۶۰/۵ درصد در محله متوسط و کمترین افراد یعنی ۱۵/۱ درصد در محله پایین سکونت داشته‌اند.

جدول 9: توزیع فراوانی و نسبی پاسخگویان براساس میان‌نسلی

| میان‌سالی | فراوانی | درصد | درصد تجمعی |
|-----------|---------|------|------------|
| جوان | 137 | 34/9 | 34/9 |
| میان‌سال | 127 | 32/4 | 67/3 |
| مسن | 128 | 32/7 | 100/0 |
| جمع | 392 | 100 | - |

با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی میان‌نسلی، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۳۴/۹ درصد جوان و کمترین افراد یعنی ۳۲/۴ درصد میان‌سال بوده‌اند.

بررسی هدف‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این بخش با توجه به هدف‌ها و فرضیه‌های مطرح شده، داده‌های گردآوری شده تجزیه و تحلیل آماری شده است. نتایج تحلیل‌های انجام شده بر روی داده‌ها برای بررسی هدف‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش در ادامه ارائه گردید.

جدول 10: ابعاد و مؤلفه‌های استخراج شده برای سرمایه‌ی اجتماعی پاسخ‌دهندگان

| مؤلفه | کد باز / کد بسته |
|--------------------|------------------------------------|
| اعتماد | باور داشتن به دیگران |
| مشارکت | حضور اجتماعی |
| ارزش‌ها و هنجارها | باورها، مقررات، پایدها، و نیایدها |
| شبکه‌ی ارتباطی | روابط بین فردی |
| پیوندهای خانوادگی | روابط فرد با اعضای خانواده |
| وضعیت اقتصادی | درآمد، دارایی‌ها |
| همکاری با همشهریان | کمک به دیگران، همکاری با همسایه‌ها |
| میزان گرایش دینی | آیین و مناسک دینی، پایبندی به دین |
| تحرک اجتماعی | رشد بافتگی عمومی |

DOI: [10.71854/soc.2024-1126735](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126735)

در ادامه برای مقایسه‌ی بین‌نسل‌ها از نظر ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی از آزمون آماری تی مستقل استفاده شد و یافته‌های آن به صورت زیر ارائه شده است.

جدول ۱۱: مقایسه‌ی میان‌نسلی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی در بین شرکت‌کنندگان

| ابعاد | میانگین | انحراف استاندارد | T | معناداری |
|--------------------|---------|------------------|-------|----------|
| اعتماد | 12/58 | 1/14 | 0/028 | 0/001 |
| مشارکت | 11/47 | 1/26 | 0/047 | 0/001 |
| ارزش‌ها و هنجارها | 12/63 | 2/07 | 0/035 | 0/001 |
| شبکه‌ی ارتباطی | 12/52 | 1/17 | 0/018 | 0/001 |
| پیوندهای خانوادگی | 11/44 | 1/19 | 0/035 | 0/001 |
| وضعیت اقتصادی | 10/99 | 1/15 | 0/029 | 0/001 |
| همکاری با همشهریان | 11/72 | 2/09 | 0/037 | 0/001 |
| میزان گرایش دینی | 11/25 | 1/18 | 0/042 | 0/001 |
| تحرك اجتماعی | 12/85 | 1/22 | 0/046 | 0/001 |

مندرجات جدول ۱۱ مقایسه‌ی بین‌نسل‌ها را از نظر ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی نشان می‌دهد. بر این اساس مقادیر میانگین و انحراف استاندارد برای تمامی ابعاد ده‌گانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی آورده شده است. همچنین مقادیر t (از ۰/۰۱۸ تا ۰/۰۶۲) و ضرایب معناداری در این جدول ذکر شده است (۰/۰۰۱). با توجه به ضرایب معناداری به دست آمده می‌توان گفت که تفاوت بین نسل‌ها در تمامی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی از نظر آماری معنادار است ($P < 0/05$).

جدول ۱۲: مقایسه‌ی میان‌نسلی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی در بین گروه‌های سنی مختلف

| مدل | r | r ² | خطای استاندارد | Beta | t | معناداری |
|------------------|-------|----------------|----------------|-------|-------|----------|
| سرمایه‌ی اجتماعی | 0/425 | 0/181 | 0/58749 | 0/411 | 4/126 | 0/001 |

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

جدول ۱۲ مقایسه‌ی بین نسل‌ها را از نظر ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی در گروه‌های سنی مختلف نشان می‌دهد. بر این اساس مقادیر به دست آمده در تحلیل رگرسیون شامل F ، R^2 ، بتا، و t برای همه‌ی ابعاد ده‌گانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بررسی شده است. همچنین ضریب معناداری در این جدول معادل ۰/۰۰۱ است. با توجه به ضریب معناداری به دست آمده می‌توان گفت که تفاوت بین نسل‌ها در همه‌ی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی در گروه‌های سنی مورد بررسی از نظر آماری معنادار است ($P < 0/05$).

بحث و نتیجه‌گیری

مهم‌ترین ویژگی‌های شخصی، خانوادگی و نگرش نسل‌های مختلف زنان و مردان شهر تویسرکان در پژوهش به قرار زیر است: با توجه به نتایج مطالعات به دست آمده از پرسشنامه، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۶۳ درصد از پاسخگویان، زنان بودند و ۳۶/۵ درصد از پاسخگویان مردان بودند. در میان پاسخگویان بیشترین افراد یعنی ۳۴/۹ درصد در گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ ساله بودند و کمترین افراد یعنی ۱ درصد در گروه سنی ۷۶ تا ۸۵ ساله بودند. با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی وضعیت تأهل پاسخگویان، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۰/۶۳ درصد متأهل و کمترین افراد یعنی ۲/۸ درصد بی‌همسر به دلیل طلاق بودند. در میان پاسخگویان بیشترین افراد یعنی ۳۸ درصد دیپلم و کمترین افراد یعنی ۳/۶ درصد دکتری بوده است. با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی وضعیت شغلی پاسخگویان، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۳۶/۵ درصد دانشجو و کمترین افراد یعنی ۵/۹ درصد در حین کار بوده‌اند. از نظر نوع شغل پاسخگویان، باید اظهار داشت که در واقع بیشترین افراد یعنی ۵۳/۵ درصد شغل آزاد و کمترین افراد یعنی ۱ درصد کارمند عالی‌رتبه و مستقل بودند.

در مورد توزیع فراوانی درآمد پاسخگویان، باید اظهار داشت که بیشترین افراد یعنی ۴۶/۷ درصد زیر یک میلیون تومان و کمترین افراد یعنی ۵/۹ درصد بین یک میلیون تا دو میلیون تومان درآمد داشتند. از نظر محل زندگی، بیشترین افراد یعنی ۶۰/۵ درصد در محله متوسط و کمترین افراد یعنی ۱۵/۱ درصد در محله پایین سکونت داشته‌اند. با توجه به نتایج جدول توزیع فراوانی میان‌نسلی، باید اظهار داشت که بیشترین افراد یعنی ۳۴/۹ درصد جوان و کمترین افراد یعنی ۳۲/۴ درصد میان‌سال بودند. نتایج جدول

توزیع فراوانی سرمایه‌ی اجتماعی، نشان می‌دهد که بیشترین افراد یعنی ۶۶/۸ درصد معتقدند سرمایه‌ی اجتماعی متوسطی داشتند و کمترین افراد یعنی ۱۴/۸ درصد معتقدند سرمایه‌ی اجتماعی کمی داشته‌اند. مقایسه‌ی بین نسل‌ها از نظر ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی نشان داد که بین نسل‌های مورد مقایسه از نظر ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی تفاوت وجود دارد. به این معنی که میزان اعتماد، مشارکت، ارزش‌ها و هنجارها، شبکه‌ی ارتباطی، پیوندهای خانوادگی، وضعیت اقتصادی، همکاری با همشهریان، میزان گرایش دینی و تحرک اجتماعی در بین نسل‌های مورد بررسی تفاوت وجود دارد. بورديو (۲۰۱۹) مساله نسل‌ها، روابط نسلی و تضاد و تقابل میان نسل‌های مختلف را از دیدگاه کلان و در چارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی تحلیل می‌کند و به تحلیل روابط و تعارضات نسلی در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فکری - فرهنگی می‌پردازد. به اعتقاد بورديو در شرایط معاصر، شکاف نسل‌ها، شکاف افقی بوده و در عرصه‌ها و میدان‌های مختلف اجتماعی، اعم از نهادی یا غیرنهادی، رویارویی بین جوانان و افراد مسن عملاً حاکی از تعارض بین افرادی با مواضع گوناگون قدرت و ثروت است.

به نظر می‌رسد که از دیدگاه گیدنز تلقی از نسل در جوامع سنتی و مدرن متفاوت است. در جوامع سنتی، هر نسل به میزان قابل توجهی شیوه‌های زندگی گذشتگان خود را از نو کشف کرده و ضمن بازسازی و نوسازی، آن را مجدداً به شکل و شیوه‌ای جدید در دستور کار قرار می‌دهد؛ اما در عصر جدید از نو شروع کردن تا حدودی مفهوم خود را از دست داده است (گیدنز، ۱۳۹۴: ۲۰۷). یافته‌های این پژوهش با تبیین اخیر قرابت بیشتری دارد. در این راستا می‌توان چنین گفت که با توجه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی موجود در جامعه‌ی مورد بررسی و نیز سطح سواد، میزان درآمد، شغل و نوع شغل شرکت‌کنندگان در پژوهش، به نظر می‌آید که نوعی بازسازی در فرآیند شیوه‌ی زندگی در حال روی دادن است و شکاف بین‌نسلی پدیدار شده ناشی از این عامل است. از دیگر موارد مهم در این زمینه

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر نویسرکان

می‌توان به تغییرات جهانی در سبک زندگی، گسترش رسانه‌ها، تغییر در برخی ارزش‌ها، پدیدار شدن الگوهای اجتماعی و ورزشی اثرگذار اشاره کرد.

جورج ریترز معتقد است که براساس نظریه‌های تفاوت جنسیتی، جایگاه و تجربه زنان در بیشتر موقعیت‌ها با جایگاه و تجربه مردان متفاوت است. مضمون اصلی این نظریه این است که زنان از جهت ارزش‌ها، شیوه داوری‌های ارزشی، انگیزه‌ها، منافع، خلاقیت ادبی و احساس هویت، بینش و برداشت متفاوتی از مردان دارند. به عبارت دیگر، شکل کلی روابط زنان و تجربه‌های زندگی آنان داری شکل متمایزی از مردان است. این نظریه‌ها سه تفاوت جنسیتی ارائه می‌دهند که شامل زیست شناختی، نهادی و روان شناختی است. بوردیو معتقد است سرمایه‌ی اجتماعی نیز به مقدار زیادی از جنسیت تأثیر می‌پذیرد و این واقعیت را در بر می‌گیرد که زنان احتمالاً تا سطحی ترفیع داده می‌شوند که پیش از آنها زنی در آن سطح حضور داشته است. این رویکرد با "جنسی کردن" مشاغل مرتبط است ولی همچنین با اتحاد هم جنس بودن هم مرتبط است. چیزی که اصطلاحاً «سقف شیشه‌ای» تلقی می‌شود، می‌تواند دری شیشه‌ای باشد که تنها توسط خود زنان باز می‌شود، البته اگر زنان دیگری آن در را پیش از آن، باز کرده باشند. سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی همراه با هم، "خصلت جنسیتی" یا آمادگی و گرایش را که تصمیمات، رفتارها و امکانات مردان و زنان را ساخته و پرداخته می‌کند را شکل می‌دهند. این نکات نشان می‌دهد که توجه به موضوع میان‌نسلی و سرمایه‌ی اجتماعی بدون لحاظ کردن متغیر جنسیت، اقدام مطلوبی نخواهد بود. در همین راستا، لازم است که ضمن در نظر گرفتن شرایط سنی و جنسیتی افراد، ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی و ارتباط آن با شکاف بین‌نسلی نیز مورد توجه قرار گیرد.

در نهایت، لازم به ذکر است که همانطور که بوردیو باور دارد سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منافع مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده در بین افرادی است که در یک گروه اجتماعی دارند، ایجاد می‌شود. اگر سرمایه اجتماعی مجموع منابع فیزیکی یا غیرفیزیکی شامل سن، تحصیلات و درآمد باشد که در دسترس فرد یا گروهی از افراد جامعه باشد؛ پس سرمایه اقتصادی پایه است و سرمایه اجتماعی و فرهنگی ابزاری برای تحقق آن است. بوردیو معتقد است که این طبقات اجتماعی بالا هستند که سرمایه فرهنگی خاصی را در سلسله مراتب قشربندی اقتصادی به خود اختصاص داده‌اند.

DOI: [10.71854/soc.2024-1126735](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126735)

نتایج این پژوهش نشان داد، که نسل مسن نسبت به سایر نسل‌ها، سرمایه اجتماعی بیشتری دارند. با برگزاری برنامه‌ها و کلاس‌هایی برای افراد جوان و میانسال امکان افزایش میزان سرمایه اجتماعی وجود دارد. اقدام برای تسهیل‌گری کنش‌های اجتماعی و رفع تمامی موانع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای هر نوع کنشگری اجتماعی زاینده و مثبت، که از هر گونه ناامیدی و دلزدگی و از خودبیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی - که زمینه‌های تضعیف اعتماد اجتماعی را فراهم می‌کند، جلوگیری خواهد کرد.

با توجه به نتایج میانگین‌ها، مردان سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به زنان دارند. با واگذاری برخی مشاغل به زنان و فراهم کردن شرایط حضور زنان در جامعه، میزان سرمایه اجتماعی زنان افزایش خواهد یافت. همچنین با توجه به نتایج میانگین‌ها افرادی که حقوق بگیر بخش دولتی هستند سرمایه اجتماعی بیشتری دارند. با فراهم کردن شغل مناسب با درآمد کافی، میزان سرمایه اجتماعی افراد افزایش می‌یابد. نتایج نشان داد افرادی که تحصیلات بیشتری دارند، سرمایه اجتماعی بیشتری دارند. بنابراین آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها باید امکان ادامه تحصیل و حضور در اجتماع را برای تمامی افراد جامعه فراهم کنند تا از این طریق میزان سرمایه اجتماعی افراد افزایش یابد. با توجه به نتایج میانگین‌ها افرادی که مسن هستند اعتماد اجتماعی بیشتری دارند. حمایت نهادهای مدنی از افراد و گروه‌های ناتوان جامعه موجب ارتقای اعتماد متقابل در سطوح خرد و کلان جامعه خواهد بود. نتایج میانگین‌ها نشان داد که افراد مسن هستند تحرک اجتماعی بیشتری دارند. با توزیع عادلانه فرصت‌ها در بین افراد جامعه امکان بهرمندی همه افراد از امکان تحرک اجتماعی فراهم می‌شود.

منابع

ابوالحسنی، داوود؛ تدبیری، سیروس؛ و مجیدی، مریم. (1402). تبیین نقش سطوح سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری تاب‌آوری سازمانی در بانک‌های دولتی، مجله مدیریت سرمایه اجتماعی، 10(2)، 197-210. magiran.com/p2585223

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

- ادهمی، جلال. (1396). بررسی ترجیحات ارزشی بین‌نسلی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در شهر سنندج. فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، 78، 156-117.
- آزاد ارمکی، تقی. (1383). شکاف بین‌نسلی در ایران. مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، 3(4): 70-55.
- آزاد ارمکی، تقی؛ زند، مهناز؛ و خزایی، طاهره. (1385). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب، و کارکردهای حمایتی. فصلنامه علوم اجتماعی، 16، 29-5.
- اسلامی بناب، علیرزاده. (1390). بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و آتومی اجتماعی. فصلنامه‌ی مطالعات اجتماعی، 1(1): 171-145.
- امیری، حسین؛ نجفی نژاد، محمود؛ موسوی، سیده محدثه؛ و حسینی، محمدحسین. (1400). جریانی از سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در ایران، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، 12(43): 89-124. magiran.com/p2284067
- امیری، هادی؛ و رضایپور، زهره. (1390). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر ورود بنگاه‌ها به بازرگانی خارجی. فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی کاربردی، 26(1): 184-171.
- ایمان، محمدتقی؛ و سروش، مریم. (1392). مقایسه‌ی بین‌نسلی سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دسترس زنان در شیراز. زن در توسعه و سیاست پژوهش زنان، 11(4): 530-509.
- اینگلهارت، رونالد. (1373). تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته‌ی صنعتی. ترجمه‌ی مریم وتر. تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد؛ و آبرامسون، پل، آر. (1378). امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی. ترجمه‌ی شهناز شفیع‌خانی. نامه پژوهش، 14 و 15.
- بوردیو، پیر. (1380). «نظریه‌ی کنش». ترجمه‌ی مرتضی مردی‌ها. تهران: نقش و نگار.
- بیکر، ترزال. (1377). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- توکل، محمد، قاضی‌نژاد، مریم. (1385). شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناسی، بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو. فصلنامه علوم اجتماعی، 27.
- چیت‌ساز قمی، محمدجواد. (1386). بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی جوانان و مناسبات نسلی. پژوهش جوانان، فرهنگ، و جامعه، 1، 112-85.
- حقیقتیان، منصور؛ و غفاری، عباس. (1395). بررسی علل شکاف نسل‌ها در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر لامرد. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. 4(8): 189-173.
- رحیمی، محمد؛ آشفته تهرانی، امیر؛ و حضرتی صومعه، زهرا. (1390). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین‌نسلی مطالعه موردی شهر خلخال در سال 1390. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، 1(3): 98-79.

DOI: [10.71854/soc.2024-1126735](https://doi.org/10.71854/soc.2024-1126735)

- زارع شاه‌آبادی، اکبر. (1395). مطالعه‌ی بین‌نسلی سبک زندگی دختران و مادران شهر یزد. فصلنامه‌ی مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، 14(3): 7.
- فلاح، محمدرضا. (1398). ارائه چارچوبی برای بازتولید سرمایه اجتماعی با استفاده از رویکرد فراترکیب، فصلنامه مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، 28(93)، 161-203. magiran.com/p2056351
- قادرزاده، امید. (1401). وضعیت سرمایه اجتماعی در استان کردستان؛ آسیب‌ها، راهبردها و برنامه‌های تقویت سرمایه اجتماعی، نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، 10(19)، 9-41. magiran.com/p2408588
- قلیچ‌لی، بهروز؛ و مشبکی، اصغر. (1385). نقش سرمایه‌ی اجتماعی در ایجاد سرمایه فکری سازمان مطالعه دو شرکت خودروساز ایرانی، فصلنامه دانش مدیریت، 19(75): 147-125.
- کلمن، جیمز. (1386). بنیادهای نظریه‌ی اجتماعی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نی.
- لاور، رابرت. اچ. (1373). دیدگاه‌های درباره دگرگونی اجتماعی. ترجمه کاووس سید امامی، تهران: مرکز نشر دانشگاه.
- مقتدر، یونس؛ کتابی، محمود؛ و گلشنی، علیرضا. (1400). وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران از نگاه صاحب‌نظران سیاسی و اجتماعی، نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، 4(4)، 424-446. magiran.com/p2582654
- مهرگان، نادر؛ و دلیری، حسن. (1394). بررسی ارتباط میان سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه انسانی در استان‌های ایران، پژوهش‌های اقتصادی رشد و توسعه پایدار، 15(2): 136-117.

Abane, J. A., Adamtey, R., & Kpeglo, R. (2024). The impact of social capital on business development in Ghana: Experiences of local-level businesses in the Kumasi Metropolitan Area. *Social Sciences & Humanities Open*, 9, 100775.

Ataei, P., Dastenaeei, A. M., Izadi, N., Karimi, H., & Menatizadeh, M. (2023). The predictors of social capital in agricultural consultation, technical, and engineering service companies. *Heliyon*.

Bourdieu, P. (2019). *Distinction: A social critique of the judgment of taste*. In *Social Stratification, Class, Race, and Gender in Sociological Perspective*, Second Edition (pp. 499-525). Routledge.

Chang, H., Wang, X., & Wang, Z. (2023). Association between social capital and health-promoting lifestyle among empty nesters: The mediating role of sense of coherence. *Geriatric Nursing*, 53, 96-101.

Cheng, Q., Sha, S., & Cheng, W. (2023). Revealing the heterogeneity of social capital in shrinking cities from a social infrastructure perspective: Evidence from Hegang, China. *Applied Geography*, 159, 103087.

بررسی میان‌نسلی سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان و مردان شهر تویسرکان

- Guan, L., Ali, Z., & Fakhriddinovch Uktamov, Kh. (2024). Exploring the impact of social capital, institutional quality and political stability on environmental sustainability: New insights from NARDL-PMG. *Heliyon*, Available online 14 January 2024, e24650.
- Kumar, K. 2017. The blended family life cycle. *Journal of Divorce & Remarriage*, 582, 110-125.
- Mead, M. (1970). *Culture and Commitment: A Study of the Generation Gap*. New York: Basic Books.
- Parks, J. B., & Robertson, M. A. (2008). Generation gaps in attitudes toward sexist/nonsexist language. *Journal of Language and Social Psychology*, 27(3), 276-283.
- Peluso, A., Tuccillo, J., Sparks, K., Kapadia, A., & Hanson, H. A. (2024). Spatial analysis of social capital and community heterogeneity at the United States county level. *Applied Geography*, 162, 103168.
- Saeed, R. (2023). Twitter and Development of Social Capital: A Gender Perspective. *Telematics and Informatics Reports*, 9, 100037.
- Suriñach, J., & Moreno, R. (2011). The role of intangible assets in the regional economic growth. *Investigations Regionals-Journal of Regional Research*, (20), 165-193.
- Wang, M., Wei, Y., Azumah, G., & Wang, C. L. (2023). African returnees in international knowledge transfer: a social capital perspective. *Journal of International Management*, 101118.

Contents

Analyzing the model of perceived justice of human resources with the approach of organizational cultures in the government organizations of Tehran metropolis **1**

Gholamreza Ghanimati, Zahra Alipour Darvishi, Hamidreza Yazdani, Nader Sheikh Al-Islami*

investigating the impact of self-coherence, emotional self-regulation and psychological well-being mindfulness with the role of psychological capitals **29**

Fataneh Mahmoudi, Maryam Zarnaghash, Nadereh Sohrabi, Majid Barzegar*

A study on the reasons for the stability of married life of couples with and without children in some districts of Mashhad **52**

*Bitra Bagherifam, Ahmad Sadeghi**

A study of socio-cultural factors affecting suicide attempts in Ilam province **77**

Taha Ashayeri, Rostam Menti, Elham Hossein Zadeh Husnaroud, Mohammad Nouri*

Relationship Between Interactive Discourse and the Style of Youth Religious and Social Identity **101**

*Bahman Gorjian**

An Intergenerational Study of Social Capital and Its Dimensions among Men and Women in Tuyserkhan **122**

Enayat Souri, Omid Ali Ahmadi, Seyed Hossein Jamali, Mohammad Hossein Asadi*

Analyzing the model of perceived justice of human resources with the approach of organizational cultures in the government organizations of Tehran metropolis

Gholamreza Ghanimati

Ph.D Candidate of Public Administration, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zahra Alipour Darvishi¹

Associate Professor, Department of Business Administration, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Hamidreza Yazdani

Associate Professor, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

Nader Sheikh Al-Islami

Associate Professor Department of Public Administration, Faculty of Management, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

This research was conducted to analyze the dimensions of the perceived justice model of human resources in the organization with the approach of organizational cultures in the government organizations of the Tehran metropolis. The method is grounded theory. Three hundred thirteen articles were analyzed, 90 of which were Persian (from 1398 to 1401), and the rest were written in English (from 2018 to 2022). Interviews were semi-structured. The population was the relevant managers and assistants in government organizations in the Tehran metropolis, and 20 of them took part in this research. The results identified eight selective codes, 16 central codes, and 285 open codes. The main indexes included market organizational culture, developmental organizational culture, hierarchical organizational culture, tribal organizational culture, distributive justice, procedural justice, transactional justice, and informational justice. In the second round, we sent a questionnaire to 20 experts to determine the intensity of the effect of each component. In this research, the agreement level of each component and sub-component in the proposed model is determined using Kendall's coefficient of agreement test. The research findings indicate that the dimensions of the perceived justice model include (distributive justice, procedural justice, transactional justice, and informational justice), organizational cultures (market organizational culture, developmental, organizational culture, hierarchical organizational culture; it was a tribal organizational culture).

Keywords: cultures, organizational culture, perceived justice, human resources

¹ Corresponding Author: z_alipour@iau-tnb.ac.ir

investigating the impact of self-coherence, emotional self-regulation and psychological well-being mindfulness with the role of psychological capitals

Fataneh Mahmoudi¹

Ph.D. Candidate of psychology, Marovdasht Branch, Islamic Azad University, Marovdasht, Iran

Maryam Zarnaghash

Assistant Professor of Psychology, Marodasht Branch, Islamic Azad University, Marovdasht, Iran

Nadereh Sohrabi

Associate Professor of Psychology, Marovdasht Branch, Islamic Azad University, Marovdasht, Iran

Majid Barzegar

Assistant Professor of Psychology, Marovdasht Branch, Islamic Azad University, Maroodasht, Iran

Abstract

The current research was designed and implemented to evaluate the psychological well-being model based on emotional self-regulation, mindfulness, and self-coherence with the role of psychological capital. This research is a survey. The data is collected through a questionnaire. Due to the investigation of the relationship between variables, this type of research is of the correlation type. The population of this study includes all the female guardians of Shiraz city, which was 384 people, which was spread among the statistical sample by a simple random method. We use the structural equation method to analyze the data using SPSS and AMOS software. The results showed that psychological capital can mediate the relationship between self-coherence, emotional self-regulation, and mindfulness with psychological well-being. The significance level of self-coherence, emotional self-regulation, and mindfulness variables is close to zero and less than the significance level of $\alpha=0.05$ ($p<0.05$). As a result, statistically, there is a significant relationship between these variables and the psychological well-being of women heads of households. In proving a positive relationship between them, by increasing one unit of self-coherence, emotional self-regulation, and mindfulness, psychological well-being will increase by 12.5%, 21.9%, and 32.5%, respectively. Found. Also, by increasing one unit of self-coherence, emotional self-regulation, and mindfulness due to the mediating role of psychological capital, the amount of psychological well-being indirectly increases by 4.3%, 4.8%, and 7.7%, respectively. The percentage will increase.

Keywords: self-coherence, emotional self-regulation, and mindfulness, psychological well-being, psychological capitals

¹ Corresponding Author: aminahmad8388@gmail.com

A study on the reasons for the stability of married life of couples with and without children in some districts of Mashhad

Bita Bagherifam

PhD. Candidate, Department of Social Sciences, Qouchan Branch, Islamic Azad University,
Qouchan, Iran

Ahmad sadeghi¹

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Qouchan Branch, Islamic Azad
University, Qouchan, Iran

Abstract

The present study compares the reasons for cohabitation in couples with and without children with ten years of cohabitation. The sample size of the research includes 38 people (15 men and 18 women), which was done based on the targeted sampling method among couples with children and without children who have been married for more than ten years in some areas of Mashhad, despite the lack of satisfaction with married life, they have been stable in their marriage. The method of collecting information is the interview. The thematic analysis method was used with the help of MAXQDA software to analyze information and data. The results showed that managerial, economic factors, responsibility, collective pressures, communication skills, and marital quality are the reasons for the stability of life in couples with and without children, and having children has led to the mention of different reasons for the continuity and stability of the joint life. It means that the couples mentioned different sub-components in the subset of the main reasons for the stability of their life together.

Key words: Married life, Couples, Child, Comparative analysis, Sustainability of marriage

¹ . Corresponding Author: asadeghi1528@gmail.com

A study of socio-cultural factors affecting suicide attempts in Ilam province

Taha Ashayeri¹

Faculty Member of University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Rostam Menti

Faculty Member, Department of Medical Pathology Ilam Medical University, Ilam, Iran

Elham Hossein Zadeh Husnaroud

Ph.D. Candidate in Political Sociology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

Mohammad Nouri

Ph.D. Candidate in Political Sociology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

Abstract

Suicide is the concept of ending human life, from everyday life and the universe, and stepping into another world. The reason for this is very complex and requires sociological analysis, and the rate and statistics of suicide attempts are very high in Ilam; the purpose of the research is to study the factors that are culturally effective on suicide tendency in Ilam province (Ilam city). The research method is a survey. The data-gathering technique is a researcher-made questionnaire. A sample with a size of 515 answered the questionnaire. The results show the reduction of social belonging (0.156), the pressure of traditional norms (0.234), revenge from the family (0.125), feelings of job insecurity (0.281), and failure. Socio-economic (0.123) has a significant relationship with suicide attempts. The results show that revenge from the family (pressure on the family) with a beta of 0.200, socio-economic failure with a beta of 0.177, a sense of job insecurity with a beta of 0.156, a decrease in social belonging with a beta of 0.115, and the pressure of traditional norms with a beta of 0.100 are the percentage of changes in suicide attempts. Moreover, (general index), they were able to predict 0.174% of the suicide attempt situation. We can conclude that improving the home business environment, job entrepreneurship, strengthening the family system through sustainable employment creation, strengthening the values of the family system cre, creating an intimacy-oriented atmosphere, and promoting the social vitality of the province are considered to be some of the most suitable mechanisms to reduce suicide.

Keywords: socio-economic failure, family revenge, pressure of traditional norms, social belonging, suicide attempt

¹ Corresponding Author: t.ashayeri@uma.ac.ir

**Relationship Between Interactive Discourse and the Style of Youth Religious
and Social Identity**

Bahman Gorjian¹

*Associate professor, Department of Linguistics, Abadan Branch, Islamic Azad
University, Abadan, Iran*

Abstract

Language is vital in exchanging information and representing individuals' facts, beliefs, and ideological systems. This study investigates the linguistic performance and decoding structural patterns in shaping Persian native speakers' interpersonal and intrapersonal relations of power and identity. The study subjects were 150 male and female Ahvaz Payame Noor University students who participated in cultural and political associations. Pearson Product Moment correlation coefficient and Multi-Variable Regression were employed to analyze data. In the present study, different authentic samples of conversations were gathered from the Persian native speakers to explore the effect of verbal communication and religious beliefs on social identity. Data analysis of the correlation between linguistic and ideological aspects and the structures of identity and thought revealed that language is an instrument for maintaining identity and beliefs and a symbol for gaining political and social powers within community groups. If a person has had decent and reliable parents and people in his childhood who have met his emotional needs well and has experienced a sense of security and self-confidence, and at the same time, religious and moral foundations have been correctly and with If practical patterns rely on individual, he/she can overcome identity challenges.

Keywords: Discourse, Identity, Social identity, Youth

¹ Corresponding author: bahman.gorjian@iau.ac.ir

An Intergenerational Study of Social Capital and Its Dimensions among Men and Women in Tuyserkan

Enayat Souri

PhD Candidate, Department of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran

Omid Ali Ahmadi¹

Assistant Professor of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran

Seyed Hossein Jamali

Assistant Professor of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran

Mohammad Hossein Asadi

Assistant Professor of Sociology, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran

Abstract

Differences between age groups are a critical issue that can be the source of various cultural and social phenomena and issues. This research investigated intergenerational social capital and its dimensions among men and women in Tuyserkan city. The research method was a survey, and the data collection tool was a researcher-made questionnaire. The statistical population included men and women over 15 years of age in Tuyserkan City in 2019, of which 392 arrived into samples by cluster sampling. ANOVA, Independent T-test, and Path Analysis were used in SPSS-25 software to analyze data. The results showed a difference between generations in terms of social capital, and the older generation has higher social capital than younger ones; there is a difference between women and men, and men have more social capital than women. There is a difference between age groups regarding social capital; the age group of 66 to 75 years has a higher tendency to have social capital. Also, there is a relationship between income and social capital ($P < 0.05$). In short, we can say that there is a relationship between intergenerational variables, gender, age groups, income, type of job, marital status, level of education, place of residence, age of marriage, presence in society, and social capital; There is a difference between men and women as well as between different generations in terms of the variables of the age of marriage, presence in society, economic capital, individual and social freedoms, social trust, and social mobility.

Keywords: Intergenerational, Social Capital, Tuyserkan, Social Mobility

¹ Corresponding Author: omidaliahmadi@gmail.com

Journal of Sociological Researches

2024 (Spring), Vol. 18, No.1

License: Islamic Azad University, Garmsar Branch

Director: Dr. Soheila Alirezanejad

Chief Editor: Dr. Seyed Mohammad Sadegh Mahdavi

Executive Director: Dr. Soroush Fathi

Editorial Board:

Dr. Bagher Saroukhani, Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Dr. Ali Akbar Farhangi, Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Dr. Mehrdad Navabakhsh, Professor, Islamic Azad University science & Research Branch, Tehran, Iran

Dr. Seyed Mohammad Sadegh Mahdavi, Professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Dr. Khadijeh Safiri, Professor, Alzahra University, Tehran, Iran

Dr. Mansour Vosoughi, Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Dr. Ali Reza Mohseni Tabrizi, Professor, Tehran University, Tehran, Iran

Dr. Tahereh Mirsardoo, Associate Professor, Islamic Azad University Garmsar Branch, Garmsar, Semnan, Iran

Dr. Soheila Alirezanejad, Associate Professor, Islamic Azad University Garmsar Branch, Garmsar, Semnan, Iran

Dr. Soroush Fathi, Associate Professor, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran, Iran

ISSN: 1735-5516

This Magazine will be published in according to the 16th examination and approval commission of scientific magazines of Islamic Azad University, with the authority No 87/162342 dated 2004

Published by: Islamic Azad University, Garmsar Branch

Address: P.O. Box 35818/144 Garmar, Semnan, Iran, Tel: 0098232-4225009-12

***Journal of Sociological
Researches***

Islamic Azad University, Garmsar Branch

2024 (Spring), Vol. 18, No.1